

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی

پژوهش در ورزش تربیتی

سال دهم، شماره بیست و هشتم

بهار ۱۴۰۱

شماره استاندارد بین المللی: ۲۷۲۱-۲۵۳۸

این نشریه بر اساس گواهی کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی
در مرکز استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه‌سازی گردیده است.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

فصلنامه علمی

پژوهش در ورزش تربیتی

- مدیرمسئول: علی شریف‌نژاد
- سردبیر: رضا اندام
- دبیر تخصصی: محمدحسین قربانی
- مدیر داخلی: سمیرا غلامیان
- ویراستار: نرگس صراف
- صفحه آرا: محبوبه ایران‌پاک
- هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)
 - ✓ رضا اندام (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه صنعتی شاهرود)
 - ✓ سید نصرالله سجادی (استاد دانشگاه تهران)
 - ✓ محمد جوادی‌پور (دانشیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تهران)
 - ✓ مهرزاد حمیدی (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران)
 - ✓ محمدحسین رضوی (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه مازندران)
 - ✓ محمد مهدی رحمتی (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان)
 - ✓ مهدی طالب‌پور (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد)
 - ✓ ابوالفضل فراهانی (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه پیام نور)
 - ✓ مهرداد محرم‌زاده (استاد دانشگاه محقق اردبیلی)
 - ✓ مهرعلی همتی‌نژاد (استاد دانشگاه گیلان)
 - ✓ حبیب هنری (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی)
- صاحب امتیاز: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- چاپخانه: کیامرثی
- شماره استاندارد بین‌المللی: 2538-2721
- شماره پیاپی: ۲۶- بهار ۱۴۰۱
- نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱
- تلفن: ۸۸۷۵۰۸۸۴ دورنگار: ۸۸۷۵۰۸۸۴
- نشانی پست الکترونیک: res@ssrc.ac.ir
- نشانی سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی: Journals.ssrc.ac.ir

اسامی مشاوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفباء)

دکتر محسن اسمعیلی (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)

دکتر علی اکبر آقایی (دکتری مدیریت ورزشی)

دکتر رضا اندام (دانشیار دانشگاه صنعتی شاهرود)

دکتر هادی باقری (استادیار دانشگاه صنعتی شاهرود)

دکتر مهدی بشیری (استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)

دکتر سعید تابش (استادیار دانشگاه مازندران)

دکتر زهرا تسلیمی (دکتری مدیریت ورزشی)

دکتر محمد پورکیانی (استادیار دانشگاه شهید بهشتی)

دکتر مجتبی رجبی (استادیار دانشگاه صنعتی شاهرود)

دکتر حسین زارعیان (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)

دکتر مهدی شریعتی (استادیار دانشگاه فنی حرفه ای تهران)

دکتر علی صابری (استادیار دانشگاه تهران)

دکتر حمیدرضا صفری جعفرلو (استادیار دانشگاه جهرم)

دکتر حسین عیدی (استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه)

دکتر جواد غلامیان (استادیار دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر محمدحسین قربانی (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)

دکتر احسان محمدی ترکمانی (استادیار دانشگاه تهران)

دکتر محسن وحدانی (دکترای مدیریت ورزشی)

اصول نگارش و ارسال مقاله برای نشریه علمی پژوهش در ورزش تربیتی

مجله علمی پژوهش در ورزش تربیتی اولویت ارزیابی، داوری و انتشار را به مقالاتی اختصاص خواهد داد که از قرابت موضوعی و مفهومی بیشتری با حوزه تخصصی مزبور برخوردار باشند.

حیطه های پذیرش مقاله:

- نظام های تعلیم و تربیت در ورزش
- آموزش و یادگیری تربیت بدنی و علوم ورزشی
- مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، تکنولوژی و کیفیت خدمات آموزشی در تربیت بدنی و علوم ورزشی
- آینده پژوهی و مطالعات راهبردی در ورزش تربیتی
- مطالعات مبانی اسلامی در ورزش تربیتی
- فلسفه و تاریخ تربیت بدنی و علوم ورزشی
- جامعه شناسی و روانشناسی تعلیم و تربیت در حوزه ورزش
- مدیریت دانش و سرمایه های اجتماعی در ورزش
- مطالعات فرهنگی در محیط های ورزشی
- سواد حرکتی و ورزشی
- مطالعات حقوق و اخلاق در ورزش
- سبک زندگی و غنی سازی اوقات فراغت جامعه از طریق ورزش
- ورزش همگانی و ترویج آن در جامعه

اصول کلی

- مقاله ارسالی باید اصیل باشد.
- مقاله های ترجمه شده، تحلیلی، موردی و تک بررسی، برای چاپ در این مجله اولویت ندارند.
- مقاله مروری از اشخاص مجرب، که حداقل ۲۰ مقاله در موضوعات مرتبط در نشریات داخلی یا خارجی چاپ کرده باشند، پذیرفته می شود و باید شامل عنوان، چکیده فارسی و انگلیسی، کلیات و تاریخچه ای در مورد موضوع، هدف از انجام پژوهش، مطالب علمی و مطالعات انجام شده درباره موضوع، تجزیه و تحلیل و بحث در رابطه با پژوهش های ارائه شده و نتیجه گیری باشد. نتیجه گیری باید شامل جمع بندی و نتیجه کلی باشد. همچنین پیشنهادهای سازنده برای آینده بیان شود. علاوه بر آن، پژوهش باید دربردارنده گزارش موارد نادر و جالب، شرح حال مربوط به مراجع، بحث درباره گزارش تهیه شده، بدون نیاز به مروری بر مقالات و کارهای انجام شده قبلی، نکات مهم و مورد توجه و بیان آموخته های قبلی پژوهشگر به تناسب موضوع باشد.
- نویسندگان مقالات موظف به رعایت استانداردهای علمی و اخلاقی در نگارش مقالات خود می باشند.

شیوه نامه ارسال مقالات

مقالات باید از طریق سامانه نشریه پژوهش در ورزش تربیتی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی www.journals.ssric.ac.ir به صورتی که شرح داده شده است، ارسال شود.

تمامی مقالاتی که به صورت الکترونیکی در سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی ثبت گردند در ابتدا توسط سردبیر نشریه بررسی و در صورت دارا بودن ملاک های لازم برای انجام بررسی های تخصصی بیشتر وارد فرایند داوری می شوند. این مقالات، بدون نام نویسندگان توسط حداقل ۲ داور که از سوی سردبیر و هیات تحریریه انتخاب می شوند ارزیابی خواهند شد و نویسنده مسئول از پذیرش، رد یا نیاز به اعمال اصلاحات درخواستی از سوی داوران در اسرع وقت مطلع خواهد شد. چنانچه مقاله کاملاً مطابق موارد ذکر شده در این راهنما بوده و پذیرش کامل داوران را نیز اخذ نماید، در نوبت چاپ قرار خواهد گرفت. استفاده از مندرجات مجله با ذکر کامل مأخذ آزاد است.

نحوه تنظیم مقالات

- مطالب مقاله به صورت یک ستونی با رعایت حاشیه لازم (حداقل ۲ سانتی متر از هر طرف) با قلم B-Nazanin 12 برای متون فارسی و قلم Times New Roman 13 برای متون انگلیسی تایپ شوند.

- تعداد صفحات مقاله نباید از ۱۵ صفحه (تمامی بخش ها شامل صفحه اول، چکیده، متن اصلی، فهرست منابع و جداول) تجاوز کند.

- مقاله باید ضمن رعایت قواعد دستوری، به فارسی سلیس و روان نوشته شده باشد و تا حد امکان از کاربرد اصطلاحات بیگانه که معادل مناسب فارسی دارند، پرهیز گردد. در صورتی که واژه جایگزین فارسی مصطلح یا مناسب نباشد، می توان با حروف فارسی از آوانویسی استفاده و اصل واژه انگلیسی در زیرنویس نگاشته شود. همچنین مولف باید معادل انگلیسی نام های خارجی و اصطلاحات مورد استفاده را در پایین صفحه زیر نویس نماید. شماره زیرنویس ها در هر صفحه از شماره یک شروع شود.

واژه ها و یا عباراتی که بصورت علائم اختصاری بکار برده می شوند نیز در اولین استفاده، نام کامل آنها ذکر گردد. البته در خصوص واژه های اختصاری و مخفف و نمادها لازم به ذکر است که فقط موارد استاندارد آنها قابل استفاده می باشد و به هیچ وجه در عنوان و چکیده ها نباید مورد استفاده قرار گیرند. تمامی متن اصلی مقاله می بایست دارای شماره صفحه (در پایین و مرکز صفحه) باشد.

- **فایل مشخصات نویسندگان:** شامل عنوان مقاله (عنوان مقاله، با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات، نباید از ۶۰ حرف تجاوز کند)، نام و نام خانوادگی نویسندگان همراه با درجه علمی و محل اشتغال آنها به دو زبان فارسی و انگلیسی، و در صورت وجود مؤسسه ناظر، حامیان مالی و محل انجام پژوهش باشد. هنگامی که مولف محل کار یا وابستگی ندارد، باید رتبه تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل خود را در زیر نام و نام خانوادگی خود بنویسد. نشانی، تلفن و پست الکترونیک نویسنده مسئول (همراه با ذکر نام نویسنده مسئول) به صورت مشخص باید ذکر گردد. تمامی مکاتبات نشریه تنها با نویسنده مسئول انجام خواهد شد.

- **صفحه اول فایل اصلی:** عنوان فارسی مقاله، چکیده فارسی و کلید واژگان به ترتیب ذکر می‌گردند. چکیده مقاله در یک پاراگراف، حداکثر ۲۵۰ کلمه و در متن آن هدف، روش‌ها، یافته‌ها و نتیجه‌گیری ذکر شده باشد (نیازی نیست تا در متن چکیده این چهار بخش تفکیک شده و عنوان هر بخش ذکر گردد). در متن چکیده از فعل‌های معلوم استفاده شود. برای توصیف آنچه انجام شده از فعل گذشته و برای نتیجه‌گیری از فعل زمان حال استفاده گردد. از ذکر مقدار سطح معنی‌داری، آر و منابع استفاده‌شده برای آزمون یا پرسش‌نامه و استفاده از کلمات، حروف و علائم اختصاری انگلیسی در چکیده کوتاه اجتناب شود. کلید واژگان نیز بین ۳-۵ کلمه بوده و با کاما از یکدیگر جدا شوند.

- **صفحه دوم:** شامل عنوان انگلیسی مقاله، چکیده انگلیسی و کلید واژگان مرتبط می‌باشد. شایسته است چکیده انگلیسی و کلید واژگان دقیقاً با چکیده و کلید واژگان فارسی مطابقت نماید.

اصل مقاله باید شامل موارد زیر باشد:

- متن اصلی مقاله به ترتیب شامل ۶ بخش مقدمه، روش‌شناسی، نتایج، بحث و نتیجه‌گیری، تشکر و قدردانی و منابع می‌باشد. کلیه بخش‌های فوق به صورت مجزا و با همین عناوین باید بیان شوند. در مقابل این عناوین از قرار دادن علامت " " پرهیز گردد.

- **مقدمه:** مقدمه باید توضیح دهد که مساله چیست؟ چگونه با کارهای قبلی مرتبط است و چه تفاوتی با آنها دارد؟ این بخش در دو تا سه صفحه به گزارش بیان مسئله با مروری بر مطالعات گذشته، چالش‌های موجود در این مسئله، ضرورت، کاربرد نتایج و اهداف تحقیق می‌پردازد. در نوشتن مقدمه از نوشتن مطالب عمومی، غیر ضروری و غیر مفید خودداری کنید. همچنین مقدمه نباید به گونه‌ای نوشته شود که فقط برای افراد حرفه‌ای قابل استفاده باشد.

- **روش‌شناسی:** روش‌شناسی به نحوی باید نوشته شود که هر خواننده‌ای بتواند با آن، تجربه نویسنده مقاله را تکرار کند. در این بخش جزئیات روش تحقیق و علت انتخاب آن، مدت زمان اجرای طرح و پی‌گیری، زمان و مکان اجرای تحقیق، نمونه‌های مورد آزمون و ملاک انتخاب آنها، روش نمونه‌گیری و منطق تعداد نمونه، نحوه جمع‌آوری اطلاعات، رعایت موازین اخلاق در پژوهش، ابزارهای اندازه‌گیری (روایی و پایایی وسایل و ابزارها در خارج و داخل کشور) آزمون‌های آماری مورد استفاده می‌بایست گزارش شود.

- **نتایج:** نتایج شامل شرح کامل یافته‌های پژوهش می‌باشد. نتایج تحقیق با توجه به اصول علمی به صورت کاملاً شفاف و روشن می‌بایست ارائه گردند. ارائه نتایج دقیق شامل گزارش عدد با درصد، گزارش میانگین با حدود اطمینان، ذکر دقیق مقادیر آماره آزمون‌ها بالاخص مقدار دقیق سطح معناداری به عنوان مثال ($P=12/0$) در آزمون‌های آمار استنباطی ضروری می‌باشد. مولفین لازم است، تنها به گزارش مهم‌ترین یافته‌های به دست آمده اکتفا کنند. همچنین استفاده مناسب از جدول و نمودارهای فارسی با حداقل تعداد ممکن به صورت سیاه و سفید و دو بعدی موجب سهولت مطالعه مقاله خواهد شد. کلیه شکل‌ها، نمودارها و تصاویر با واژه "شکل" نام‌گذاری شده و عنوان شکل در زیر آن درج شود. عناوین جداول نیز در بالای آنها قرار داده می‌شود. برای درج عنوان هر شکل یا جدول پس از کلمه شکل یا جدول و شماره آن، خط تیره و سپس عنوان ذکر گردد. عکس‌ها باید به وضوح و کیفیت بالا تهیه شوند و نویسندگان محترم می‌بایست از قرار دادن تصویر شکل‌ها

خودداری نموده و تنها از فایل های اصلی برگرفته از نرم افزارهای مربوطه استفاده کنند. بهتر است برای متمایز کردن ستون نمودارها به جای استفاده از رنگ های مختلف از هاشور به شیوه های مختلف استفاده کرد. با توجه به محدودیت صفحات مجله، بدیهی است از تکرار مطالبی که در متن آورده شده اند در جداول و بالعکس اجتناب نمود. نکته مهم دیگر این که جداول و نمودارهای مورد نیاز می بایست مطابق ضوابط و الگوهای ای. پی. ای ارائه گردند. استفاده از جدول وقتی مجاز است که نتوان اطلاعات به دست آمده (نتیجه) را به راحتی در متن آورد. عنوان جدول باید گویا باشد به نحوی که نیاز نباشد به متن مراجعه شود. اعداد جدول حتی الامکان بدون اعشار و در صورت لزوم تا دو رقم اعشار داشته باشد. اختصارات و علائم متن جدول را می توان با زیر نویس روشن کرد. در جدول فقط از خطوط افقی (ترجیحا" سه خط) آن هم برای مشخص کردن تیتیر و انتهای جدول استفاده شود. اعداد و ارقام و مطالب جدول نباید در متن مقاله تکرار شده باشد. ابعاد جداول باید طوری تنظیم شوند که در یک صفحه مجله (طولی یا عرضی) جا بگیرد.

-بحث و نتیجه گیری: شرح نکات مهم یافته ها، آثار و اهمیت و محدودیت آن ها، مقایسه نتایج تحقیق با یافته های حاصل از مطالعات دیگر، توجیه و تفسیر موارد مشترک و مورد اختلاف، بیان کاربرد احتمالی یافته ها، و در نهایت نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات حاصل از یافته های پژوهش از موارد مورد بحث در این بخش مقاله است. در این بخش از تکرار بخش یافته ها خودداری گردد و نباید نتایج جدید که در قسمت یافته ها به آن اشاره نشده است، عرضه شود. از اظهار نظر در مواردی که یافته های مطالعه آن را مطرح نمی کنند نیز باید خودداری شود.

نکته: در انتهای مقاله دو پاراگراف کوچک ارائه داده شود؛ یکی درباره آنچه تاکنون در مورد موضوع پژوهش می دانستیم و دیگری درباره اینکه مقاله حاضر چه اطلاعات جدیدی به حیطه و موضوع مورد مطالعه اضافه کرده است.

نحوه نگارش منابع مورد استفاده:

منابعی که در متن استفاده می شوند باید مطابق با دستورالعمل «ای. پی. ای» به صورت زیر معرفی شوند:

- تعداد منابع بیش از ۴۰ شماره نباشد.
- در انتهای مقاله، منابع به ترتیب حروف الفبا، آورده شوند.
- به منظور نگارش منابع فایل موجود در راهنمای نویسندگان روی صفحه اصلی سامانه را مطالعه کنید و بر مبنای چارچوب ذکر شده اقدام گردد.

شیوه نگارش منابع بر اساس فرمت APA

منابع فارسی نیز باید به زبان انگلیسی نوشته و در داخل پرانتز واژه (Persian) آورده شود.

مثال:

Koozechian, H., Khatibzadeh, M., & Honarvar, A. (1390). The role of sport tourism service quality dimensions in sport tourists' satisfaction. *Sport management studies and Movement Science*, 2, 19-32. (Persian).

شیوه نامه نوشتن متن مقاله و ارجاع منابع داخل متن

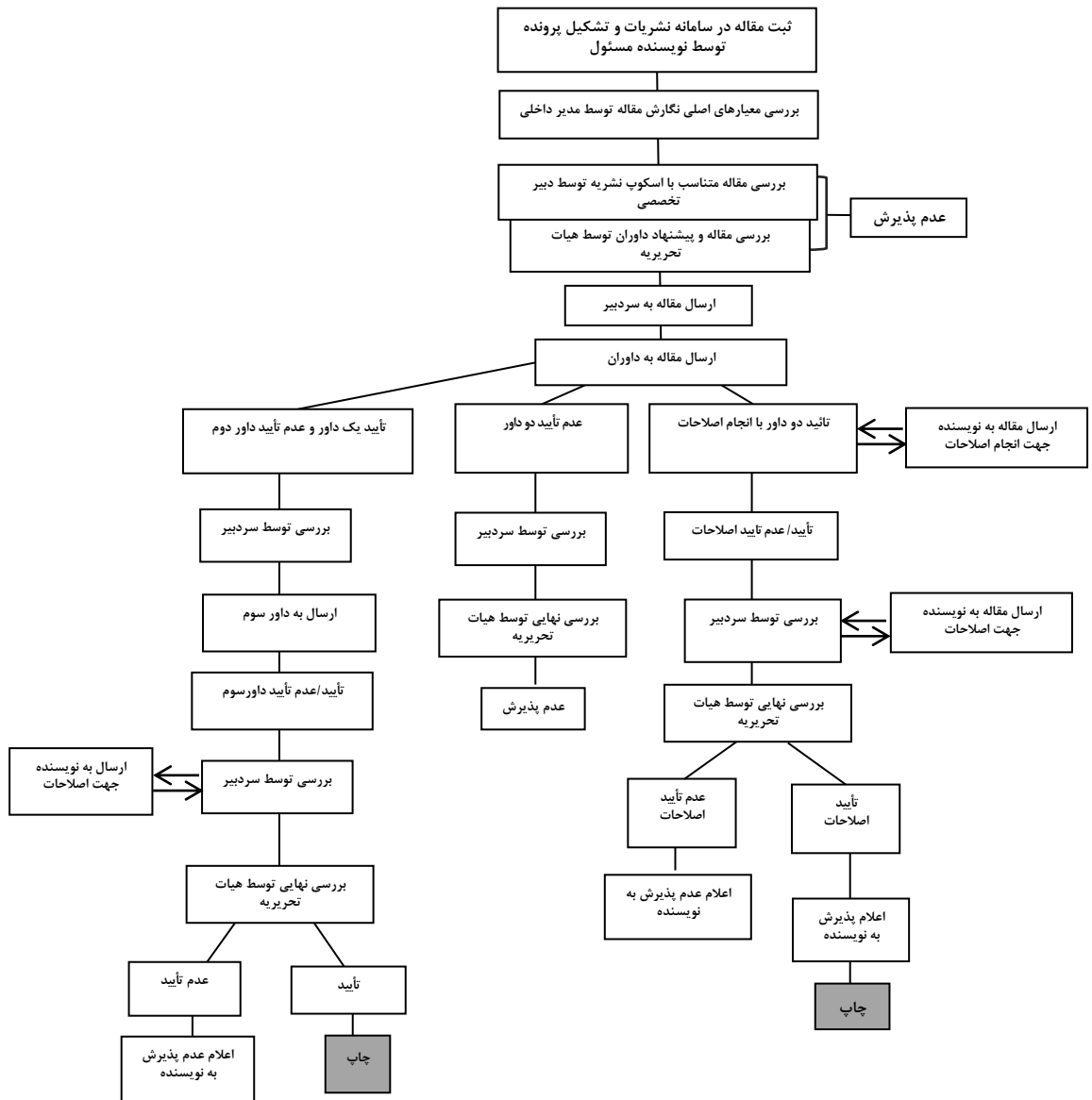
مقاله نباید اشکالات نگارشی و ادبی داشته باشد. نکات زیر برخی از مهم ترین موارد نگارشی است که باید رعایت شود:

- پس از نقطه یک فاصله بگذارید و سپس کلمه بعدی را بنویسید.
- داخل متن فارسی نباید کلمه‌های انگلیسی بیایند. به جای آنها، معادل فارسی آنها را در متن بنویسید، حتی علائم اختصاری‌ای مانند «اس.پی.اس.اس»، و سپس در اولین ارجاع زیرنویس کنید.
- فونت زیرنویس‌ها باید Times New Roman 8 باشد و پس از شماره، نقطه و یک فاصله گذاشته شود و سپس نام خاص انگلیسی یا توضیحات مربوط نوشته شود. نوشته‌ها و اعداد باید در یک امتداد باشند. برای این کار، اگر دو بار ساب اسکرپت را کلیک کنید، هر دو در یک امتداد قرار خواهند گرفت.
- نباید نام کوچک نویسنده در داخل متن یا زیر نویس نوشته شود و تنها نام خانوادگی باید ذکر شود.
- در داخل متن، هر جا که نیاز به استفاده از کمانک (پرانتز) باشد، باید بین حرف آخر کلمه قبل از کمانک و کمانک اول و پس از کمانک دوم و کلمه بعد یک فاصله باشد. مثلاً: بررسی اشمیت (۲۰۰۴) نشان داد...
- در منبع‌نویسی داخل متن نیازی نیست به ازای نام هر نویسنده شماره پانویس بدهید. تمام آنها را پشت سر هم بنویسید و بین آنها علامت "،" بیاورید و پیش از کلمه آخر «و» بگذارید. پس از آخرین نام، شماره پانویس بگذارید. در پانویس نیز تمام اسامی را پشت سر هم بنویسید. مانند: وینبرگ و گولد

نکات اداری و تعهدی

- هیئت تحریریه نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش مقاله آزاد است.
- مقالات منتشر شده نباید پیش از این در هیچ نشریه داخلی و خارجی‌ای چاپ شده باشند. در صورت مشاهده این موضوع، مقاله از فرآیند داوری این نشریه حذف خواهد شد و ضمن انعکاس عدم تعهد نویسنده به سایر نشریات علمی کشور، مدیریت نشریه مقالات دیگر آن نویسنده را بررسی نخواهد کرد.
- ارائه‌دهنده مقاله متعهد است تا زمانی که جواب نهایی (پذیرش یا رد) مقاله خود را دریافت نکرده باشد، مقاله خود را به نشریه‌های داخلی و خارجی دیگری ارسال نکند.
- در صورتی که نویسنده مسئول، تغییرات درخواست شده از سوی داوران و کارشناسان مجله را ظرف مدت ۳۰ روز انجام و از طریق سامانه ارسال نکند، مقاله از فرآیند بررسی و داوری حذف می‌شود.
- لازم به ذکر است در صورت پذیرش مقاله به شرط انجام اصلاحات محقق می‌بایست توضیحات لازم در خصوص کلیه سوالات را در قالب یک نامه در ابتدای مقاله ارائه نموده و اصلاحات انجام گرفته را نیز با رنگی متمایز (برای هر داور با یک رنگ مشخص) مشخص نماید. بهتر است این اعمال در نسخه‌ای از مقاله انجام شود که داور توضیحات را در آن ارائه نموده و این توضیحات حذف نشوند تا داور با یک نظر بتواند تغییرات لازم را بررسی نماید.
- مسوولیت محتوای علمی مقاله، با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- استفاده از مندرجات نشریه با ذکر کامل مأخذ آزاد است.
- از به کار بردن نام و نام خانوادگی کامل یا مخفف در فایل‌های ارسالی خودداری شود. ذکر کلمه با نام و بی نام برای عنوان فایل مقاله کافی خواهد بود.
- پس از صدور نامه پذیرش، امکان هیچگونه تغییری در نام و ترتیب نویسندگان مقالات وجود ندارد.
در پایان، از نویسنده محترم درخواست می‌شود که ضمن مطالعه مندرجات این راهنما و مشاهده نمونه مقالات چاپ شده در جدیدترین شماره نشریه، مقاله خود را تنظیم و از طریق سامانه به نشریه ارسال کند.
نشانی سامانه نشریه: <http://journals.ssrc.ac.ir>
پست الکترونیک نشریه: res@ssrc.ac.ir

فرایند چاپ مقاله در فصلنامه پژوهش در ورزش تربیتی



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	• مرور نظام‌مند تحقیقات حوزه فعالیت بدنی زمان فراغت علی ضیائی، نجف آقایی، مرجان صفاری، رضا یوسفی‌زنوز
۵۱	• شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی ایران جواد شهولی‌کوه‌شوری، احمدرضا عسکری، رسول نظری
۸۵	• شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر آموزش مجازی واحد تربیت بدنی عمومی دانشگاه فردوسی مشهد در دوران شیوع ویروس کرونا سعیده کاشانی، محمد کشتی‌دار، رضا حیدری، مهدی اصفهانی، فخرالسادات طباطباییان
۱۱۷	• تدوین الگوی مفهومی هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی با رویکرد مدرسه یادگیرنده و پایدار شبنم فرضی خالیدی، شهاب بهرامی، بهرام یوسفی
۱۴۷	• تأثیر اجرای برنامه جهانی «من می‌توانم» بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به ورزش فراگیر محمد پورکیانی، علی افروزه، محمدرضا برومند، سحر سهیلی پیشکناری
۱۷۳	• واکاوی عوامل مؤثر بر مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی محمد حسین محسنی چلک، فرشاد امامی، محمد حسین قربانی، رسول طریقی
۱۹۷	• تأثیر توانمندسازی بر خود کارآمدی و عملکرد شغلی دبیران تربیت‌بدنی معصومه گل‌صنم‌لو، مهرزاد حمیدی، حسین رجبی‌نوش‌آبادی، سیدنصرالله سجادی
۲۲۱	• اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر راهبردهای تنظیم هیجان و خودکارآمدی ورزشی کودکان/نوجوانان ورزشکار سیاوش خداپرست، حسن عبدی، هاشم اسماعیلی، وحید بخشعلی‌پور
۲۴۳	• رابطه جایگاه اجتماعی و تعهد حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی با میانجی هویت‌سازمانی مهدی حدادی، رحیم رضانی نژاد، مینا ملائی
۲۶۵	• نقش نهادهای تربیتی در نهادینه‌سازی فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال سپیده شبانی، مهرعلی همتی‌نژاد، شهرام شفیعی، رسول فرجی، بهبود یاریقلی

Review Paper

Systematic Review of Leisure Time Physical Activity Studies

A. Ziaee¹, N. Aghaei², M. Saffari³, R. Yousefi Zenouz⁴

1. Ph.D. Student in Sport Management, Kharazmi University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor in Sport Management, Kharazmi University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor in Sport Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
4. Assistant Professor in Management, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Received: 2019/08/31

Accepted: 2019/12/15

Abstract

The present study aimed to systematically review the research in the field of leisure-time physical activity. It was a secondary study, done in the systematic review method. Accordingly, an evaluation form was prepared and its face and content validity were approved by five experts in the field of sport and leisure management to determine the inclusion and exclusion criteria. After selecting the relevant sources, Scott's agreement coefficient was used to confirm the reliability of the findings. This agreement coefficient between coders was obtained 80%. In the search for data collection, based on pre-determined keywords, 831 articles were recognized from 2005 to 2018. By further investigating and considering the research inclusion criteria, 101 articles were analyzed. In sum, 280 textual propositions were identified. Afterward, the detected textual propositions were summarized into 185 items. In the next step, these 185 propositions were divided into four categories: a- motivators, b- concepts or barriers, c- outcomes, d- the change-needed fields. According to the final textual analysis, it is suggested to key decision-makers to have a comprehend attention to the necessity of participation of all segments of the population (e.g., vulnerable groups) in leisure time physical activity programmes by promoting inter-organizational collaborations.

Keywords: Leisure-time, Physical Activity, Systematic Review

-
1. Email: Alizia.ziaee@gmail.com
 2. Email: Aghaei.hamid@gmail.com
 3. Email: saffari.marjan@modares.ac.ir
 4. Email: Reza.zenouz@gmail.com



Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives 4.0 International Public License

Extended Abstract

Background and Purpose

Leisure-time plays an important role in bringing people together, creating a sense of belonging, and improving the quality of life in modern societies (Spracklen, Long & Hylton, 2015). Given this, various scholars have widely studied leisure-time physical activity. Therefore, we aimed at reviewing previous research from a managerial perspective and providing a research guide for future researchers and relevant scientific institutions. With regard to this approach, sports and leisure managers will be able to develop purposeful plans and make effective decisions in addition to saving time and financial costs.

Methodology

It is argued that systematic review operates stricter than the traditional ones in the reviewing process (Vamaghi, Rafiei, Sajadi & Rashidian, 2010). In this regard, we inspected relevant studies around leisure-time physical activity using a systematic review method. Scientific research, websites, and surveys in the field of sport and leisure-time physical activity (in both Persian and English languages) from 2005 to 2018 constituted the statistical population of the current research. We used keywords such as leisure, recreational sport, sport for all, public sport, citizenship sport, physical education, community sport, social media, leisure-time physical activity, and sport participation to explore relevant sources. To screen the collected sources, we prepared a checklist considering the inclusion criteria (i.e. the research goal, framework, and methodology). Five experts from the field of sport and leisure management confirmed the face and content validity of this checklist.

We also used Scott's agreement coefficient to confirm the reliability of the findings. With regard to this agreement coefficient, three coders reviewed 10 to 15 percent of articles. If the agreement coefficient is obtained more than 70 percent, we can approve the agreement between coders. So that only one coder can continue reviewing the rest of the statistical samples (in this study: articles, scientific reports, etc.) (Asgari, Elahi & Poursoltanizarandi, 2014; Forghani & Khajir, 2006). In doing so, we selected coders and educated them to extract textual propositions. Accordingly, the agreement coefficient between coders was obtained 80 percent using the following formula:

P_i = coefficient agreement

$$P_i = \frac{OA\% - EA\%}{1 - EA\%}$$

Observed –coefficient- agreement = OA



Expected –coefficient- agreement = EA

Results

We explored 831 articles, dissertations, and scientific reports and then screened them into 507 sources after an initial review. In the next step, we analyzed 101 sources regarding the inclusion criteria, from which 56 items (58%) were scientific articles, 30 items (30%) review articles, seven items (7%) scientific reports, and five items (5%) dissertations. Additionally, 70 items (69%) were undertaken using a quantitative method, 23 items (23%) a qualitative method, and eight items (8%) mixed method. In sum, we extracted 280 textual propositions and then summarized them into 185 items. Finally, these propositions were categorized into four groups including a- pushing factors, b- concepts or barriers, c- outcomes, and d- the change-needed areas.

We divided pushing factors into personal/interpersonal, target groups (women, kids, people with disabilities, elderlies), economic, political/legal, social/cultural, structural, and sport/sports sciences factors. The role of social factors seemed noticeable due to their contribution to improving social interactions between different segments of the population who have something in common. It was also true of managerial actions in providing convenient conditions for participation in leisure-time physical activities. Moreover, it is highly necessary to take into account the needs of vulnerable groups, since they comprise a considerable part of each society. In fact, supportive (social, managerial, and economic) atmospheres play an important role in leading all of the society members towards regular participation in these activities. To develop an active lifestyle, the media and educational organizations are required to establish a culture of an active lifestyle.

In addition to pushing factors, we categorized the barriers to participation in leisure-time physical activities into structural, personal/interpersonal, cultural/social, managerial, economic, and target groups. In this regard, it was indicated on the lack of convenient infrastructures, equipment, access to these facilities, and insufficient income as the main barriers to participation. It is worthy of note that the restricting role of beliefs about sports and physical activity participation is more obvious in Islamic countries such as Iran than in other countries. Moreover, the development of physical activities among elderlies is highly indicated, since Iran is projected to have 26 million seniors (over 60 years old) by 2050 (Amini, Ingman & Sahaf, 2013).

Besides, we classified outcomes of participation in leisure-time physical activities into three groups of cultural/social, sport/sports sciences, and



personal/interpersonal. Indeed, participation in these activities can reduce the costs of physical and mental diseases as well as antisocial behaviors throughout society.

It was also indicated that masculine consideration of physical activities and negative attitudes towards female and disabled sports are all rooted in the attitudes of key decision-makers. Even though they are less complicated factors, but can considerably influence the participation of society members in leisure-time physical activities.

Conclusion

Earlier studies have investigated participation in leisure-time physical activities from different aspects and amongst various segments of the population. Based on these studies, it is required to take a multi-facet approach via inter-organizational collaborations to promote the rate of participation. More importantly, with regard to the concept of leisure democracy, it is notable that relevant key decision-makers should consider the needs of all society members such as vulnerable groups (e.g., women, disabled, elderly, etc.) from these leisure programs. Additionally, the media and educational organizations should encourage the culture of an active lifestyle. Thus, it would be much more feasible to create a healthy and active lifestyle for future generations after providing these conditions.

Keywords: Leisure-Time, Physical Activity, Systematic Review, Public Health

References

1. Spracklen, K., Long, J., & Hylton, K. (2015). Leisure opportunities and new migrant communities: challenging the contribution of sport. *Leisure Studies*, 34(1): 114-129. DOI:10.1080/02614367.2014.939989.
2. Vamaghi, M., Rafiei, H., Sajadi, H., & Rashidian, A. (2010). Systematic review of studies on street children in Iran in the recent decade: Poverty, a risk factor for becoming a street child. *Social Welfare Quarterly*, 9 (35): 337-378. (Persian)
3. Asgari, B., Elahi, A., & Poursoltanizarandi, H. (2014). Content analysis of sport management's articles of the journal of research in sport sciences. *Sport Management Studies*, (22): 155-172. (Persian)
4. Forghani, M. M., & Khajir, Y. (2006). Local magazines and presidential elections. *Social Sciences Quarterly*, (37): 141-166. (Persian)
5. Amini, R., Ingman, S.R., & Sahaf, R. (2013). Aging in Iran: Past, present and future. *Aging in Emerging Economies*, (4)1: 17-34.



مرور نظام‌مند تحقیقات حوزه فعالیت بدنی زمان فراغت

علی ضیائی^۱، نجف آقایی^۲، مرجان صفاری^۳، رضا یوسفی زنوز^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۴. استادیار مدیریت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

چکیده

هدف مطالعه حاضر مرور نظام‌مند پژوهش‌های حوزه فعالیت بدنی زمان فراغت بود. این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه است که به روش مرور نظام‌مند اجرا گردید. به این منظور ابتدا جهت تعیین معیارهای ورود و خروج به تحقیق یک فرم ارزیابی تهیه شد و روایی صوری و محتوایی آن توسط پنج تن از متخصصان حیطه مدیریت ورزش و اوقات فراغت تأیید شد. بعد از گزینش منابع مرتبط، به منظور اطمینان از اعتبار یافته‌ها، از ضریب توافق اسکات استفاده گردید. این ضریب توافق بین کدگذاران ۸۰ درصد به دست آمد. در جستجو برای گردآوری اطلاعات، بر اساس کلید واژه‌های مورد استفاده، ۸۳۱ مقاله از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۷ شناسایی و با بررسی‌های بیشتر و در نظر گرفتن معیارهای ورود به تحقیق، ۱۰۱ مقاله تحلیل شدند. در مجموع ۲۸۰ گزاره متنی شناسایی گردیدند. سپس گزاره‌های متنی شناخته شده به ۱۸۵ مورد تلخیص شد. در گام بعدی، این ۱۸۵ گزاره در قالب چهار دسته کلی الف- محرک‌ها یا عوامل، ب- مفاهیم یا موانع، ج- پیامدها و د- حوزه‌های نیازمند تغییر تقسیم‌بندی شدند. بنابر گزاره‌های متنی نهایی، به مسئولان و تصمیم‌گیران کلیدی پیشنهاد می‌شود که از طریق توسعه همکاری‌های بین‌سازمانی، توجه جامعی به ضرورت مشارکت اقشار مختلف جامعه (مانند گروه‌های آسیب‌پذیر) در برنامه‌های فعالیت بدنی زمان فراغت داشته باشند.

واژگان کلیدی: اوقات فراغت، فعالیت بدنی، مرور نظام‌مند

1. Email: Alizia.ziaee@gmail.com
2. Email: Aghaei.hamid@gmail.com
3. Email: saffari.marjan@modares.ac.ir
4. Email: Reza.zenouz@gmail.com



مقدمه

در یک جامعه مدرن، مسئله فراغت نقش زیادی در گردهمایی مردم، ایجاد حس تعلق و افزایش کیفیت زندگی در آنها ایفا می‌کند (اسپراکلن، لانگ و هایلتن^۱، ۲۰۱۵). بنابراین، بیشتر مردم سعی می‌کنند تا از داشتن سبک زندگی سالم اطمینان حاصل کنند. بر اساس دیدگاه دیوید و ناستاز^۲ (۲۰۱۲) افراد می‌توانند کیفیت زندگی خود را با روش‌هایی مثل گذران اوقات فراغت تحت تأثیر قرار بدهند. در واقع اوقات فراغت عرصه اجتماعی جدیدی است که در میان تغییرات فرهنگی و اجتماعی کنونی اهمیت پیدا کرده و این تحولات باعث تفکیک ساعات کاری و غیرکاری و در نتیجه امکان فراغت بیشتر شده است (تورکیلدسن^۳، ۲۰۱۰). با وجود گزینه‌های فراغتی بسیار در زندگی مدرن امروزی، فعالیت‌های بدنی تأثیرگذارترین عامل در کمک به ایجاد سبک زندگی سالم و متمدن است؛ چرا که در درجه نخست، مردم جوامع سالم دارای سلامت جسمی و ذهنی هستند و از بهزیستی کافی جهت رسیدگی به زندگی روزانه خود برخوردار خواهند بود (دپی^۴، ۱۹۸۹). همچنین تمامی جوامع برای پیشرفت، به هوش و خلاقیت نیروی انسانی خود متکی هستند. کیفیت تربیت، توسعه و آموزش افراد در ارتباطی نزدیک با روشی که اوقات فراغت خود را می‌گذارند، قرار دارد. در این میان فعالیت‌های بدنی می‌توانند بهترین گزینه برای تنظیم حالات بدن در اوقات فراغت و توسعه جسمی و ذهنی باشند (بیچسکو^۵، ۲۰۱۴). موضوع فعالیت‌بدنی به یک مسئله سلامت همگانی در دنیای امروز تبدیل شده چراکه توصیه‌های مربوط به آن با اقبال عمومی کمتری روبرو گردیده و زندگی روزانه مردم با نرخ پایین فعالیت بدنی مواجه شده است (کرچنگاست^۶، ۲۰۱۴). موانع متعددی بر سر راه توسعه این فعالیت‌ها وجود داشته است. غالب بودن نگرش تک بعدی یا محدود نسبت به مشارکت در این دسته از فعالیت‌های فراغتی از مهم‌ترین این بازدارنده‌هاست. این موضوع به ویژه در کشور ایران نمود بیشتری پیدا می‌کند چرا که در آن سهم مردان یا افراد سالم از برنامه‌های فعالیت بدنی زمان فراغت با دیگر اقشار جامعه مانند معلولان، زنان و سالمندان اختلاف قابل ملاحظه‌ای دارد. با توجه به عدم مغایرت این فعالیت‌ها با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و نیز اهمیت توسعه همه جانبه فعالیت بدنی در جامعه،

1. Spracklen, Long & Hylton
2. David & Năstase
3. Torkildsen
4. Dephi
5. Bichescu
6. Kirchengast



لازم است مسئولان ورزش و مدیران فراغتی به تدوین، پیاده‌سازی و نظارت بر روند اجرای منظم و برابر این برنامه‌ها برای تمام گروه‌های جمعیتی بپردازند. به هر حال، شرایط مختلفی بر مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت تأثیرگذار هستند که در ادامه به مرور برخی از مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در این باره می‌پردازیم.

تحقیقات متفاوتی با مضمون و محتوای اوقات فراغت و فعالیت بدنی با هدف جلب توجه افراد و سازمان‌های مسئول به منظور غنی‌سازی این اوقات صورت گرفته است. به طور کلی در یک رویکرد جامعه‌شناسانه، کیم، پارک، مالنوبچ و هئو^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی که با محوریت فعالیت‌های فراغت و تبادل فرهنگی به انجام رساندند، بیان داشتند که فراغت فرصتی است تا مشارکت‌کنندگان در آن محیط جدیدی را ایجاد نمایند و به دانش فرهنگی دست یابند. آنها ابراز داشتند که در محتوای فراغت، مشارکت‌کنندگان به سادگی گروه‌های پیوندی با دیگران ایجاد می‌کنند تا از این طریق تجارب و شباهت‌های خود را به اشتراک بگذارند و به توسعه دوستی‌ها با میزبانان خود بپردازند. تعدادی از جامعه‌شناسان ورزش و فراغت نیز اظهار نموده‌اند که ورزش و فعالیت بدنی یکی از راه‌هایی است که می‌تواند در ایجاد اشکالی از تعلق بین گروه‌های مختلف جمعیتی با زمینه‌های گوناگون فرهنگی اجتماعی نقش ایفا کند. در همین راستا اسپارکلن و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی که پیرامون نقش فعالیت بدنی در فرصت‌های فراغت انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که سیاستمداران در دولت‌های ملی و محلی به این عامل به عنوان شکلی از فراغت می‌نگرند که دارای ظرفیت لازم به منظور گردهم آوردن جوامع مختلف، ایجاد پل‌هایی بین آنها و کاهش احساس طرد شدگی و به حاشیه رفتن، است. با وجود نقش مهم اوقات فراغت در بلوغ جوامع، ضمن در نظر گرفتن نابرابری‌های اجتماعی موجود در حوزه فراغت، صادقی، بالایی و محمدپور (۲۰۰۹) به این نتیجه دست یافتند که در فضای فرهنگی اجتماعی کنونی ایران، همچنان شاهد تبعیض‌ها و تمایزات در رفتارهای فراغتی هستیم. آنها همچنین با تأکید بر نابرابری‌های موجود جنسیتی، قومیتی و طبقاتی، بیان نمودند که ما هنوز به دموکراسی فراغتی در جامعه کنونی ایران دست نیافته‌ایم. از این رو به نظر می‌رسد فعالیت‌های فراغتی در دیدگاه جامعه‌شناسان بیشتر به عنوان راه‌حلی برای تسهیل ادغام و همبستگی اجتماعی به ویژه در جوامع چند فرهنگی اهمیت پیدا می‌کند.

1. Kim, Park, Malonebeach & Heo



در حوزه علوم ورزشی نیز تحقیقات متعددی به منظور کشف موانع مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت صورت گرفته است. برای مثال، شعبانی، غفوری و هنری (۲۰۱۱) عنوان کردند که در بعد درونی می‌توان به مواردی مانند نبود برنامه‌های مدون برای تشویق و ترغیب مردم به ورزش برای همه، نبود مدیریت واحد و سیاست یکسان در ورزش برای همه، بهره نرفتن از نیروهای متخصص و کارشناس، بی‌توجهی به ورزش و فعالیت‌های بدنی در مدارس و دانشگاه‌ها و بی‌توجهی به ورزش برای طبقات کم‌درآمد؛ و در بعد بیرونی نیز به مشکلات اقتصادی جامعه، تغییر روش زندگی مردم (رواج زندگی غیرفعال، تفریح غیرفعال)، کم بودن آگاهی جامعه در مورد فواید فعالیت‌های بدنی و زیان‌های کم‌تحركی، افزایش میزان اعتیاد و سهم کم رسانه‌ها در این حیظه اشاره نمود. آنها در پایان تأکید می‌کنند که با شناخت چالش‌های موجود در کشور در هر دو بخش درونی و بیرونی، سیاست‌گذاری در این زمینه آسان‌تر و عملی‌تر می‌شود. در همین راستا شهبازی، شعبانی‌مقدم و صفاری (۲۰۱۳) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که از بین راهکارهای مربوط به ساختار تشکیلاتی و وضع قوانین، سه راهکار مشخص کردن شرح وظایف تمام سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار ورزش برای همه، یکپارچگی بین سازمان‌های مسئول ورزش خصوصی همگانی در کشور و فراهم آوردن زمینه‌های ورود بخش خصوصی به حوزه ورزش برای همه باید در اولویت قرار بگیرند. از بین راهکارهای مربوط به ورزش برای همه نیز، سه راهکار انتقال پیام‌ها از طریق رسانه‌های مختلف و اطلاع‌رسانی از طریق صدا و سیما، استفاده از ایده‌های نوآورانه و جذاب برای گسترش این حوزه از ورزش و ترغیب مردم به کاهش استفاده از خودرو؛ در میان راهکارهای مربوط به نیروی انسانی، دو راهکار بهره‌گیری از نیروهای داوطلب در توسعه ورزش برای همه و تربیت کارشناسان و مدیران حرفه‌ای در این زمینه؛ و در میان راهکارهای مربوط به زیر ساخت‌ها، سه راهکار طراحی شهری با رویکرد گسترش همگانی، احداث اماکن ورزشی، پارک‌ها و فضاهای باز و تجهیز آنها با وسایل ورزشی و تفریحی و حمایت مالی دولت از پرداخت یارانه بالاترین اولویت را به خود اختصاص دادند. همچنین از بین راهکارهای فرهنگی و اجتماعی، دو راهکار از بین بردن باورهای غلط درباره بانوان به ورزش و تغییر نگرش رهبران دینی و مدیران ارشد کشور به ورزش، بالاترین اولویت را داشتند. علاوه بر این، تیموری، رودز و بری (۲۰۱۰) با تمرکز بر دختران نوجوان ایرانی، مسائل اجتماعی و فرهنگی را مورد بررسی قرار داده و موانع فرهنگی فراغت فعال مانند محدودیت در انجام فعالیت‌های بدنی را در عموم متذکر شده‌اند. آنها همچنین اظهار داشتند که این نوع محدودیت، حمایت اجتماعی بر مشارکت در فعالیت بدنی را تحت

1. Taymoori, Rhodes & Berry



تأثیر قرار می‌دهد. میرصفیان، دوکزی و محمدی‌نژاد^۱ (۲۰۱۴) نیز در تحقیقی که بر روی دختران دانشجوی ایرانی انجام دادند نتیجه تقریباً مشابه‌ای را گزارش نمودند. بنابر یافته‌های آنها داشتن نگرشی منفی نسبت به فعالیت‌های بدنی علاوه بر دشوار و مردانه فرض نمودن این فعالیت‌ها، نقش چشمگیری در کاهش مشارکت دختران داشته است. افزون بر این‌ها، پژوهش‌هایی که اخیراً به انجام رسیده‌اند بر نقش پیشرفت فناوری نیز در گذران فعالیت بدنی اوقات فراغت تأکید کرده‌اند. برای مثال نوبخت، عقیف و اشرفی (۲۰۱۸) گزارش نمودند که استفاده زیاد از این ابزارها زمان و هم تمایل اندکی را برای پرداختن دانش‌آموزان به فعالیت‌های بدنی زمان فراغت باقی گذاشته است.

در مجموع، با بررسی مطالعات داخلی دیگر در این حوزه می‌توان دریافت که توجه عمده آنها بر نحوه گذران اوقات فراغت در بین اقشار مختلف جامعه (سالمندان، معلولین، دانشجویان، زنان و...) بود و غالباً دارای ماهیت گزارشی از وضعیت مشارکت این گروه‌های جمعیتی و موانع پیش روی آنها هستند (محمدی و منعم، ۲۰۱۶؛ حسین‌پور، دوستی، حسینی و ساکی، ۲۰۱۴؛ شاهی، جدیدی و خبیری، ۲۰۱۴؛ مهدی‌زاده، اندام و روزبهانی، ۲۰۱۳؛ مومنی، همتی و مرادی، ۲۰۱۳؛ رضوی، رجب‌زاده، میرزاپور و سجادی، ۲۰۱۳؛ چمن‌پیرا، فراهانی و فراهانی، ۲۰۱۳).

از سویی دیگر، می‌توان به تعدادی از پژوهش‌های خارجی انجام شده در حیطه فعالیت بدنی اوقات فراغت نیز اشاره نمود. برای مثال دیاس، لونچ و رونکیو^۲ (۲۰۱۵) موانع ادراک شده مشارکت دختران در فعالیت بدنی زمان فراغت را مطالعه کردند. آنها این موانع را به دسته‌های روان‌شناختی، شناختی و هیجانی، فرهنگی و اجتماعی، محیط فیزیکی و عوامل فردی تقسیم‌بندی نمودند. همچنین سه مورد نخست به عنوان بازدارنده‌های پرداختن پسران به این فعالیت‌ها شناسایی شدند. از این رو، بر ضرورت کمک برای غلبه بر این موانع به عنوان یک مسئله سلامت عمومی تأکید شد. همچنین ویل^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی که به منظور مطالعه ارتباط بین سطوح درآمد، زمان فراغت و فعالیت‌های بدنی و فرهنگی انجام داد به این نتیجه دست یافت که ارتباط منفی معناداری بین درآمد نابرابر و مقدار زمان فراغت و سطوح مشارکت در فعالیت‌های بدنی و فرهنگی وجود دارد: ۱. بدین صورت که در کشورهایی که برابری در آنها بیشتر است، زمان فراغت بیشتر است و نیز سطوح بالاتری از فعالیت‌های بدنی و فرهنگی دارند؛ ۲. این پژوهش ثابت کرد که در کشورهای دارای برابری بیشتر، زمان فراغت افزایش یافته است

1. Mirsafian, Dóczy & Mohamadinejad
2. Dias, Loch & Ronque
3. Veal



و همچنین سطوح بالاتر مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و بدنی زمان فراغت در میان تمام گروههای درآمد/اجتماعی-اقتصادی مشاهده می‌شود؛ ۳. علاوه بر نابرابری در درآمد، این گونه استنباط گردید که سطوح مشارکت به طور مثبتی با سطح تولید ناخالص داخلی مرتبط است. ماکینن و همکاران^۱ (۲۰۱۰) نیز با استناد به پژوهشی که در مورد تأثیر فعالیتهای بدنی دوران اولیه زندگی بر الگوی فعالیت بدنی اوقات فراغت انجام دادند، بیان نمودند مردان بیشتر از زنان از مهارتهای آموخته شده در کلاسهای تربیت بدنی رضایت داشتند. همچنین در میان ورزشهای منتخب در جوانی و نوجوانی، مردان در مقایسه با زنان فعال تر بوده‌اند. به عقیده آنها مشارکت در ورزشهای رقابتی در دوران جوانی در میان کمتر تحصیل کرده‌ها و تمرین در اواخر دوران نوجوانی در بین تحصیل کرده‌ها تأثیر مستقیمی روی فعالیت بدنی اوقات فراغت داشته است. در تحقیقی تقریباً مشابه، هایکوک و اسمیت^۲ (۲۰۱۲) که اثر مشارکت بدنی دوران کودکی بر اوقات فراغت بدنی دوران بزرگسالی را مورد سنجش قرار داده بودند به این نتیجه رسیدند که خانواده‌ای که سبک زندگی فعال دارد و والدین نیز از فعالیتهای بدنی فرزندان خود حمایت می‌کنند، این عادت رفتاری بر مشارکت بدنی آنها در آینده نیز تأثیر مثبتی دارد. در نهایت آنها این گونه عنوان می‌کنند که تدوین سیاستهای ورزشی می‌تواند سطح کلی مشارکت بدنی را در بین جمعیت به طور چشمگیری افزایش دهد. این سیاستها از جنبه سخت‌افزاری نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال اوریلی، برگر، هرماندز، پارت و سگوین^۳ (۲۰۱۵) با اتکا به شعار «بساز؛ خواهد آمد» بر اهمیت زیرساختها در جذب مردم به مشارکت در این فعالیتهای تأکید نمودند. همچنین موضوع فعالیت بدنی زمان فراغت روی اقشار مختلف جامعه مانند سالمندان نیز مورد توجه محققان بوده است. برای مثال لی، کیم و یی^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی که پیرامون عوامل فشار در مشارکت ورزشی اوقات فراغت و اجتماعی سازی سالمندان بازنشسته انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که اگر سالمندان بازنشسته دستیابی به پایداری روانی و سلامتی را به عنوان یکی از عوامل انگیزشی در مشارکت ورزشی فراغت خود دنبال کنند؛ این عامل می‌تواند تأثیری مثبت بر اجتماعی سازی راحت تر و شادتر داشته باشد. به طور خاص، پایداری روانی برای اجتماعی سازی مجدد سالمندان بازنشسته‌ای که احساس از دست دادن نقش، احساس انزوا، یا احساس از خود بیگانگی دارند، مساعد خواهد بود. در مطالعه‌ای دیگر که روی تجربه روزانه اوقات فراغت جدید در بین افراد مسن انجام شد،

1. Mäkinen & et al.
2. Haycock & Smith
3. O'Reilly, Berger, Hernandez, Parent & Séguin
4. Lee, Kim & Yi



رفاه ذهنی به عنوان مهم‌ترین پیامد مشارکت این افراد در این دسته از برنامه‌های فراغتی شناسایی گردید (هئو، لی، مک‌کورمیک و پدرسون^۱، ۲۰۱۰). یافته‌های برخی دیگر از محققان نیز حاکی از آن بود که فعالیت‌های فراغتی صرفاً دارای منافع مرتبط با سلامت نیستند. همچنین به منظور ارزیابی مشارکت دختران نوجوان در فعالیت‌های بدنی نیز، کسی، امی، پایه و هاروی^۲ (۲۰۰۹) بیان داشتند دامنه‌ای از عوامل درون‌فردی و سازمانی و به طور ویژه برگزاری کلاس‌های تربیت بدنی به صورت مختلط بر خودپنداره درک شده تأثیر می‌گذارند. از این رو آنها پیشنهاد دادند که توسعه فعالیت‌های تفریحی و نه رقابتی به همراه برگزاری این کلاس‌ها به صورت تک‌جنسیتی می‌تواند میزان مشارکت این دختران را افزایش دهد. مک‌نیل، لیم، وانگ، تان و مک‌فیل^۳ (۲۰۰۹) نیز با مروری که بر وضعیت درس تربیت بدنی در مدارس سنگاپور به انجام رساندند، به این نتیجه رسیدند که مدارس از لحاظ نیروی انسانی و تجهیزات عمومی با مشکل مواجه هستند. هم تعداد و هم مدت زمان کلاس‌های تربیت بدنی به منظور دستیابی به پیامدهای دلخواه محدود است و همچنین تعداد دانش‌آموزان کلاس‌ها به اندازه‌ای زیاد است که مشارکت در این فعالیت‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.

علاوه بر این‌ها، هیرونسالو و لینتونن^۴ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای گزارش نمودند که وضعیت اقتصادی-اجتماعی، محل اقامت و تحرک اجتماعی به همراه برخورداری از الگوهای مشارکت در فعالیت بدنی در سنین مدرسه از پیش‌بینی‌کننده‌های سبک زندگی (فعال یا غیر فعال) هستند.

همچنین ارتباط دادن برنامه‌های تفریحی و ورزشی با سایر خدمات و فرصت‌ها (مانند خدمات سلامت، مشاوره‌های شغلی، برنامه‌های آموزشی)، در تماس بودن با افراد شرکت‌کننده در این فعالیت‌ها و کاهش هزینه‌های مشارکت از جمله پیشنهادهایی بود که در مطالعه‌ای دیگر برای افزایش سطح فعالیت‌های بدنی ارائه شد (وار و مردیس^۵، ۲۰۱۳).

با توجه به پراکندگی تحقیقات صورت گرفته در حوزه اوقات فراغت با رویکردهای مختلف، می‌توان به ضرورت برخورداری از یک ساختار پژوهشی منسجم در این حوزه پی برد. بنابراین انجام این مطالعه در یک رویکرد مدیریتی می‌تواند از طریق مرور تحقیقات پیشین، راهنمای عمل پژوهشگران و مؤسسات تحقیقاتی فعال برای اقدامات آتی باشد. همچنین، با اتخاذ چنین رویکردی مدیران مرتبط

1. Heo, Lee, McCormick & Pedersen
2. Casey, Eime, Payne & Harvey
3. McNeill, Lim, Wang, Tan & MacPhail
4. Hirvensalo & Lintunen
5. Ware & Meredith



-از حوزه‌های سلامت، ورزش و اوقات فراغت- قادر خواهند بود ضمن جلوگیری از هدر رفتن هزینه‌های مالی و زمانی، به تدوین برنامه‌های هدفمند و اتخاذ تصمیمات اثربخش در این حیثه بپردازند. از این رو، مطالعه حاضر به دنبال شناسایی و دسته‌بندی موانع، عوامل و پیامدهای مشارکت در این دسته از فعالیت‌های بدنی سلامت‌محور و نیز حوزه‌هایی است که با ایجاد تغییر در آنها می‌توان سطح فعالیت بدنی زمان فراغت را به طور قابل ملاحظه‌ای ارتقا داد.

روش پژوهش

هدف از انجام این پژوهش مرور و دسته‌بندی مستندهای پژوهشی در حوزه فعالیت بدنی اوقات فراغت است. این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه و روش پیاده‌سازی آن مرور نظام‌مند^۱ است. با استفاده از این روش، مطالعات پیشین پیرامون مسئله‌ای خاص به صورت مختصر و مفید مورد بررسی قرار می‌گیرند. روش مرور نظام‌مند برخلاف رویکرد سنتی، در مرور مقالات سخت‌گیرانه‌تر عمل می‌کند (وامقی، رافعی، سجادی و رشیدیان، ۲۰۱۱).

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل تمامی مطالعات پژوهشی، وب سایت‌ها و نظرسنجی‌های معتبر و مطالعات مروری نظام‌مند و غیر نظام‌مند صورت گرفته در حوزه ورزش و فعالیت بدنی زمان فراغت در دامنه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ به دو زبان فارسی و انگلیسی است. گروه تحقیق تمایل داشت تا حد امکان از مطالعات جدیدتر در حوزه فعالیت بدنی اوقات فراغت استفاده نماید، این‌گونه فرض گردید که مطالعات صورت گرفته در این فاصله زمانی می‌توانند پیوند ملموس‌تری با شرایط کنونی و نیز جهت‌گیری‌های آینده داشته باشند.

بنابراین به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز، از کلید واژه‌هایی به زبان‌های انگلیسی و فارسی برای جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی زیر استفاده شد (جدول ۱).

1. Systematic Review



جدول ۱- واژه‌های کلیدی، وب سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی مورد استفاده

انگلیسی	فارسی
Leisure, recreational sport, sport for all, public sport, citizenship sport, physical education, community sport, social media, leisure time physical activity	فعالیت بدنی زمان فراغت، مشارکت ورزشی، ورزش برای همه
وب سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی	
ncbi.nlm.nih.gov/PubMed, ScienceDirect.com, http://search.proquest.com, http://link.springer.com, scholar.google.com, http://journals.humankinetics.com, http://www.ingentaconnect.com, http://en.cnki.com.cn, webofknowledge.com, google.com	sid.ir, Irandoc.ac.ir, google.com

پس از انجام جستجوها، از یک چک لیست برای تعیین معیارهای ورود و حذف منابع گردآوری شده استفاده گردید و سپس چکیده تمام مقالات و منابع بررسی شدند. منابعی که معیارهای ورود به مطالعه حاضر را نداشتند، حذف شدند. سپس، متن کامل تمام مطالعاتی که دارای معیارهای ورود به پژوهش بودند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به عبارتی بهتر جهت گزینش منابع شناسایی شده در فاصله زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸، یک فرم ارزشیابی با در نظر گرفتن معیارهای ورود به تحقیق از قبیل هدف پژوهش، چارچوب و روش تحقیق تهیه شد. روایی صوری و محتوایی این فرم نیز توسط پنج تن از متخصصان حوزه مدیریت ورزش و اوقات فراغت تأیید گردید.

همچنین بعد از انتخاب منابع، آزمون اسکات^۱ به منظور اطمینان از اعتبار یافته‌های این تحقیق در نظر گرفته شد. در این روش ابتدا ۱۰ تا ۱۵ درصد مقالات توسط سه کدگذار بررسی می‌گردند. چنانچه ضریب توافق بین این سه کدگذار بیشتر از ۷۰ درصد باشد، می‌توان گفت بین کدگذاران توافق وجود دارد و پس از آن تمام نمونه آماری (در این مطالعه شامل مقالات، گزارش‌های پژوهشی و...) توسط یک نفر بررسی می‌شوند (عسگری، الهی و پورسلطانی زرنندی، ۲۰۱۴؛ فرقانی و خجیر، ۲۰۰۶). بر این اساس، بعد از انتخاب و آموزش کدگذاران، نسبت به استخراج گزاره‌های متنی اقدام

1. Scott's pi



گردید. سپس با مقایسه این گزاره‌های استخراج شده، ضریب توافق بین کدگذاران با استفاده از فرمول زیر، ۸۰ درصد به دست آمد.

Pi = ضریب توافق

$$Pi = \frac{OA\% - EA\%}{1 - EA\%}$$

OA = ضریب توافق مشاهده شده

EA = ضریب توافق مورد انتظار

نتایج

بعد از مرور منابع مرتبط به منظور گردآوری اطلاعات بر اساس کلیدواژه‌های مورد استفاده، ۸۳۱ مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش پژوهشی شناسایی شدند. با توجه به معیار تکراری بودن منابع، ۵۰۷ مورد برای بررسی بیشتر باقی ماندند. در گام بعدی، با در نظر گرفتن معیارهای ورود به تحقیق، ۱۰۱ مورد تحلیل شدند. از این مجموعه ۵۶ مورد (۵۸ درصد) مقالات علمی پژوهشی، ۳۰ مورد (۳۰ درصد) مقالات علمی ترویجی، ۷ مورد (۷ درصد) گزارش‌های پژوهشی و ۵ مورد (۵ درصد) پایان‌نامه، رساله و منابع پراکنده بودند. همچنین از بین منابع مرور شده، ۷۰ مورد (۶۹ درصد) به روش تحقیق کمی، ۲۳ مورد (۲۳ درصد) به روش تحقیق کیفی و ۸ مورد (۸ درصد) به روش تحقیق آمیخته به انجام رسیده بودند. در مجموع ۲۸۰ گزاره متنی مورد شناسایی قرار گرفت. با تمرکز بیشتر بر مسئله تحقیق و ادغام برخی موارد، گزاره‌های متنی شناخته شده به ۱۸۵ مورد تلخیص شد. سپس، این ۱۸۵ گزاره در قالب چهار دسته کلی الف- محرک‌ها یا عوامل، ب- مفاهیم یا موانع، ج- پیامدها و د- حوزه‌های نیازمند تغییر تقسیم‌بندی شدند (جدول ۲).



جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیتهای بدنی زمان فراغت

عوامل فردی/بین فردی مشارکت در فعالیتهای بدنی زمان فراغت	عوامل	مرجع
تمایل به رقابت با دیگران نشان دادن توانایی‌ها و قابلیت‌ها برای رسیدن به فرم زیبای بدنی میل به تعیین سرنوشت و خودشکوفایی برای هیجان تمایل به ارتقا و یاد گرفتن مهارت‌ها و قابلیت‌های جدید توسعه توانایی ذهنی برای کمک به جامعه برای همکاری با دوستان	Palacios-Cena et al. (2011) Scheerder et al. (2005) Brudzynski and Ebben (2010), Sarol and çimen (2017), Aaltonen et al. (2014)	
دریافت حمایت اجتماعی از خانواده و دوستان برخورداری از سلامت روانی رعایت ادب و مهربانی از طرف مسئولان اماکن ورزشی نسبت به زنان وجود امکانات ورزشی مناسب زنان طراحی صحیح تجهیزات ورزشی با در نظر گرفتن فناوری‌های نوین برای زنان وجود امکانات ورزشی مناسب زنان تصور مثبت بدنی زنان مسن از مشارکت ورزشی از بین بردن نابرابری بین زنان و مردان از طریق ایجاد کمپین‌های رسانه‌های جمعی با هدف متقاعد کردن زنان به انجام فعالیت بدنی در زمان فراغت افزایش حمایت از گروه‌ها و شوراهای ترویج دهنده برنامه‌های تفریحی برای معلولان توسعه همکاری بین آژانس‌های تفریحی عمومی برای معلولان توسعه برنامه‌های درسی اوقات فراغت برای معلولان ایجاد سیاست‌ها و روندهای حمایتی افراد معلول در برنامه‌ها، خدمات و تجهیزات	Young and Stewart (2006), Moosavi and Safania (2014) Casey et al. (2009) قادری و میرباقری (۲۰۱۲) Ampofo-Boateng (2009), فرهودی و همکاران (۲۰۱۱) Liechty and Yarnal (2013) Tuyckom (2011) Austin et al. (2008)	



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیت‌های بدنی
زمان فراغت

زارعی و قربانی (۲۰۰۷)	توسعه فناوری‌های کمکی به منظور برطرف ساختن نیازهای تفریحی (و ورزشی) معلولان تربیت نیروی انسانی متخصص جهت بهینه‌سازی اوقات فراغت سالمندان
عوامل اقتصادی مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت	
مرجع	عوامل
Chin et al. (2011)	رشد سریع اقتصادی
Mansfield and Gibson (2015)	رشد سریع امکانات ورزشی ساده و مناسب در مناطق مسکونی
	سرمایه‌گذاری در زمینه حمل و نقل فعال (مسیرهای دوچرخه، پیاده-روی و ...)
	تنظیم سیاست‌های بودجه‌ای برای حمایت از ظرفیت پارک‌ها و مراکز تفریحی در انجام اهداف فعالیت بدنی
Godbey and Mowen (2010)	ایجاد پارک‌ها و مراکز تفریحی در نواحی مسکونی جدید و در نظر گرفتن راه‌های ارتباطی با آنها
Xiong (2007)	تحول ساختارهای بنیادین (نهادی) در شهرها
	عوامل طراحی شهری (ترافیک، روشنایی و تعمیر و نگهداری پیاده‌رو و ...)
Tuyckom (2011)	بازاریابی حرفه‌ای و ایجاد کمپین‌های آگاهی در زمینه «ورزش برای همه»
	رشد صنعت ورزش
Scheerder et al. (2005)	گسترش درک کامل از رفتار مصرفی مشارکت‌کنندگان ورزشی توسط بازاریابان و سیاست‌گذاران
Higgins-Desbiolles (2006)	اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاکید آن بر لزوم توجه دولت‌ها به اوقات فراغت در قالب گردشگری اجتماعی
Austin et al. (2008),	اهمیت دولت‌ها به ورزش برای همه به عنوان ابزار کنترل اجتماعی
جیرانی و میرهادی (۲۰۱۴)	



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیت‌های بدنی
زمان فراغت

عوامل سیاسی/قانونی مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت	عوامل
مرجع	
Tuyckom (2011)	ایجاد شعارهای تشویقی مانند «ورزش برای ورزش» یا «ورزش به عنوان سرگرمی» توسط دولت‌ها به منظور سوق دادن افراد به سمت مشارکت ورزشی
McNeill et al. (2010)	افزایش سطوح فعالیت بدنی زمان فراغت با فعالیت بیشتر رسانه‌های مستقل و تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح توسط دولت‌ها
Godbey and Mowen (2010)	ایجاد انگیزه و سوق دادن مردم به مشارکت در ورزش‌های همگانی از سوی اشخاص مهم سیاسی استفاده از قدرت سیاسی جهت بهبود وضعیت مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت تعبیر سیاست‌گذاران از «مشارکت در ورزش» به «مشارکت در زندگی» به عنوان ابزاری جهت رسیدن به یک اقتصاد پر رونق در نظر گرفتن عنوان «ورزشی بودن» در تعریف اشخاص مهم سیاسی از شهروند ایده‌آل تنظیم سیاست‌های حمایتی در زمینه امکان استفاده از حیاط مدارس بعد از تعطیلی آنها تنظیم سیاست‌های حمایتی در ایجاد راه‌ها و مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری بین پارک‌ها و محل‌های کار، زندگی، خرید و عبادت
Daughbjerg et al. (2009)	اصلاحات دولتی روی سیاست‌ها به منظور توسعه فعالیت بدنی مرتبط با سلامت
Godbey and Mowen (2010)	ایجاد برنامه درسی مرتبط با تفریح (فعال) در دانشگاه‌ها و مدارس
Palacios-Cena et al. (2011)	افزایش سطح تحصیلات
Christodoulides (2009)	نگرش مردم به ورزش به عنوان یک عنصر فرهنگی شبیه یک صنعت قوی در بین صنایع ملی
Tuyckom and Scheerder (2008)	وضعیت ازدواج
Blackman and Green (2016), Kirchengast (2014)	تغییرات بزرگ جمعیت‌شناختی تا سال ۲۰۵۰ (به عنوان مثال شهرنشین حدود ۷۵ درصد مردم، افزایش جمعیت سالخورده، افزایش تنوع قومی و نژادی، و...)



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیت‌های بدنی
زمان فراغت

Austin et al. (2008)	افزایش تأکید بر رقابت اجتماعی
Sperazza and Banerjee (2009), Maya et al. (2008), کفاشی و پیرجلیلی (۲۰۱۵)	برای تعامل فرهنگی و اجتماعی
Tuyckom (2011)	ایجاد سیستم رفاه دموکراتیک اجتماعی که با کاهش نابرابری‌های جنسیتی نابرابری‌های اجتماعی را نیز کاهش می‌دهد. ایجاد کمپین‌های حساس‌سازی نسبت به پرداختن به ورزش‌های تفریحی
McNeill et al. (2010)	طراحی جوایزی مانند جایزه تناسب اندام به منظور تشویق مشارکت مردم در ورزش
Blackman and Green (2016), کفاشی و پیرجلیلی (۲۰۱۵) Liu (2008)	ایجاد فعالیت‌های تفریحی بین فرهنگی ایجاد مرکز تحقیقات اوقات فراغت وجود آداب و رسوم کهن زندگی در فضای باز و محیط طبیعی برای فعالیت بدنی زمان فراغت
Laakso et al. (2008)	وجود آداب و رسوم کهن از فعالیت‌های جسمانی زنان و دختران در نظام مؤثر ورزش جوانان
Ware and Meredith (2013)	کسب هویت فرهنگی کمک گرفتن از شرکای رسانه و شرکت‌های تجاری معتبر برای انتقال پیام‌های بهداشتی در نتیجه زندگی فعال و فعالیت در پارک‌ها و مراکز تفریحی
Eichberg (2010)	ترکیب ورزش با موسیقی و آواز
Spivey and Hritz (2013)	وجود شبکه پشتیبانی (خانواده و دوستان)
Jose et al. (2011), Aaltonen et al. (2014), Kim et al. (2011), Hirvensalo and Lintunen (2011)	داشتن والدین فعال و ترویج فعالیت بدنی از سنین اولیه زندگی



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیت‌های بدنی
زمان فراغت

عوامل اقتصادی مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت	
مرجع	عوامل
Ampofo-Boateng (2009)	در نظر گرفتن نیازهای مخصوص افراد متأهل در اماکن ورزشی (مثل طراحی محل بازی برای بچه‌ها به منظور افزایش امکان مشارکت متاهلین)
Wall (2015)	وجود مسیرهای ورزشی ویژه (مثل مسیر دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی) و طراحی محیطی مناسب (به لحاظ روشنایی، موقعیت) برای آنها
French et al. (2014), O'Reilly et al. (2014), Pitanga et al. (2016), فلاحت و کلامی (۲۰۰۸)	طراحی محل‌های زندگی فراغت محور
عوامل مربوط به ورزش و علوم ورزشی مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت	
مرجع	عوامل
Chin et al. (2011)	سازماندهی رویدادهای ورزشی در سطح محلی
Austin et al. (2008)	تنظیم برنامه دوچرخه سواری ملی توسعه ورزش‌های زمستانی
Haudenhuyse and Theeboom (2015)	مذاکرات معلمان با دانش آموزان درباره ارزش‌ها و شیوه‌های تربیت بدنی وجود برنامه‌های مشارکت در فعالیت ورزشی در مدارس وجود سیاست اعطای نشان به مشارکت در فعالیت ورزشی در نظام ورزش
McNeill & et al (2010)	تقسیم‌بندی نوع ورزش و فعالیت بدنی برای هر یک از نواحی جغرافیایی که دارای قومیت متفاوتی می‌باشند. ایجاد شورای ورزش با هدف بهبود مشارکت همگانی
Xiong (2007)	برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی به لحاظ درگیر کردن مردم در ورزش



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیت‌های بدنی

زمان فراغت

<p>Ampofo-Boateng (2009)</p> <p>Wall (2015)</p>	<p>در نظر گرفتن نیازهای ورزشی اقشار مختلف مانند افراد تحصیل کرده، کارمندان دولت و افراد دارای شغل آزاد به منظور افزایش مشارکت آنها</p> <p>ایجاد ارتباط بین گردشگری با ورزش و فعالیت بدنی</p> <p>نیازسنجی ورزشی مردم</p>
<p>موانع ساختاری مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت</p>	
<p>مرجع</p>	<p>موانع</p>
<p>Roult et al. (2016)</p> <p>مادوانی و رضانی (۲۰۱۳)، منصوری و فرزنان (۲۰۱۵)</p> <p>مهدی‌زاده و همکاران (۲۰۱۳)، محمدی و منعم (۲۰۱۶)</p>	<p>تناسب پایین اماکن ورزشی موجود برای تمام اقشار جامعه</p> <p>کمبود تجهیزات ورزشی در جامعه</p> <p>کمبود فضاها و اماکن ورزشی</p> <p>قیمت بالای تجهیزات تفریحی ورزشی</p>
<p>Jackson (2009)</p>	<p>ابهام در یافتن جا و محل برای مشارکت در فعالیت بدنی</p> <p>کمبود فضاهای ورزشی در فصل‌های پاییز و زمستان</p> <p>ضعف اطلاع رسانی درباره محل دقیق اماکن ورزشی و نوع خدمات آنها</p>
<p>Roult et al. (2016)</p> <p>دبھیم (۲۰۱۱)، موتمنی و همکاران (۲۰۱۳)</p>	<p>چند منظوره نبودن اماکن ورزشی</p> <p>دشواری دسترسی به فضاها و امکانات ورزشی</p>
<p>مهدی‌زاده و همکاران (۲۰۱۳)</p> <p>پوررنجبر و همکاران (۲۰۱۵)</p> <p>Dias et al. (2015)</p>	<p>نامناسب بودن وضعیت بهداشتی اماکن و فضاهای ورزشی</p> <p>کمبود نیروی انسانی متخصص برای اقشار آسیب‌پذیر (مانند معلولین)</p> <p>شرایط آب و هوایی نامناسب</p>



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیتهای بدنی
زمان فراغت

موانع فردی/بین فردی مشارکت در فعالیتهای بدنی زمان فراغت	
مرجع	موانع
<p>محمدی و منعم (۲۰۱۶)، Andrade et al. (2018)</p> <p>موتمنی و همکاران (۲۰۱۴)</p> <p>مهدی‌زاده و همکاران (۲۰۱۳)، موتمنی و همکاران (۲۰۱۴)، حسینی‌نیا و صانعی (۲۰۱۷)</p> <p>Sebastião et al. (2013)</p>	<p>عدم آگاهی از فواید ورزش و فعالیت بدنی</p> <p>مشغله خانوادگی خیلی زیاد (تعهدات خانوادگی)</p> <p>دشواری در یافتن گروه دوستان علاقه‌مند</p> <p>فقدان انگیزه برای پرداختن به فعالیتهای بدنی زمان فراغت</p> <p>ورزش نکردن اعضای خانواده</p> <p>ترس از بدتر شدن مشکلات جسمانی</p> <p>خجالتی بودن</p> <p>توان پایین بدنی</p> <p>احساس تنبلی زیاد</p> <p>تجارب منفی از فعالیتهای بدنی گذشته</p> <p>نداشتن برنامه ورزشی مشخص</p>
موانع مدیریتی مشارکت در فعالیتهای بدنی زمان فراغت	
مرجع	موانع
<p>مادوانی و رضانی (۲۰۱۳)</p> <p>مهدی‌زاده و همکاران (۲۰۱۳)، Berger et al. (2008)</p> <p>موتمنی و همکاران (۲۰۱۴)</p> <p>مادوانی و رضانی (۲۰۱۳)، موتمنی و همکاران (۲۰۱۴)</p> <p>Vanner et al. (2008), Manz et al. (2016)</p>	<p>کمبود فعالیتهای تبلیغاتی برای ترویج فعالیتهای بدنی زمان فراغت از طرف دانشگاهیان</p> <p>عدم حمایت مسئولین مرتبط از فعالیتهای بدنی و ورزشی</p> <p>عمکرد ضعیف ادارات ورزش و جوانان و عدم توجه کافی به ورزش همگانی</p> <p>عدم وجود مشاور پزشکی در زمینه فعالیت بدنی</p> <p>عدم اختصاص بودجه به ورزش همگانی و فعالیت بدنی</p> <p>نبود یا عدم فعالیت تشکلهای و انجمنهای ورزش همگانی</p> <p>عدم توجه و عدم شرکت مسئولین مربوطه در فعالیتهای بدنی</p> <p>عدم حمایت کافی نظام آموزشی (به ویژه آموزش و پرورش) از فعالیت بدنی و نبود برنامه مناسب در این زمینه</p> <p>عدم وجود سیاستهای هماهنگ بین بخشهای ورزش، آموزش و پرورش، امور اجتماعی، و بهداشت</p> <p>شلوغی برنامه‌های درسی</p>



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیت‌های بدنی

زمان فراغت

<p>حسینی و همکاران (۲۰۱۳)</p> <p>Northern Ireland Assembly, Research and Library Service (2010)</p> <p>Roult et al. (2016)</p> <p>Burk (2015)</p> <p>Xiong (2007)</p>	<p>نبود یا کمبود نیروی انسانی متخصص و با دانش در مراکز مربوط به فعالیت بدنی</p> <p>عدم وجود سمینارهای علمی در زمینه گسترش فعالیت‌های ورزشی به عنوان اوقات فراغت</p> <p>هماهنگ نبودن تصمیمات سیاسی و شهری با نیازهای واقعی مردم</p> <p>ناابرابری در توزیع امکانات تفریحی ورزشی در نواحی با سطوح بالا و پایین اجتماعی-اقتصادی</p> <p>تناسب پایین اماکن ورزشی موجود برای تمام اقشار جامعه</p> <p>ارتباط پایین مدیران با فعالیت‌های اجتماعی و برنامه‌های تفریحی</p> <p>ارتباط پایین مدیران با فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی</p> <p>توسعه نابرابر ورزش شهری و روستایی</p>
<p>موانع مدیریتی مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت</p>	
<p>مادوانی و رضانی (۲۰۱۳)</p> <p>مهدی‌زاده و همکاران (۲۰۱۳)</p> <p>موتمنی و همکاران (۲۰۱۴)، Marcellino (2012)</p> <p>شکرانی (۲۰۱۱)</p> <p>Watkins (2015)</p> <p>حسینی و همکاران (۲۰۱۳)</p> <p>Northern Ireland Assembly, Research and Library Service (2010)</p> <p>Földesi (2010)</p>	<p>عدم فرهنگ‌سازی کافی در مورد مزایای پرداختن به فعالیت‌های بدنی</p> <p>محدودیت‌های فرهنگی مرتبط با فعالیت بدنی</p> <p>برخورد نامناسب دست‌اندرکاران اماکن ورزشی</p> <p>عدم حمایت و ضعف اطلاع‌رسانی رسانه‌ها درباره فواید فعالیت بدنی و ورزش</p> <p>مزاحمت از جانب دیگران در مسیر رفت و برگشت</p> <p>نداشتن نگاه فرهنگی و تربیتی به برنامه‌های فعالیت بدنی در جامعه</p> <p>عدم وجود شناخت علمی و فرهنگی مناسب به اوقات فراغت و اصول و ویژگی‌های آن در جامعه و رسانه‌های گروهی</p> <p>تعداد نقش‌های اجتماعی زنان</p> <p>عدم وجود جشنواره‌های آشنایی جامعه با ورزش</p> <p>عدم وجود برنامه‌های ترغیبی مناسب برای تشویق به شرکت در فعالیت‌های بدنی</p> <p>قرار گرفتن در بین اقلیت‌های قومی</p> <p>اهمیت ندادن به فواید اجتماعی ورزش برای دانش‌آموزان</p>



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیت‌های بدنی
زمان فراغت

موانع فرهنگی/اجتماعی مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت	
موانع	مرجع
<p>ترس از افت تحصیلی قشر محصل وجود تفکر تأثیر منفی ورزش و فعالیت بدنی نگرانی از نگرش منفی دیگران بی‌توجهی به جنبه همگانی ورزش در مدارس تأثیر باورها و اعتقادات مذهبی و سنتی حاکم بر جامعه ترس از آسیب به اعتقادات مذهبی</p>	<p>موتمنی و همکاران (۲۰۱۴) Földesi (2010) مهدی‌زاده و همکاران (۲۰۱۳) دبهبیم (۲۰۱۱)، موتمنی و همکاران (۲۰۱۴)</p>
موانع اقتصادی مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت	
موانع	مرجع
<p>کمبود بودجه برای حمایت از ورزش همگانی عدم علاقه سرمایه‌گذاران به فعالیت و سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش همگانی بالا بودن هزینه‌ها و مشکلات اقتصادی خانواده‌ها محرومیت بالای اجتماعی و اقتصادی سطح درآمد پایین عدم استقلال مالی فرزندان</p>	<p>Xiong (2007) موتمنی و همکاران (۲۰۱۴) محمدی و منعم (۲۰۱۶)، موتمنی و همکاران (۲۰۱۴) محمدی و منعم (۲۰۱۷)، Woitás-Ślubowska (2011), غفوری و همکاران (۲۰۱۶) Torkildsen (2011)</p>
موانع گروه‌های هدف (زنان، سالمندان، معلولان) مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت	
موانع	مرجع
<p>حضور همه جانبه مردان در فعالیت‌های تفریحی ورزشی (محدودیتی برای حضور زنان) فقدان یا کمبود تجهیزات و تسهیلات ورزشی برای افراد معلول کهولت سن</p>	<p>Roult et al. (2016) Northern Ireland Assembly, Research and Library Service (2010) National Centre for Culture and Recreation Statistics (2007)</p>



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیت‌های بدنی
زمان فراغت

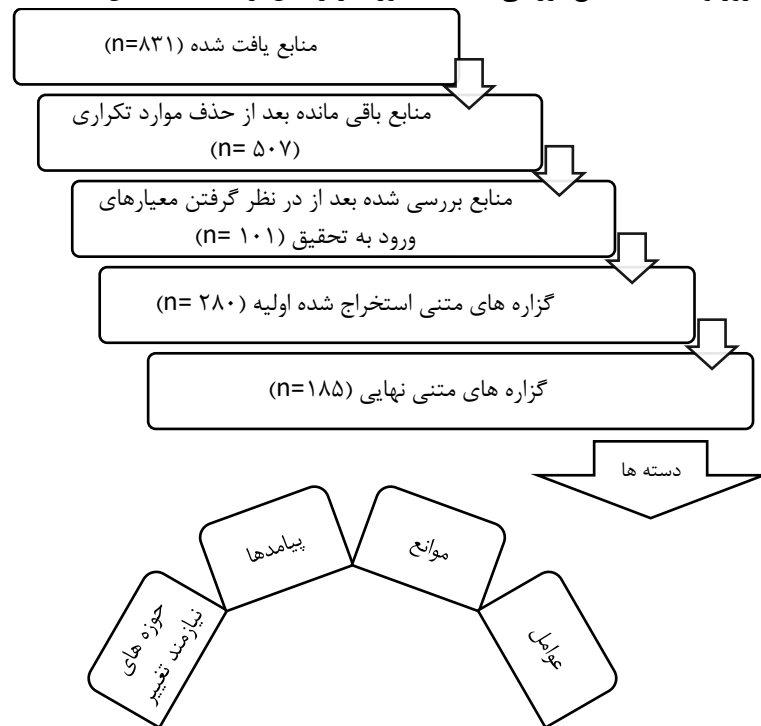
پیامدهای اجتماعی/فرهنگی مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت مرجع	پیامدها
Veal (2011), Glover and Hemingway (2005) Spracklen et al. (2015) Laakso et al. (2008) Heo et al. (2017) Tusso (2015) Spracklen et al. (2015) Office for recreation and sport of South Australia (2011) Office for recreation and sport of South Australia (2011), Meenagh (2011), هزارجریبی و ارفعی (۲۰۱۲)، کتبی و همکاران (۲۰۱۵)	برطرف نمودن بخشی از نیازهای اساسی از طریق فعالیت‌های زمان فراغت ایجاد فرصتی برای عدالت اجتماعی انسجام خانواده افزایش امکان مشارکت در فعالیت بدنی در نتیجه جهانی شدن ورزش بهزیستی سالمندان برنامه‌ریزی برای افزایش زمان فراغت به عنوان جایگزینی برای هزینه‌های پیشگیری و درمان شکل‌گیری کمپین‌های اجتماعی و کمپین‌های رسانه‌های جمعی با هدف تشویق مردم به فعالیت بدنی درگیر شدن و ایجاد ارتباط بین اقلیت‌های قومی ایجاد غرور اجتماعی کاهش رفتارهای ضد اجتماعی
پیامدهای مربوط به ورزش/علوم ورزشی مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت مرجع	پیامدها
Veal (2011), Glover and Hemingway (2005) Spracklen et al. (2015) Laakso et al. (2008) Heo et al. (2017) Tusso (2015)	برطرف نمودن بخشی از نیازهای اساسی از طریق فعالیت‌های زمان فراغت ایجاد فرصتی برای عدالت اجتماعی انسجام خانواده افزایش امکان مشارکت در فعالیت بدنی در نتیجه جهانی شدن ورزش بهزیستی سالمندان برنامه‌ریزی برای افزایش زمان فراغت به عنوان جایگزینی برای هزینه‌های پیشگیری و درمان شکل‌گیری کمپین‌های اجتماعی و کمپین‌های رسانه‌های جمعی با هدف تشویق مردم به فعالیت بدنی



ادامه جدول ۲- عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر مربوط به مشارکت در فعالیت‌های بدنی
زمان فراغت

مرجع	حوزه‌های نیازمند تغییر
مهدی‌زاده و همکاران (۲۰۱۳)، Hutzler (2012)	نگرش منفی مدیران و مسئولان مرتبط به ورزش و فعالیت بدنی
Northern Ireland Assembly, Research and Library Service (2010), Mirsafian et al. (2014)	اعتقاد زنان به غیر زنانه بودن فعالیت‌های ورزشی
Laakso et al. (2008)	نگرش منفی ارائه دهندگان خدمات ورزش به ورزش زنان
پوررنجبر و همکاران (۲۰۱۵)	سبک زندگی و نوع فعالیت بدنی در دوران اولیه زندگی و جوانی نوع نگاه جامعه به مشارکت معلولان در برنامه‌های فعالیت بدنی زمان فراغت

فرایند مرور و انتخاب منابع بررسی شده به صورت زیر قابل ارائه است (شکل ۱).



شکل ۱- نمایش شماتیک یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

بدون شک مرور مطالعات پیشین پیرامون موضوعی خاص و تلاش برای سازمان‌دهی به داده‌ها و اطلاعات موجود، می‌تواند باعث فراهم آوردن درک جامعی از وضعیت جاری گردد و نیز کمک شایانی برای تدوین برنامه‌های آتی در این زمینه باشد. بنابراین هدف از انجام مطالعه حاضر مرور مقالات حوزه فعالیت بدنی زمان فراغت بود. از این رو، بعد از بررسی منابع مرتبط، موارد تعیین‌کننده مشارکت اعضای جامعه در این دسته از فعالیت‌ها در قالب چهار دسته کلی عوامل، موانع، پیامدها و حوزه‌های نیازمند تغییر قرار گرفتند.

عوامل، محرک‌های مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت بودند که در این مطالعه در قالب عوامل فردی/بین فردی، گروه‌های هدف (زنان، کودکان، معلولان، سالمندان)، اقتصادی، سیاسی/قانونی، اجتماعی/فرهنگی، ساختاری و ورزش/علوم ورزشی تقسیم‌بندی شدند. به طور کلی، با مروری بر این موارد نقش عوامل اجتماعی به لحاظ افزایش تعاملات انگیزشی بین اقشار مختلف جامعه که دارای اشتراکاتی هستند در کنار اقدامات مدیریتی در فراهم آوردن و اختصاص دادن بسترهای کافی برای شرکت در این دسته از فعالیت‌های سلامت‌محور بسیار مشهود به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به این‌که اقشار آسیب‌پذیر سهم زیادی از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، رسیدگی به کمبودها و نیازهای آنها در این زمینه نقش قابل توجهی در ایجاد جامعه فعال خواهد داشت. بدین ترتیب، ضروری است در تدوین برنامه‌های توسعه‌ای فعالیت بدنی نگاهی فراگیر به نیازهای گروه‌های مختلف جمعیتی داشت و شرایط را برای مشارکت بیشتر آنان فراهم نمود.

در حقیقت، می‌توان ادعان داشت که وجود فضاهای حمایتی در ابعاد اجتماعی، مدیریتی و همچنین اقتصادی از اصلی‌ترین هدایتگران مردم برای شرکت منظم و سازمان‌یافته در این فعالیت‌ها هستند. البته در این راستا نیز نباید از نقش حیاتی اقدامات آموزشی و تربیتی مانند آموزش سبک زندگی فعال از سنین اولیه زندگی و نیز اقدامات فرهنگی از قبیل توسعه بسته‌های رسانه‌ای و فرهنگ فعالیت‌های بدنی در سازمان‌ها غافل شد. با تمام این تفاسیر، بدیهی است که آگاهی یافتن از فواید برخورداری از فعالیت‌های بدنی کافی نخستین گام در مسیر اصلاح رفتار فراغتی مردم است.

همچنین بازدارنده‌های پرداختن به فعالیت‌های بدنی زمان فراغت را نیز می‌توان در دسته‌های ساختاری، فردی/بین فردی، فرهنگی/اجتماعی، مدیریتی، نگرشی، اقتصادی و گروه‌های هدف جای داد.



بر این اساس، به نظر می‌رسد زیرساخت‌ها و تجهیزات ناکافی، دسترسی نامناسب به مجموعه‌ها و محل‌های شرکت در فعالیت‌های بدنی، مشکلات اقتصادی ناشی از درآمد ناکافی و غالب بودن باورهایی از قبیل اختصاص داشتن فعالیت‌های بدنی به گروه‌های خاص (مانند مردان و افراد سالم)، از موانع اصلی مشارکت هستند. البته باید اشاره نمود که نقش بازدارندگی باورها غالباً در کشورهای اسلامی مانند ایران بارز است و در سایر کشورها «انگیزه‌های درونی و احساسات ناشی از مشارکت» قدرت تعیین‌کنندگی بیشتری در این دسته‌بندی دارند. به هر حال، به نظر می‌رسد تدوین راهکارهای هدفمند مانند توسعه فعالیت‌های بدنی در طبیعت و فضای باز، ورزش‌های بدون وسیله در منزل، توسعه ورزش‌های بومی و محلی و تدارک اقدامات فرهنگی و انگیزشی نقش قابل توجهی در افزایش یا حداقل حفظ سطح مشارکت ایرانیان در این برنامه‌ها داشته باشند. رسانه‌ها و حتی شبکه‌های اجتماعی مجازی از ابزارهای مناسبی در تغییر نگرش و ایجاد سبک زندگی فعال محسوب می‌شوند. این در حالی است که با توجه به اهمیت فعالیت بدنی در ایجاد سلامت جسمی و ذهنی و پرورش نسل آینده با نشاط و سالم، پیشرفت فناوری (در کنار سایر عوامل) سبب توسعه بی‌تحرکی در بین اعضای جامعه ایرانی شده است. کما این‌که آمارهای موجود نیز گویای این واقعیت است که درصد زیادی از ایرانیان فعالیت بدنی کافی ندارند (رئیس، ۲۰۱۶). همچنین رسانه‌ها نقش خود را در توسعه و ترویج برنامه‌های فعالیت بدنی سلامت‌محور برای عموم مردم به خوبی ایفا نمی‌کنند. محصولات رسانه‌ای اغلب در خدمت پوشش مسابقات و رویدادهای ورزش حرفه‌ای است و اندک برنامه‌های رسانه‌ای موجود نیز توجه ویژه‌ای به اهمیت توسعه فعالیت‌های بدنی در بین اقشار آسیب‌پذیر جامعه (زنان، سالمندان و معلولان) ندارند. این موضوع برای کشورهایی مانند ایران که در آن مشارکت زنان در این دسته از فعالیت‌های سلامت‌محور به دلیل برخی باورهای عمدتاً سنتی و مذهبی با محدودیت‌هایی مواجه است، اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. به ویژه این‌که این قشر از جامعه می‌تواند تأثیر بسزایی نیز در شکل‌گیری الگوهای رفتاری نسل‌های آینده داشته باشند. علاوه بر این، در نظر گرفتن توسعه فعالیت بدنی برای سالمندان نیز حائز اهمیت است؛ چرا که بر اساس پیش‌بینی‌ها جمعیت سالمندان ایران تا سال ۱۴۳۰، به حدود ۲۶ میلیون نفر خواهد رسید (امینی، اینگمان و صحاف، ۲۰۱۳). بدون شک نادیده گرفتن این موضوع هزینه‌های سنگینی برای دولت و جامعه در پی خواهد داشت. ضمن این‌که فراهم نبودن بسترهای مناسب برای مشارکت معلولان در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت، فعالیت‌های فراغتی آنان را نیز به محیط‌های بسته مانند منازل محدود نموده است. این در حالی است

1. Amini, Ingman & Sahaf



که قرار دادن این قشر در جریان زندگی اجتماعی باید هدف اصلی تمام برنامه‌ها و سیاست‌های مرتبط با معلولان باشد. در واقع می‌توان گفت که برنامه‌های ورزشی و فعالیت‌های بدنی زمان فراغت می‌توانستند بهترین وسیله در این فرایند اجتماعی‌سازی باشند، اما عملاً شاهد اقدامات مشخص و منظمی در این رابطه نیستیم.

در مجموع می‌توان گفت توسعه برنامه‌های فرهنگی به منظور تشویق مشارکت و آگاهی دادن در این زمینه‌ها و در نظر گرفتن علایق گروه‌های مختلف به همراه تدوین برنامه‌های هدفمند در سطح مدارس می‌توانند قدرت این بازدارنده‌ها را به طور چشمگیری کاهش دهند. همچنین از آنجایی که عدم تمایل والدین به مشارکت می‌تواند بر تصمیم‌گیری فرزندان نیز تأثیرگذار باشد، الگوهای رفتاری که معمولاً از دوران اولیه زندگی در خانواده شکل می‌گیرد هم قادر خواهد بود وضعیت مشارکت نسل‌های آینده در این فعالیت‌ها را تعیین نماید و سد محکمی در برابر تمایل به مشارکت در این دسته از فعالیت‌های بدنی باشند.

علاوه بر این‌ها، پرداختن به فعالیت‌های بدنی مفرح و سلامت‌محور طبیعتاً در بردارنده فواید بسیاری برای اعضای جامعه است. بدین ترتیب در مطالعه حاضر پیامدهای مشارکت در این فعالیت‌ها در سه گروه پیامدهای فرهنگی/اجتماعی، مربوط به ورزش/علوم ورزشی و فردی/بین فردی قرار گرفتند. به نظر می‌رسد پیامدهای اجتماعی از مهم‌ترین دستاوردهای مشارکت فعال در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت هستند چرا که افزایش تعاملات اجتماعی به نوبه خود تشویق برای مشارکت بیشتر، می‌تواند به ترویج سبک زندگی فعال نیز بیانجامد. علاوه بر این، کاهش رفتارهای ضد اجتماعی و هزینه‌های ناشی از درمان بیماری‌های جسمی و روانی، می‌توانند از دیگر برون‌دادهای افزایش مشارکت در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت به شمار آیند. به طور کلی، توسعه جامع فعالیت‌های بدنی زمان فراغت قادر خواهد بود نقش بسزایی در ایجاد نشاط و رضایت اجتماعی اقشار مختلف جامعه داشته باشد و نیز فراتر از آن به همبستگی اجتماعی منجر گردد.

در نهایت با مروری بر حوزه‌های شناسایی شده نیازمند تغییر، می‌توان دریافت که این‌ها شامل حوزه‌هایی هستند که وابستگی چندانی به عوامل بیرونی و خارج از کنترل مدیران سازمان‌های فراغتی ندارند. بنابراین در حالی که ایجاد تغییر در آنها دارای پیچیدگی کمتری است اما در مقابل می‌تواند به طور چشمگیری مشارکت اعضای جامعه را در فعالیت‌های بدنی زمان فراغت ارتقا دهد. مواردی شامل نگرش‌های منفی یا محتاطانه تصمیم‌گیرندگان کلیدی نسبت به فعالیت‌های بدنی، اعتقاد به غیرزنانه بودن این فعالیت‌ها، پیروی از سبک زندگی غیرفعال در دوران اولیه زندگی، نگرش منفی به ورزش



زنان و عدم آمادگی ذهنی اعضای جامعه در ارتباط با مشارکت معلولین در برنامه‌های ورزش و فعالیت بدنی، همگی آشکارا از باورها و نگرش‌ها سرچشمه می‌گیرند. در چنین شرایطی نیاز به تدوین برنامه‌های توجیهی و آموزشی برای تصمیم‌گیران و ارائه دهندگان این خدمات از یک سو، آماده‌سازی و انتشار تولیدات رسانه‌ای به منظور اشاعه فرهنگ مشارکت زنان و معلولین در این فعالیت‌ها از سویی دیگر دارای ضرورت فراوانی است.

در پایان می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که مطالعات گذشته، مسائل پیرامون مشارکت در فعالیت بدنی زمان فراغت را از منظرهای مختلف بررسی نموده‌اند. بر اساس این پژوهش‌ها به منظور افزایش مشارکت در این فعالیت‌ها نیازمند تدوین برنامه‌های جامع از طریق توسعه هماهنگی‌ها و همکاری‌ها بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف در سطح کشور می‌باشیم.

به عبارت دیگر می‌توان گفت همکاری بین ارگان‌ها و نهادهای مسئول در توسعه این فعالیت‌ها (مانند شهرداری‌ها، سازمان‌های ورزشی و فراغتی و...) اقدامی غیرقابل اجتناب است. اگر چه فراهم آوردن امکانات و تجهیزات سخت‌افزاری گامی بلند برای تسهیل مشارکت مردم است؛ اما لازم است تا در تدارک این امکانات و فضاها و تجهیز محل‌های فعالیت بدنی، نیازهای اقشار مختلف جامعه مانند گروه‌های آسیب‌پذیر (مانند معلولین، زنان، کودکان، سالمندان) نیز به صورت برابر در نظر گرفته شود. در مجموع، بعد از مهیا نمودن این شرایط، از طریق آموزش سبک زندگی فعال به ویژه از سنین پایه (در خانواده و مدرسه) می‌توان با اطمینان بیشتری به تربیت نسل‌های آینده با نشاط و سالم پرداخت. همواره باید در نظر داشت که توجه غالب به نیازهای گروهی خاص (افراد سالم) و مفعول باقی گذاشتن سایر گروه‌های جمعیتی قطعاً نمی‌تواند به هدف ایجاد یک جامعه فعال و با نشاط کمک کند.

بر اساس این یافته‌ها و نتایج، تحقیقات آتی می‌توانند به طور ویژه به مطالعه نقش و سهم رسانه‌های داخلی در برنامه‌های فعالیت بدنی برای اقشار مختلف جامعه بپردازند. به نظر می‌رسد توسعه محصولات رسانه‌ای درباره اهمیت فعالیت‌های بدنی سلامت‌محور می‌توانند موجب تشویق مشارکت اعضای جامعه در این فعالیت‌ها گردد. همچنین لازم است با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی به مطالعه راهکارهای تعامل و مشارکت هر یک از نهادهای مسئول (آموزش و پرورش، نهادهای ورزشی، ارگان‌های سلامت و شهرداری‌ها) در توسعه این فعالیت‌های فراغتی در شرایط موجود اقتصادی-اجتماعی کشور پرداخت. علاوه بر این‌ها، با توجه به اهمیت مشارکت اقشار آسیب‌پذیر در این دسته برنامه‌ها، محققان آینده می‌توانند به توسعه مدل‌ها و استراتژی‌های مشارکت این گروه‌های جمعیتی بپردازند.



تقدیر و تشکر

این مطالعه برگرفته از رساله مقطع دکتری نویسنده نخست مقاله با عنوان «آینده پژوهی فعالیت بدنی زمان فراغت ایرانیان با استفاده از رویکرد سناریونویسی» بود. بدینوسیله از تمامی اساتیدی که در به ثمر رساندن این پژوهش همکاری نمودند، صمیمانه سپاسگزارم.

منابع

1. Amini, R., Ingman, S.R., & Sahaf, R. (2013). Aging in Iran: Past, present and future. *Aging in Emerging Economies*, (4)1: 17-34.
2. Asgari, B., Elahi, A., & Poursoltanizarandi, H. (2014). Content analysis of sport management's articles of the journal of research in sport sciences. *Sport Management Studies*, (22): 155-172. (Persian)
3. Bichescu, A. (2014). Leisure Time Sport Activities of the Students at Resita University. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 117: 735-740. DOI: 10.1016/j.sbspro.2014.02.291
4. Casey, M. M., Eime, R. M., Payne, W. R., & Harvey, J. T. (2009). Using a socioecological approach to examine participation in sport and physical activity among rural adolescent girls. *Qualitative health research*, 19(7): 881-893.
5. Chamanpira, M., Farahani, A., & Farahani, M. J. (2014). Older Adults' Leisure Time And Physical Activity With Emphasis On Sport Equipments Provided By The Tehran Municipality In 2010. *Iranian Journal of Aging*, 9(3): 179-189.
6. David, A. M., & Năstase, S. (2012). Calitatea vieții la pacienții cu afecțiuni oncologice și patologie depresiv-anxioasă comorbidă. *Quality of Life/Calitatea Vietii*, 23(1): 45-62.
7. Depei, L. (1989). Sports and the Leisure Lives of Chinese City Dwellers. *Loisir et Société / Society and Leisure*, 12(2): 325-340. DOI:10.1080/07053436.1989.10715333.
8. Dias, D. F., Loch, M. R., & Ronque, E. R. V. (2015). Perceived barriers to leisure-time physical activity and associated factors in adolescents. *Ciencia & saude coletiva*, 20(11): 3339-3350.
9. Forghani, M. M., & Khajir, Y. (2006). Local magazines and presidential elections. *Social Sciences Quarterly*, (37): 141-166. (Persian)
10. Haycock, D., & Smith, A. (2012). A family affair? Exploring the influence of childhood sport socialisation on young adults' leisure-sport careers in north-west England. *Leisure Studies*, 33(3): 285-304. DOI:10.1080/02614367.2012.715181.



11. Heo, J., Lee, Y., McCormick, B. P., & Pedersen, P. M. (2010). Daily experience of serious leisure, flow and subjective well-being of older adults. *Leisure Studies*, 29(2): 207-225.
12. Hirvensalo, M., & Lintunen, T. (2011). Life-course perspective for physical activity and sports participation. *European Review of Aging and Physical Activity*, 8(1): 13.
13. Hosseinpour, J., Doosti, M., Hosseini, S. E., & Saki, R. (2014). Leisure time among employees of Naja educational centers indicating on sport activity. *Management in Marine Science Education*, (2): 67-76. (Persian)
14. Kim, J., Park, S.-H., Malonebeach, E., & Heo, J. (2015). Migrating to the East: a qualitative investigation of acculturation and leisure activities. *Leisure Studies*, 35(4): 421-437. DOI:10.1080/02614367.2015.1014929.
15. Kirchengast, S. (2014). Physical Inactivity from the Viewpoint of Evolutionary Medicine. *Sports*, 2(2): 34-50. DOI: 10.339 /sports2020034.
16. Lee, K.-U., Kim, H.-R., and Yi, E.-S. (2014). The effect of push factors in the leisure sports participation of the retired elderly on re-socialization recovery resilience, *Journal of Exercise Rehabilitation*, 10(2): 92-99 DOI: 10.12965/jer.140090.
17. Mäkinen, T. E., Borodulin, K., Tammelinen, T. H., Rahkonen, O., Laatikainen, T., & Prättälä, a. R. (2010). Research the effects of adolescence sports and exercise on adulthood leisure-time physical activity in educational groups. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 7(27): 1-11.
18. McNeill, M., Lim, B. S. C., Wang, C. K. J., Tan, W. K. C., & MacPhail, A. (2009). Moving towards quality physical education: Physical education provision in Singapore. *European physical education review*, 15(2): 201-223.
19. Mehdizadeh, R., Andam, R., & Rouzbahani, S. (2013). Obstacles against sport for all at universities. *Research in Sport Sciences*, (1): 109-126. (Persian)
20. Mirsafian, H., Dóczy, T., & Mohamadinejad, A. (2014). Attitudes of Iranian female university students to sport and exercise. *Iranian Studies*, 47(6): 951-966.
21. Mohammadi, M., & Monem, R. (2016). The obstacles against elderlies in sports participation and leisure time. *Paper presented at The First International Congress on Sports Management*, Hamedan, Iran. (Persian)
22. Motmeni, A., Hemmati, A., & Moradi, H. (2013). Identifying and prioritizing the barriers for women's sports activities. *Sport Management Studies*, (24): 111-130. (Persian)
23. Nobakht, F., Aafif, A. H., & Ashrafi, N. (2018). On the relationship between physical self-conception and leisure time activities of gifted students with an emphasis on physical activity. *Journal of school psychology*, 7(2): 278-290. (Persian)



24. O'Reilly, N., Berger, I. E., Hernandez, T., Parent, M. M., & Séguin, B. (2015). Urban sports capes: An environmental deterministic perspective on the management of youth sport participation. *Sport Management Review*, 18(2): 291-307.
25. Raeisi, A. (2017). 9 out of 10 Iranians over the age of 18 are inactive. (Persian)
26. Razavi, S. M. H., Rajabzadeh, R., Mirzapour, A. A., & Sajadi, S. A. (2013). The role of sport and physical activity among the disabled. *Sport Management and Motor Behavior*, 9(18): 129-140 (Persian)
27. Sadeghi, R., Balaei, E., & Mohammadpour, A. (2008). Social inequality in leisure. *Social Welfare Quarterly*, ۱۰(۳۹), ۳۵۷-۳۸۹. (Persian)
28. Shabani, A., Ghafouri, F., & Honari, H. (2010). Challenges of Sport for All in Iran. *Research in Sport Sciences* (10): 13-26. (Persian)
29. Shahbazi, M., Shabanimoghddam, K., & Saffari, M. (2013). Sport for all (necessities, obstacles, and strategies). *Parliament and Strategy*, 20(76): 69-96. (Persian)
30. Shahi, Z., Jadidi, B., & Khabiri, M. (2014). Leisure time among blind students in Iran indicating in sports activities. *Sport Management and Motor Behavior*, 4(7): 131-147. (Persian)
31. Spracklen, K., Long, J., & Hylton, K. (2015). Leisure opportunities and new migrant communities: challenging the contribution of sport. *Leisure Studies*, 34(1): 114-129. DOI:10.1080/02614367.2014.939989.
32. Taymoori, P., Rhodes, R., and Berry, T. (2008). Application of a social cognitive model in explaining physical activity in Iranian female adolescents. *Health Education Research*, 25(2): 257-267.
33. Torkildsen, G. (2010). Torkildsen's Sport and Leisure Management (P. Taylor, Ed.) (6th ed.). Routledge.
34. Vamaghi, M., Rafiei, H., Sajadi, H., & Rashidian, A. (2010). Systematic review of studies on street children in Iran in recent decade: Poverty, a risk factor for becoming a street child. *Social Welfare Quarterly*, 9 (35): 337-378. (Persian)
35. Veal, A. J. (2016). Leisure, income inequality and the Veblen effect: cross-national analysis of leisure time and sport and cultural activity. *Leisure Studies*, 35(2): 215-240 DOI: 10.1080/02614367.2015.1036104.
36. Ware, V., & Meredith, V. (2013). Supporting healthy communities through sports and recreation programs (26): *Australian Institute of Health and Welfare*.



ارجاع دهی

ضیائی، علی؛ آقایی، نجف؛ صفاری، مرجان؛ یوسفی زنور، رضا. (۱۴۰۱). مرور نظاممند تحقیقات حوزه فعالیت بدنی زمان فراغت. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۰ (۲۶): ۵۰-۱۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.7814.1731

Ziaee, A; Aghaei, N; Saffari, M; Yousefi Zenouz, R. (2022). Systematic Review of Leisure Time Physical Activity Studies. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 17-50. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2019.7814.1731



Research Paper

Identifying the Effective Wild Cards and Drivers on the Future of Iran's Educational sport**Javad Shahvali Koohshur¹, Ahmadreza Askar², Rasool Nazar³**

1. Ph. D in Strategic Management in Sport, Department of Physical Education and Sports Sciences, Islamic Azad University, Mobarakeh Branch, Mobarakeh, Iran.

2. Assistant Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sports Sciences, Islamic Azad University, Mobarakeh Branch, Mobarakeh, Iran.

3. Associate Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sports Sciences, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

Received: 2020/09/01**Accepted: 2020/12/30**

Abstract

There are changes or events in the future that are relatively unlikely to occur, but their potential impact on advancing affairs is extremely high. This research has identified the effective Wild Cards and drivers on the future of Iran's educational sport using Delphi technique. This research is mixed research regarding method and based on the paradigm of complexity theory and has exploratory approach. Participants consisted of 14 experts in the field of futurology and educational sport who are first selected in a targeted manner and then by snowball, and reached consensus in three phases of implementing Delphi technique about 4 identified Wild Cards and 17 drivers. These drivers have categorized in 5 categories of social, technology, environmental, economic, and political. It was shown in order not to be surprised by the Wild Cards and drivers, from "reaction time" which is a gap between weak signals of the current time and the time of occurrence of the future Wild Cards, trustees of educational sport should develop an operational and comprehensive planning for future monitoring and previewing for developing educational sport. The results showed that identifying the Wild Cards and drivers that affect the future educational sport of Iran can identify, to some extent, different future with different possibilities.

Key Words: Futurology, Wild Cards, Driver, Educational sport, Delphi Technique

1. Email: j.shahvali@live.com

2. Email: ahmadreza.askari@mau.ac.ir

3. Email: nazarirasool@yahoo.com



Extended Abstract

Background and Purpose

Like most organizations and institutions in other fields, sports organizations must become a forward-looking and strategy-oriented organization for survival and permanence in the field of global competition (1). Today, there is no doubt that the structure of organizations has become so complex that they cannot survive without considering the future and careful planning, and sports organizations are no exception in this category (2).

Given that future studies are completely different from the past and present and are not necessarily a continuation of past trends, in this research, we intend to identify the wild cards and driving forces that will influence the future of educational sports in Iran and possibly shape its future, based on future methods and by recognizing the effective future spaces.

Methodology

In futuristic research, different methods are used in different steps of research. In terms of the future research studies, this research has an exploratory approach. There are many methods for futures research, which application and effectiveness of each is different. In this study, the Delphi method was also selected to choose the appropriate research method, taking into account the nature of the research and its main purpose. The Delphi method is one of the qualitative research methods that is used to reach consensus in the group decisions.

In the first step, the research issue is defined and the necessary characteristics for the participants in the Delphi working group are determined. This step ends with the appointment of the members of the working group. The second step of Delphi method is related to generating ideas about the research issue. By analyzing and refining these ideas, and eliminating duplicates and using the same words, the researchers extract the final list of factors related to the research issue. In the third step, the members of the working group determine the importance of the factors or select some of the most important ones.

Participants in the Delphi panel in this study were selected among the faculty members of Future Research (3 people) and the Sports Management familiar with Future Research (11 people) who were aware of student sports and university sports and also had executive positions in this field. Targeted sampling method along with snowball sampling was used to select participants. In the analysis of this study, after three rounds of Delphi interviews and reaching a group agreement, the main factors were identified.



Results

In the first round of Delphi, 11 wild cards and 39 drivers were identified and categorized into five groups: social, technological, environmental, economic, and political. The aim of the next phases of Delphi was to reach a consensus among the participants about the impact of the wild cards and drivers identified in the future of educational sports in Iran. In the second phase, experts were asked to assign a score between one to 100 to each factor depending on the impact amount, based on the impact of 11 wild cards and 39 drivers identified in the previous step on Iranian sport. In the third phase of Delphi, the answers of all the participants of the previous round, as well as the most options chosen by the other experts, were sent to all the participants and they were asked to approve the majority vote if they agreed. Finally, the participating experts reached a consensus on the great or very great influence of the four wild cards and the 17 drivers on the future of educational sports in Iran. The consensus on every wild cards and driver meant that more than 70% of the experts agree on the extent to which surprise or wild cards was effective.

In the end, after identifying the ultimate wild cards and drivers, the researchers developed a schematic model called the conceptual model of wild cards and drives affecting the educational sports in Iran, which emerged from the data and with the opinion of experts, which was approved by the participants in this study. This conceptual model is shown in Figure 1. The purpose of compiling this model is to display the main and final data of the research in a simple and effective way. The five drivers were displayed with nested pentagons that represent each category of driver and show the direct relationship and impact and effectiveness of these categories on each other. And since drivers are likely to occur in the present or near future in terms of time, and wild cards are likely to occur in later years, the driving forces in this conceptual model were places within a quadrilateral matrix assigned to the final four wild cards. This conceptual model is adjusted according to the mentioned criteria.



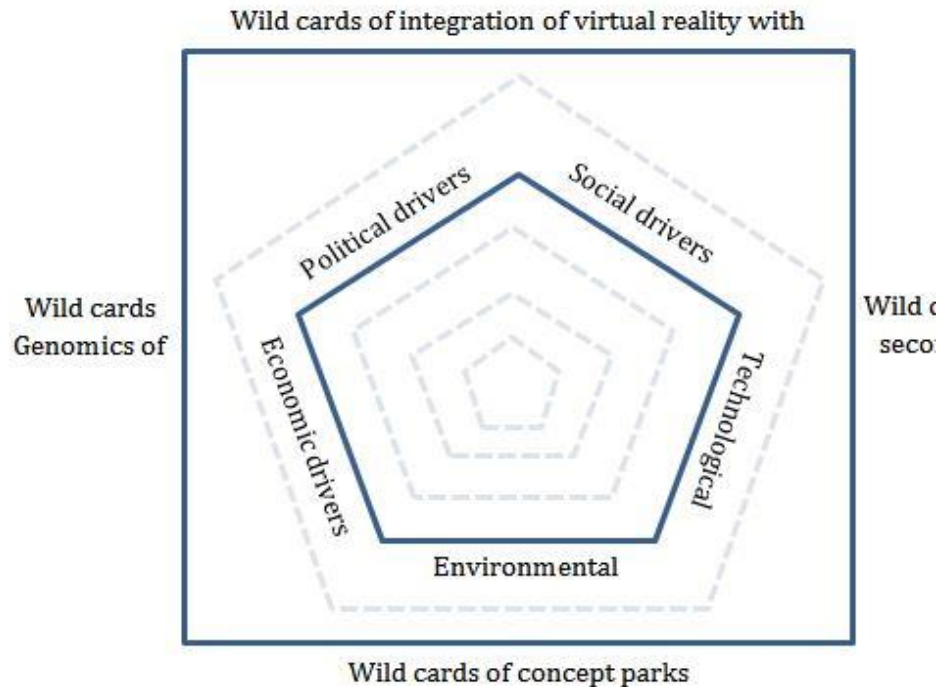


Figure 1-Conceptual model of wild cards and drivers affecting Iranian sports

Conclusion

Due to clear connection between drivers and the wild cards, it must be acknowledged that the economic drivers are related to the whole system and custodians cannot play a role in policy-making in them, and the future of educational sports in Iran and its development can be optimistic only with a positive economic transformation, since "economic and political drivers" are likely to have a significant impact on the future of educational sports in Iran, according to the findings. In connection with political drivers, it can be acknowledged that the approval of the health and physical education curriculum in the Higher Education Council, enactment of supportive legal laws in the parliament, development of space and equipment infrastructure, and training the experienced sports teachers and professors can promote the physical literacy.



Key Words: Futurology, Wild Cards, Driver, Educational Sport, Delphi Technique

References

1. 50. Rashid Lamir, A., Dehghan Ghahfarrokhi, A., & Rashid Lamir, A. (2014). The Development of the Strategic Plan of Sport and Youth Organization of Khorasan Razavi in Sport and Physical Education Section. *Journal of Sport Management*, 5(4): 179-198.
2. Govhar Rostmai, H., Kozehcheyan, H., Amiri, M., & Honari, H. (2013). Typology of stakeholders and their strategic management in the country's sports system. *Sports Management Studies*, 5 (19): 151-170. (Persian)



شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی ایران

جواد شهولی کوه‌شوری^۱، احمدرضا عسکری^۲، رسول نظری^۳

۱. دکتری تخصصی مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، مبارکه، ایران.

۲. استادیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، مبارکه، ایران.

۳. دانشیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

چکیده

تغییرات یا رویدادهایی در آینده وجود دارد که احتمال وقوعشان نسبتاً کم، اما تأثیر بالقوه آنها بر پیشبرد امور، فوق‌العاده زیاد است. در این پژوهش با استفاده از تکنیک دلفی به شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی ایران پرداخته شده است. این پژوهش از نظر شیوه از نوع تحقیقات آمیخته و بر اساس پارادایم نظریه پیچیدگی و دارای رویکرد اکتشافی است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۴ خبره متخصص در حوزه‌های آینده‌پژوهی و ورزش تعلیم و تربیتی و آشنا به آینده‌پژوهی بودند که ابتدا به صورت هدفمند و سپس با روش گلوله برفی انتخاب گردیدند و در سه دور اجرای تکنیک دلفی درباره ۴ شگفتی‌ساز و ۱۷ پیشران شناسایی شده، به اجماع رسیدند. این پیشران‌ها در ۵ دسته اجتماعی، فناوری، زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی شدند. به نظر می‌رسد برای عدم غافلگیری توسط شگفتی‌سازها و پیشران‌ها، از "زمان واکنش" که فاصله‌ای بین سیگنال‌های ضعیف زمان حال و زمان وقوع شگفتی‌سازهای آینده است، لازم است متولیان ورزش تربیتی، برنامه‌ریزی جامع و عملیاتی جهت رصد آینده و پیشنگری آینده برای توسعه ورزش تربیتی تدوین نمایند. از این رو شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی ایران تا حدودی می‌تواند آینده‌های گوناگون را با احتمالات مختلف شناسایی نمایند.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، شگفتی‌ساز، پیشران، ورزش تربیتی، تکنیک دلفی

1. Email: j.shahvali@live.com
2. Email: ahmadreza.askari@mau.ac.ir
3. Email: nazarirasool@yahoo.com



مقدمه

بی‌تردید بیشتر ما بر این باوریم که مطالعه تاریخ اهمیت فراوانی دارد، اما نباید از یاد ببریم که مطالعه آینده نیز مهم است. آینده به وسعت قدرت تفکر و تخیل بشر پیش‌روی ماست. آینده آدمیان را فرا می‌خواند تا با اندیشه‌ای خلاق آن را بیابند و با اقدام نوآورانه آن را پدید آورند و حتی چیزهایی را پیش‌بینی کنند که پیش از این در تاریخ بشر هرگز وجود نداشته است (آرین‌منش، جوانشیری، مدیرشانه‌چی، ۲۰۱۹). امروزه تغییرات محیطی با سرعت بالایی در حال رخ دادن است. بویکو^۱ (۲۰۱۳) محقق و آینده‌پژوه روسی، اذعان می‌دارد که نرخ پیشرفت در تمام قرن بیستم، برابر با ۱۴ سال آینده خواهد شد و به دلیل توان انفجاری رشد، قرن بیست و یکم معادل با ۲۰۰۰۰ سال پیشرفت با آهنگ پیشرفت کنونی می‌شود که هزار برابر بزرگ‌تر از پیشرفت حاصل در قرن بیستم خواهد بود.

در واقع تغییرات چنان غافلگیرکننده از راه می‌رسند که کوچک‌ترین بی‌توجهی به آنها می‌تواند به بهای گزاف غافل‌گیری راهبردی در تمام عرصه‌های زندگی تمام شود. در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکردی که احتمال موفقیت‌های بیشتری دارد، تلاش برای معماری آینده است (خزائی و محمودزاده، ۲۰۱۴). یکی از محیط‌های بسیار مهم که عدم قطعیت‌های بی‌شمار و محیط بسیار پیچیده و دائماً در حال تغییری دارد، محیط ورزش است. ورزش به عنوان یک پدیده پیچیده اجتماعی، یکی از اصلی‌ترین پایه‌های سلامت جسمی همه افراد جامعه شناخته می‌شود (سید عامری و همکاران، ۲۰۱۶).

یکی از محورهای بسیار مهم ورزش، ورزش تربیتی است و فرآیند توسعه ورزش، از ورزش تربیتی آغاز می‌شود (شهوولی کوه‌شوری و همکاران، ۲۰۲۰). ورزش تربیتی، برنامه ورزشی‌ای است که در واحدهای آموزش رسمی شامل مدارس، دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی کشور انجام می‌شود (مرکز آمار ایران، ۲۰۱۷). ورزش تربیتی با متولی‌گری مدارس، مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها، در دو بخش ساعات تربیت‌بدنی و فوق برنامه پیگیری می‌شود (قاسمی و همکاران، ۲۰۱۲). مؤسسات آموزشی از طریق سازماندهی فعالیت‌های مختلفی از جمله برنامه‌های ورزشی خارج از برنامه، مروج عادت‌های سالم هستند (مارتینز^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). بسیاری از اهداف اساسی تربیتی در ورزش‌ها و بازی‌ها نهفته است و از طریق بازی‌ها و ورزش‌ها به صورت آموزش مستقیم و غیرمستقیم، می‌توان به اهداف اساسی تربیتی در بعد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی دست یافت (ناصر و همکاران،

1. Boyko
2. Martinez



۲۰۱۸). آموزش‌های حرکتی و ورزشی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند منجر به رشد سازنده کودکان، نوجوانان و جوانان گردد (پالما و آگوستی^۱، ۲۰۲۰). فعالیت‌های حرکتی در زمینه‌های گوناگون و در قالب فعالیت‌های ورزشی سازمان‌یافته در مراکز آموزشی، در تمام دنیا، با برنامه‌های مخصوص و توجه ویژه دولت‌ها، صورت می‌گیرند (جوراک^۲، ۲۰۲۰).

آموزش ورزش باید بر روی چگونگی برطرف ساختن تمام موانع موجود در امر ورزش برای دانش‌آموزان و دانشجویان تمرکز کند (راتن و جونز^۳، ۲۰۱۸). فرآیند یادگیری در اجتماع، نحوه آموزش را شامل می‌شود و اجتماعی شدن بخشی از آموزش ورزش است. آموزش ورزش، تمایل دارد با توجه به روش‌های تدریس تثبیت شده قابل اعتماد، فرهنگی پدید آورد که از حفظ وضعیت موجود خودداری می‌کند و دائم به جلو حرکت نماید (هولیان و گرین^۴، ۲۰۰۶). بخش ورزش تربیتی، تبدیل به بحث مهمی در جهان شده است و به دیگر بخش‌های جامعه کمک می‌کند (کرک^۵، ۲۰۱۰). لذا توجه به ورزش تربیتی یا آموزشی، در توسعه اجتماعی جوامع، نقشی مهم و ضروری ایفاء می‌کند.

بررسی عوامل محیطی می‌تواند باعث توسعه ورزش شود (براون و آرنولد^۶، ۲۰۱۹). سازمان‌های ورزشی مانند اکثر سازمان‌ها و نهادهای دیگر حوزه‌ها برای بقاء و دوام در عرصه رقابت جهانی، باید به سازمانی آینده‌نگر و راهبرد محور تبدیل شوند (رشید لمیر و همکاران، ۲۰۱۴). امروز دیگر تردیدی نیست که ساختار سازمان‌ها به گونه‌ای پیچیده شده که آنها بدون در نظر گرفتن آینده و برنامه‌ریزی دقیق به هیچ وجه نمی‌توانند به حیات خود تداوم بخشند و سازمان‌های ورزشی نیز از این مقوله مستثناء نیستند (گوهر رستمی و همکاران، ۲۰۱۳). از این رو هر سیستمی که خواهان موفقیت باشد، باید با نگاه به آینده و بررسی تمام پیچیدگی‌ها، اهداف خود را مشخص نماید و نحوه و زمان رسیدن به آن اهداف را در این محیط پرتلاطم و دائماً در حال تغییر، مشخص سازد (نظری و همکاران، ۲۰۱۶).

مواجهه با محیط‌های متلاطم و پویای کنونی، سازمان‌ها را وادار به استفاده و به‌کارگیری طیف وسیعی از روش‌های آینده‌پژوهی می‌نماید. شناسایی شگفتی‌سازها و نیروهای پیشران به عنوان ورودی اصلی روش‌های آینده‌پژوهی، دارای اهمیت خاصی است (پوپر^۷، ۲۰۱۶). پترسن^۸ (۲۰۰۹)، ضمن استفاده

1. Palma & Agosti
2. Jurak
3. Ratten & Jones
4. Houlihan & Green
5. Kirk
6. Brown & Arnold
7. Popper
8. Petersen



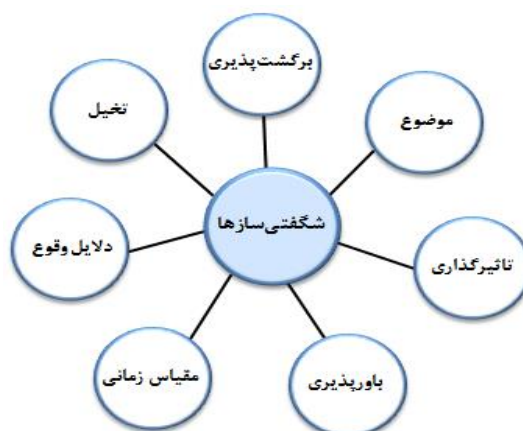
از اصطلاح شگفتی‌ساز، آنها را به صورت رویدادهایی با احتمال پایین و تأثیر بسیار زیاد که به سرعت اتفاق می‌افتند و عواقب بزرگی دارند، تعریف می‌کند (شوارتز^۱، ۲۰۱۳). شگفتی‌سازها همه را غافلگیر می‌کنند، چرا که آن‌قدر سریع اتفاق می‌افتند که نظام‌های اجتماعی زیربنایی، قادر به پاسخگویی اثربخش به آنها نیستند (شیرینچی، عباسی، بهرامی، ۲۰۱۴). استین‌مولر^۲ (۲۰۰۴) شگفتی‌سازها را آینده‌لرزه نام نهاده است، یعنی جایی که زیستگاه امیدها، ترس‌ها، آرزوها، برنامه‌ها و انتظارات ما دچار تغییر می‌شود و تمام دورنمای آینده را به لرزه درمی‌آورد. شگفتی‌سازها سرچشمه‌های مختلفی دارند. شگفتی‌سازها ممکن است پیامدهای ناخواسته اقدامات انسانی (فرآیندهای سیاسی، خط‌شکنی‌های علمی، ریسک‌های نوآورانه و غیره) یا پیامدی از فرآیندهای ناشناخته (نکات عطف احتمالی در زیست‌بوم‌ها، اجرام زمین و غیره) باشند (گلن و گوردون^۳، ۲۰۱۴).

شگفتی‌سازها در سال‌های اخیر بروز و ظهور زیادی در ادبیات حوزه‌های مختلف داشته‌اند (مابل^۴، ۲۰۲۱). شگفتی‌سازها ارتباط تنگاتنگی با عبارات دیگر همچون ناپیوستگی‌ها، تغییرات ناگهانی و رخدادهای بحرانی دارند (مک کو^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). شگفتی‌سازها رخدادهایی هستند که منجر به تغییر پارادایم و رژیم رفتاری سیستم شده و در سیر تکاملی سیستم یک دگردیسی ایجاد می‌کنند (دی بلاس^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). شگفتی‌سازها در یک نگاه سیستماتیک می‌توانند به‌عنوان آزمون‌های جدی برای بررسی مقاومت و تاب‌آوری سیستم‌ها و سازمان‌های بزرگ تلقی گردند. این‌که این سازمان‌ها و سیستم‌ها در مقابله با وقایعی که بیرون از مخروط باورپذیری قرار، چه واکنشی خواهند داشت (ذاکری، ۲۰۱۷)؟ شگفتی‌سازها می‌توانند بسیاری از مسائل را دچار مخاطره کنند و به‌طور بنیادی نحوه تفکر و برنامه‌ریزی دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد را متحول کنند (سونگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۰). محققان این حوزه، شگفتی‌سازها را به سه دسته تقسیم‌بندی می‌کنند: ۱- رخدادهایی که شناخته‌شده هستند و به‌طور قطع رخ خواهند داد، اما قطعیتی درباره زمان وقوع آنها وجود ندارد؛ ۲- رخدادهایی که برای عموم مردم ناشناخته هستند اما با اتخاذ روش‌های مناسب و یا بهره‌گیری از خبرگان این حوزه‌ها امکان شناسایی آنها وجود دارد؛ ۳- رخدادهایی که در ذات خود غیرقابل شناسایی هستند و

1. Showartz
2. Steinmuller
3. Futurequake
4. Golon & Gordon
5. Mabel
6. McCue
7. De Blas
8. Song



واژگان و مفاهیمی برای تصور آنها وجود ندارد که از آنها «ناشناخته‌های ناشناخته»^۱ یاد می‌شود (مندوچا^۲ و همکاران، ۲۰۰۴). شگفتی‌سازها در یک تقسیم‌بندی دیگر به دو دسته قابل بازگشت مانند سقوط بازارهای مالی و غیرقابل بازگشت چون تغییر در محور انتقالی زمین تقسیم می‌شوند (هیلتونن، ۲۰۰۶). شکل ۱ خلاصه‌ای از معیارهای مختلف دیگر تقسیم‌بندی شگفتی‌سازها را نشان می‌دهد (استین مولر^۳، ۲۰۰۴؛ مانرما^۴، ۲۰۰۴).



شکل ۱- معیارهای مختلف تقسیم‌بندی شگفتی‌سازها در ادبیات این حوزه

یکی دیگر از ورودی‌های اصلی برنامه‌های آینده پژوهی، شناسایی نیروهای پیشران است (اتو و کیم^۵، ۲۰۲۰). پیشران‌ها مجموعه‌هایی از نیروهای شکل‌دهنده آینده‌اند که به صورت جهانی، ملی یا محلی بر آینده‌های مختلف تأثیر می‌گذارند. پیشران‌ها به صورت غیرمستقیم بر آینده حوزه‌های اجتماعی، فناوریانه، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی تأثیر می‌گذارند (مینن^۶ و همکاران، ۲۰۱۹). پیشران‌ها را می‌توان از ترکیب چهار مؤلفه روندها، رویدادها، تصاویر و اقدام‌ها شناسایی نمود. روندها و رویداد شناخته شده‌ترین واژه‌های آینده هستند که بر دو ویژگی آینده متمرکزند. روند اشاره به پیوستگی

1. Unknown unknowns
2. Mendonca
3. Steinmeller
4. Mannermaa
5. Otoo & Kim
6. Minen



تاریخی و زمانی دارد و رویدادها بر گسستگی‌های تاریخی تأکید می‌ورزند. روند، تغییرات منظم در داده‌ها یا پدیده‌ها در خلال زمان است. روندها از گذشته آغاز می‌شوند و تا آینده ادامه می‌یابند؛ اما رویدادها بر خلاف روندها، حاصل اتفاق یا حادثه‌اند که به شدت بر روندها و به طور کل، بر آینده تأثیر می‌گذارند. تصاویر حاصل برداشت یا درخواست افراد و گروه‌های گوناگون در مورد آینده است و در نهایت، اقدامات متأثر از تصاویر ذهنی بازیگران مختلف از آینده، شکل می‌گیرند (صلواتیان و مسعودی، ۲۰۱۶). پیشران‌های تغییر، عدم قطعیت‌های کلیدی هستند که دارای پتانسیل تأثیرگذاری بالا بر سازمان و یا محیط اطراف آن هستند که منتج از انتخاب‌های آگاهانه و یا غیر آگاهانه در حوزه‌های مختلف هستند. تفاوت عمده آنها با روندها، گستره زمانی تأثیر آنها و محلی و مشخص تر بودن تأثیر آنهاست (هولوپانیان و تویونن، ۲۰۱۲).

در ارتباط با شگفتی‌سازها و نیروهای پیشران در هیچ کدام از مؤلفه‌های ورزش، مطالعه‌ای به ثبت نرسیده است. از نزدیک‌ترین مطالعات ورزشی می‌توان به مطالعه نظری و شهولی کوه‌شوری (۲۰۲۰) با هدف تدوین سناریوهای راهبردی آموزش ورزش سلامت محور ایران و ارائه پیشران‌های تحریک تقاضا به ورزش، ورزش به عنوان پدافند غیرعامل در بهینه‌سازی جسمی جامعه، تغییرات ژئوپلیتیک و راهبردهای بین‌المللی و رصد برنامه‌های تحریم، اشاره نمود؛ همچنین ادیب‌روشن و همکاران (۲۰۱۸)، مطالعه‌ای با هدف تدوین سناریوهای ورزش قهرمانی استان خراسان رضوی در افق ۱۴۰۴ و ارائه پیشران‌های کلیدی مانند تأمین هزینه‌های زندگی، مسیر شغلی ورزشکار، خصوصی‌سازی، شناسایی و پرورش استعداد و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی، ارائه نمودند؛ از دیگر مطالعات نسبتاً مرتبط، می‌توان به مطالعات شهولی کوه‌شوری و همکاران (۲۰۲۰) با هدف تدوین سناریوهای ورزش تربیتی ایران و دستاورد ارائه پیشران‌های تمرین و یادگیری مهارت‌های توسعه، حرکت به سمت دانشگاه‌های نسل چهارم، هم‌افزایی نهادهای اجتماعی، روندهای جدید مشارکت در ورزش و حکمرانی مبتنی بر کلان‌داده‌ها و همچنین مطالعه پاداش و همکاران (۲۰۱۹) با هدف شناسایی عدم قطعیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی، با ارائه ۲۱ عامل مؤثر بر تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در هفت بعد مدیریتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی، محیطی و قانونی، اشاره نمودند. نگرش دولتمردان به تربیت‌بدنی و ورزش، اسناد بالادستی، کیفیت منابع انسانی، سهم ورزش در سبد هزینه خانوار و تعاملات بین‌دستگاهی و بین‌سازمانی به عنوان عدم قطعیت، نام برده شد.



هر چند در ارتباط با ورزش، مطالعات زیادی در این حیطه به انجام نرسیده است، اما دیگر علوم، با شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌ها، به استقبال کشف آینده رفته‌اند. از جمله می‌توان به بورنام^۱ (۲۰۲۰) در معماری اطلاعات، سو و وشوای وو^۲ (۲۰۲۱) در منابع انسانی ابر رسانه‌ها، وار^۳ (۲۰۲۱) در قدرت تفکر با کامپیوتر، سئوم^۴ و همکاران (۲۰۲۰) در صنعت خودرو در آلمان و آینده محیط‌زیست، فیزک^۵ و همکاران (۲۰۲۰) در شبکه‌های ارتباطی آینده، پالرم و همکاران (۲۰۱۵) در ژنتیک، بیات و شیروانی (۲۰۱۸) در اقتصاد، آراین منش (۲۰۱۹) در سیاست و رهسپار و همکاران (۲۰۱۹) در آموزش و پرورش، اشاره نمود.

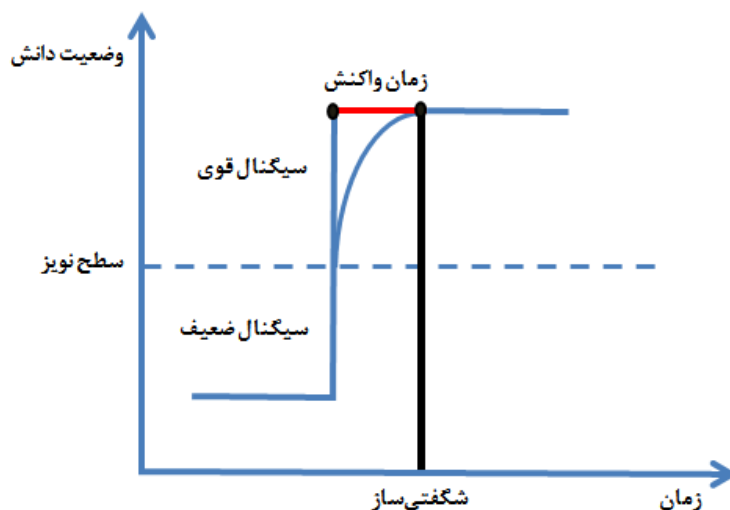
با توجه به مطالب ذکر شده به نظر می‌رسد درک این مطلب می‌تواند راهی برای ورود سیاست‌گذاران ورزشی به مطالعات آینده‌پژوهی باشد تا بتوانند از طریق یک رشته مطالعات نظام‌مند و بلندمدت تصمیمات نادرست را به حداقل برسانند و اتفاقات قریب الوقوع را پیش‌بینی کنند (راتکلیف و کروسزیک^۶، ۲۰۱۱). ضمن این‌که توسعه ورزش تربیتی نیز منجر به توسعه پایدار ورزش در کشور می‌گردد، ولی تاکنون مطالعه‌ای بر اساس رویکردهای آینده‌نگرانه و در شرایط عدم قطعیت مانند شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌ها در این حوزه صورت نگرفته است؛ لذا جای خالی پژوهشی که با رویکردهای نوین، در شرایط پیچیده کنونی با نگاه آینده‌نگرانه صورت پذیرد تا مبانی و خوراک تدوین برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت توسعه ورزش تربیتی ایران باشد، حس می‌شد.

سیگنال‌های ضعیف، پدیده‌های در حال ظهور و یا سیستم‌های سیگنال زود هنگام در واقع ابزار و بستری برای کشف شگفتی‌سازها هستند و به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در تمام سطوح خرد و کلان، خصوصی و دولتی، نظامی و تجاری معمول و مرسوم‌اند (کایوو او‌جا^۷، ۲۰۱۲). می‌توان عنوان نمود که سیگنال‌های ضعیف به‌عنوان پیش‌تازان تغییر اصلی هستند و نه خود تغییر، همچنین سیگنال‌های ضعیف طیف گسترده‌ای از پدیده‌هایی با قطعیت نسبی و یا کاملاً غیرقطعی را شامل می‌شوند. معمولاً سیگنال‌های ضعیف که در حال حاضر و امروز وجود دارند می‌توانند منجر به یک شگفتی‌ساز شوند. برای درک تفاوت بین سیگنال‌های ضعیف و زمان واکنشی که تا تبدیل شدن به شگفتی‌ساز نیاز دارند،

1. Barnum
2. Su & Shuai Wu
5. Ware
4. Seum
5. Fitzek
6. Ratcliffe & Krawczyk
7. Kaivo-oja



مشاهده شکل ۲ می‌تواند کارگشا باشد. در نهایت می‌توان اذعان نمود از آنجایی که در زمان حال، سیگنال‌های ضعیف و قوی وقوع شگفتی‌سازها در آینده دور یا نزدیک را بارویکردهای علمی می‌توان بررسی نمود، زمان واکنشی که در شکل ۲ نیز به خوبی مشخص است، فرصت مناسبی است تا دولت‌ها یا سازمان‌ها با برنامه‌ریزی مناسب، از غافلگیری در آینده جلوگیری نمایند.



شکل ۲- تبدیل سیگنال‌های ضعیف به شگفتی‌ساز (هیلتون، ۲۰۰۶)

از این رو، ضرورت انجام این تحقیق به اهمیت مشخص نمودن شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر در زمان مورد بحث به نام زمان واکنش بر می‌گردد. نتایج احتمالی حاصل از این تحقیق احتمالاً می‌تواند به ارائه یک الگوی جدید، برای شناسایی آینده‌های پیش روی ورزش تربیتی ایران، منجر گردد. از این رو انجام این تحقیق می‌تواند به جنبه‌های ناشناخته مؤثر بر توسعه ورزش تربیتی ایران اشاره نماید. با توجه به این که مطالعات آینده پژوهی کاملاً متفاوت از گذشته و حال است و لزوماً ادامه روندهای گذشته نیست، در این پژوهش قصد بر این است تا بر اساس روش‌های آینده پژوهی و با شناخت فضاهای مؤثر آینده، شگفتی‌سازها و نیروهای پیشران که در آینده ورزش تربیتی ایران، تأثیرگذارند و احتمالاً آینده آن را می‌سازند، شناسایی گردند. کشورهایی که در ورزش پیشرفت داشته‌اند، سعی کرده‌اند با ارائه برنامه‌های توسعه و ایجاد استراتژی‌های مناسب، در جهت گسترش آن گام بردارند. در ایران نیز، توسعه و اعتلاء تربیت‌بدنی و ورزش منوط به تحول سازنده و مثبت در برنامه‌های جاری

ورزشی است. بازنگری در برنامه‌های گذشته و جاری و تدوین برنامه‌های کارآمد و مؤثر با رویکردهای نوین در این شرایط پیچیده محیطی، بی شک نیازمند تحقیقات گسترده و همه‌جانبه است که نتایج آن بتواند خط مشی برنامه جدید را تعیین و صحت انطباق آن را با نیازهای اساسی جامعه در حال تحول ما تضمین کند. از این رو در این پژوهش به دنبال پاسخ به این هستیم که شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی ایران کدامند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از آن جهت که به دنبال کشف مفاهیم جدید است، از منظر هدف، به دنبال کشف و فهم شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی ایران و از منظر رویکرد، استقرایی است. از منظر جهت‌گیری، بنیادی و از منظر شیوه، کیفی است. از منظر استراتژی، مطالعه موردی و از منظر پارادایمی، پارادایم نظریه پیچیدگی است. از منظر ابزار جمع‌آوری اطلاعات، شامل مصاحبه‌های عمیق، پرسش‌نامه باز و بررسی منابع و اسناد و مدارک است. در تحقیقات آینده‌نگاری، در مراحل مختلف پژوهش از روش‌های متفاوتی بهره گرفته می‌شود. این پژوهش از لحاظ رویکرد مطالعات آینده‌پژوهی دارای رویکرد اکتشافی است.

روش‌های زیادی برای آینده‌پژوهی وجود دارند که کاربرد و اثربخشی هر یک از آنها متفاوت است. برای آینده‌پژوهی معمولاً از روش‌هایی مانند درخت رابطه، تحلیل روند، سناریو و دلفی استفاده می‌شود. البته از میان این روش‌ها، دلفی در میان محققان اجتماعی کاربرد بیشتری یافته است (مسعودی، ۲۰۰۵). در این پژوهش نیز برای انتخاب روش تحقیق مناسب با در نظر گرفتن ماهیت پژوهش و هدف اصلی آن، روش دلفی انتخاب گردید.

روش دلفی یکی از روش‌های تحقیق کیفی است که از آن به منظور دستیابی به اجماع در تصمیم‌گیری‌های گروهی استفاده می‌شود. در عمل روش دلفی، یکسری از پرسش‌نامه‌ها یا دوره‌های متوالی به همراه بازخورد کنترل شده‌ای است که تلاش دارد به اتفاق نظر میان یک گروه از افراد متخصص درباره یک موضوع خاص دست یابد. معمولاً روش دلفی شامل مراحل اساسی زیر است:

در مرحله اول، مسئله پژوهش تعریف و بر این اساس ویژگی لازم برای شرکت‌کنندگان در کارگروه دلفی تعیین می‌گردد. این مرحله با تعیین اعضای کارگروه به اتمام می‌رسد. مرحله دوم روش دلفی به تولید ایده در زمینه مسئله پژوهش اختصاص دارد. در این مرحله اعضای کارگروه ایده‌های خود را درباره عوامل مرتبط با مسئله پژوهش ارائه می‌کنند. پژوهشگر با تحلیل و پالایش این ایده‌ها، حذف



موارد تکراری و کاربرد واژگان یکسان، لیست نهایی عوامل مرتبط با مسئله پژوهش را استخراج می‌کند. در مرحله سوم، اعضای کارگروه میزان اهمیت عوامل را تعیین یا تعدادی از مهم‌ترین آنها را انتخاب می‌کنند. در حقیقت این مرحله برای کاهش تعداد عوامل به تعداد قابل قبول برای ادامه کار انجام می‌شود. مرحله چهارم به بازنگری در میزان اهمیت عوامل بر اساس نتایج مرحله پیش یا تعیین ترتیب اهمیت عوامل اختصاص دارد. در این مرحله، هر یک از اعضاء در جریان نظر گروه قرار می‌گیرد و مجدداً در میزان یا ترتیب اهمیت عوامل تجدید نظر می‌کنند.

اعضای مشارک‌کننده در پنل دلفی در این پژوهش از بین اعضای هیئت علمی آینده‌پژوهی (۳ نفر) و مدیریت‌ورزشی آشنا به آینده‌پژوهی (۱۱ نفر) که به ورزش دانش‌آموزی و ورزش دانشجویی آگاهی داشتند و نیز دارای پست‌های اجرایی در این حیطه بودند، انتخاب شدند. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند همراه با نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. در این پژوهش سعی شد تا از حداکثر خبرگان موردنظر استفاده شود. بنابراین تیم تحقیق به صورت هدفمند به شناسایی افراد مطلع و خبره در زمینه تحقیق پرداخت و ۸ نفر از خبرگان را در ابتدای پژوهش مدنظر قرار داد. در ادامه به کمک روش نمونه‌گیری گلوله برفی، تعداد خبرگان به ۱۴ تن رسید. در تجزیه و تحلیل این پژوهش پس از ۳ دور مصاحبه دلفی و رسیدن به توافق گروهی، عوامل اصلی مشخص گردید.

یافته‌ها

هدف از این مطالعه، شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی در ایران بود. در دوره اول دلفی با ۱۲ خبره عضو پنل مصاحبه‌های باز و حضوری انجام شد. هدف این مرحله اکتشاف شگفتی‌سازها و پیشران‌های محتمل از نگاه کارشناسان بود. در این مصاحبه‌ها ضمن تشریح موضوع و ضرورت و اهمیت اجرای آن، از مصاحبه‌شوندگان درخصوص شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی ایرانی سؤال شد. متن مصاحبه‌ها پیاده و به کمک کدگذاری، در دور اول دلفی، ۱۱ شگفتی‌ساز و ۳۹ پیشران شناسایی و در پنج گروه اجتماعی، فناوری، زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی شدند. نتایج دور اکتشافی (اول) دلفی، در جدول ۱ نمایان است.



جدول ۱- شگفتی‌سازها و پیشران‌های شناسایی شده ورزش تربیتی ایران در دور اکتشافی دلفی

شگفتی‌سازها	رشد یا کاهش ناگهانی جمعیت کره زمین- بازی‌های رایانه‌ای به عنوان نسخه و دارو (داروهای دیجیتال)- ادغام واقعیت مجازی با حقیقت- محصول زنده حداقلی- پارک‌های مفهومی- زندگی دوم- وقوع جنگ جهانی دیگر- بدن مجازی- ژنومیک- بحران‌های بیولوژیکی- اتمام زودتر از موقع ذخایر نفت و طلا
پیشران‌های اجتماعی	تغییرات نسلی- توانمندسازی از طریق ورزش- توجه به اهمیت متغیرهای انگیزشی- دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه- توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی- روان‌سنجی نیازهای بنیادین- تغییر دیدگاه جامعه به ورزش- طراحی برنامه با رویکرد بازاریابی غیرتجاری مشارکت در ورزش- فقر فرهنگی حاکم بر جامعه
پیشران‌های فناوری	مهندسی ژنتیک- قالب‌های جدید محتوا- واقعیت مجازی در کنترل حرکتی و حس‌گر- کاربست فناوری اطلاعات بر روی یادگیری- استفاده از واقعیت مجازی در آموزش ورزش- هوش مصنوعی
پیشران‌های زیست‌محیطی	مد نظر قراردادن کلان روندهای زیست محیطی- ایجاد کانون‌های ورزش طبیعی در مدارس و دانشگاه‌ها- عدم توانایی در کنترل آلاینده‌ها- عدم توجه به ساختارهای زیست‌محیطی- تغییرات ژئوپولوژیکی و راهبردهای بین‌المللی
پیشران‌های اقتصادی	نهادینه‌سازی فرهنگ وقف- تأمین معیشت آموزش‌دهندگان- توزیع متوازن منابع مالی- پوشش نیازهای واقعی- نظام اقتصادی با خدمات متنوع- قرار گرفتن ورزش در سبد اقتصادی خانواده اجرای عدالت آموزشی- توانمندسازی در حوزه سلامت روان- عملیاتی کردن برنامه درس‌ملی- دانشگاه‌های نسل چهارم- سیاست‌گذاری بر اساس سند تحول بنیادین- قانونی شدن رشد سواد جسمانی- تغییر در شیوه جذب آموزش‌دهنده‌گان- سوق دادن نظام آموزشی به سمت تربیت محوری- بروز کردن شیوه‌های یاددهی، یادگیری- بسترسازی توسط دولت- باز طراحی الگوهای آموزشی- همکاری بین‌بخشی بازیگران کلیدی
پیشران‌های سیاسی	

هدف فازهای بعدی دلفی دستیابی به اجماع مشارک‌کنندگان پیرامون میزان تأثیر شگفتی‌سازها و پیشران‌های شناسایی شده در آینده ورزش تربیتی ایران بود. در فاز دوم از متخصصان درخواست گردید تا به میزان تأثیر ۱۱ شگفتی‌ساز و ۳۹ پیشران شناسایی شده در مرحله قبل، بر ورزش تربیتی ایران، یک نمره بین عدد یک تا ۱۰۰ بر حسب میزان تأثیر به هر عامل اختصاص دهند. در فاز سوم دلفی، پاسخ تمام مشارکت‌کنندگان دور قبل و همچنین بیشترین گزینه‌هایی که دیگر متخصصان انتخاب کرده بودند، برای همه مشارکت‌کنندگان ارسال شد و درخواست گردید تا در صورت موافقت، رأی اکثریت را تأیید کنند. در نهایت خبرگان مشارکت‌کننده، پیرامون تأثیر زیاد یا خیلی زیاد چهار شگفتی‌ساز (جدول ۲) و ۱۷ پیشران (جدول ۳) بر آینده ورزش تربیتی در ایران، اجماع نظر پیدا



کردند. اجماع درباره هر شگفتی‌ساز و پیشران به این معنی بود که بیش از ۷۰ درصد خبرگان بر سر میزان تأثیر آن شگفتی‌ساز یا پیشران اتفاق نظر داشته باشند.

جدول ۲- شگفتی‌سازهای با تأثیر زیاد یا خیلی زیاد بر ورزش تربیتی ایران

درصد اجماع نظر	شگفتی‌سازها
81%	ادغام واقعیت مجازی با حقیقت
78%	زندگی دوم
77%	پارک‌های مفهومی
72%	ژنومیک

میانگین درصد اجماع نظر خبرگان در ارتباط با شگفتی‌سازهای با بیشترین تأثیر بر آینده ورزش تربیتی ایران، ۷۷٪ بود.

جدول ۳- پیشران‌های با تأثیر زیاد یا خیلی زیاد بر ورزش تربیتی ایران

درصد اجماع نظر	پیشران‌ها	دسته‌بندی
82%	تغییردیدگاه جامعه به ورزش	اجتماعی
80%	دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه	
74%	توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی	
71%	توجه به اهمیت متغیرهای انگیزشی	
79%	استفاده از واقعیت مجازی در آموزش ورزش	فناوری
76%	قالب‌های جدید محتوا	
78%	ایجاد کانون‌های ورزش طبیعی در مدارس و دانشگاه‌ها	زیست‌محیطی
76%	تغییرات ژئوپولوتیکی و راهبردهای بین‌المللی	
72%	مد نظر قراردادن کلان روندهای زیست‌محیطی	
82%	توزیع متوازن منابع مالی	اقتصادی
79%	قرارگرفتن ورزش در سبد اقتصادی خانواده	
77%	تأمین معیشت آموزش دهندگان	
84%	قانونی‌شدن رشد سواد جسمانی	
83%	سوق‌دادن نظام آموزشی به سمت تربیت محوری	سیاسی
79%	همکاری بین‌بخشی بازیگران کلیدی	
79%	سیاست‌گذاری بر اساس سند تحول بنیادین	
76%	بروز کردن شیوه‌های یاددهی-یادگیری	



میانگین درصد اجتماع نظر خبرگان در ارتباط با پیشران‌های با بیشترین تأثیر بر آینده ورزش تربیتی ایران، ۷۸٪ بود. در پایان و پس از شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های تأثیرگذار نهایی، پژوهشگران یک مدل شماتیک با نام مدل مفهومی شگفتی‌سازها و پیشران‌های تأثیرگذار بر ورزش تربیتی ایران که از دل داده‌ها و با نظر خبرگان پدید آمد، تدوین نمودند که به تأیید مشارکت‌کنندگان در این تحقیق نیز رسید. مدل مفهومی مذکور، در شکل ۳ به نمایش در آمد است. هدف از تدوین این مدل، نمایش داده‌های اصلی و نهایی پژوهش، به صورت ساده و تأثیرگذار است. پیشران‌های ۵ گانه، با پنج ضلعی‌های تودرتو که نمایانگر هر دسته پیشران و نشان از ارتباط مستقیم و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری این دسته‌بندی‌ها بر یکدیگرند، به نمایش درآمد. از آنجایی که از لحاظ زمانی احتمال وقوع پیشران‌ها در زمان حال یا آینده‌ای نزدیک است و وقوع شگفتی‌سازها، احتمالاً در سال‌های دورتر اتفاق می‌افتد، در این مدل مفهومی، نیروهای پیشران، در درون ماتریس چهاروجهی که به چهار شگفتی‌ساز نهایی اختصاص یافته‌اند، قرار گرفت. این مدل مفهومی بر اساس معیارهای ذکر شده تنظیم گردید.



شکل ۳- مدل مفهومی شگفتی‌سازها و پیشران‌های تأثیرگذار بر ورزش تربیتی ایران

بحث و نتیجه گیری

روبروشدن با ناشناخته‌ها و مسائل پیچیده باید از طریق رویکردهای فرارشته‌ای انجام گیرد. نیکولاسکو^۱ (۲۰۱۴) معتقد است مطالعات فرارشته‌ای و علم پیچیدگی اگر چه به‌طور مستقل ایجاد شده‌اند، اما می‌توان ارتباط منطقی، هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ای میان آنها یافت. این پژوهش فرارشته‌ای، بر اساس پارادایم نظریه پیچیدگی و با هدف شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های تأثیرگذار بر ورزش تربیتی کشور و با استفاده از روش دلفی که یکی از مناسب‌ترین روش‌ها در تحقیقات آینده‌پژوهی است، انجام شد. افزایش اغتشاشات محیطی و پیچیدگی روزافزون ناشی از جهانی‌سازی و پیشرفت‌های فناوری، موجب آشوبناک، غیرقابل پیش‌بینی، تکه تکه و مغشوش شدن محیط‌های تصمیم‌گیری شده است (ادکرافت و میسون^۲، ۲۰۰۷). این موضوع هر سیستم تصمیم‌سازی را ملزم می‌کند، تطبیق‌پذیری پیش و پس از وقوع شگفتی‌سازها را در خود ایجاد کند. شگفتی‌سازها در سال‌های اخیر بروز و ظهور زیادی در ادبیات حوزه‌های مختلف داشته‌اند. می‌توان اذعان نمود که در سیستم‌های ورزشی و مخصوصاً ورزش تربیتی که دارای متولیان متعددی (شهوولی کوه‌شوری و همکاران، ۲۰۲۰) است، مستثنی از این مسائل نیست و شگفتی‌سازها می‌توانند تأثیر مستقیمی بر شرایط سیستم بگذارند. یکی از شگفتی‌سازهای که در ارتباط با ورزش تربیتی ایران، توسط خبرگان شناسایی گردید، شگفتی‌ساز "ادغام واقعیت مجازی با حقیقت" است. هنگامی که از عینک حقیقت مجازی استفاده می‌شود، بدن یک یادآور سنگین و همیشگی دارد که اعلام می‌کند آنچه می‌بینید، واقعیت ندارد (اسمیت و دوبیوس^۳، ۲۰۱۰؛ کورزومونویچ و گافنی^۴، ۲۰۱۷)؛ اما اگر واقعیت مجازی به‌طور کامل در حقیقت مجازی ادغام شود، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ چنین فضایی می‌تواند واقعیت را ببوشاند و افراد را مهمان تجربه‌ای عجیب کند. این فناوری با استفاده از یک سیستم رهگیری، تمام حرکات‌های فرد را دنبال می‌کند. به کمک داده‌های حرکتی فرد و دوربین‌ها و نمایشگرها، سقف‌ها و دیوارهای مجازی در مقابل شخص، بدون آن‌که به پوشیدن لباس یا عینک حقیقت مجازی نیاز داشته باشند، ظاهر می‌شود. با توجه به پیشرفت لحظه‌ای تکنولوژی، وقوع این شگفتی‌ساز دور از دسترس نیست. این شگفتی‌ساز می‌تواند بر ورزش تربیتی تأثیر مثبتی داشته باشد و با استفاده از این فناوری، می‌توان علاوه بر آموزش ورزش به دانش‌آموزان ودانشجویان، از فضایی برای رقابت حتی بدون رقیب واقعی در

1. Nicolescu
2. Adcroft & Mason
3. Smith & Dubois
4. Kuzmanovic & Gaffney



جهت فعالیت جسمانی استفاده نمود. این شگفتی‌ساز در صورت وقوع می‌تواند انقلاب بزرگی در فعالیت‌های جسمانی بوجود آورد. در کل این شگفتی‌ساز یک شگفتی‌ساز مثبت و دارای اثربخشی بالا، مخصوصاً در آینده ورزش تربیتی است.

شگفتی‌ساز دیگر که از یافته‌ها به‌دست آمد، شگفتی‌ساز "زندگی دوم" است. زندگی دوم یک فضای بسیار وسیع دیجیتالی است که افراد می‌توانند با آواتار خود به آن وارد شوند، با دیگر افراد گفتگو نمایند یا حتی با آنها ورزش کنند (ذاکری، ۲۰۱۹). این سامانه به عنوان نوع جدیدی از ارائه، اجرا و حضور مطرح است و افراد نه تنها آواتار خود را می‌سازند بلکه در ساختن و تغییر جهان اطراف خود نیز سهمیم هستند (سیلوا، ۲۰۱۳). دانشگاه‌های مطرح امریکایی برای این که احتمال می‌دهند آینده دانشگاه در چنین فضایی برگزار می‌گردد، فضایی روی زندگی دوم اجرا کرده‌اند. در صورت بروز چنین شگفتی‌سازی که باز هم از نوع مثبت است، باید مدارس و دانشگاه‌های ما به‌خصوص در بحث آموزش ورزش، توان تصمیم‌سازی و رویارویی با آن را داشته باشند.

دیگر شگفتی‌ساز مطرح شده توسط خبرگان، شگفتی‌ساز "پارک‌های مفهومی" است. پارک‌های مفهومی به عنوان نمونه‌های اولیه آینده، امکان برقراری تعادل و کسب تجربه زیستهٔ حداقلی از آینده را فراهم می‌آورد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آنها لمس آینده از طریق لمس یک صفحه یا یک دیوار است که احتمالاً تجربه‌ای منحصر به فرد است (ساریتس و اسمیت، ۲۰۱۱). یکی از نکاتی که می‌تواند در آینده و در صورت وقوع این شگفتی‌ساز به کمک آموزش ورزش در مدارس و دانشگاه‌ها بیاید، امکان ایجاد تجربه جمعی در این پارک‌های مفهومی است و احتمالاً این شگفتی‌ساز مثبت دیگر، می‌تواند با توجه به خصوصیاتش به توسعه ورزش تربیتی در آینده منجر گردد.

چهارمین و آخرین شگفتی‌ساز، شگفتی‌ساز "ژنومیک" است. ژنومیک یک شاخه علمی نسبتاً جدید است و آثار آن در آیندهٔ تکنولوژی نمایان می‌گردد. ژنومیک شامل تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات ژنتیکی به‌خصوص ژنوم موجودات است. ۱۰ سال از اولین باری که ژنوم انسانی توالی‌یابی شده‌است، می‌گذرد. وقتی توالی‌یابی روی جمعیت انبوه انجام شود ما به داده‌های بسیار زیادی دست پیدا خواهیم کرد؛ داده‌هایی که احتمالاً تمام نادانسته‌ها در اکثر علوم را آشکار خواهد کرد (پیاجت، ۲۰۱۳). از آنجایی که ورزش و ژنتیک ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند (گوپلر می و لوسیا، ۲۰۱۹)، در صورت

1. Silva
2. Saritas & Smith
3. Piaget
4. Guilherme, L. F. & Lucia



وقوع احتمالی این شگفتی‌ساز، احتمالاً به کشف‌های بسیار خوبی در ارتباط با مشارکت و نحوه مشارکت و متقاعدسازی به شرکت در فعالیت جسمانی در ورزش مدارس و دانشگاه، دست خواهیم یافت.

شگفتی‌سازهای شناسایی شده در این پژوهش بر اساس معیارهای مختلف تقسیم‌بندی شگفتی‌سازها (شکل ۱)، از آن جهت که ورزش تربیتی، ماهیتی آموزشی دارد، از نوع موضوعی با موضوع آموزش محور و همچنین دارای معیارهای باورپذیری می‌باشند. در بحث شگفتی‌سازها تأکید بر این است که همه چیز قابل برنامه‌ریزی نیست و قبل از هر تغییری یک هشدار و یا سیگنال ضعیف وجود دارد که تحلیلگر و استراتژیست باید آن را کشف کند و از آن بهره‌جوید (انساف^۱، ۲۰۰۷). از سیگنال‌های ضعیف به‌عنوان پیشتان‌ان تغییر اصلی یاد می‌شود؛ بر همین اساس، در شکل (۲) سیگنال‌های ضعیف و قوی وقوع شگفتی‌سازها در آینده دور یا نزدیک را با رویکردهای علمی می‌توان بررسی نمود؛ زمان واکنشی که نیز در این شکل به آن اشاره شده است، از اهمیت بسیاری برخوردار است. پس می‌توان در ارتباط با ورزش و بالخصوص ورزش تربیتی که دارای متولیان زیادی در سطح دو وزارتخانه کلیدی آموزش و پرورش و وزارت علوم است، پیشنهاد نمود تا بر اساس اصل هم‌افزایی، کمیته مشترک رصد آینده شکل گیرد؛ بر این اساس با بررسی مدام و واکنش صحیح در زمان مناسب، می‌توان اطمینان حاصل نمود که شگفتی‌سازها، خللی احتمالی و زیان‌بار در روند آموزش ورزش ایجاد نمی‌نمایند، بلکه آن را به فرصتی استثنایی جهت توسعه ورزش تربیتی و در نهایت تمام حیطه‌های ورزش تبدیل می‌نمایند.

در کنار شناسایی شگفتی‌سازها در این پژوهش، به شناسایی نیروهای پیشران تأثیرگذار بر ورزش تربیتی ایران نیز پرداخته شد. یکی از دسته‌بندی‌های پیشران‌های تأثیرگذار، پیشران‌های اجتماعی است که از پیشران‌های تغییر دیدگاه جامعه به ورزش، دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه، توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی و توجه به اهمیت متغیرهای انگیزشی تشکیل شده‌اند. یکی از نشانک‌های قوی این دسته‌بندی "تغییر دیدگاه جامعه به ورزش" است. آموزش، فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش آحاد جامعه به ورزش و فعالیت جسمانی از مهم‌ترین محورهای برنامه‌های متولیان ورزش تربیتی می‌تواند باشد. مهم‌بودن تأثیر فعالیت‌های ورزشی بر ارتقاء سطح سلامتی و نشاط اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. یک پیشنهاد کاربردی در این ارتباط اجرای طرح استفاده رایگان از اماکن ورزشی وزارتخانه‌های ورزش و آموزش و پرورش است. همچنین می‌توان برای تغییر دیدگاه جامعه به ورزش،

1. Ansoff



از تدوین شیوه‌نامه‌هایی با محوریت فعالیت بدنی و ورزش همگانی مانند برگزاری مداوم برنامه‌های مناسبی و اجرای دقیق آن توسط ادارات کل آموزش و پرورش در هر استان نام برد. برای هدف عمومی‌سازی ورزش در بین آحاد مردم، بهترین مکان‌ها برای شروع، مدارس و دانشگاه‌ها هستند، با نهادهای فعالیتهای جسمانی در بین دانش‌آموزان و دانشجویان و ترغیب آنان به شرکت در ورزش، دیدگاه جامعه نسبت به ورزش تغییر می‌کند و می‌توان در آینده‌ای نزدیک آن را به کل افراد جامعه بسط داد. پیشران اجتماعی بسیار مهم دیگر، پیشران "دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه" است. انسان باید از ابتدای تولد تحت انضباط کامل تربیتی قرار گیرد و روند برنامه‌ریزی آموزشی از همان آغاز تولد جزو مأموریت‌های وزارت آموزش و پرورش است. آموزش با کیفیت برای همه به شکل‌گیری شخصیت و هویت منجر می‌شود (شهبولی‌کوه‌شوری، ۲۰۲۰). از این رو، یکی از نیروهای عمده تشکیل دهنده آینده ورزش تربیتی ایران، دسترسی به آموزش با کیفیت ورزش برای همگان است. پیش‌نیاز آموزش با کیفیت ورزش، داشتن محیط‌های سخت‌افزاری مناسب است. در این ارتباط پیشنهاد می‌گردد اولویت‌های سخت‌افزاری آموزش ورزش در هر استان، شهرستان، بخش و روستا، مشخص گردد و سپس وزارت‌خانه‌های علوم و آموزش و پرورش از طریق ارتباط با خیرین، آنان را برای حل مسائل مربوطه و تعیین اولویت و نیاز مناطق هدایت کنند و بر اساس نیازهای مشخص‌شده در این زمینه به خیرین الگوهایی برای توسعه زیرساخت‌های آموزش ورزش در طول چند سال آینده ارائه نمایند. نیروی پیشران اجتماعی بعدی که در ساختن آینده ورزش تربیتی ایران اثرگذار است، پیشران "توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی" است. احتمالاً یکی از مواردی که در ساخت آینده تأثیرگذار است، توجه به کیفیت زندگی و مفهوم آن در فرهنگ‌های مختلف است که دارای مفاهیم زیادی است (دویران، غلامی و دانش دوست، ۲۰۱۲). توسعه ورزش، مخصوصاً ورزش تربیتی در بافت‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی با هم متفاوت است؛ در این ارتباط پیشنهاد می‌گردد متولیان ورزش تربیتی با تدوین یک برنامه آمایش سرزمینی با محوریت تفاوت‌های موجود در اجتماعات و فرهنگ‌های مختلف، کلیه روندهایی که منجر به توسعه ورزش تربیتی در فرهنگ‌های مختلف می‌شوند را شناسایی کند و بر اساس آنها برای آینده ورزش تربیتی، راهبرد تدوین نمایند. آخرین پیشران اجتماعی که از نظر خبرگان دارای اهمیت بسیاری در ساخت آینده ورزش تربیتی ایران است، پیشران "توجه به اهمیت متغیرهای انگیزشی" است. توجه به اهمیت باورهای انگیزشی به عنوان یک متغیر تأثیرگذار در روند آموزش، ضروری می‌نماید که بیش از پیش به این موضوع و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن پرداخته شود (باعزت و همکاران، ۲۰۱۷). راهبردهای انگیزشی یادگیری بیشترین تأثیر را در بروز استعدادها



ورزشی ایفاء می‌کند و این متغیر دارای مؤلفه‌هایی است که قابل آموزش است (سلمان و امینی، ۲۰۱۶). در این زمینه، پیشنهاد می‌گردد از هم‌اکنون جو انگیزشی مناسب توسط معلمان ورزش در مدارس و اساتید ورزش در دانشگاه‌ها، خلق گردد تا در آینده‌ای نزدیک شاهد تأثیر متغیرهای انگیزشی بر توسعه ورزش تربیتی گردیم. جو انگیزشی یکی از عوامل محیطی-اجتماعی است و به‌عنوان میزان تأکید بر عوامل برد و باخت در مکان‌های آموزشی گروهی تعریف می‌شود. ساختار جو انگیزشی از «تئوری دستیابی به هدف» نشأت می‌گیرد. جو انگیزشی خلق شده به‌وسیله معلمان و اساتید ورزش، یک سازه هدفی-موقعیتی است که به واسطه آن، موفقیت و شکست در محیط اجتماعی مورد داوری قرار می‌گیرد (درویشی میرشکارلو، مهی‌زاده و احمدی، ۲۰۱۴).

بر اساس یافته‌ها، دسته بندی دیگر، پیشران‌های فناوری هستند. یکی از نشانک‌های قوی که از جنس پیشران‌های فناوری است، پیشران "استفاده از واقعیت مجازی در آموزش ورزش" است که احتمالاً نقش پررنگی در توسعه ورزش تربیتی در آینده خواهد داشت. با استفاده از واقعیت مجازی می‌توان پیچیده‌ترین مفاهیم را به آسانی و با روشی لذت بخش به دانش‌آموزان، آموزش داد. دانش‌آموزان با این مفاهیم پیچیده در محیطی سه بعدی روبرو می‌شوند و بهتر می‌توانند آن را درک کنند. واقعیت مجازی یک محیط سه بعدی مجازی یا شبیه‌سازی شده است که به وسیله کامپیوتر ایجاد می‌شود و به طور معمول از طریق کلاه یا هدست مخصوص ساخته می‌شود به طوری که محرک‌های صوتی و تصویری را برای کاربر فراهم می‌سازد (شهوولی کوه‌شوری، ۲۰۲۰). یکی دیگر از راه‌های عالی استفاده از واقعیت مجازی در ورزش برای تمرینات داخلی و آموزش است. در ورزش‌هایی مانند بسکتبال، بیس بال، و تنیس ورزشکاران می‌توانند در محیطی شبیه‌سازی شده تمرین کنند و تکنیک خود را طبق بازخورد سیستم هماهنگ سازند. در این ارتباط پیشنهاد می‌گردد متولیان با برقراری ارتباط با کنسول‌های معروف بازی در جهان، نیازهای آموزشی خود در ورزش را مطرح کنند و نسخه‌های اختصاصی خود را دریافت نمایند و با استفاده از آنها در مدارس و دانشگاه‌ها، حتی اقدام به استعدادیابی در ورزش از این روش‌های جدید مبتنی بر فناوری نمایند. پیشران فناوری دیگر، پیشران "قالب‌های جدید محتوا" است. در حال حاضر رسانه‌های اجتماعی بستر جدیدی را برای تولید محتوا فراهم کرده‌اند و در آینده نیز شاهد به وجود آمدن بسترهای نوینی خواهیم بود. در این ارتباط بهتر است تا تصمیم‌گیران حیطه ورزش تربیتی با فراهم‌سازی سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مناسب، آموزش ورزش را از این کانال نیز توسعه دهند و با ایجاد محتوا و ارائه آن در بستر مجازی و یا از طریق پادکست‌های صوتی، به ترغیب افراد بیشتری به شرکت در ورزش و فعالیت‌های جسمانی بپردازند.



بر اساس یافته‌های این پژوهش یکی دیگر از پیشران‌های شناسایی شده، پیشران‌های زیست محیطی‌اند. این مجموعه، از سه پیشران ایجاد کانون‌های ورزش طبیعی در مدارس و دانشگاه‌ها، تغییرات ژئوپولوتیکی و راهبردهای بین‌المللی و مد نظر قرارداد کانون‌های زیست‌محیطی، تشکیل شده است. پیشران "ایجاد کانون‌های ورزش طبیعی در مدارس و دانشگاه‌ها" اشاره به ورزش در طبیعت و شور و هوای خاص آن دارد. یکی از مهم‌ترین رویکردهای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در سراسر جهان توجه به ورزش و تربیت‌بدنی در میان جمعیت دانش‌آموزی و دانشجویی است و بر این اساس با استفاده از برنامه‌های طبیعت، سعی در نهادینه کردن فعالیت بدنی در مدارس و دانشگاه‌ها دارند (شهولی‌کوه‌شوری، ۲۰۲۰). با توجه به این‌که در تمام استان‌ها، مناطق و کانون‌های طبیعی خاص و فراوانی برای فعالیت بدنی و ورزش کردن وجود دارد، پیشنهاد می‌گردد وزارتخانه های علوم و آموزش و پرورش، با تجهیز کانون‌های طبیعی به امکانات ورزشی (حداقل در هر شهر یک کانون طبیعی) نقش تعیین‌کننده خود را در سلامت و شادابی نسل نوجوان و جوان و افزایش ضریب هوشی در جهت یادگیری مطالب علمی و به دنبال آن توسعه علمی در کشور به انجام برسانند. پیشران زیست محیطی دیگر، پیشران "تغییرات ژئوپولوتیکی و راهبردهای بین‌المللی" است که یکی از نیروهای تأثیرگذار بر ساخت آینده محتمل ورزش تربیتی است. بشیریه (۲۰۰۳) موضوع ژئوپلیتیک را مطالعه مبانی جغرافیایی قدرت دولت‌ها می‌داند. نقش ویژگی‌های سرزمین، آب و هوا، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی و خصوصیات فرهنگی بر شکل و عملکرد نظام سیاسی، مورد بحث این شاخه از دانش سیاسی است. به‌علاوه چون هر یک از دولت‌ها بخشی از فضای جغرافیایی-سیاسی جهان را تشکیل می‌دهند، بحث از روابط بین‌الملل از این دیدگاه خاص نیز مطرح می‌شود. از آنجایی که از نظر خبرگان، تغییرات ژئوپولوتیکی و راهبردهای بین‌المللی تأثیر زیادی در ساخت آینده ورزش و مخصوصاً ورزش تربیتی دارند، پیشنهاد می‌گردد با رصد تغییرات بین‌المللی و تغییرات کلان آن، شیوه‌نامه‌های بومی توسعه فعالیت بدنی در مدارس و دانشگاه‌ها تدوین گردد. در ارتباط با پیشران‌های سبز و پیش‌بینی آینده می‌توان به نقش برجسته "کلان روندهای زیست‌محیطی" اشاره نمود. رویدادهای متعددی که در یک توالی خاص (حتی به موازات هم) و در یک بازه زمانی و بافتار خاص رخ می‌دهند، تشکیل یک روند را می‌دهند. به طور معمول، ترکیب چندین روند، باعث به وجود آمدن کلان روند می‌شود (کوک، ۲۰۱۴). کلان روندها، عوامل پر قدرتی هستند که به آینده شکل

1. Cook



می‌دهند (کوسا، ۲۰۱۰). یکی از مهم‌ترین کلان روندهایی که امروز اهمیت زیادی دارد، کلان روندهای زیست‌محیطی‌اند که سهم بسیار زیادی را در ترسیم همه‌آینده‌های پیش رو در تمامی علوم دارند و مطمئناً این کلان روند که مورد توجه خاص یونسکو (هینمان^۲، ۲۰۱۱) نیز قرار گرفته است، سهم بسیار زیادی در ترسیم آینده آموزش و ورزش دارد و مطمئناً ورزش تربیتی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این رو بهتر است متولیان ورزش تربیتی در برنامه‌ریزی آینده خود به این کلان روند توجه ویژه نمایند. این کلان روند سبز، به عنوان فرآیندهای دگرگونی بلندمدت با دامنه وسیع‌تر و تأثیرات ریشه‌ای‌تر مطرح است. مطالعه و رصد مدام کلان‌روندهای آینده توسط متولیان می‌تواند از غافلگیری احتمالی در آینده‌های متفاوت جلوگیری نماید.

یکی دیگر از پیشران‌های مهم شناسایی شده که در آینده ورزش و ورزش تربیتی بسیار مهم است، پیشران‌های اقتصادی‌اند. در میان تمام مسائل یک جامعه، اقتصاد به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی مطرح است. اقتصاد در تمام ابعاد یک جامعه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از پیشران‌های مهم اقتصادی که در آینده ورزش تربیتی تأثیرگذار است، پیشران "توزیع متوازن منابع مالی" است. یکی از مشکلات چندین سال اخیر در کشور، محدودیت‌های منابع مالی و توزیع نامناسب منابع مالی است. متعاقباً آموزش و پرورش و وزارت علوم نیز از این محدودیت‌های مالی فراگیر رنج می‌برند. اگر در چند سال آینده نیز اوضاع مانند وضعیت امروزی باشد و تحولی شگرف در رفع محدودیت‌های مالی و توزیع نامتوازن منابع مالی ایجاد نگردد مطمئناً ورزش تربیتی در جاهای کم‌برخوردارتر، به مسئله‌ای فرعی تبدیل می‌شود که احتمالاً فقط نشانی از آن باشد و هیچ‌گونه فعالیت تربیتی و آموزشی در مکان‌های فوق‌الذکر صورت نگیرد. برای این‌که ورزش تربیتی در تمام مناطق به طور منظم برگزار گردد و توسعه یابد، پیشنهاد می‌گردد در این مورد تمرکززدایی سیستماتیک انجام گردد. تمرکززدایی حکم می‌کند که توزیع اعتبارات در بین شهرهای استان، توسط نهاد استانی انجام شود و کنترل توزیع و نحوه استفاده از آن بر اساس ضوابطی یکسان در کشور به شکل متمرکز انجام شود. در این روش سهم اعتبارات استانی، توسط شاخص‌هایی که هم مشخص‌کننده وضعیت شهرها و هم مشخص‌کننده سطوح توسعه در ورزش تربیتی استان‌ها هستند تعیین می‌شود. در نتیجه سطح‌بندی انجام گرفته در ورزش تربیتی منطبق با نیازهای شهری هر استان خواهد بود. دو پیشران اقتصادی دیگر یعنی "قرارگرفتن ورزش در سبد اقتصادی خانواده" و "تأمین

1. Kuosa
2. Heyneman



معیشت آموزش‌دهندگان " مستقیماً با اوضاع اقتصادی ارتباط دارند. مطمئناً در وضع موجود با وجود تورم‌های پایدار در چند سال گذشته و عدم توازن در بالا آمدن درآمد اقشار جامعه در همین مدت، خانواده‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند، به نحوی که می‌توان بیان نمود ورزش جایگاهی در سفره اقتصادی خیلی از خانوارها ندارد. در مورد دیگر پیشران اقتصادی نامبرده نیز می‌توان اذعان نمود اگر معلمین ورزش در مدارس و یا اساتید تربیت‌بدنی در دانشگاه‌ها از لحاظ معیشتی در سطح خوبی قرار داشته باشند، در امر آموزش ورزش می‌توان موفق‌تر عمل نمود. مطمئناً این پیشران و این‌که در آینده وضع معیشتی نیروهای آموزش‌دهنده ورزش در چه سطحی باشد، تأثیر مستقیم بر آینده ورزش تربیتی خواهد گذاشت. نکته مشترک این دو نیروی شکل‌دهنده آینده ورزش تربیتی در این است که متولیان ورزشی تربیتی مانند وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش، عملاً کاری در این دو زمینه نمی‌توانند انجام دهند و این مسئله مستقیم با نظام اقتصادی کشور و قوه‌های مجریه و مقننه ارتباط دارد. از این رو پیشنهاد کاربردی در این زمینه نیز متوجه دولتیان و مجلسیان خواهد بود. اجرای طرح تحول بزرگ اقتصادی و از سویی راهکارهای رهایی از تحریم‌های اقتصادی بین المللی، احتمالاً در آینده منجر به توسعه اقتصادی در جامعه و متعاقباً توسعه ورزش تربیتی که نیازمند بودجه‌های فراوانی است، می‌شود.

از مهم‌ترین پیشران‌های شناسایی شده در این پژوهش، می‌توان به پیشران‌های سیاسی اشاره نمود. بر اساس نظر خبرگان، پیشران "قانونی شدن رشد سواد جسمانی" بیشترین تأثیر را بر آینده ورزش تربیتی ایران در بین پیشران‌های سیاسی دارد. همان‌طور که خواندن، نوشتن، گوش دادن و صحبت که موجب سواد زبانی هستند کمک می‌کنند تا شخص در طول زندگی بتواند بخواند و معاشرت کند، سواد جسمانی نیز کمک می‌کند تا بخش‌های مختلف با هم دائماً در ارتباط باشند تا شخص به‌طور کل در طول زندگی فعالیت بدنی لذت‌بخش و راحتی داشته باشد (وایتهد^۱، ۲۰۰۱). با توجه به اهمیت بالای سواد جسمانی در سنین کودکی و نوجوانی، پیشنهاد می‌گردد قوانین حمایتی و پشتیبانی و زیرساخت برای توسعه سواد بدنی و جسمانی فراهم گردد. پیشران سیاسی بعدی که می‌تواند بر آینده ورزش تربیتی تأثیرگذار باشد، پیشران "سوق‌دادن نظام آموزشی به سمت تربیت محوری" است. اشاره به این دارد که آموزش باید تربیت محور باشد و اصل آموزش باید در خدمت تربیت باشد و مهارت‌های مختلفی که انسان در زندگی نیاز دارد را باید یاد بگیرد. پیشنهاد می‌گردد تا با تصویب برنامه درسی سلامت و تربیت بدنی در شورای عالی آموزش و پرورش، زمینه را برای تربیت نونهالان و کودکان و

1. whitehead



شکوفایی فکری آنان از طریق ورزش فراهم کنند. پیشران سیاسی دیگر، پیشران "همکاری بین‌بخشی بازیگران کلیدی" است. مطمئناً، از تأثیرگذارین‌ترین نهادها بر ساخت آینده ورزش تربیتی ایران، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم هستند. از این رو هماهنگ بودن این نهاده‌ها و همگرایی آنها، می‌تواند منجر به سیاست‌گذاری‌های بلند مدت اصولی گردد. پیشنهاد می‌گردد معاونت سلامت و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم، مرکز ورزش و تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی، فدراسیون ملی ورزش دانش‌آموزی و فدراسیون ملی ورزش‌های دانشگاهی همگرایی‌ها را کنار گذارند و کمیته ملی مستقل ورزش تربیتی تحت هدایت وزارت آموزش و پرورش تشکیل و به سیاست‌گذاری‌های کوتاه مدت و بلند مدت بپردازد. پیشران سیاسی دیگر که بر آینده ورزش تربیتی ایران تأثیرگذار خواهد بود، پیشران "سیاست‌گذاری بر اساس سند تحول بنیادین" است. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود. در این زمینه پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاری بر اساس سند تحول بنیادین در معاونت سلامت و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش صورت پذیرد. پیشران سیاسی انتهایی، پیشران "بروزکردن شیوه‌های یاددهی-یادگیری" است. بدون شک ترکیب‌های نقش معلم، دانش‌آموز و استاد، دانشجو، در انتقال اطلاعات و آموزش مخصوصاً در ورزش که معلم ورزش یا استاد ورزش در نقش مربی ظاهر می‌گردد، به خوبی مشخص است. بدیهی است وزارت‌خانه‌های علوم و آموزش و پرورش، بی‌وقفه در پی بالابردن سطح دانش و اطلاعات اساتید و معلمان باشند تا بروزترین شیوه‌های یاددهی و یادگیری را فرا گیرند و آن را در آموزش به کار برند. بدون شک، نقش فناوری در بروز کردن این شیوه‌ها، بر همگان مشخص است. از این رو پیشنهاد می‌گردد که متولیان با تولید پلت‌فرم‌های اختصاصی بومی برای آموزش ورزش و ارتباط مستمر همه معلمان ورزش و اساتید ورزش از این طریق، باعث بروزکردن شیوه‌های یاددهی-یادگیری به صورت دایمی گردد.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان اذعان داشت که با شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی ایران، تا حدودی می‌توان آینده‌های گوناگون آن را با احتمالات مختلف شناسایی نمود و بر این اساس و با دیدی بازتر برای آینده، راهبردهای عملیاتی مشخص نمود. شگفتی‌سازها گاهی رویدادهای تحول‌آفرین مانند اختراع یک فناوری جدید یا وقوع یک جنگ جهانی یا به زیر آب فرو رفتن منطقه‌ای بر اثر پیشروی دریا یا ذوب یخ‌ها هستند که در هر صورت شگفتی اجتناب‌ناپذیر ما را به همراه دارند. گاهی می‌توان با ردیابی علائم ضعیفی از یک شگفتی‌ساز که در شرف وقوع قرار



دارد آگاه شد؛ اما همیشه چنین امکانی وجود ندارد. سونامی و زلزله نمونه خوبی برای این دسته از شگفتی‌سازها هستند. در آینده پژوهی نیز همواره با عوامل و پدیده‌هایی روبه‌رو می‌شویم که نقشی شگفتی‌ساز دارند و با تغییر چشمگیر روندهای کنونی جاری شکل نهایی آینده را به گونه‌ای کاملاً متفاوت از آن چه که در پیش‌بینی‌های خود احتمال داده‌ایم رقم می‌زنند. با شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های تأثیرگذار بر ورزش تربیتی ایران، می‌توان آینده‌های پیش‌رو را تا حدودی پیش‌بینی نمود. در پایان پیشنهاد می‌گردد رویکردهای گوناگون برای مواجهه با شگفتی‌سازها در ورزش مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به مشخص شدن ارتباط میان پیشران‌ها و شگفتی‌سازها، و از آن‌جا که می‌توان احتمال داد "پیشران‌های اقتصادی و سیاسی"، تأثیر بسیار زیادی بر آینده ورزش تربیتی ایران، دارند، می‌توان بیان نمود که پیشران‌های اقتصادی، مربوط به کل نظام می‌شوند و متولیان نمی‌توانند نقشی در سیاست‌گذاری در آن‌ها داشته باشند و فقط با یک تحول مثبت اقتصادی می‌توان به آینده ورزش تربیتی در ایران و توسعه آن خوشبین بود. در ارتباط با پیشران‌های سیاسی نیز می‌توان اذعان نمود که تصویب برنامه درسی سلامت و تربیت بدنی در شورای عالی آموزش و پرورش، تصویب قوانین حقوقی حمایتی در مجلس، توسعه زیرساخت‌های فضا و تجهیزات و پرورش معلمان و اساتید مجرب ورزش، می‌تواند باعث توسعه سواد بدنی و جسمانی گردد. در پایان می‌توان بیان نمود که فرآیند محور نمودن ورزش تربیتی بر اساس یک محور استراتژیک از مدرسه تا دانشگاه می‌تواند محور اساسی و فصل مشترک بین وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم باشد، که پیامد آن منجر به توسعه ورزش تربیتی در آینده می‌گردد. لذا توصیه می‌شود مدیران و سیاست‌گذاران ورزشی تشکیل کمیته ملی ورزش تربیتی را در دستور کار قرار دهند. همچنین تشکیل معاونت ورزش تربیتی در اصلی‌ترین نهاد سیاست‌گذار در ورزش کشور، یعنی وزارت ورزش و جوانان می‌تواند در دستور کار قانون‌گذاران قرار گیرد تا با سیاست‌گذاری و هم‌افزا نمودن حوزه ورزش تربیتی سطح بهره‌وری در این حوزه ورزشی بیش از پیش افزایش یابد و در نهایت ورزش ایران تحت تأثیر این هم‌افزایی قرار گیرد و به سمت توسعه و تعالی در آینده‌ای نزدیک حرکت نماید.

پیش از انجام این پژوهش و با توجه به نتایج مطالعات محدود در گذشته که در ارتباط با موضوع پژوهش به دست آمده بود، تصور بر این بود که احتمالاً تمامی شگفتی‌سازها قابل شناسایی هستند و یا این که زمان وقوع آنها، قابل پیش‌بینی است و یا این گونه تصور می‌شد که دانش جامعه مورد مطالعه در ارتباط با شگفتی‌سازها و نیروهای پیشران، در سطح پایین قرار دارد. انجام این تحقیق از این جهت



قابل توجه است که اهمیت شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های تأثیرگذار بر ورزش تربیتی ایران، می‌تواند منجر به شناسایی عوامل تشکیل دهنده آینده‌های پیش رو در حوزه ورزش تربیتی گردید. از طرفی با توجه به این‌که پیرامون مواردی هم‌چون ورزش و شگفتی‌سازهای آینده، که در ایران به شکل جامع در مورد آن پژوهشی مدون و جامع انجام نشده، نتایج به دست آمده و پیشنهادات ارائه شده می‌تواند دریچه‌ای جدید به روی محققان و مسئولین کشور در خصوص مسئله مهم شناسایی و پیش‌بینی آینده‌های پیش‌روی ورزش، باز نماید و از این راه بتوان ارائه طریق و راهکار نمود. به طور کلی، نتایج بیانگر آن است که عوامل متعدد و ناشناخته‌ای در آینده اتفاق می‌افتد، که شناسایی و آمادگی روبه‌رو شدن با در زمان مناسب، منجر به توسعه ابعاد ورزش می‌گردد.

تشریح و قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمامی کسانی که در اجرای پژوهش مشارکت داشتند، به‌ویژه اساتید بزرگواری که در مصاحبه‌ها شرکت کردند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند، سپاسگزاری کنند.

منابع

1. Adcroft, A., & Mason, R.B. (2007). The external environment's effect on management and strategy: a complexity theory approach. *Management decision*, 45(1): 10-28.
2. AdibRoshan, F., Talebpour, M., & Peymanizad, H. (2018). Drawing the scenario of elite sports of Khorasan Razavi province in 1404 horizon. *Sport Management and Development*, 6(3): 168-186. (Persian)
3. Ansoff, H. (2007). *Strategic management*. New York: Springer.
4. Aryanmanesh, M., javanshiri, A., & Modirshanechi, M. (2019). The Wild-Cards and Driver Forces of Iran-US Relations in 2029. *Journal of Iran Future Studies*, 4(1): 117-140. (Persian)
5. Bayazat, F., Akbari, A., Abbasi-Asl, O., Mahdavi, M. (2017). Presentation of Causal Model for Motivational Beliefs Based on Metacognitive Abilities by Mediating of Self-efficacy. *Journal of Educational Psychology Studies*, 14(27): 87-114. (Persian)
6. Barnum, C. M. (2020). *Usability Testing Essentials: Ready, Set...Test!*. (Second Edition). London: Morgan Kaufmann.
7. Bayat, R., & Shirvani, M. (2018). Identifying and analyzing the drivers of the process of improving economic value added in line with the future of companies. *Strategy Quarterly*, 27(1): 49-69.
8. Bashireyeh, H. (2003). *Teaching political knowledge*. Tehran: Publication Negahe Moaser. (Persian)
9. Brown, D. J., & Arnold, R. (2019). Sports performers' perspectives on facilitating thriving in professional rugby contexts. *Psychology of Sport and Exercise*, 40: 71-81.



10. Cook, C.N. (2014). Strategic foresight: how planning for the unpredictable can improve environmental decision-making. *Trends in ecology & evolution*, 29(9): 531-541.
11. Darvishi Mirshekaro, A., MehdiZadeh A., Ahmadi, M. (2014). Thirty Consequences of Mastery-Oriented and Performance-Oriented Motivational Atmosphere in Physical Education Classes. *Quarterly Journal of Physical Education (Roshd)*, 50: 17-19. (Persian)
12. De Blas, J., Cepeda, M., & D'Hondt, J. (2020). Higgs Boson studies at future particle colliders. *Journal of High Energy Physics*, 196(5): Article number: 139.
13. Doiran, E., Gholami, S., Danesh dost, M. (2012). The role of social and physical indicators on quality of life in urban contexts (Case study: Zanjan urban neighborhoods). *Journal of Geography and Environmental Studies*, 1(4): 30-44. (Persian)
14. Fitzek F. H. P., Granelli, F., & Seeling, P. (2020). *Computing in Communication Networks: From Theory to Practice*. New York/London: Academic Press (Elsevier).
15. Ghasemi, H., tojari, F., borojerdialavi, M., emami, H., & amiri, M. (2012). Content Analysis of Chiefs' Viewpoints on Sport Components (1969-2009). *Journal of Sport Management*, 4(13): 137-152. (Persian)
16. Golon, J. C., & Gordon, T. J. (2014). *Large encyclopedia of futures research methods*. Kryghobadi, M & Malekifar, F. Teharn: Tisa Publishing. (Persian)
17. Govhar Rostmai, H., Kozehcheyan, H., Amiri, M., & Honari, H. (2013). Typology of stakeholders and their strategic management in the country's sports system. *Sports Management Studies*, 5 (19): 151-170. (Persian)
18. Heyneman, S. T. (2011). The future of UNESCO: Strategies for attracting new resources. *International Journal of Educational Development*, 31(3): 313-324.
19. Hiltunen, E. (2006). Was it a wild card or just our blindness to gradual change. *Journal of Futures Studies*, 11(2): 61-74.
20. Holopainen, M., & M. Toivonen. (2012). Weak signals: Ansoff today. *Futures*, 44(3): 198-205.
21. Houlihan, B. & Green, M. (2006). The changing status of school sport and physical education: explaining policy change. *Sport Education and Society*, 11(1): 73-92.
22. Ildus, A. & Debmalya, B. (2019). *Sports, Exercise, and Nutritional Genomics: Current Status and Future Directions*. New York: Academic Press, an imprint of Elsevier.
23. John Ratcliffe, J., & Krawczyk, E. (2011). Imagineering city futures: The use of prospective through scenarios in urban planning. *Futures*, 43: 642-653.
24. Jurak, G. (2020). SLO fit surveillance system of somatic and motor development of children and adolescents: Upgrading the Slovenian Sports Educational Chart. *AUC Kinanthropologica*, 56(1): 28-40.
25. Kaivo-oja, J. (2012). Weak signals analysis, knowledge management theory and systemic socio-cultural transitions. *Futures*, 44(3): 206-217.
26. Khazaei, S., & Mahmodzadeh, A. (2014). *Futurology*. Tehran: Elm Afarin. (Persian)
27. Kirk, D. (2010). *Physical Education Futures*. Milton Park: Routledge.
28. Kuosa, T. (2010). Futures signals sense-making framework (FSSF): A start-up tool to analyse and categorise weak signals, wild cards, drivers, trends and other types of information. *Futures*, 42(1): 42-48.



29. Boyko, H. (2013). *Science and the Future of Mankind*. New York: Springer.
30. Kuzmanovic, M., & Gaffney, N. (2017). Enacting futures in postnormal times. *Futures*, 86: 107-117.
31. Mabel, N. A., Alexander, P. K., Brandwein, Ariel, B. B., Tiago, D. F., Daniel, E. L., Matthew D. T., Mariana, R. B., Christine, A. C., & Clifford, S. D. (2021). Use of Organ Dysfunction as a Primary Outcome Variable Following Cecal Ligation and Puncture: Recommendations for Future Studies. *SHOCK*, 54(2): 168-182.
32. Mannermaa, M. (2004). *Traps in futures thinking—and how to overcome them?*. Finland: Futures Studies Mannermaa Ltd.
33. Martinez, A., Perez-Ordas, R., Nuviala, R., Aznar, M., Porcel-Gálvez, A.M., & Nuviala, A. (2020). Communication as a Strategy to Promote Sports and Health Activities Designed for Adolescents. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 17: 48-61.
34. McCue, R., McCormack, Y., McElnay, J., Alto, A., & Feeney, A. (2019). The future and me: Imagining the future and the future self in adolescent decision making. *Cognitive Development*, 50: 142-156.
35. Mendonca, S., Cunha, M. P. E., Kaivo-oja, J., & Ruff, F. (2004). Wild cards, weak signals and organisational improvisation. *Futures*, 36(2): 201-218.
36. Minen, M. T., Morio, K., Berlin Schaubhut, K., W Powers, S., Lipton, R.B., & Seng, E. (2019). Focus group findings on the migraine patient experience during research studies and ideas for future investigations. *International Headache Society*, 40(7): 712-734.
37. Nasseh, M., Khabiri, M., Jalali Farahani, M., & Sajjadi, S. (2018). Analysis of the Theoretical Foundations of Physical Education & School Sport and Extracting Underlying Factors Affected by and Affecting It. *Research on Educational Sport*, 6(14): 93-110. (Persian)
38. Nazari, R., & Shahvali kohshouri, J. (2020). Strategic Scenarios of Health-Based Sport in Iran. *Journal of Sport Management*, In press. (Persian)
39. Nazari, R., Yaghmaei, L., & sohrabi, Z. (2016). Strategic Plan of Land Logistics of Isfahan Sports Sector. *Journal of Sport Management*, 8(5): 665-680. (Persian)
40. Nicolescu, B. (2014). Methodology of transdisciplinarity. *World Futures*, 70(3-4): 186-199.
41. OmidAli, M. (2005). *Foresight of Electronic Surveillance Challenges in the Iranian Information Society*. PhD Thesis, Islamic Azad University Olom Thghighat, Science and Communication. (Persian)
42. Otoo, F. E., & Kim, S. (2020). Analysis of studies on the travel motivations of senior tourists from 1980 to 2017: progress and future directions. *Current Issues in Tourism*, 23(4): 393-417.
43. Padash, D., kashef, S. M., Saghafi, F., & Hamidi, M. (2019). Identification of the Uncertainties of Physical Education and Student Sports in 2025. *Research on Educational Sport*, 9(22): 47-74. (Persian)
44. Palerm, S., Bonhomme, C., Guelou, Y., Chopinet, J. N., & Danous. P. (2015). The future of cryogenic propulsion. *Acta Astronautica*, 112: 166-173.



45. Palma, D. D., & Agosti, V.(2020). Innovative educational paths in school age: the educational value of motor and sports activity and of the evaluation process. *Sport Science*, 13(1): 111-117.
46. Petersen, J. L., Steinmuller, K., & Adeyema, H. (2009). *Futures Research Methodology- Version 3.0*. Washington, D.C: The Millennium Project Publisher.
47. Piaget, J. (2013). *The construction of reality in the child*. London: Routledge.
48. Popper, R. (2016). How are foresight methods selected?. *foresight*, 10(6): 62-89.
49. Rahsepar, Z., Salehi, K., Ezati, M., & Zolfaghar Zade Kermani, M. (2019). Identification and structural analysis of the interactional effect of the change drivers on the field of education. *Educational Innovations*, 18(2): 101-126.
50. Rashid Lamir, A., Dehghan Ghahfarrokhi, A., & Rashid Lamir, A. (2014). The Development of the Strategic Plan of Sport and Youth Organization of Khorasan Razavi in Sport and Physical Education Section. *Journal of Sport Management*, 5(4): 179-198.
51. Ratten, V., & Jones, P. (2018). Future research directions for sport education: toward an entrepreneurial learning approach. *Education + Training*, 60(5): 490-499.
52. Salam, Z., Amini, H. (2017). Evaluation of cognitive, motivational and personality variables as predictors of sports talent in 18-15 year olds. *Journal of Sports Management and Motor Behavior*, 12 (23): 65-82. (Persian)
53. Salavateyan, Seyavash., & Masoudi, S. (2016). Identifying affecting Propulsion on the future of press in Iran. *Culture Communication Studies* , 17(34): 51-72.
54. Saritas, O., & Smith, J. E. (2011). The Big Picture – trends, drivers, wild cards, discontinuities and weak signals. *Futures*, 43(3): 292-312.
55. Seum, S., Ehrenberge, S., & Pregger, T. (2020). Extended emission factors for future automotive propulsion in Germany considering fleet composition, new technologies and emissions from energy supplies. *Atmospheric Environment*, 233: 685-699.
56. Seyed Ameri, H., Elahi, A., Afshari, M., & Honari, H. (2016). Developing Role of Postmodern Management on Sport Development Model. *Sport Management Studies*, 8 (37): 17-34. (Persian)
57. Shahvali kohshouri, J. (2020). *Strategic Foresight on Development of Educational Sport in Iran*. PhD Thesis in Sports Management, Faculty of Physical Education, Islamic Azad University, Mobarakeh Branch. (Persian)
58. Shahvali kohshouri, J., Askari, A., Nazari, R., & Naghsh, A. (2020). The Formulation Iranian Educational Sports Strategies: Scenario-based. *Research on Educational Sport*, 8(21): 223-250. (Persian)
59. Shirinchi, M., Abasi, A. A., & Bahrami, M. (2014). Wild cards in Futurology. *Third National Conference on Futurology, Tehran, University of Tehran*. (Persian)
60. Showart, P. (2013). *The inevitable surprises*. Monzavi, K. & Monzavi, M. Tehran: Publication of Defense Industries. (Persian)
61. Silva, B.M.O. (2013). *Wild cards: surveying extreme change*. London: Routledge.
62. Smith, C.J., & Dubois, A. (2010). The ‘wild cards’ of European futures: planning for discontinuities? *Futures*, 42(8): 846-855.



63. Song, S., Zhang, T., Huang, Y., Zhang, B., Guo, Y., He, Y., Huang, H., Bai, X., & Kannan, K. (2020). Urinary Metabolites of Neonicotinoid Insecticides: Levels and Recommendations for Future Biomonitoring Studies in China. *Environ. Sci Techno*, 54(13): 8210–8220.
64. Statistical Center of Iran (2017). Standard definitions and concepts of the Ministry of Sport and Youth. Plan and Budget Organization, Iran Statistics Center, October 2016. (Persian)
65. Steinmuller, A. (2004). *Wild Cards- Wen Das Unwahrscheinliche Eintritt*. Humburg: Murmann.
66. Strategic studies and research of the Ministry of Sports and Youth. (2016). Investigating the obstacles to the development of women's public sports in Isfahan province and providing development strategies. Research plan, National Research Information Management System, Tracking Code 127600133603. (Persian)
67. Su, F., & Shuai Wu, Z. (2021). A perspective on graphene for supercapacitors: Current status and future challenges. *Journal of Energy Chemistry*, 53: 354-357.
68. Ware, C. (2021). *Information Visualization: Perception for Design (Interactive Technologies)* 4th Edition. San Francisco: Morgan Kaufmann Publishers.
69. Whitehead, M. (2001). The Concept of Physical Literacy. *European Journal of Physical Education*, 6(2): 127-138.
70. Zachkery, A. (2017). *Desiging an anticipatory system based on the concepts and tools of complexity sciences*. PhD Thesis, University of Tehran, Faculty of Management. (Persian)
71. Zachkery, A. (2019). *Prospective systems: designing a new approach to dealing with Wild cards*. Tehran: Publication of the Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research. (Persian)

ارجاع دهی

شهولی کوهشوری، جواد؛ عسکری، احمدرضا؛ نظری، رسول. (۱۴۰۱). شناسایی شگفتی‌سازها و پیشران‌های مؤثر بر آینده ورزش تربیتی ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۰ (۲۶): ۸۴-۵۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.9408.1953

Shahvali Koohshur, J; Askar, A. R; Nazar, R. (2022). Identifying the Effective Wild Cards and Drivers on the Future of Iran's Educational sport. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 51-84. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.9408.1953



Research Paper

Identification and Analysis the Effective Factors on the Virtual Education of the General Physical Education Course of Ferdowsi University of Mashhad during the Coronavirus

**S. Kashani¹, M. Keshtidar², R. Heydari³, M. Esfehiani⁴,
F. Tabatabaeian⁵**

1. Master of Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad
2. Professor of Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding Author)
3. PhD student in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad
4. Assistant Professor of Sports Management, Imam Reza International University, Mashhad
5. Assistant Professor of Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 2020/04/19

Accepted: 2021/04/11

Abstract

The purpose of this study was to identify and analyze the effective factors on the virtual education of the general physical education course of Ferdowsi University of Mashhad during the coronavirus. The research is practical in terms of purpose, descriptive in nature and a survey that was conducted in a mixed method (qualitative and quantitative). Data collection tools in this study were library studies, interviews and questionnaires. In the qualitative part of the research, the sample was purposefully selected, and in the quantitative part, among the teachers of physical education and sports and non-physical education students who used the virtual physical education applied program, 323 people were randomly selected as the research sample according to Morgan table. Based on the results of the research, four components of information technology, human resources, motivational and content factors were identified as effective factors in organizing virtual

-
1. Email: Saeedeh.kashani@alumni.um.ac.ir
 2. Email: Keshtidar@um.ac.ir
 3. Email: Reza.hdr1994@gmail.com
 4. Email: Mahdisfh@gmail.com
 5. Email: Tabatabaeian@um.ac.ir



physical education classes. In the meantime, the content component was not in a desirable situation, so the designers of this program should pay more attention to the content factors involved in the program and take corrective measures for the next versions. According to the research results, in order to take advantage of the virtual education system in universities across the country to hold general physical education units, it is necessary to create opportunities for education and conduct studies in universities for the development of information technology, create a culture and a positive attitude towards virtual education, development and use of qualified human resources for the virtual education system, change in the curriculum planning system and physical education course topics as a prerequisite for the transformation of university systems in the use of virtual education programs should be given priority.

Keywords: Virtual Education, Information Technology, Human Resources, Content Factors, Motivational Factors

Extended Abstract

Background and purpose

One of the sudden changes that has affected the world since late 2019 is the outbreak of coronavirus in most countries of the world (Manti, 1399: 2). Higher education and classes at universities are among the major sectors that have been severely affected by the outbreak of the coronavirus. Although, the closure of higher education has shifted universities toward Internet education, they have encountered problems in holding practical classes for students (Breet & Irfan, 2020; 224). Holding a general physical education unit for students was one of the practical classes that faced many problems with the outbreak of the coronavirus and the closure of universities. Deciding to hold practical physical education courses, especially general physical education for students, is one of the main concerns of university administrators. Therefore, the purpose of this study is to explain and classify the effective factors on the virtual education of the public education unit in Ferdowsi University of Mashhad during the outbreak of coronavirus.

Methodology

The present study is applied research in terms of nature and purpose; a mixed one (qualitative and quantitative) in terms of data search type; a and a descriptive-exploratory research in terms of data analysis method. Participants in the qualitative part of the research included 15 professors and experts in sports sciences and education staff in the Faculty of Sports Sciences who were purposefully selected, and in the quantitative part according to Morgan table, 323



non-physical education students and professors of sports sciences of Ferdowsi university of Mashhad were selected by simple random sampling. Data collection tools in this study were library studies, interviews and questionnaires. In order to collect data in the qualitative part, the direct content analysis research method was used and at the same time with data collection and interviews, direct data content analysis was performed. Also, in the quantitative part of the research, information was used through a questionnaire that was obtained from the qualitative part of the research. In fact, the data were collected through an online questionnaire. To assess the reliability of the research questionnaire, the opinions of 10 experts and professors in sports management were used and after making the validity corrections, the questionnaire was approved. Also, Cronbach's alpha coefficient was exerted to measure the validity of the questionnaire. Cronbach's alpha coefficient was obtained for information technology component (0.76), human resources (0.71), motivational component (0.72) and content component (0.74). According to the obtained values, the validity of the questionnaire was confirmed. Descriptive statistics and inferential statistics (structural equation model and student t) were exploited to analyze the data obtained from the questionnaires. Kolmogorov-Smirnov test (K-S) was also used to evaluate the normality of the research variables. SPSS25 and LISREL 8.5 software programs were used in order to analyze data.

Results

In the qualitative section, using simultaneous analysis of the coding process and after conducting interviews, the effects of the coronavirus outbreak on the virtual education of the general physical education unit were identified through open and axial coding. At this stage, after the open coding process, the central coding process was performed and as a result, the final indicators were classified into four central factors (dimensions) including information technology, human resources, motivation and content component. Following the results in the quantitative part of the research, after performing Kolmogorov-Smirnov test, it was found that the value of test statistics for research variables at the error level of 0.05 is more than the critical value and the normality of the data was confirmed. Following the results, according to the opinions of professors and experts participating in the research and agreeing on questions in the categorized spectra, factor analysis was proposed and this was done using confirmatory factor analysis. The results of confirmatory factor analysis of research variables show that all measurement models and all numbers and parameters of the model are appropriate and significant. Given that all factor loads in all dimensions are greater than 0.5, it can



be accepted that the factors and indices derived from them are of sufficient adequacy. Figure 1 shows the results of confirmatory factor analysis. As can be seen, the dimensions are in good condition in terms of fit indicators.

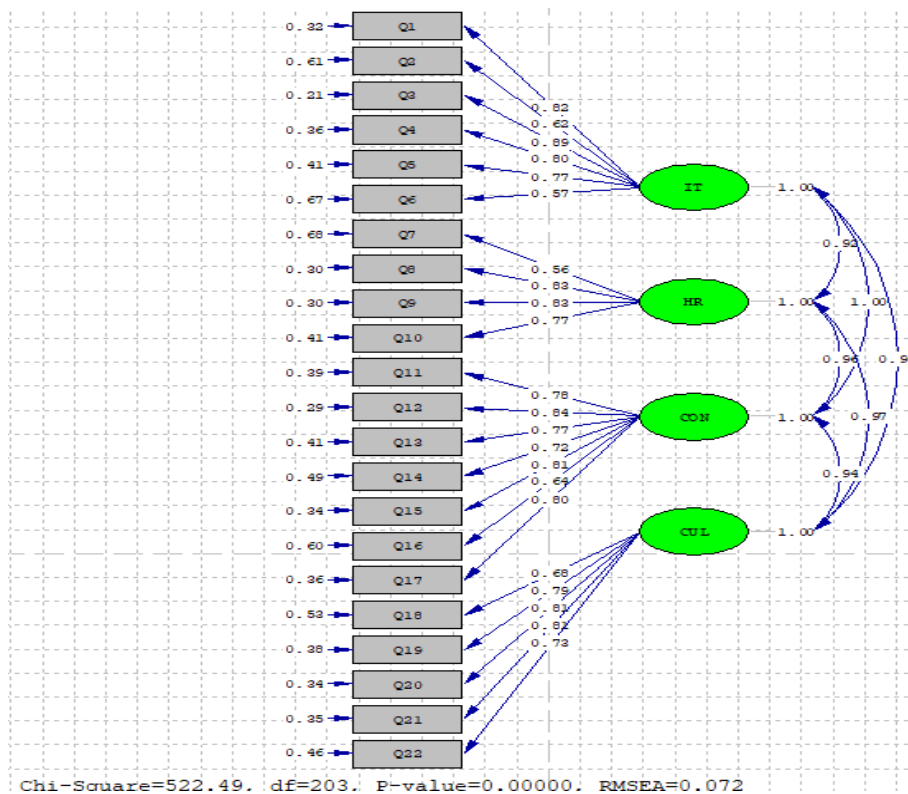


Figure 1- First-order factor analysis in standard coefficient mode

The results according to Table 1 showed that the information technology, human resources and motivational component of the practical unit of the physical education course of Ferdowsi university of Mashhad have a desirable situation for the implementation of virtual education, but the content component of the practical unit of the physical education course of the Ferdowsi university of Mashhad have an undesirable situation for the implementation of virtual education.



Table 1- One-sample t-test to examine the current status of research components

Components	Test statistics = 3			95% confidence interval	
	Mean difference	Significance level	Statistics t	Maximum	Minimum
IT component	0.116	0.001	3.433	0.1826	-0.0495
Human Resources Component	0.259	0.000	6.959	0.3329	0.1861
Motivational component	0.220	0.034	3.129	0.0772	0.0124
Content component	-0.136	0.120	1.735	-0.0648	-0.1369

Conclusion

According to the research results, it can be concluded that in the future, the virtual education system in most universities in the country can be used, if the effective factors on this educational system are carefully identified and considered. For example, it can be used by equipping the resources and facilities of universities in this regard and allocating a part of the budget of universities to create e-learning centers, eliminate shortcomings and enhance the strengths of this educational system. In order to benefit from the virtual education system in the country, it is necessary to train and create study opportunities in universities for the development of information technology, creating a culture and a positive attitude towards this type of educational system, development and use of qualified human resources for the virtual education system, curriculum planning system should be given priority as a prerequisite for the transformation of university systems in the use of virtual education programs.

Keywords: Covid-19, Virtual Education, General Physical Education, Information Technology, Human Resources, Content Factors, Motivational Factors.

References

1. Brett G. Toresdahl & Irfan M. Asif. (2020). Coronavirus disease 2019 (COVID-19): considerations for the competitive athlete. 12(3): 221-224.
2. Menati, H. (2020). Investigation of the effects of COVID-19 on the global economy, Journal of Social Impact Assessment, 1 (2), 163-181. (Persian)



شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر آموزش مجازی واحد تربیت بدنی عمومی دانشگاه فردوسی مشهد در دوران شیوع ویروس کرونا

سعیده کاشانی^۱، محمد کشتی‌دار^۲، رضا حیدری^۳، مهدی اصفهانی^۴، فخرالسادات
طباطبایان^۵

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۳. دانشجو دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

۴. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) مشهد

۵. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر تبیین و طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش مجازی واحد تربیت‌بدنی عمومی دانشگاه فردوسی مشهد در دوران شیوع ویروس کرونا بود. پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت، توصیفی و به لحاظ اجرا پیمایشی است که به صورت آمیخته (کیفی و کمی) انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسش‌نامه بود. در بخش کیفی پژوهش، افراد نمونه به صورت هدفمند و در بخش کمی پژوهش از بین اساتید تربیت‌بدنی و ورزش یک و دانشجویان غیر تربیت‌بدنی که از برنامه کاربردی مجازی تربیت‌بدنی استفاده کرده‌اند، طبق جدول مورگان تعداد ۳۲۳ نفر به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. بر اساس نتایج پژوهش، چهار مؤلفه فناوری اطلاعات، نیروی انسانی، عوامل انگیزشی و عوامل محتوایی به عنوان عوامل مؤثر بر برگزاری کلاس‌های مجازی واحد تربیت بدنی عمومی شناسایی شدند. در این میان مؤلفه محتوایی در وضعیت مطلوبی قرار نگرفت که طراحان این برنامه باید توجه بیشتری به عوامل محتوایی دخیل در برنامه کاربردی داشته باشند و اقدامات اصلاحی را برای

1. Email: Saeedeh.kashani@alumni.um.ac.ir

2. Email: Keshtidar@um.ac.ir

3. Email: Reza.hdr1994@gmail.com

4. Email: Mahdisfh@gmail.com

5. Email: Tabatabaeian@um.ac.ir



نسخه‌های بعدی انجام بدهند. با توجه به نتایج پژوهش، در جهت بهره‌برداری از نظام آموزش مجازی در دانشگاه‌های سراسر کشور برای برگزاری واحدهای تربیت بدنی عمومی باید با ایجاد فرصت‌هایی از قبیل توسعه فناوری اطلاعات، فرهنگ‌سازی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آموزش مجازی، توسعه و استفاده از نیروی انسانی دارای صلاحیت کافی جهت ارائه نظام آموزشی مجازی، تحول در نظام برنامه‌ریزی درسی در بهره‌گیری از برنامه‌های آموزش مجازی در اولویت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: آموزش مجازی، فناوری اطلاعات، منابع انسانی، عوامل محتوایی، عوامل انگیزشی

مقدمه

با ورود به عصر جدید که آن را عصر اطلاعات نامیده‌اند، زندگی انسان‌ها و روابط بین آنها دچار دگرگونی اساسی شده است و تحولات گسترده‌ای در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات به وقوع پیوسته است (محمدخانی، داوودی و جلالی، ۲۰۱۴، ۱۴۴). اینترنت، کامپیوترهای شخصی، تلفن‌های بی‌سیم، ماهواره، وسایل ارتباطی پیشرفته و تغییرات فناوری، رفتارهای بشری و دست‌سازهای جامعه بشری را متحول نموده است. یکی از برجسته‌ترین تحولات ناشی از فناوری‌های نوین عصر جدید، تحول در امر آموزش دانشگاهی است (اسمعیل‌نیا، کوهستانی و معقول، ۲۰۱۹، ۵۶۳). امروزه اغلب دانشگاه‌ها در حال تلاش برای افزایش اثربخشی فناوری‌های نوظهور در فعالیت‌های آموزشی خود هستند (پاندا و گور، ۲۰۱۱، ۱۷؛ اندون و سیرتیانو، ۲۰۰۹، ۳۲). راه‌اندازی مراکز آموزش مجازی در داخل پردیس‌های دانشگاهی، راه‌اندازی دوره‌های مجازی در دانشگاه‌های راه دور و تأسیس دانشگاه‌های جدید و کاملاً الکترونیکی، نمونه‌هایی از این اقدامات به شمار می‌آیند (ایرگ و موپلنبرگ، ۲۰۱۵، ۳۱). اثرات رو به رشد و فزاینده تکنولوژی‌ها در سطح آموزش باعث شده تا برای رشد و توسعه کشورها، تمرکز بر پیشرفت در حیطه آموزش عالی از طریق پذیرش نظام و تکنولوژی‌های جدید آموزشی ضرورت یابد (میلیزوسکا و رحما، ۲۰۱۰، ۴۲۵). از این‌رو، نظام آموزش عالی با رخدادهای

1. Pandya & Gor
2. Andone & Sireteanu
3. Erge & Muilenburg
4. Miliszewska & Rhema



تازه‌ای مواجه شده که برآوردن آنها نیازمند بهره‌گیری از راهبردهای جدید در کنار استفاده از فناوری اطلاعات است (کیلگور و آراز^۱، ۲۰۱۸، ۴۱).

حرکت به سوی رویکردهای نوین در آموزش عالی ایجاب کرده است که بسیاری از دانشگاه‌ها در سرتاسر جهان از فناوری آموزش مجازی در ارائه دوره‌ها استفاده کنند (کیان، ۲۰۱۴، ۱۳)؛ همچنین تقاضا برای برگزاری دوره‌های آموزش مجازی در برنامه آموزشی دانشگاه‌ها رو به افزایش است (زامر^۲، ۲۰۱۰، ۲). آموزش مجازی و یادگیری الکترونیکی با اتکا بر فناوری اطلاعات و ارتباطات و محور قرار دادن انسان به عنوان یادگیرنده فعال، آموزش و یادگیری در قرن بیست و یکم را متحول ساخته و تلاش می‌کند به چالش حاصل از تقاضای اجتماعی روز افزون برای آموزش و فقدان منابع آموزشی کافی پاسخ دهد (کریمیان و فرخی، ۲۰۱۸، ۱۰۳). بهبود الگوهای مصرف در سطح جامعه از طریق افزایش دانش ملی، غنی‌سازی سرمایه‌های انسانی، کاهش هزینه‌های آموزشی، امکان آموزش فارغ از زمان و مکان، امکان فراگیری در هر سن، انتقال آموزش و فرهنگ دانشگاهی به تمام نقاط، تحقق عدالت در نظام آموزشی، دسترسی سریع به منابع آموزشی جدید، هماهنگی سرعت آموزش با توانایی فراگیران، انعطاف‌پذیری فرآیند یادگیری، قابلیت استفاده با تعداد فراگیران متفاوت، از جمله ویژگی‌های نظام آموزشی مجازی است (کلارک^۳، ۲۰۲۰، ۴۱۱). همچنین اینگلبِرچت^۴ ویژگی‌های نظام آموزشی مجازی را سهولت و سرعت در به روزرسانی، ذخیره، بازیابی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات مبتنی بر شبکه، انجام فرآیند یادگیری و ارتباط مستقیم با فراگیران از طریق رایانه و اینترنت، تمرکز بر دیدگاه جامع در یادگیری، ایجاد سیستم فراگیر محور به جای استاد محور، قابلیت انعطاف‌پذیری در فراگیری، روش‌های نوین و مناسب فراگیری، قابلیت تکرارپذیری و جبران مشکلات بیان نموده است (اینگلبِرچت، ۲۰۰۵، ۲۱۹). آکاسلان، چونگ و ایفی^۵ معتقدند که نظام آموزش مجازی از دیدگاه کاربردی به چهار دسته آموزش مبتنی بر وب، سیستم‌های پشتیبانی از عملکرد، کلاس‌های مجازی ناهمزمان و کلاس‌های مجازی همزمان تقسیم می‌شوند (آکاسلان، چونگ و ایفی، ۲۰۱۰، ۲). با توجه به تغییرات سریعی که در محیط پیرامون در حال شکل‌گیری است، اجرای نظام‌های مجازی به منظور

1. Kilgore & Aras
2. Zameer
3. Clark
4. Engelbrecht
5. Akaslan, Chong & Effie



ارائه خدمات و فناوری‌های جدید در زمینه تدریس و یادگیری به صورت یک نیاز اساسی مطرح شده است (فتحی و اجارگان، پرداختچی و ربیعی، ۲۰۱۱، ۷).

یکی از تغییرات ناگهانی که از اواخر سال ۲۰۱۹، جهان را تحت تأثیر قرار داده است، شیوع ویروس کرونا در بیشتر کشورهای جهان است. ویروس کرونا که برای اولین بار در اواخر سال ۲۰۱۹ در کشور چین کشف شد و از آن زمان به یک بیماری فراگیر جهانی تبدیل شد، به یکی از دشوارترین آزمون‌های بشریت در تاریخ مدرن دنیا تبدیل شده است (منتی، ۲۰۲۰، ۲). از زمان شیوع جهانی ویروس جدید کرونا یا کووید ۱۹ مدت زیادی نمی‌گذرد، ولی تأثیرات فراوان آن در فعالیتهای اجتماعی، ورزشی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و تقریباً در تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها آشکارا قابل مشاهده است و تاکنون بیشتر کشورهای جهان را با بحران مواجه ساخته است (وو یی و همکاران^۱، ۲۰۲۰، ۲۱۹). از جمله بخش‌های مهمی که تحت تأثیر شدید شیوع ویروس کرونا قرار گرفته است، آموزش عالی و برگزاری کلاس‌های تئوری و عملی در دانشگاه‌ها است. جهانی‌شدن بحران شیوع ویروس کرونا، به صورت مستقیم نظام آموزشی و تحصیلی کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار داده و کشورها را مجبور کرده است تا برای حفظ جان دانشجویان از برگزاری کلاس‌ها به صورت حضوری در دانشگاه‌ها جلوگیری کنند؛ برخی کشورها برای پیدا کردن راه‌های بدیل، از آموزش از راه دور یا مجازی (آنلاین) استفاده کردند که قبلاً از سوی برخی کشورها تجاربی در این زمینه وجود داشت. بدون شک با همه‌گیر شدن ویروس کووید ۱۹، نظام آموزشی حضوری جهانی شدیداً آسیب پذیر شده است و برگشت به حالت اولیه به باور برخی پژوهشگران در اواخر سال ۲۰۲۰ و آغاز سال ۲۰۲۱ بعید است (برت و ایرفان^۲، ۲۰۲۰، ۲۲۴). بنابراین سوق نظام آموزشی کشور به سمت آموزش مجازی یک نیاز مبرم و اساسی است. در این بین آموزش عالی و دانشجویان همچنان با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند، چرا که دانشگاه‌ها برای برگزاری آموزش و امتحانات مجازی با ضعف‌های زیرساختی مواجه هستند. اگر چه تعطیلی آموزش عالی، دانشگاه‌ها را به سمت و سوی آموزش در بستر اینترنت برد؛ اما در برگزاری کلاس‌های عملی دانشجویان با مشکلاتی مواجه شد. برگزاری واحد تربیت‌بدنی عمومی برای دانشجویان غیرتربیت‌بدنی نیز از جمله کلاس‌های عملی بود که با شیوع ویروس کرونا و تعطیلی دانشگاه‌ها با مشکلات فراوانی روبرو شد.

1. Wu, Yi
2. Brett & Irfan



تربیت‌بدنی فرایندی آموزشی است که در آن از فعالیت‌های جسمانی به عنوان راهی برای کسب مهارت، آمادگی، دانش و نگرش مثبت در راستای رشد مطلوب، سلامت عمومی و به حداکثر رساندن فرصت‌ها برای اجرای فعالیت‌های بدنی استفاده می‌شود. بعد از انقلاب فرهنگی، دروس تربیت بدنی یک و دو جزو واحدهای رسمی دانشجویان غیر تربیت بدنی قرار گرفت که این دروس بر اساس مصوبه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۰ به دروس تربیت بدنی (جایگزین درس تربیت‌بدنی یک)، ورزش یک (جایگزین درس تربیت‌بدنی دو)، تربیت بدنی ویژه و ورزش ویژه تغییر یافتند. اهداف مهم این دروس در سه زمینه ایجاد گرایش و بینش مطلوب نسبت به ورزش و نقش آن در تأمین سلامت فردی و اجتماعی، تأمین آمادگی جسمانی مطلوب برای دانشجویان و ایجاد عادات صحیح ورزشی و بهره‌وری از شیوه مناسب زندگی در عصر فناوری خلاصه می‌شود (سلیمی و مصلحی، ۲۰۱۶، ۱۹). در ایام شیوع ویروس کرونا که امکان برگزاری کلاس‌ها به صورت حضوری در دانشگاه‌ها فراهم نیست، تصمیم‌گیری درباره برگزاری دروس عملی به ویژه درس تربیت بدنی عمومی دانشجویان نیز از دغدغه‌های اصلی متولیان امر در دانشگاه‌ها است.

پژوهشگران در طی پژوهش‌های مختلفی، آموزش مجازی را از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند؛ اما به واسطه شیوع ناگهانی ویروس کرونا و تعطیلی یک‌باره کلاس‌های حضوری در دانشگاه‌ها، کمتر پژوهشی نزدیک به موضوع پژوهش وجود داشت که آموزش مجازی را در حوزه برگزاری کلاس‌های عملی تربیت بدنی عمومی و آن هم در دوران شیوع ویروس کرونا بررسی کنند. از جمله پژوهش‌هایی که در حوزه آموزشی مجازی و الکترونیکی انجام شده است تحقیق رودریگز، سیچی و لوییز^۱ (۲۰۱۸) است که در مروری بر فرایند ارزیابی در آموزش الکترونیکی به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به کیفیت بالاتر در محیط یادگیری الکترونیک لازم است که فرایند یادگیری و تدریس پیوسته مورد ارزیابی قرار گیرد. در پژوهشی دیگر الهاب و روولی^۲ (۲۰۱۸) نشان دادند که یادگیری الکترونیک در دانشگاه‌های کشورهای مختلف پیاده‌سازی شده است؛ اما با وجود سرمایه‌گذاری‌های زیاد در این زمینه سطح استفاده از این سامانه‌ها توسط اساتید و دانشجویان هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه غالباً پایین است. آنها همچنین بیان کردند عوامل موفقیت یادگیری الکترونیک از نگاه دانشجویان و اساتید متفاوت است و ویژگی‌های مدرس، ویژگی‌های دانشجو، سهولت دسترسی و پشتیبانی و آموزش از عواملی هستند که بر موفقیت

1. Rodrigues, Seiji, Luiz
2. Alhabeeb & Rowley



آموزش الکترونیک تأثیرگذار است. نکای کی^۱ (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود بیان کرد که عواملی از قبیل نگرش نسبت به آموزش الکترونیکی، تمایل به یادگیری از طریق آموزش مجازی، دسترسی به امکانات این شیوه آموزشی، اجبار و الزام به کاربرد شیوه آموزش مجازی، سودمندی روش آموزش مجازی که به صورت بالقوه بر استفاده‌کنندگان از این دوره‌ها تأثیر دارند. همچنین جفرسون و آرنولد^۲ (۲۰۰۹) در مطالعات خود نشان دادند که رویکرد مناسب آموزشی می‌بایست دارای ویژگی‌های تعامل دو طرفه استاد با دانشجویان و تشکیل کارگروه‌های آموزشی، بهره‌گیری از تکنولوژی‌های مناسب آموزشی مانند استفاده از محیط وبسایت‌های مختلف آموزشی در محیط‌های آموزشی باشد. در بخش پژوهش‌های داخل کشور در زمینه آموزش مجازی نتایج پژوهش جزینی (۲۰۱۸) نشان داد که دوره‌های آموزش مجازی بر توسعه دانش و محتوای آموزشی، سازماندهی مواد آموزشی، انعطاف‌پذیری، حجم کاری و روش‌های ارزشیابی، عناصر فعالیت‌های یاددهی-یادگیری، بازخورد ارائه‌شده، کمک‌رسانی به دانشجویان و توانایی ایجاد انگیزه به دانشجویان، اثربخش است. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که کاربرد فناوری اطلاعات و توسعه آموزش مجازی در یادگیری و آموزش دانشجویان تأثیرگذار است. یافته‌های پژوهش قربان‌خانی و صالحی (۲۰۱۶) نیز نشان داد که آموزش‌های مجازی در نظام آموزش عالی با چالش‌های متنوع و متفاوتی مواجه هستند و تا رسیدن به شرایط بهینه، فاصله زیادی دارد و بهبود کیفیت آن، مستلزم نگاه جدی متولیان و دوری از طرز تلقی آموزش درجه دوم به این قبیل آموزش‌ها است.

شیوع ویروس کرونا همه جوامع را درگیر تبعات خود کرد. با توجه به فراگیری این ویروس، مراکز آموزشی از اولین نهادهایی بود که به سرعت توانست با ایجاد بسترهایی، موضوع آموزش را به فضای مجازی و از راه دور منتقل کند. اگر چه تعطیلی کلاس‌های حضوری، دانشگاه‌ها را به سمت و سوی آموزش در بستر اینترنت برد؛ اما در برگزاری واحدهای عملی دانشجویان به بن‌بست رسید. این مسئله دانشگاه فردوسی مشهد را نیز همانند سایر مراکز آموزش عالی کشور که طبق روال عادی در همه جای دنیا غالباً مبتنی بر آموزش حضوری به شکل مستمر بود، به چالش کشید. علی‌رغم، هیجان، امکانات و جاذبه‌هایی که استفاده از آموزش مجازی به همراه دارد، به کارگیری آن بدون تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر برگزاری دوره‌های مجازی، باعث شکست این دوره‌ها خواهد شد. برنامه‌ریزان، متصدیان و مدیران مربوطه در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها باید علاوه بر ارزشیابی از بخش‌های

1. Nneka Eke
2. Jefferson & Arnold



آموزشی و پژوهشی به ارزشیابی از آموزش مجازی نیز بپردازند و نقاط قوت و ضعف این بخش از دانشگاه خود را بشناسند و برای تقویت نقاط قوت و یا رفع کاستی‌ها و نقص‌های احتمالی این بخش اقدام کنند تا بدین وسیله شاهد پویایی و اعتدالی بیشتر مراکز آموزش عالی در کشور باشیم. در زمینه سنجش اثربخشی آموزش مجازی در دانشگاه‌های کشور بررسی‌هایی صورت گرفته است، اما تحقیقات موجود کافی به نظر نمی‌رسد و در کمتر پژوهشی به عوامل مؤثر بر آموزش مجازی کلاس عملی مخصوصاً کلاس‌های تربیت‌بدنی عمومی اشاره شده است؛ لذا برای سنجش اثربخشی این نوع آموزش برای دروس عملی، انجام پژوهش دانشگاهی ضروری به نظر می‌رسد و از طرف دیگر نتایج این پژوهش می‌تواند برای تمام دانشگاه‌هایی که در پی استقرار آموزش الکترونیک برای این واحدهای درسی هستند، مفید واقع شود. بر این اساس، گروه آموزشی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد در شرایطی که امکان برگزاری کلاس‌های تربیت‌بدنی به صورت حضوری وجود نداشت با طراحی سامانه اختصاصی (سامانه تربیت‌بدنی دانشگاه فردوسی مشهد) برای واحد درسی تربیت‌بدنی، اقدام به برگزاری کلاس‌های تربیت‌بدنی عمومی برای دانشجویان به صورت مجازی کرد. در ابتدای استفاده از این سامانه چون هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد ترکیب بدن دانشجویان در سیستم ثبت نشده بود، ابتدا در این سامانه دانشجویان باید اطلاعاتی از قد و وزن خود را در سامانه ثبت می‌کردند. در این سامانه ۲۴ جلسه تمرینی برای دانشجویان در نظر گرفته شده بود که دانشجویان موظف بودند این جلسات تمرینی را در خانه انجام دهند و رکوردهای خود را در سامانه ثبت کنند. همچنین اساتید تربیت‌بدنی با در نظر گرفتن رکوردها و ترکیب بدن هر دانشجو، برای هر جلسه تمرینی که دانشجویان ثبت می‌کردند، بازخوردی ارائه می‌دادند. عوامل متعددی در تکمیل و بهبود بهره‌برداری از این سیستم دخیل هستند که نیاز به بررسی بیشتر را ضروری می‌سازد. از این رو در این تحقیق تلاش بر آن است تا با واکاوی مفاهیم و نظریات مرتبط با آموزش مجازی و بیان دیدگاه‌های مختلف در این زمینه، از نظرات اساتید و خبرگان و در نهایت نظرسنجی از دانشجویان به عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌ها در زنجیره به‌کارگیری برنامه آموزش تربیت‌بدنی با سامانه تربیت‌بدنی، بهره‌جسته تا بتوان با بررسی عوامل مؤثر در راستای به‌کارگیری مطلوب این برنامه برای ترم‌ها و سال‌های آتی برنامه‌ریزی نمود. لذا هدف از انجام پژوهش حاضر تبیین و طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش مجازی واحد تربیت عمومی در دانشگاه فردوسی مشهد در دوران شیوع ویروس کرونا است.



روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث ماهیت و هدف از نوع تحقیقات کاربردی، از لحاظ نوع جستجوی داده‌ها از نوع آمیخته (کیفی و کمی)، از نظر زمان جمع آوری داده‌ها، در دسته تحقیقات حال نگر و به لحاظ روش تحلیل داده‌ها از نوع توصیفی-اکتشافی بود که جمع آوری داده‌ها به صورت میدانی انجام شد. جامعه و نمونه آماری پژوهش در هر بخش از پژوهش نیز در جدول شماره ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱- جامعه و نمونه آماری

حجم نمونه	روش نمونه گیری	نمونه	جامعه	روش	رویکرد
۱۵	هدفمند	اساتید و خبرگان علوم ورزشی، کارکنان آموزش در دانشکده علوم ورزشی	کلیه اساتید و خبرگان علوم ورزشی، کارکنان آموزش در دانشکده علوم ورزشی	مصاحبه	کیفی
۳۲۳	تصادفی ساده	دانشجویان غیر تربیت بدنی و اساتید علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد	کلیه دانشجویان غیر تربیت بدنی دانشگاه فردوسی مشهد که در نیمسال دوم تحصیلی سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ از برنامه واحدهای عملی استفاده کردند، (۱۹۶۷ دانشجو) و اساتید علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد	پرسش نامه	کمی

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسش‌نامه بود. جهت جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی از روش پژوهش تحلیل محتوای مستقیم استفاده شد. در این مرحله توصیف جنبه‌هایی از تأثیر بیماری کووید ۱۹ بر آموزش مجازی واحد تربیت بدنی عمومی بررسی شد و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق به دست آمد. با بررسی محتوای مصاحبه‌ها پس از تحلیل و کدگذاری اولیه، کلیه جزئیات آموزش مجازی واحد تربیت بدنی عمومی که تحت تأثیر بیماری کووید ۱۹ قرار گرفته‌اند، مشخص شد. این جزئیات در ۲۶ کد دسته‌بندی شدند. در این بخش توسط مصاحبه‌های عمیق، از افراد مشارکت‌کننده خواسته شد که نظرات‌شان را در مورد اثرات شیوع ویروس



کرونا بر آموزش مجازی تربیت‌بدنی عمومی اعلام کنند. لازم به ذکر است که مشارکت افراد در این پژوهش کاملاً اختیاری بود و افراد با رضایت کامل در این پژوهش مشارکت داشتند. تعداد مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. همچنین به دلیل رعایت نکات ایمنی و بهداشتی بیشتر مصاحبه‌ها (۱۰ مصاحبه) به صورت تلفنی و آنلاین و با استفاده از صفحات اجتماعی نظیر واتساپ انجام شد و تعداد ۵ مصاحبه نیز با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به صورت حضوری با افراد انجام شد. محققین در ابتدا به صورت حضوری با افراد مشارکت‌کننده در پژوهش مصاحبه می‌کردند؛ ولی پس از شدت گرفتن شیوع ویروس کرونا مصاحبه‌ها از طریق شبکه‌های مجازی و استفاده از اپلیکیشن‌های مختلف با افراد ارتباط برقرار کردند و فرایند مصاحبه را انجام دادند. میانگین زمان انجام مصاحبه‌ها ۳۲ دقیقه بود که تمامی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به صورت فایل صوتی و فیش‌برداری جمع‌آوری و ثبت گردید. علاوه بر این، محققین با مطالعه کتب موجود، مقالات چاپ شده علمی و مشاهده مصاحبه‌های افراد صاحب‌نظر در حوزه آموزش دروس تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها، به عنوان منبع تکمیلی و مکمل ابزار مصاحبه، برای گردآوری داده‌ها استفاده کردند. همزمان با جمع‌آوری داده‌ها و انجام مصاحبه‌ها، کار تحلیل محتوای مستقیم داده‌ها نیز انجام گرفت، چرا که لازمه رسیدن به بینش صحیحی که بتواند پدیده‌ها شرح دهد این است که داده‌ها به صورت همزمان جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل شوند (گلنزر^۱، ۲۰۰۴، ۲۷۴). کدگذاری‌های باز و انتخابی برای احصاء گروه‌ها و گروه‌های فرعی (تیتراهای فرعی) و ارتباط آنها استفاده گردید. در پایان نیز برای روایی‌سنجی یافته‌ها، نتایج در قالب جدول و گزارش در اختیار چند تن از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا توسط ایشان نیز مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد؛ چرا که در رویکرد کیفی، نتایج به دست آمده می‌بایست توسط خود کنش‌گران نیز قابل فهم باشد و به زبان خود آنان بیان شده باشد و اگر کنش‌گران نتوانند معنای یافته‌ها را درک کنند، پژوهش کیفی امری بیهوده خواهد بود. همچنین یافته‌ها در مقام مقایسه با یافته‌های سایر پژوهشگران و نظریه‌های موجود قرار گرفت تا صحت و درستی و معناداری آن تأیید شود. برای افزایش پایایی و روایی این پژوهش اقداماتی به این شرح صورت گرفت: پایایی در پژوهش کیفی اشاره به امکان انجام پژوهش توسط محقق مستقل دیگر و رسیدن به نتایج مشابه از همان داده دارد. بدین منظور بر اساس توصیه‌های ارائه شده توسط محققین کیفی، اولاً همه فرایندهای این پژوهش از تهیه پروتکل مصاحبه تا کدگذاری به تفصیل، مستند سازی شده است که سایر محققین فرآیند رسیدن از

1. Glaeser



داده‌ها به نتایج را مانند یک حسابرس دنبال نمایند. همچنین، با استفاده از چندین نفر در کدبندی و چک کردن داده‌ها با مشارکت‌کنندگان پایایی پژوهش افزایش داده شد. اعتبار درونی پژوهش نیز اشاره به این دارد که تا چه حد نتایج و تفسیرها درست و بر اساس واقعیت است تا حدسیات ذهنی محقق. برای افزایش اعتبار درونی پژوهش استفاده از چندین محقق، چک نمودن با همکاران، برگشت به مشارکت‌کنندگان استفاده شده است. برای افزایش اعتبار بیرونی، مهم‌ترین استراتژی رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه‌ها است (اسداللهی و همکاران، ۲۰۲۰، ۴۹۳). در این پژوهش با انجام ۱۵ مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته، این مهم احراز گردید. نتایج بخش کیفی، گویه‌های پرسش‌نامه در بخش کمی تحقیق حاضر را تشکیل دادند. همچنین جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی، با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته حاصل از بخش کیفی پژوهش حاضر با ۲۲ شاخص در زیر مجموعه ۴ مؤلفه شامل فناوری اطلاعات (۶ شاخص)، منابع انسانی (۴ شاخص)، انگیزشی (۵ شاخص) و مؤلفه محتوایی (۷ شاخص) در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت خیلی خوب (با امتیاز ۵)، خوب (با امتیاز ۴)، متوسط (با امتیاز ۳)، کم (با امتیاز ۲)، خیلی کم (با امتیاز ۱) صورت پذیرفت. پس از تأیید روایی محتوایی پرسش‌نامه توسط خبرگان، پژوهشگران به گردآوری داده‌های کمی پرداختند.

همچنین جامعه آماری در بخش کمی تحقیق شامل کلیه دانشجویان غیرتربیت‌بدنی دانشگاه فردوسی مشهد که در نیم‌سال دوم تحصیلی سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ از برنامه واحدهای عملی استفاده کردند، می‌شد که تعدادشان ۱۹۶۷ دانشجو بود. به جهت دستیابی به حداکثر نظرات جامعه آماری، با توجه به جدول مورگان، تعداد ۳۲۳ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد که به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و به پرسش‌نامه آنلاین پاسخ دادند. نحوه جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه آنلاین بدین صورت بود که لینک پرسش‌نامه بعد از طراحی و ساخت، از طریق اساتید هر کلاس برای دانشجویان ارسال گردید تا به سئوالات پرسش‌نامه پاسخ دهند. برای سنجش روایی پرسش‌نامه پژوهش از نظرات ۱۰ تن از خبرگان و اساتید مدیریت ورزشی بهره‌گرفته شد. پس از انجام اصلاحات روایی پرسش‌نامه به صورت محتوایی تأیید گردید. همچنین برای سنجش پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین صورت که پرسش‌نامه پژوهش در بین ۳۰ نفر از اعضای نمونه پژوهش توزیع گردید و پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های تکمیل شده، ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه فناوری اطلاعات (۰/۷۶)، منابع انسانی (۰/۷۱)، انگیزشی (۰/۷۲) و مؤلفه محتوایی (۰/۷۴) به دست آمد که با توجه به مقادیر به دست آمده پایایی ابزار پرسش‌نامه تأیید گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (مدل معادلات ساختاری و تی استیودنت) استفاده



شد. همچنین برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S) بهره گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزارهای SPSS²⁵ و Lisrel 8.5 استفاده شد.

نتایج

آمار توصیفی

افراد مشارکت‌کننده در بخش کیفی پژوهش شامل ۱۱ مرد و ۴ زن بود که بیشتر افراد در این بخش دارای تحصیلات دکتری تخصصی (۶۷ درصد) و مابقی افراد (۳۳ درصد) دانشجویان دکتری در گرایش‌های مختلف تربیت بدنی و علوم ورزشی در دانشگاه فردوسی مشهد بودند. همچنین بیشتر افراد مشارکت‌کننده در این بخش دارای سن بیشتر از ۳۵ سال (۷۲ درصد) بودند. یافته‌های تحقیق در بخش کمی پژوهش نشان داد که ۴۷ درصد از شرکت‌کنندگان در این بخش را مردان و ۵۳ درصد را زنان تشکیل دادند. همچنین ۸۰ درصد از آنها مجرد و ۲۰ درصد متأهل بودند. ضمن این که میزان آشنایی با رایانه برای ۶۵ درصد از کاربران خوب گزارش شد. یافته‌های تحقیق نشان داد بیش از ۱۰ درصد از آنها بیش از ۱۰ ساعت در روز، ۴۵ درصد از آنها بین ۵ تا ۱۰ ساعت، ۲۵ درصد بین ۲ تا ۵ ساعت و نهایتاً ۱۰ درصد از آنها کمتر از ۲ ساعت در روز را صرف استفاده از اینترنت نموده‌اند. از دیگر نتایج این تحلیل، می‌توان به استفاده هم‌زمان تقریباً ۸۵ درصد از افراد از شبکه‌های تلگرام، اینستاگرام و واتساپ اشاره کرد. بقیه افراد از دیگر شبکه‌های اجتماعی همانند توئیتر، فیسبوک و غیره استفاده می‌کردند. نکته آخر این که ۲۶ درصد از کاربران درخواست برگزاری کلاس به صورت مجازی، ۶۴ درصد درخواست برگزاری کلاس به صورت حضوری و ۱۸ درصد نیز درخواست برگزاری به صورت ترکیبی نمودند.

در ادامه یافته‌های پژوهش در بخش کیفی، با استفاده از تحلیل هم‌زمان فرآیند کدگذاری و پس از انجام مصاحبه‌ها، آثار شیوع ویروس کرونا بر آموزش مجازی واحد تربیت‌بدنی عمومی از طریق کدگذاری باز و محوری شناسایی شدند. در مرحله پس از فرآیند کدگذاری باز، فرآیند کدگذاری محوری صورت گرفت و در نتیجه شاخص‌های نهایی در ۴ عامل محوری (بعد) طبقه‌بندی شدند که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است:



جدول ۲- استخراج کدهای محوری ثانویه (ابعاد/مؤلفه‌ها) و شاخص‌ها

منبع	شاخص‌ها	ابعاد
مصاحبه مصاحبه مصاحبه مصاحبه مصاحبه جفرسون و آرنولد (۲۰۰۹)	وضعیت دسترسی به اینترنت قابلیت دسترسی به برنامه کاربردی تربیت بدنی استفاده مناسب و راحت از برنامه کاربردی تربیت بدنی مفید بودن ارائه "راهنمای استفاده از سیستم" و "راهنمای تصویری حرکات" پشتیبانی مسائل فنی توسط تیم طراح برقراری ارتباط بین اساتید و دانشجویان	فناوری اطلاعات
مصاحبه مصاحبه مصاحبه مصاحبه	میزان آشنایی با برنامه کاربردی تربیت بدنی وضعیت آموزش حرکات از طریق اساتید به دانشجویان میزان نظارت اساتید بر اجرای تمرینات قابلیت آماده‌سازی دانشجویان به منظور انجام حرکات ورزشی در برنامه کاربردی تربیت بدنی	منابع انسانی
نکای کی (۲۰۱۱) مصاحبه مصاحبه مصاحبه نکای کی (۲۰۱۱)	به لحاظ میزان پذیرش و مقبولیت برنامه کاربردی تربیت بدنی از نظر قابلیت اجرایی بودن برنامه کاربردی تربیت بدنی در منزل لذت بخش بودن برنامه کاربردی تربیت بدنی مفید و مؤثر بودن بازخورد مربیان بر تمرینات میزان استقبال از برنامه کاربردی تربیت بدنی	انگیزشی
مصاحبه مصاحبه مصاحبه مصاحبه مصاحبه مصاحبه	وضعیت برنامه کاربردی تربیت بدنی را از لحاظ نوع، کمیت و کیفیت تمرینات وقت در نظر گرفته شده برای اجرای تمرینات (متناسب با تعداد واحد درس تربیت بدنی) وضعیت برنامه تربیت بدنی نسبت به رعایت استانداردهای ورزشی مربوط به فاکتورهای جسمانی محتوای برنامه کاربردی تربیت بدنی با نظم و ترتیب و توالی منطقی قابلیت انجام حرکات ورزشی برای دانشجویان در برنامه کاربردی تربیت بدنی تناسب محتوای برنامه کاربردی تربیت بدنی با اهداف درس و سرفصل‌های آموزشی رعایت فاصله زمانی ۲۴ ساعت برای ثبت تمرینات	محتوایی



در ادامه در بخش کمی پژوهش، نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در جدول شماره ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

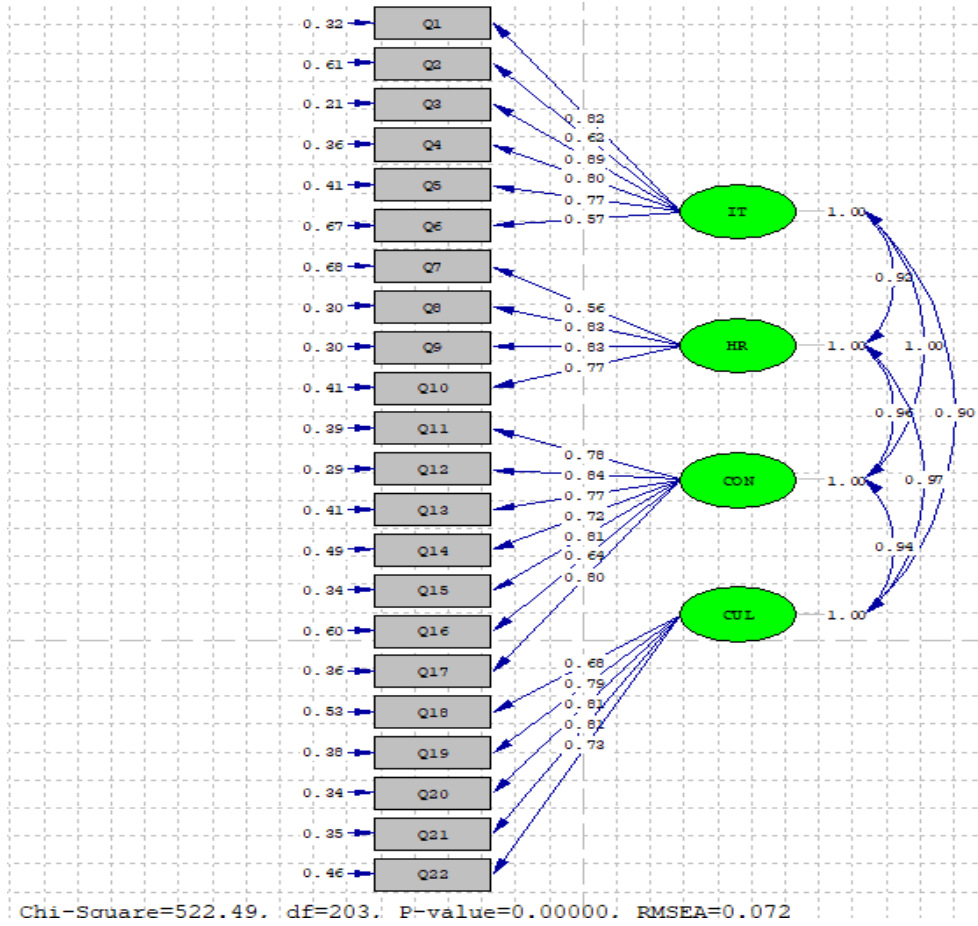
ردیف	متغیر	مقادیر آماره Z	مقادیر معناداری
۱	فناوری اطلاعات	1.702	0.086
۲	منابع انسانی	1.713	0.075
۳	محتوایی	1.906	0.121
۴	انگیزشی	1.985	0.095

مقدار آماره آزمون در مورد متغیرهای تحقیق در سطح خطای ۰/۰۵، بیشتر از مقدار بحرانی است. بنابراین نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌شود. لذا با توجه به نرمال بودن توزیع متغیر می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

بررسی مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

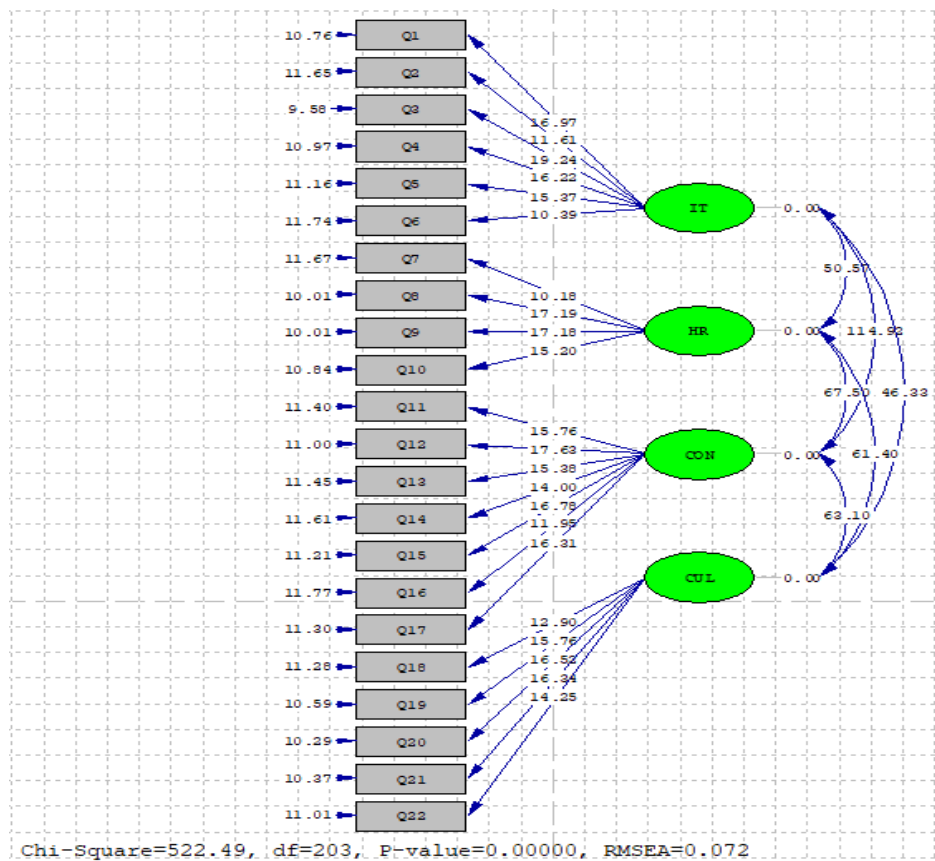
در ادامه، به بحث مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود. با توجه به نظر اساتید و خبرگان مشارکت‌کننده در تحقیق و توافق نظر در مورد سئوال‌ات در طیف‌های دسته‌بندی شده، پیشنهاد تحلیل عاملی داده شد و این کار با بهره‌مندی از روش تحلیل عاملی تأییدی انجام شده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد تمام مدل‌های اندازه‌گیری و همه اعداد و پارامترهای مدل مناسب و معنادار هستند. با توجه به این‌که تمام بارهای عاملی در تمام ابعاد بزرگ‌تر از ۰/۵ است می‌توان پذیرفت که عامل‌ها و شاخص‌های مستخرج از آنها از کفایت مناسبی برخوردار هستند. شکل‌های ۱ و ۲ نتایج تحلیل عاملی تأییدی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ابعاد از نظر شاخص‌های تناسب، در وضعیت مناسبی هستند.





شکل ۱- تحلیل عاملی مرتبه اول در حالت ضریب استاندارد





شکل ۲- تحلیل عاملی مرتبه اول در حالت ضریب معناداری

بررسی شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش در جدول ۴ نشان داده شده است. شاخص‌های دو اختلاف میان مدل و داده‌ها را نشان می‌دهد. لذا هر چه مقدار آن کمتر باشد حاکی از اختلاف کمتر بین ماتریس و اریانس-کواریانس نمونه و ماتریس و اریانس-کواریانس حاصل از مدل است. به جهت این‌که این شاخص تحت تأثیر تعداد نمونه قرار می‌گیرد؛ لذا از تقسیم این شاخص بر درجه آزادی استفاده می‌شود. شاخص میانگین مجذور خطاهای مدل (RMSA) از شاخص‌های مهم در برازش مدل است. این شاخص بر اساس خطاهای مدل ساخته می‌شود و هر چه کمتر باشد، بهتر است. شاخص نیکویی برازش (GFI) نشان‌دهنده



اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس‌ها و کواریانس‌ها است که توسط مدل تعیین می‌شود و هر چه بیشتر باشد بهتر است. شاخص (AGFI) همان نیکویی برازش است که با در نظر گرفتن درجه آزادی تعدیل شده است. شاخص نرم شده‌ی برازندگی (NFI) یکی دیگر از شاخص‌های برازش مدل است که مقادیر بالای آن بهتر است.

جدول ۴- اطلاعات مربوط به برازش کلی مدل تحقیق

نام پارامتر	مقدار	حد مجاز
نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی	2.57	کوچک‌تر از 3
شاخص برازش غیرنرم (NNFI)	0.94	بزرگ‌تر از 0.9
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	0.93	بزرگ‌تر از 0.9
شاخص برازش افزایشی (IFI)	0.94	بزرگ‌تر از 0.9
شاخص برازندگی (GFI)	0.92	بزرگ‌تر از 0.9
شاخص برازندگی تعدیل یافته (AGFI)	0.90	بزرگ‌تر از 0.9

مقایسه میان مقدار شاخص‌ها با حد مجاز در نظر گرفته شده برای آنها، نشان‌دهنده برازش مدل در نظر گرفته شده برای متغیرها با داده‌های جمع‌آوری شده است. جدول شماره ۵ خروجی نتایج حاصل از میانگین و انحراف معیار شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۵- آزمون t تک نمونه‌ای بررسی وضعیت موجود مؤلفه‌های تحقیق

مؤلفه‌ها	آماره آزمون = ۳			فاصله اطمینان ۹۵%	
	تفاوت میانگین	سطح معناداری	آماره t	بیشینه	کمینه
مؤلفه فناوری اطلاعات	0.116	0.001	3.433	0.1826	-0.0495
مؤلفه منابع انسانی	0.259	0.000	6.959	0.3329	0.1861
مؤلفه انگیزشی	0.220	0.034	3.129	0.0772	0.0124
مؤلفه محتوایی	-0.136	0.120	1.735	-0.0648	-0.1369



با توجه به این که طیف پاسخگویی یک تا پنج بوده است، میانگین آنها ۲/۵ می شود. از سوی دیگر، در جهت افزایش کیفیت میانگین‌ها، در این تحقیق، میانگین ۳ به عنوان حداقل وضعیت مطلوبیت رو نشان می‌دهد. بنابراین، با توجه به جدول شماره ۵، مؤلفه فناوری اطلاعات برنامه واحد عملی درس تربیت بدنی دانشگاه فردوسی مشهد از وضعیت مطلوبی جهت اجرای آموزش‌های مجازی برخوردار است.

جدول ۶- آزمون t تک نمونه ای بررسی وضعیت موجود برای شاخص‌های مؤلفه فناوری اطلاعات

آماره آزمون = 3			شاخص
آماره t	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
12.198	00.000	0.555	وضعیت دسترسی به اینترنت
-0.651	0.561	0.031	قابلیت دسترسی به برنامه کاربردی تربیت بدنی
0.527	0.599	0.028	استفاده مناسب و راحت از برنامه کاربردی تربیت بدنی
0.904	0.367	0.041	مفید بودن ارائه "راهنمای استفاده از سیستم" و "راهنمای تصویری حرکات"
2.540	0.012	0.131	پشتیبانی مسائل فنی توسط تیم طراح
-0.557	0.578	-0.028	برقراری ارتباط بین اساتید و دانشجویان

با توجه به جدول ۶ می‌توان ادعا نمود که قابلیت دسترسی برنامه تربیت بدنی، استفاده مناسب و راحت از برنامه، مفید بودن "راهنمای استفاده از سیستم"، "راهنمای تصویری حرکات" و برقراری ارتباط بین اساتید و دانشجویان در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و در مقابل وضعیت دسترسی به اینترنت و پشتیبانی مسائل فنی توسط تیم طراح در وضعیت مطلوبی قرار داشته‌اند. همچنین، نتایج جدول ۷ حاکی از بزرگ‌تر بودن آماره آزمون از آماره استاندارد (۱/۹۶) برای مؤلفه منابع انسانی است. بنابراین می‌توان گفت که مقادیر به دست آمد در ناحیه بحرانی واقع نشده است و فرض صفر رد می‌شود و بر همین اساس فرض مقابل تأیید می‌گردد. یعنی در شرایط فعلی و با توجه به آموزش‌های در حال اجرا، مؤلفه منابع انسانی از وضعیت مطلوبی برخوردار می‌باشند.



جدول ۷- آزمون t تک نمونه‌ای بررسی وضعیت موجود برای شاخص‌های مؤلفه منابع انسانی

آماره t	آماره آزمون = 3		شاخص
	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
0.205	0.838	0.010	میزان آشنایی با برنامه کاربردی تربیت بدنی
7.166	0.000	0.300	وضعیت آموزش حرکات از طریق اساتید به دانشجویان
2.779	0.006	0.148	میزان نظارت اساتید بر اجرای تمرینات
11.09	0.000	0.579	قابلیت آماده‌سازی دانشجویان به منظور انجام حرکات ورزشی در برنامه کاربردی تربیت بدنی

با توجه به جدول ۷ می‌توان ادعا نمود که میزان آشنایی با برنامه تربیت بدنی در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و در مقابل وضعیت آموزش حرکات از طریق اساتید به دانشجویان، میزان نظارت اساتید بر اجرای تمرینات و قابلیت آماده‌سازی دانشجویان به منظور انجام حرکات ورزشی در برنامه در وضعیت مطلوبی قرار داشته‌اند.

از سوی دیگر، با توجه به جدول شماره ۸، مؤلفه محتوایی برنامه واحد عملی درس تربیت بدنی دانشگاه فردوسی مشهد از وضعیت مطلوبی جهت اجرای آموزش‌های مجازی برخوردار نیست.

جدول ۸- آزمون t تک نمونه‌ای بررسی وضعیت موجود برای شاخص‌های مؤلفه محتوایی

آماره t	آماره آزمون = 3		شاخص
	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
-1.193	0.234	-0.055	وضعیت برنامه کاربردی تربیت بدنی را از لحاظ نوع، کمیت و کیفیت تمرینات
3.774	0.000	-0.176	وقت در نظر گرفته شده برای اجرای تمرینات (متناسب با تعداد واحد درس تربیت بدنی)
0.201	0.840	0.010	وضعیت برنامه تربیت بدنی نسبت به رعایت استانداردهای ورزشی مربوط به فاکتورهای جسمانی



جدول ۸- آزمون t تک نمونه‌ای بررسی وضعیت موجود برای شاخص‌های مؤلفه محتوایی

آماره t	آماره آزمون = 3 سطح معناداری	تفاوت میانگین	شاخص
-7.735	0.000	-0.355	محتوای برنامه کاربردی تربیت‌بدنی با نظم و ترتیب و توالی منطقی
-1.618	0.107	-0.076	قابلیت انجام حرکات ورزشی برای دانشجویان در برنامه کاربردی تربیت بدنی
-1.264	0.207	-0.059	تناسب محتوای برنامه کاربردی تربیت‌بدنی با اهداف درس و سرفصل‌های آموزشی
-5.006	0.000	-0.248	رعایت فاصله زمانی ۲۴ ساعت برای ثبت تمرینات

با توجه به جدول ۸ می‌توان ادعا نمود که وضعیت برنامه تربیت بدنی از لحاظ نوع، کمیت و کیفیت تمرینات، وضعیت برنامه تربیت بدنی نسبت به رعایت استانداردهای ورزشی، محتوای برنامه با نظم و ترتیب و توالی منطقی، قابلیت انجام حرکات ورزشی برای دانشجویان در برنامه تربیت بدنی، تناسب محتوای برنامه با اهداف درس و سرفصل‌های آموزشی و رعایت فاصله زمانی ۲۴ ساعت برای ثبت تمرینات در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و این در حالیست که از نظر متخصصین علوم ورزشی رعایت این فاصله زمانی بین تمرینات کافی و لازم است و در مقابل وقت اختصاص داده شده از طرف کاربران (متناسب با تعداد واحد درس تربیت بدنی) در وضعیت مطلوبی قرار داشته است.

با توجه به جدول شماره ۹، مؤلفه انگیزشی برنامه کاربردی واحد عملی درس تربیت بدنی دانشگاه فردوسی مشهد از وضعیت مطلوبی جهت اجرای آموزش‌های مجازی برخوردار است.



جدول ۹- آزمون t تک نمونه‌ای بررسی وضعیت موجود برای شاخص‌های مؤلفه انگیزشی

آماره t	آماره آزمون = 3		مؤلفه
	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
-5.575	0.000	-0.279	به لحاظ میزان پذیرش و مقبولیت برنامه کاربردی تربیت‌بدنی
-4.463	0.000	-0.210	از نظر قابلیت اجرایی بودن برنامه کاربردی تربیت‌بدنی در منزل
-1.938	0.054	0.103	لذت بخش بودن برنامه کاربردی تربیت‌بدنی
-6.023	0.000	-0.286	مفید و مؤثر بودن بازخورد مربیان بر تمرینات
5.166	0.000	0.286	میزان استقبال از برنامه کاربردی تربیت‌بدنی

با توجه به جدول ۹ می‌توان ادعا نمود که وضعیت برنامه کاربردی تربیت‌بدنی لحاظ میزان پذیرش و مقبولیت آن توسط دانشجو، از نظر قابلیت اجرایی بودن آن در منزل، لذت بخش بودن برنامه و مفید و مؤثر بودن بازخورد مربیان بر تمرینات در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و در مقابل میزان استقبال کاربران برنامه کاربردی تربیت‌بدنی در وضعیت مطلوبی قرار داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌واسطه شیوع کرونا، کلاس‌های حضوری دانشگاه‌ها در کشورهای درگیر این بیماری تعطیل شدند و همه اقدام به ارائه آموزش از راه دور کردند؛ اینترنت، گوشی هوشمند، لپ‌تاب و کامپیوتر از ابزارهای مهم این روزها برای برقراری کلاس‌های مدارس و دانشگاه‌هاست که در ایران هم از این طریق، آموزش به دانشجویان در حال اجرا است. در این بین دانشگاه فردوسی مشهد نیز همانند دیگر دانشگاه‌های کشور مبادرت به تهیه نرم افزارهای مختلفی نمود که یکی از این برنامه‌ها، طراحی سامانه مربوط به درس تربیت‌بدنی و ورزش است. با عنایت به نوپا بودن این نرم‌افزار، محققین سعی نمودند تا با شناسایی عوامل مؤثر به برگزاری هر چه بهتر کلاس‌های تربیت‌بدنی به صورت مجازی کمک کنند. لذا هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر شناسایی و مدل‌سازی عوامل مؤثر بر آموزش مجازی واحد تربیت‌بدنی دانشجویان غیر تربیت‌بدنی دانشگاه فردوسی مشهد در دوران شیوع ویروس کرونا بود. با عنایت به نتایج در بخش کیفی پژوهش که با استفاده از مصاحبه و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شد در نهایت، چهار مؤلفه فناوری اطلاعات، نیروی انسانی، انگیزشی و محتوایی به عنوان عوامل مؤثر بر



برگزاری کلاس‌های مجازی تربیت بدنی شناسایی شدند. اسمعیل‌نیا، کوهستانی و معقول (۲۰۱۹)، کریمیان و فرخی (۲۰۱۸) و جزینی (۲۰۱۸) نیز در پژوهش‌های خود، مؤلفه فناوری اطلاعات، نیروی انسانی، انگیزشی و محتوایی را به عنوان عوامل اثرگذار بر آموزش الکترونیک معرفی کردند.

با عنایت به نتایج حاصل از پژوهش مشخص شد که مؤلفه فناوری اطلاعات از عوامل مهم و بسیار اثرگذار بر برگزاری کلاس‌های مجازی تربیت بدنی است به طوری که با فراهم نبودن این عامل شرایط و زمینه برای پیاده‌سازی این نوع کلاس‌ها عملاً فراهم نخواهد شد. با نظرسنجی به عمل آمده مشخص شد که نمونه پژوهش وضعیت دسترسی به اینترنت و پشتیبانی مسائل فنی تیم طراح سامانه تربیت بدنی را مثبت و مطلوب ارزیابی کردند. پر واضح است امروزه دسترسی به اینترنت در بین دانشجویان یک امر عادی است و با توجه به این‌که بیشتر دانشجویان به یکی از وسایل الکترونیکی نظیر موبایل و لپتاپ دسترسی دارند، این موضوع را تأیید می‌کند که به اینترنت هم دسترسی داشته باشند. مزایای بی‌شمار اینترنت در زمینه پژوهش، آموزش و ارتباطات، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی را ترغیب کرده است تا زمینه دسترسی به این شبکه عظیم را برای اعضا و دانشجویان خود فراهم سازند و به توسعه استفاده از آن بپردازند. دسترسی به منابع اطلاعاتی و یافته‌های علمی، اشتراک دانش، ارتباط‌های علمی بین دانشمندان، آموزش از راه دور، دسترسی به کتابخانه‌های مجازی و مواردی دیگر از طریق اینترنت باعث شده است که این شبکه بیش از آن‌چه در ابتدا تصور می‌شد، اهمیت یابد. همچنین پشتیبانی به موقع و تمام وقت طراحان سامانه تربیت بدنی از این برنامه یکی از مزیت‌هایی بود که افراد شرکت‌کننده در پژوهش بر روی آن اتفاق نظر داشتند. الهباب و روولی (۲۰۱۸) نیز در پژوهش خود سهولت دسترسی به سامانه و پشتیبانی از سامانه‌های آموزش مجازی را از عوامل اثرگذار بر آموزش مجازی بیان کردند. در کنار این موارد قابلیت دسترسی به برنامه تربیت بدنی، استفاده مناسب و راحت از برنامه، مفید بودن راهنمای استفاده از سیستم، راهنمای تصویری حرکات و در نهایت برقراری ارتباط بین اساتید و دانشجو از مواردی بود که در نظر افراد از وضعیت مطلوب و قابل قبولی برخوردار نبود. به گفته جفرسون و آرنولد (۲۰۰۹) تعامل دوطرفه استاد و دانشجو در حین برگزاری کلاس از عوامل مؤثری است که به بهبود آموزش مجازی کمک شایانی خواهد کرد که نیاز است به این نقیصه توجه بیشتری شود تا ارتباط و تعامل اثربخشی بین دوطرف برقرار شود. به دلیل این‌که برای اولین بار در حوزه آموزش دانشگاهی آن هم برای دروس عملی تربیت بدنی، چنین نرم‌افزاری تهیه می‌شد، طبیعی است که با نواقصی همراه باشد که این نواقص می‌تواند با بازخوردهای مکرر استفاده‌کنندگان از این برنامه در نسخه‌های بعدی اصلاح شود. با توجه به این‌که حجم عظیمی



از دانشجویان از این برنامه استفاده می‌کنند، نیاز است تا شرایطی فراهم شود تا بتواند این حجم از کاربر را حمایت کند. هر برنامه جدیدی که روانه بازار می‌شود، باید به صورت کامل راهنمای استفاده از برنامه را برای کاربران فراهم کند تا افراد بتوانند بدون کمترین مشکلی از این سیستم استفاده کنند. در نتیجه توجه به مؤلفه فناوری اطلاعات و شاخص‌های مرتبط به آن از سوی طراحان یک امر ضروری است و با توجه به پیشرفت روزافزون فناوری و تکنولوژی در کشور توجه مستمر به این مؤلفه یک ضرورت اساسی به شمار می‌رود تا پاسخگوی نیاز جامعه هدف که دانشجویان هستند، باشد.

در ادامه، نتایج پژوهش نشان داد که مؤلفه منابع انسانی نیز همانند مؤلفه فناوری اطلاعات از وضعیت مطلوبی در برگزاری مجازی کلاس‌های عملی تربیت بدنی برخوردار است. الهباب و روولی (۲۰۱۸) اعلام کردند که ویژگی‌های استاد و دانشجو از عوامل مؤثر بر اثربخشی آموزش مجازی است و نیاز است دو طرف به صورت کامل با سامانه مورد استفاده آشنایی کافی و لازم را داشته باشند. در بین شاخص‌های مرتبط با مؤلفه منابع انسانی، میزان آشنایی با برنامه تربیت‌بدنی در وضعیت مطلوب قرار نگرفته است و این امر به واسطه جدید بودن به‌کارگیری این نوع برنامه در کلاس‌های تربیت بدنی دانشجویان غیر تربیت‌بدنی در دانشگاه‌های کشور است. با طراحی راهنمای استفاده از برنامه و تهیه فیلم‌های آموزشی راهنما می‌توان این نقیصه را در رابطه با این برنامه جبران کرد. در سایر شاخص‌های مربوط به مؤلفه منابع انسانی که شامل وضعیت آموزش حرکات از طریق اساتید به دانشجویان، میزان نظارت اساتید بر اجرای تمرینات و قابلیت آماده‌سازی دانشجویان به منظور انجام حرکات ورزشی در برنامه هستند، وضعیت مطلوبی از سوی افراد گزارش شد. در کنار استفاده دانشجویان از این برنامه، لازم است که مدرسان نیز به این برنامه اشراف کامل داشته باشند تا با آموزش‌های مناسب دانشجویان را در انجام هرچه بهتر حرکات یاری دهند. استفاده از برنامه‌های مکمل در جهت بهبود آموزش در کنار این برنامه نظیر برگزاری کلاس‌های آنلاین که استاد نحوه انجام صحیح حرکات را نشان دهد، ارسال کلیپ‌ها و فیلم‌های آموزشی کوتاه از نحوه انجام صحیح حرکات و در اختیار گذاشتن جزوات آموزشی از راهکارهایی است که می‌تواند در برگزاری هر چه بهتر این نوع کلاس‌ها به دانشجویان کمک شایانی بکند.

در ادامه نتایج تحقیق مشخص شد که مؤلفه محتوایی همانند سایر مؤلفه‌های شناسایی شده در وضعیت مناسب و مطلوبی قرار ندارد که نیاز به بررسی و واکاوی این مؤلفه برای بهبود اثربخشی این برنامه ضروری است. از بین مؤلفه‌های محتوایی، وضعیت برنامه تربیت بدنی از لحاظ نوع، کمیت و کیفیت تمرینات، وضعیت برنامه تربیت بدنی نسبت به رعایت استانداردهای ورزشی، محتوای برنامه



با نظم و ترتیب و توالی منطقی، قابلیت انجام حرکات ورزشی برای دانشجویان در برنامه تربیت بدنی تناسب محتوای برنامه با اهداف درس و سرفصل‌های آموزشی و رعایت فاصله زمانی ۲۴ ساعت برای ثبت تمرینات در وضعیت مطلوبی قرار نداشته‌اند. لازم به ذکر است که اجرای هر برنامه‌ای برای بار نخست با نواقص و مشکلاتی همراه است. با توجه به شیوع ویروس کرونا و محدودیت زمان در طراحی این برنامه برای اجرای کلاس‌های تربیت بدنی، وجود کاستی‌ها و نواقصی در محتوا قابل پیش‌بینی بود؛ چرا که این برنامه برای اولین بار در سطح دانشگاه‌ها به اجرا درآمده است و بازخوردی را از کاربران برای ایجاد تغییرات در محتوا دریافت نکرده است. مطمئناً با بازخوردها و پیشنهادهایی که از سوی دانشجویان و اساتید ارائه می‌شود می‌توان در نسخه‌های بعدی این برنامه، محتوای مناسب‌تری را مشاهده کرد که مورد قبول همگان باشد. بنابراین مسئولین امر در بخش تهیه محتوای آموزشی بایستی در جهت ارتقای سطح نرم افزار در بخش محتوا گام بردارند، تا بتوان در بستر فناوری‌های نوین و اینترنت، امکان آموزش فراگیر و غیروابسته به جا و مکان را فراهم نمود.

مؤلفه انگیزشی، آخرین مؤلفه شناسایی شده در این پژوهش بود که با توجه به مقادیر به دست آمده در ناحیه بحرانی واقع نشده است و در شرایط فعلی و با توجه به آموزش‌های در حال اجرا، از وضعیت مناسبی برخوردار بود. با توجه به ماهیت واحد تربیت بدنی که برگزاری کلاس‌ها را به صورت حضوری می‌طلبد، قبول کردن برگزاری کلاس‌ها به صورت مجازی و انجام تمرینات در منزل کمی با مشکل مواجه شد. با توجه به این که در شرایط شیوع ویروس کرونا امکان برگزاری کلاس‌ها به صورت حضوری وجود نداشت، با طراحی این اپلیکشین افراد ناچار بودند در فضای خانگی به انجام تمرینات بپردازند؛ به همین دلیل میزان پذیرش و مقبولیت آن توسط دانشجو، از نظر قابلیت اجرایی بودن آن در منزل، لذت بخش بودن برنامه و مفید و مؤثر بودن بازخورد مربیان بر تمرینات در وضعیت مطلوبی قرار نگرفته است. طراحان برنامه تربیت بدنی و مسئولین امر با ایجاد فضایی مفرح و شاد برای دانشجویان، ارائه محتوا و آموزش‌های مطلوب که پیگیری استاد را هم به همراه داشته باشد باید دانشجویان را به اجرای تمرینات ورزشی در منزل ترغیب کنند.

با توجه به نتایج پژوهش و مطالبی که عنوان شد در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که در آینده از نظام آموزشی مجازی در اکثر دانشگاه‌های کشور می‌توان، بهره‌مند شد، در صورتی که عوامل تأثیرگذار بر این نظام آموزشی به دقت شناسایی و در نظر گرفته شوند. از جمله می‌توان با تجهیز منابع و امکانات دانشگاه‌ها در این خصوص در جهت رفع نواقص و برگزاری بهتر این نظام آموزشی گام مفیدی برداشت. برای بهره‌گیری از نظام آموزش مجازی در کشور باید اقداماتی از قبیل توسعه فن آوری اطلاعات،



- فرهنگ سازی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به این نوع نظام آموزشی، توسعه و استفاده از نیروی انسانی دارای صلاحیت کافی برای نظام آموزشی مجازی و تحول در نظام برنامه‌ریزی درسی در اولویت قرارگیرد. همچنین با عنایت به یافته‌های تحقیق و به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی برنامه تربیت‌بدنی و به روزرسانی آن، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:
- تهیه استانداردهای آموزشی درس تربیت بدنی بر اساس مصوبه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
 - با توجه به این که بستن گوشی به بازو در حین تمرین کاری سخت و طاقت‌فرساست، متخصصین نرم‌افزار رایانه بایستی راهکار مناسب‌تری اتخاذ نمایند؛
 - حرکات ورزشی مندرج در برنامه تربیت بدنی، متناسب با رشته ورزشی و آمادگی جسمانی دانشجویان برنامه‌ریزی شود؛
 - استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصین علوم ورزشی در هنگام به‌روزرسانی برنامه تربیت بدنی؛
 - به منظور جلوگیری از حوادث ناگوار، طراحی سیستم با نظارت مربیان مد نظر قرار گیرد.
 - فراهم نمودن امکانات ثبت و ضبط اطلاعات ورزشی هر دانشجوی؛
 - برگزاری کلاس‌های توجیهی قبل و بعد از حرکات ورزشی به منظور مرتفع نمودن مشکلات و ایرادات دانشجویان؛
 - فراهم نمودن امکاناتی جهت رفاه حال آن دسته از دانشجویانی که دارای آسیب و ناهنجاری‌های خاصی هستند؛
 - امکان ویرایش بازخورد توسط مربیان در برنامه

تشکر و قدردانی

در پایان به رسم ادب، جا دارد از ریاست محترم، معاونت آموزشی و پژوهشی، کارکنان آموزش و اساتید دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد که در انجام پژوهش حاضر، مساعدت و همکاری‌های لازم را داشتند، تشکر و سپاسگزاری نمایم.

منابع

1. Akaslan, D., Chong, L., Effie, L. (2010). E-Learning in the science of electricity in higher education in Turkey in terms of environment and energy. *Society: Health, Culture and the Environment Conference*, 1(1): 1-10.



2. Alhabeeb, A., & Rowley, J. (2018). E-learning critical success factors: Comparing perspectives from academic staff and students. *Computers & Education*, 127: 1-12.
3. Andone, L., Sireteanu, N-A. (2009). Strategies for technology-based learning in higher education. *The FedUni Journal of Higher Education*, 4(1): 31- 42.
4. Asadollahi, E., Gholami Bidkhani, R., Jaghargh Mahian, A., & Yazdanian, M. (2020). *Research Methods in Physical Education and Sports*. Single Book Publications. First Edition. Mashhad. 493. (Persian)
5. Clark, J. T. (2020). *Distance education*. Academic Press In Clinical Engineering Handbook. 410-415.
6. El-Masri M, Tarhini A. (2017). Factors affecting the adoption of e-learning systems in Qatar and USA: Extending the Unified Theory of Acceptance and Use of Technology 2 (UTAUT2). Educational. *Technology Research and Development*, 65(3): 743-763.
7. Engelbrecht, E. (2005). Adapting to changing expectations: Postgraduate students experience of an e-learning Tax Program. *Computers and Education*, 45(2): 217-229.
8. Erge, Z. L., & Muilenburg, L.Y. (2015). Student barriers to online learning: A factor analytic study. *Distance Education*, 26(1): 29-48.
9. Esmaeilnia, M., Kouhestani, H., Maghul, A. (2019). Design and Validation of quality improvement model of virtual learning in Farhangian University (mixed method). *Technology of Education Journal (TEJ)*, 13(2): 561-580. (Persian)
10. Fathi Vajargah, K., Hasan Pardakhtchi, M., Rabeeyi, M. (2011). Effectiveness Evaluation of Virtual Learning Courses in High Education System of Iran (Case of Ferdowsi University). *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 1(4): 5-21. (Persian)
11. Ghorbankhani, M., Salehi, K. (2017). Representation Challenges of Virtual Training in Iran's Higher Education System: A Study of Phenomenological Approach. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 7(2(26)): 123-148. (Persian)
12. Glaeser, E. L., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A. (2004). "Do institutions cause growth?". *Journal of economic Growth*, 9(3): 271-303.
13. Jazini, A. (2018). Studying the Effect of E-Learning Courses of Universities and Non-profit Institute on Knowledge Development. *Iranian Society for Training and Development*, 5(16): 133-150. (Persian)
14. Jefferson, R. N, & Arnold, L. W. (2009). Effects of virtual education on academic culture perceived advantages and disadvantages. *US-China Education Review*, 6(3): 61- 66.
15. Karimian, Z., Farokhi, M. (2018). Eight Steps in the Development of Virtual Education in Educational Innovation Plan in Medical Sciences Universities, A review of an experience. *Journal of Medicine and Cultivation*, 27(2): 101-112. (Persian)
16. Kilgore, W. & Aras, B. (2018). Bot-Teachers in Hybrid Massive Open Online Courses (MOOCs): A Post- Humanist Experience. *Australasian Journal of Educational Technology*, 34(3): 39-59.



17. Kiyani, M. (2014). Virtual learning challenges, narrating what the virtual university is not taught. *Media*, 5(3): 11-22. (Persian)
18. Menati, H. (2020). Investigation of the effects of COVID-19 on the global economy. *Journal of Social Impact Assessment*, 1 (2): 163-181. (Persian)
19. Miliszewska, L., & Rhema, A. (2010). Towards e-learning in higher education in Libya. *Informing science and Information Technology*, 7(1): 423- 437.
20. Mohammadkhani, K., Mohammad Davoudi, A., Jalali, A. (2014). Evaluating Factors Influencing Success of Virtual Education in Research Institute of Petroleum Industry. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 5(17): 143-162. (Persian)
21. Nneka Eke, H. (2011). Modeling LIS students' intention to adopt e-learning: A case from University of Nigeria Nsukka. Nigeria: Library Philosophy and Practice.
22. Norozi Koohdasht, R., Mohammad Davoudi, A. H., & Jafari, P. (2013). Quality of educational services in different schools of sciences & Research University from the students' viewpoints. The 1st National Virtual Conference: Rahavarane Amoozesh. (Persian).
23. Pandya, K., & Gor, K. (2011). Knowledge management: A success key for higher education. *Fed Uni Journal of Higher Education*, 5(1): 16- 23.
24. Puri, G. (2012). "Critical Success Factors In E-Learning – An Empirical Study". *International Journal of Multidisciplinary Research*, 2(1): 149 – 161.
25. Rodrigues, M. W., Isotani, S., & Zarate, L. E. (2018). Educational Data Mining: A review of evaluation process in the e-learning. *Telematics and Informatics*, 35(6): 1701-1717.
26. Salimi, M., Moslehi, L. (2016). Identifying the Components and Indicators of Evaluating General Physical Education Teachers. *Research on Educational Sport*, 4(10): 17-34.
27. Toresdahl, B. G., & Asif, I. M. (2020). Coronavirus disease 2019 (COVID-19): considerations for the competitive athlete. *Sports health*, 12(3): 221-224.
28. Wu, Y.-C., Chen, C.-S., & Chan, Y.-J. (2020). Outbreak of COVID-19: An overview. *Journal of the Chinese Medical Association*. 83(3): 217-220.
29. Zameer, A. (2010). Virtual education system (current myth & future reality in Pakistan. *Informing Science and Information Technology*, 7(1): 1- 8.



ارجاع دهی

کاشانی، سعیده؛ حیدری، رضا؛ اصفهانی، مهدی؛ طباطباییان، فخرالسادات. (۱۴۰۱). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر آموزش مجازی واحد تربیت بدنی عمومی دانشگاه فردوسی مشهد در دوران شیوع ویروس کرونا. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۰ (۲۶): ۸۵-۱۱۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2021.9312.1940

Kashani, S; Keshtidar, M; Heydari, R; Esfehiani, M; Tabatabaeian, F. (2022). Identification and Analysis the Effective Factors on the Virtual Education of the General Physical Education Course of Ferdowsi University of Mashhad during the Coronavirus. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 85-116. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2021.9312.1940



Research Paper

Designing the Intelligent Building Model of Physical Education Conservatories with a Sustainable and Learning School Approach

Sh. Farzi Khaledi¹, Sh. Bahrami², B. Yousefi³

1. PhD Student in Sports Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, kermanshah, Iran.
2. Assistant Professor in sport management, Kermanshah Beranch, Islamic azad University, kermanshah, Iran (Corresponding Author)
3. Associate Professor in Sports Management, Razi University, kermanshah, Iran.

Received: 2020/05/01

Accepted: 2021/12/26

Abstract

The aim of this research was designing an Intelligent Building model of Physical Education Conservatories with a sustainable and learning school approach. The research method selected a qualitative type with a systematic heuristic approach. The statistical population consisted of two sections of human resources (professors, teadhers, managers, etc.) and information resources (books, articles, documents, media, etc.). The sampling was done in a sufficient number and with a judgmental method based on theoretical saturation (n = 18). Research tools included systematic library study and structured exploratory interviews. The validity of the instrument was evaluated and validated based on exemplary legal and scientific validity, expert opinion, and agreement between the examiners. To analyze the findings was used multi-stage conceptual coding with system analysis approach. Based on the results of 79 components screened at four levels, 10 perspectives and 23 dimensions were framed and coded. The conceptual model structure consisted of successive levels: capacity building (student-centered ecosystem), intelligence (smart school), learning (learning school), and sustainability (sustainable school). Capacity building includes two perspectives on propulsion and institutional requirements, support and ecosystem resources. Intelligence includes three perspectives on technology-based management, ICT infrastructure, and access to environmental networks. Levels of learning also included three perspectives on educational system capability, member technology literacy, and learning-learning environment. Finally, the level of sustainability includes two perspectives on environmental functions and organizational maturity in vocational schools. School intelligence is a systematic, multidimensional process that integrates educational,

1. Email: farzi.shabnam@yahoo.com

2. Email: bahramishahab@yahoo.com

3. Email: byousefy@razi.ac.ir



Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives 4.0 International Public License

managerial, technological, and behavioral elements into a new, integrated learning system to achieve sustainability. The proposed model can be used in the analysis and planning of the implementation of intelligent modeling for physical education vocational schools.

Keywords: Educational Management, Educational Technology, Organizational Learning, Organizational Sustainability, Sports High School.

Extended Abstract

Background and purpose

With the arrival of new educational technologies in the form of smart schools, the educational system is forced to choose new functions in accordance with the needs of the time because using this type of education by influencing learning, attracting learners' interest, the possibility of teaching by new methods, paying attention to individual differences, creating sustainable skills to be absorbed in the labor market, using them in evaluation, and creating research spirit in students seem to be essential more and more (Luttrell, 2016). The use of information and communication technology tools has provided new solutions in improving and developing the educational system, the results of which are the establishment of smart schools. The school smartening plan helps to achieve the higher goals of education in the direction of researcher-centeredness by changing old traditions using new technologies (Mirtaheri, 2018). School smartening follows the principles of organizational learning, which is designed to prepare students to live in the age of knowledge, systematically in teaching-learning and school management activities (Bidgoli et al., 2018). Addressing the issue of smartening physical education vocational schools, which has an undeniable role in preparing scientific-skill-sports talents to enter the community and the market, is an issue that is necessary for investing in educational and basic sports. But the dimensions and factors related to the development and implementation of the smart school system in these conservatories should be considered. The aim of this research was to design an Intelligent Building model of Physical Education Conservatories with a sustainable and learning school approach.

Methodology

The research method included a qualitative type with a systematic heuristic approach. The statistical population consisted of two sections of human resources (professors, teachers, managers, etc.) and information resources (books, articles, documents, media, etc.). The sampling was done in a sufficient number and with a judgmental method based on theoretical saturation ($n = 18$). Research tools included systematic library study and structured exploratory interviews. The validity of the instrument was evaluated and validated based on exemplary legal



and scientific validity, expert opinion, and agreement between the examiners. To analyze the findings, multi-stage conceptual coding with system analysis approach was used.

Results

Based on the results of 79 components screened at four levels, 10 perspectives and 23 dimensions were framed and coded. The conceptual model structure consisted of successive levels: capacity building (student-centered ecosystem), intelligence (smart school), learning (learning school), and sustainability (sustainable school). Capacity building includes two perspectives on propulsion and institutional requirements, support and ecosystem resources. Intelligence includes three perspectives on technology-based management, ICT infrastructure, and access to environmental networks. Levels of learning also included three perspectives on educational system capability, member technology literacy, and learning-learning environment. Finally, the level of sustainability includes two perspectives on environmental functions and organizational maturity in vocational schools. At the capacity building level, the perspective of propulsion and institutional requirements dominates the perspective of ecosystem support and resources. At the level of intelligence, the perspective of the effect of technology-based management on the ICT infrastructure of art schools and access to environmental networks is dominant. At the level of learning, the perspectives of the influence of the capabilities of the educational system and information literacy and technology of members on the dynamic learning-learning environment is dominant. At the level of sustainability, the perspective of the effect of environmental function of vocational schools on the organizational maturity of vocational schools is dominant.

Conclusion

School intelligence is a systematic, multi-dimensional process that integrates educational, managerial, technological, and behavioral elements into a new, integrated learning system to achieve sustainability. The proposed model can be used in the analysis and planning of the implementation of intelligent modeling for physical education vocational schools. In general, based on the conceptual model of the research, it can be said that the intelligence of physical education conservatories with the aim of achieving the model of a learning and sustainable school is a systematic and multi-level process that has its own characteristics at each level and stage. They are affected by their correlated factors. Therefore, it is necessary for managers to consider the relationship between factors within each



level and with other levels. The change in the relatively traditional system of physical education schools to the smart school requires a change in the general system of these schools. This change must be step by step and with tact and thinking. On the other hand, reforms in a country's education system will generally face various challenges and problems. In order to solve those problems, it is necessary for the critics to come to the aid of those involved in that reform movement and to pave the way for the presenters with a critical look. Because running a smart, learning, and sustainable school for physical education conservatories requires a long program and takes several years to develop its tools, which include communication infrastructure, appropriate content, teacher training, changing teaching methods, and parenting culture. It is explicitly suggested that the components, themes and framework presented in this research to enrich the concept of documents and programs, comprehensive in decisions and actions, as well as the process in evaluating and managing performance related to intelligence physical education conservatories should be used.

Keywords: Educational Management, Educational Technology, Organizational Learning, Organizational Sustainability, Sports High School.

References

1. Luttrell, W. (2016). School-smart and mother-wise: Working-class women's identity and schooling. *Routledge*.
2. Mirtaheri, M H. (2018). Technology and schools of smartening schools in Iran: with emphasis on educational tablets. *master's theses, Imam Sadegh University, Faculty of Islamic Studies and Culture and Communication*. (Persian)
3. Bidgoli, Z., Nowruzi, D., Maghami, H. (2018). the impact of smart school technologies on students' creativity. *Innovation and Creativity in the Humanities*, 7 (4): 241-262. (Persian)



تدوین الگوی مفهومی هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی با رویکرد مدرسه یادگیرنده و پایدار

شبنم فرضی خالدي^۱، شهاب بهرامی^۲، بهرام یوسفی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار مدیریت ورزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۲

چکیده

هدف از این پژوهش، تدوین الگوی مفهومی هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی با رویکرد مدرسه یادگیرنده و پایدار بود. روش تحقیق از نوع کیفی با رویکرد اکتشافی سیستماتیک انتخاب شد. جامعه آماری شامل دو بخش منابع انسانی (اساتید، معلمان، مدیران و ...) و منابع اطلاعاتی (کتاب‌ها، مقالات، اسناد، رسانه‌ها، و ...) بود. نمونه‌گیری به تعداد قابل کفایت و با روش قضاوتی بر مبنای رسیدن به اشباع نظری انجام شد (۱۸ نفر). ابزار پژوهش شامل مطالعه کتابخانه‌ای نظامند و مصاحبه‌های اکتشافی ساختارمند بود. روایی ابزار بر اساس اعتبار حقوقی و علمی نمونه، نظر خبرگان و توافق بین مصححان ارزیابی و تأیید گردید. جهت تحلیل یافته‌ها از روش کدگذاری مفهومی چندمرحله‌ای با رویکرد تحلیل سیستمی استفاده شد. بر اساس نتایج، ۷۹ مؤلفه غربال شده در چهار سطح، ۱۰ منظر و ۲۳ بُعد چارچوب‌بندی و کدگذاری شدند. ساختار مدل مفهومی به صورت توالی سطوح مفهومی ظرفیت‌سازی (اکوسیستم دانش‌محور)، هوشمندسازی (مدرسه هوشمند)، یادگیرندگی (مدرسه یادگیرنده) و پایداری (مدرسه پایدار) بود. سطح ظرفیت‌سازی شامل دو منظر پیشران‌ها و الزامات نهادی، حمایت‌ها و منابع اکوسیستمی است. هوشمندسازی شامل سه منظر مدیریت فناوری‌محور، زیرساخت ICT هنرستان‌ها و دسترسی به شبکه‌های محیطی است. سطح نیز یادگیرندگی شامل سه منظر قابلیت سیستم آموزشی، سواد فناوری اعضا و محیط یادهی-یادگیری بود. سطح پایداری نیز شامل دو منظر کارکردهای محیطی و بلوغ سازمانی هنرستان‌ها است. هوشمندسازی مدارس فرایندی سیستماتیک و چندبعدی است که عناصر آموزشی، مدیریتی، فناوری و رفتاری را در یک سیستم جدید و یادگیرنده یکپارچه می‌کند تا به پایدار برسد. مدل ارائه شده می‌تواند در تحلیل و برنامه‌ریزی اجرای الگوی هوشمندسازی برای هنرستان‌های تربیت‌بدنی مورد استفاده قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: مدیریت آموزشی، فناوری آموزشی، یادگیرندگی سازمانی، پایداری سازمانی، دبیرستان ورزش.

1. Email: farzi.shabnam@yahoo.com
2. Email: bahramishahab@yahoo.com
3. Email: byousefy@razi.ac.ir



مقدمه

در واقع با ورود فناوری‌های نوین آموزشی و در قالب مدارس هوشمند، نظام آموزشی ناگزیر است تا کارکردهای نوینی را متناسب با نیازهای زمان برای خود برگزیند زیرا که ضرورت به کارگیری این نوع از آموزش به واسطه تأثیرگذاری در یادگیری، جلب علاقه فراگیران، امکان آموزش با روش‌های نو، توجه به تفاوت‌های فردی، ایجاد مهارت‌های پایدار برای جذب در بازار کار، به کارگیری در ارزشیابی و ایجاد روحیه محقق‌ی و پژوهشگری در دانش‌آموزان بیش از پیش به نظر می‌رسد. در واقع فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیر آن بر علوم آموزشی و یادگیری، فرصت‌هایی را برای خلق محیط‌های نوین یادگیری با طراحی خوب، یادگیرنده محور، جالب توجه، تعاملی، کارا، انعطاف پذیر، معنادار و تسهیل شده فراهم آورده است (لوترل^۱، ۲۰۱۶، ۳). به کارگیری ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات، راهکارهای نوینی را در بهبود و توسعه نظام آموزشی ارائه نمود که استقرار مدارس هوشمند از نتایج آن است. طرح هوشمندسازی^۲ مدارس کمک می‌کند تا با تغییر سنت‌های قدیمی با استفاده از فناوری‌های نوین، به اهداف عالی آموزش و پرورش در راستای پژوه محور دست پیدا کرد (میرطاهری، ۲۰۱۸، ۴۲).

در مورد مدارس هوشمند^۳ تعاریف و توصیفات متنوعی وجود دارد. اما به صورت کلی مدرسه هوشمند، مدرسه‌ای است که در آن روند اجرای کلیه فرایندها اعم از مدیریت، نظارت، کنترل، یاددهی-یادگیری، منابع آموزشی و کمک آموزشی، ارزشیابی، اسناد و امور دفتری، ارتباطات و مبانی توسعه آنها مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات^۴ و در جهت بهبود نظام آموزشی و تربیتی پژوهش محور طراحی شده است. الگوی اولیه این مدارس از کشور انگلیس گرفته شده است و کشور مالزی یکی از پیشتازان ایجاد این مدارس به شمار می‌رود. کشور ما هم از سال ۱۳۸۳ طرحی را به صورت پایلوت در چهار مدرسه اجرا کرده است. یکی از انواع مدارس تخصصی هنرستان‌های تربیت‌بدنی هستند که هم به سبب ماهیت متنوع موضوعات و فعالیت‌های ورزشی و هم به دلیل نقش‌های ورزش در تربیت و سلامت دانش‌آموزان نیازمند کیفیت آموزشی مناسب هستند (قاسمی، ۲۰۱۶، ۲۳). از این رو هوشمندسازی در این هنرستان‌ها می‌تواند در ارتقای کیفیت آموزشی این هنرستان‌ها بسیار تعیین کننده باشد (استیری، ۲۰۱۵، ۳۶). علاوه بر این با توجه به نقش اصلی‌ای که این هنرستان‌ها در حوزه ورزش

1. Luttrell
2. Intelligent Building
3. School Smart
4. Information and Communications Technology



پرورشی کشور ایفا می‌کنند کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در سیستم عملکردی آنها می‌تواند به بهبود و کارآمدسازی این بخش از ورزش پایه منجر شود. بر اساس شواهد، مستندات و دیدگاه موجود هنرستان‌های تربیت‌بدنی کنونی، توانایی ایجاد بهبود یادگیری و کمک به دانش آموزان را، که نقش مفید تر و تولیدی بیشتری در جامعه داشته باشد ندارند، برای تربیت دانش آموزان آماده تر برای زندگی شغلی، نیاز به تغییر دارند. از این رو دستیابی به الگوی مدرسه هوشمند برای این هنرستان‌ها بسیار ضرورت دارد.

مدرسه هوشمند به منظور برانگیختن حس کنجکاوی دانش آموزان و مشارکت فعال آنها طراحی شده تا با هماهنگ نمودن تلاش دانش آموزان، معلمان و مدیران، در محیطی جامع و تلفیقی، نسبت به برآورده نمودن تمامی نیازهای آموزشی افراد اقدام نماید. در این مدارس با استفاده از یادگیری الکترونیکی به صورت حضوری، و با حفظ فضای فیزیکی مدرسه، معلم و دانش آموز، با برخورداری از نظام آموزشی هوشمند و با رویکرد تلفیقی و جامع نسبت به ارائه خدمات آموزشی و پرورشی به دانش آموزان تلاش می‌شود (پومرانتز و رابی^۱، ۲۰۱۷، ۴). در این مدارس، ساعات یادگیری محدود به ساعات مدرسه نیست و دانش آموزان در هر لحظه که اراده کنند کلاس‌های دلخواه‌شان را از طریق برنامه‌های رایانه‌ای یا ارتباط از راه دور در اختیار خواهند داشت. نقش معلمان در این مدارس تا حدود زیادی از آموزش و ارزشیابی دانش آموزان به پیگیری آموزش شخصی آنان تغییر می‌یابد و در نتیجه فرصت و فراغت بیشتری برای پرداختن به برنامه‌های رشد و بالندگی حرفه‌ای خود خواهند یافت (عبدالوهابی و همکاران، ۲۰۱۲، ۲). در این نوع مدارس علاوه بر مواد آموزشی رایج و کتاب‌های درسی، انواع نرم افزارها و درس افزارهای چند رسانه‌ای نظیر سی دی و سایر مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزشیابی از دانش آموزان در مدارس هوشمند به جای این‌که در مقاطع و نوبت‌های فاصله دار (در پایان هر فصل یا هر ترم و ...) صورت پذیرد، همه روزه و به طور مداوم انجام می‌گیرد. در این مدارس دانش آموزان هنگام ورود و خروج از مدرسه، با کارت دیجیتالی که در اختیار دارند، والدین خود را از ساعت آمد و رفت خود مطلع می‌سازند. والدین دانش آموزان نیز می‌توانند با یک آموزش ساده به سیستم ارزشیابی مدرسه متصل می‌شوند و به این وسیله از وضعیت و روند پیشرفت تحصیلی فرزند خود آگاه می‌شوند.

هوشمندسازی مدارس پیروی از اصول یادگیری سازمانی که با هدف آماده سازی دانش آموزان به منظور زیستن در عصر دانایی، به طور سیستماتیک در فعالیت‌های یاددهی-یادگیری و مدیریت

1. Pomerantz & Raby



مدرسه، طراحی شده است (بیدگلی و همکاران، ۲۰۱۸، ۳). در واقع باید سیستم آموزشی را به شکل سیستم مشارکتی، مبتنی بر آموزش توانایی‌های پژوهش، جمع‌بندی، تحلیل و نتیجه‌گیری دانش‌آموزان تبدیل کنند. مدارس هوشمند بایستی راهبردهای یادگیری الکترونیکی جامعی طراحی کنند و اهداف فناوری اطلاعات و ارتباطات را به کار گیرند (شیرزاد کبریا و سیدمحمد، ۲۰۱۵، ۵). درباره تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر نظام آموزشی (و به طور خاص مدارس) دو رویکرد متفاوت وجود دارد. برخی معتقدند، اثر فناوری‌های جدید تدریجی است و صرفاً انتقال برنامه درسی سنتی را کارآمدتر می‌سازد و در واقع، دسترسی به اطلاعات سریع تر می‌شود. رویکردی دیگر معتقد است ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات به مدرسه‌ها، هدف‌ها و ابزارهای تعلیم و تربیت را به طور اساسی تغییر می‌دهد. از این دیدگاه فناوری اطلاعات بر مرزهای ساختاری نظام آموزش سنتی فایق می‌آید. البته ورود فناوری اطلاعات (اینترنت، رایانه، چند رسانه‌ای و ...) به تنهایی باعث تحول آموزشی نمی‌شود و باید فرهنگ یاددهی-یادگیری پایدار در نظام آموزشی تحول پذیرد (شایک^۱ و همکاران، ۲۰۱۸، ۴). در واقع هدف از مدرسه هوشمند دستیابی به مدرسه یادگیرنده و پایدار^۲ است. ورود فناوری‌های آموزشی بدون فرهنگ یادگیرندگی نه تنها تحولی ایجاد نخواهد کرد، بلکه به تقویت سنت‌های محافظه کارانه آموزشی منجر خواهد شد.

مهم‌ترین اهداف مدارس هوشمند، یادگیرنده و پایدار شامل موارد زیر است: رشد همه جانبه دانش‌آموزان (ذهنی، جسمی، عاطفی و روانی)، ارتقاء توانایی‌ها و قابلیت‌های فردی، تربیت نیروی انسانی متفکر، آماده کردن دانش‌آموزان برای زندگی شغلی، بهبود یادگیری، مشارکت دانش‌آموزان در تولید دانش، توسعه مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در فعالیتهای یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان و معلمان، تبدیل انتقال اطلاعات به یادگیری مادام‌العمر، آماده کردن دانش‌آموزان برای زندگی در عصر اطلاعات، تسهیل دسترسی دانش‌آموزان به منابع متعدد اطلاعاتی، ایجاد فرصت‌های یادگیری مشارکتی و یادگیری اکتشافی، ایجاد فضای مناسب برای افزایش خلاقیت دانش‌آموزان، برقراری فضای آزادی اندیشه، و احترام متقابل در تنوع و تفاوت‌های زبانی، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی، افزایش درک درست دانش‌آموزان از نقش خود در جامعه جهانی، درک مسئولیت خود نسبت به دیگران، دستیابی به بهترین نتایج علمی ممکن و سایر (طلایی و همکاران، ۲۰۱۶، ۴؛ سلیمی و رضانی، ۲۰۱۵، ۳).

1. Shaik
2. Sustainable and Learning School



پرداختن به موضوع هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی که دارای نقشی انکار ناپذیر در آمادگی استعداد‌های تحصیلی-ورزشی مدارس برای ورود به جامعه و بازار، مسئله‌ای است که برای سرمایه-گذاری در ورزش پرورشی و پایه الزامی است. اما ابعاد و عوامل مرتبط با تدوین و اجرایی سیستم مدارس هوشمند در این هنرستان‌ها باید مورد بررسی قرار بگیرد. در همین راستا تحقیقات مرتبط به موضوع پژوهش نیاز به مرور و نقد دارند. در تحقیقات داخلی، میرطاهری (۲۰۱۸) محورهای سیاست-های هوشمندسازی مدارس در ایران را شامل، بودجه، تجهیزات، توانمندسازی، برنامه‌ریزی، فضا، آموزش، خدمات، حمایت، نوآوری، مشارکت، یادگیری و سواد پیشنهاد داده است. سروش (۲۰۱۷) در ارائه چارچوب مدرسه هوشمند با رویکرد معماری پایدار گزارش کرد که مؤلفه‌های فیزیکی و مکان-شناختی، زیست‌محیطی، آموزشی، مدیریتی و فناوری محور اصلی این الگو هستند. طلایی و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی هوشمندسازی مدرسه در ایران گزارش کردند که یافته‌های این تحقیق تحت دو مضمون کلی عوامل ساختاری و فرآیندی یک مدرسه هوشمند بازنمایی شده‌اند. سلیمی و رضانی (۲۰۱۵) مؤلفه‌های زیرساخت‌ها و قوانین و فرهنگ عمومی، نیروی انسانی ماهر، ارتباط بین مدارس، محیط یادگیری و مدیریت فن‌آوری داخلی مدارس را به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی هوشمندسازی مدارس سنجش شناسایی نمود. در سایر تحقیقات بیدگلی و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی تأثیر فناوری‌های هوشمندسازی مدارس بر خلاقیت دانش‌آموزان، عبداللهی ارفع و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی مدارس هوشمند از ادراکات رایج تا آرمان نظام آموزشی، صیدی و بادله (۲۰۱۷) در تدوین استانداردهای هوشمندسازی مدارس و میزان رعایت این استانداردها در مدارس شهر تهران، شیرزاد کبریا و سیدمحمد (۲۰۱۵) در بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر هوشمندسازی مدارس و ارائه مدل مفهومی مناسب، ادیب و همکاران (۲۰۱۵) در بررسی تأثیر هوشمندسازی مدارس در تعامل با نگرش به فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ارتقاء فرآیند یاددهی یادگیری و خودکارآمدی تحصیلی، سراجی و همکاران (۲۰۱۵) در شناسایی موانع پیش روی توسعه مدارس هوشمند در شهر کرمانشاه، افهمی و حمید (۲۰۱۴) در هوشمند سازی مدارس در فرایند یاددهی و یادگیری، نقشبندی و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی تأثیر هوشمند سازی مدارس بر یادگیری دانش‌آموزان مدارس نشان دادند که هوشمندسازی مدارس در شرایط امروزی بسیار ضرورت دارد و اثر قابل توجهی بر یادگیری، رفتار، پیشرفت و جنبه‌های عملکردی فردی و سازمانی دارد.

هنرستان‌های تربیت‌بدنی تاکنون از منظر موضوع این پژوهش چندان مورد ارزیابی نبوده‌اند. زرگانی و هاشمی (۲۰۱۸) به تحلیل وضعیت محتوایی کتب درسی مقطع دوم متوسطه هنرستان‌های تربیت‌بدنی، صمدی و حیدری (۲۰۱۷) در بررسی تأثیر برنامه درسی پنهان بر رفتار هنرجویان هنرستان‌های



تربیت بدنی، قاسمی (۲۰۱۶) دز تحلیل وضعیت هنرستان‌های ورزش استان قزوین و ارائه الگو، مومنی (۲۰۱۵) در مقایسه وضعیت هنرستان‌های تربیت بدنی شهر تهران از دیدگاه مدیران، معلمان و دانش‌آموزان و استیری (۲۰۱۵) در طراحی هنرستان تربیت بدنی با رویکرد معماری پایدار در سبزوار در گزارش‌های خود بر نیاز میرم این هنرستان‌ها به نوآوری و فناوری تأکید کرده‌اند. به صورت کلی تحقیقات حوزه ورزش پرورشی از جمله میرزایی و همکاران (۲۰۱۵) در بررسی موانع به‌کارگیری فناوری اطلاعات در تربیت بدنی آموزش و پرورش مناطق محروم، شاهمرادی (۲۰۱۴) در بررسی رابطه محیط مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته تربیت‌بدنی از دیدگاه دبیران تربیت‌بدنی استان کردستان گزارش کردند که کاربرد فناوری در تربیت‌بدنی و ورزش پایه در عین حال که موانع زیادی دارد اما نتایج و پیامدهای آن بسیار قابل توجه است. در سایر تحقیقات نیز، ثقفیان (۲۰۱۷) در نیازسنجی آموزشی معلمان تربیت بدنی استان مازندران گزارش کرد که نیازهای فناوری و علمی یکی از پنج حوزه اصلی نیازهای آموزشی است. قاسمی و عسکر شمسی (۲۰۱۹) در بررسی تحقیقات حوزه ورزش آموزش پرورش، هنرستان‌های تربیت‌بدنی را به عنوان یکی از زمینه‌های دارای تحقیقات کم معرفی کرده است.

کاربرد فناوری در آموزش و هوشمندسازی مدارس در تحقیقات خارجی نیز یک حوزه مطالعاتی پویا است. کیلیان^۱ و همکاران (۲۰۲۰) عوامل مرتبط با پذیرش یک سیستم آموزشی آنلاین توسط معلمان دبیرستان تربیت بدنی را شامل پشتیبانی فنی، ادراک از کارکرد فناوری، تجارب پیشین و قابلیت تولید محتوا می‌دانند. گاوریس^۲ و همکاران (۲۰۱۹) کاربردی فناوری توسط معلمان تربیت‌بدنی را از دیدگاه جامعه پذیری بررسی کردند و نتیجه گرفتند که سابقه شغلی، تسلط بر فناوری، توجه به کاربرد فناوری ارزیابی عملکرد و عوامل سازمانی اثرگذار است. وانت و بیگ^۳ (۲۰۱۹) پذیرش فناوری در تدریس تربیت‌بدنی را نیازمند بازبینی و تغییر رویکردهای فعلی کاربرد سنتی فناوری می‌دانند. شایک و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی سیستم هوشمند اطلاعات و ارتباطات در مدارس، ایپ^۴ و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی سیستم هوشمند سلامت در مدرسه جهت کنترل بیماری در هنگ کنگ، پریتو^۵ و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی داده‌های چند رسانه‌ای هوشمند مدرسه و چالش‌های آن در مدارس

1. Killian
2. Gawrisch
3. Wyant & Baek
4. Ip
5. Prieto



استونی، نورگیت و داویس^۱ (۲۰۱۶) در بررسی خدمات حرکتی هوشمند برای ترویج حمل و نقل مدرسه پایدار نشان دادند که هوشمندسازی مدارس مهم‌ترین گام در حرکت به سوی مدرسه یادگیرنده و پایدار است. بیساین^۲ (۲۰۱۴) در بررسی نگرش‌های تربیت بدنی و معلمان ورزش نسبت به تکنولوژی در مدرسه، جوینو^۳ (۲۰۱۱) در بررسی کاربرد فناوری در روش‌های آموزش تربیت‌بدنی و گیبین^۴ و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی یکپارچه سازی فناوری در آموزش تربیت‌بدنی و ارتباط آن با نگرش و عملکرد معلمان گزارش کردند که کاربرد فناوری در تربیت‌بدنی و ورزش پایه در عین حال که موانع زیادی دارد اما نتایج و پیامدهای آن بسیار قابل توجه است.

مرور مبانی و تحقیقات در زمینه موضوع پژوهش نشان می‌دهد نوآوری‌ها و فناوری‌های روزافزون سبب شده است که همه نظام‌های آموزشی وادار به واکنش، تغییر و انطباق با محیط جدید شوند. تطبیق با شرایط محیطی به اطلاعات و روش‌های تخصصی و بومی نیاز دارد. تحقیقات داخلی و خارجی در یک دهه اخیر تمرکز بالایی در این زمینه داشته‌اند و به ارائه علل، مفاهیم، روش‌ها و راهکارهای مختلف برای کاربرد فناوری و ترویج نوآوری در محیط‌های آموزشی پرداخته‌اند. بسیاری از تحقیقات در حوزه هنرستان‌های تربیت‌بدنی بر جنبه‌های آموزشی متمرکز بوده و تاکنون رویکردهای نوین مانند هوشمندسازی، هوشمندسازی و پایدارسازی به طور تخصصی مورد بررسی قرار نگرفته است. تحقیقات خارجی هر چند بیشتر و کامل‌تر به بررسی متغیرها پرداخته‌اند اما مدل‌های قابل اکتفایی در این زمینه ارائه نشده است.

در همین راستا چالش‌ها و مسائلی مختلفی در ارتباط با هنرستان‌های تربیت‌بدنی و جایگاه آنها در ورزش کشور وجود دارد که می‌توانند از طریق کاربرد دانش و فناوری و به طور مشخص هوشمندسازی تعدیل و رفع شوند. اما این‌که چگونه از روش‌ها و چارچوب‌های موجود در این زمینه باید استفاده کرد به دلیل کمبود اطلاعات تخصصی و تحقیقات در این زمینه، ابهامات زیادی وجود دارد که بر ضرورت توجه محققان به این مقوله بیشتر تأکید می‌نماید. برای مثال این‌که محققان کدام مقولات را در اولویت پژوهش قرار دهند. به طور مشخص سؤال اساسی پژوهش این است که اجرای الگوی هوشمندسازی در هنرستان‌های تربیت‌بدنی تحت تأثیر چه عواملی قرار دارد؟ روابط بین این عوامل و برآیند آن چگونه قابل پیش‌بینی است؟ و برای مدیریت آن، چه الگوی تحلیلی و فکری می‌تواند مفید واقع شود؟

6. Norgate & Davies

7. Bisgin

5. Juniu

6. Gibbone



از این رو بر اساس نکات و چالش‌های بیان شده، هدف از این پژوهش طراحی مدل تلفیقی هنرستان تربیت‌بدنی هوشمند با رویکرد یادگیرندگی و پایداری بود.

روش پژوهش

روش تحقیق از نوع مطالعات کیفی با رویکرد اکتشافی نظامند بود. جامعه آماری پژوهش شامل دو بخش منابع انسانی آگاه و منابع اطلاعاتی مرتبط به موضوع پژوهش انتخاب شد. نمونه انسانی شامل اساتید دانشگاه‌ها، مدیران و مدرسان هنرستان‌های تربیت‌بدنی، مدیران و کارشناس آموزش و پرورش بود. منابع اطلاعاتی نیز مشتمل بر منابع علمی، اسنادی و کتابخانه‌ای تعیین گردید. نمونه آماری بر مبنای رسیدن به اشباع نظری برآورد گردید و به صورت روش قضاوتی (نظری) بر افراد و روش هدفمند و قابل دسترس برای منابع اطلاعاتی نمونه‌گیری شد.

جدول ۱- مشخصات نمونه آماری پژوهش

نمونه	نمونه‌گیری	گروه مطالعه
۶ نفر	قضاوتی (نظری)	اساتید دانشگاه: مدیریت ورزشی و مدیریت آموزشی دانشگاه دولتی، تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان
۷ نفر	قضاوتی (نظری)	معلمان و مدیران هنرستان‌های تربیت‌بدنی
۱۸ نفر	قضاوتی (نظری)	مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش در دو بخش معاونت تربیت‌بدنی و سازمان‌های نوسازی و هوشمندسازی مدارس
۱۶ نسخه	هدفمند و قابل دسترس	منابع کتابخانه‌ای و علمی (مقاله، کتاب، ..)
۹ نسخه	هدفمند و قابل دسترس	گزارش‌ها و اسناد اجرایی و حقوقی
۴۳ نسخه	هدفمند و قابل دسترس	منابع و آرشیوهای رسانه‌ای

ابزار پژوهش شامل مطالعه کتابخانه‌ای نظامند و مصاحبه اکتشافی (نیمه ساختارمند) بود. مشخصات ابزارهای پژوهش به صورت زیر است. استخراج مؤلفه‌ها با بررسی مبانی و پیشینه از طریق مطالعه اسناد، کتاب‌ها و مقالات شامل منابع داخلی و خارجی انجام گردید. از مصاحبه‌ها جهت تکمیل و تطبیق عوامل و روابط شناسایی شده در مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شد. انجام مصاحبه‌ها بر اساس چارچوب تحلیلی طراحی شده از قبل صورت



گرفت. قبل از انجام هر مصاحبه، مصاحبه‌های قبلی تحلیل می‌شد و مبنای مصاحبه جدید قرار می‌گرفتند. روایی ابزار با استفاده از روش‌های روایی‌سنجی کیفی ذکر شده کنترل و مطلوب ارزیابی شد.

جدول ۲- مشخصات ابزارهای پژوهش

روش	مطالعه کتابخانه‌ای	مصاحبه
ابزار	رونوشت (چک لیست استخراج مفاهیم)	چارچوب پرسش (پرسش‌نامه باز پاسخ)
نمونه مورد مطالعه	منابع اطلاعاتی	منابع انسانی
روایی	انتخاب نسخه‌های معتبر به لحاظ علمی و حقوقی	انتخاب افراد بر حسب شایستگی علمی و فنی
	روایی محتوایی رونوشت از دیدگاه متخصصان	روایی محتوایی پرسش‌نامه از دیدگاه متخصصان
میزان توافق بین کدگذاران و مصححان		

اساس انتخاب نمونه این بود که افراد و اطلاعات منتخب بتوانند به شکل‌گیری نظریه و تکرارپذیری یافته‌ها کمک کنند. تکرارپذیری در دو بُعد مدنظر قرار گرفت: ۱. تکرارپذیری لغوی که در آن تولید نتایج مشابه با انتخاب مورد‌های مشابه هدف بود؛ ۲. تکرارپذیری نظری که در آن تولید نتایج متضاد از طریق انتخاب مورد‌هایی در قطب‌های مخالف هدف بود. در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قراردادن آنها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخگویی آنها تأثیر نگذارد، به منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. ضمناً، پس از انجام هر مصاحبه، الگوی به‌دست آمده تا آن مرحله ارائه می‌شد و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را نسبت به الگو داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام مصاحبه انجام می‌شد تا مصاحبه خالی از هر گونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام شود. هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، کار تحلیل آنها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی نیز شروع شد. پس از استخراج کدها، آنها طبقه‌بندی می‌شوند؛ مقایسه مداوم، تفاوت‌ها و تشابهات بین این کدها را آشکار می‌کند؛ طبقات جدا و یا ادغام می‌گردند تا نظریه در روند این فرآیند شکل گیرد. منابع و



متون موجود نیز در روند تکمیل تئوری مورد استفاده قرار می‌گیرند. کار گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر اطمینان حاصل کند که ادامه کار چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید. پس از انجام ۱۹ مصاحبه در طی دوره شش ماه، تحلیل داده‌ها حاکی از اضافه نشدن داده جدید به داده‌های قبلی بود؛ چرا که درصد بالایی از داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های آخر تکراری بود. بنابراین، با رسیدن به حد اشباع نظری، به مصاحبه‌ها پایان داده شد. کدگذاری با استفاده از مطالعات قبلی و نظر چند پژوهشگر انجام شد. مدل پژوهش نیز بر اساس روابط شناسایی شده به صورت یک چارچوب مفهومی ترسیم گردید. کدگذاری در سه مرحله کدگذاری اول (باز)، کدگذاری دوم (گزینه‌شی) و کدگذاری سوم (موضوعی) انجام شد تا مقوله‌ها تبدیل به مؤلفه‌ها، سپس ابعاد و در نهایت عامل‌های اصلی در مدل مفهومی شوند.

نتایج

بر اساس جدول ۳ پس از کدگذاری مرحله اول و غربال کمی آن در نهایت ۷۹ مؤلفه در چهار سطح، ۱۰ منظر و ۲۳ بُعد چارچوب‌بندی و کدگذاری شدند.

جدول ۳- چارچوب‌بندی و کدگذاری چند مرحله‌ای مؤلفه‌های شناسایی شده

تکرار مضامین کلیدی	مؤلفه (کدگذاری اول)	ابعاد (کدگذاری دوم)	منظر (کدگذاری سوم)	سطح (کدگذاری چهارم)
15	سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش			ظرفیت‌سازی (اکوسیستم دانش‌محور)
14	راهبردها و مصوبات سازمان‌های نوسازی و هوشمندسازی مدارس	درون سیستمی		
10	بخش تربیت‌بدنی و ورزش وزارت آموزش و پرورش		پیشران‌ها و الزامات	
4	سیاست‌های سازمان‌ها و مراکز اجرایی و آموزشی حوزه ورزش کشور		نهادی	
3	تأکید مطالعات علمی اخیرا بر هوشمندسازی مدارس	برون سیستمی		
7	سیاست‌های سازمان‌های متولی فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور			
6	تحولات بازار و صنعت خدمات آموزش و ورزش و فناوری			
4	تحولات بین‌المللی حوزه‌های آموزش و ورزش و فناوری			
13	بودجه تخصصی برای تجهیز و نوسازی مدارس کشور	حمایت دولتی		
4	مشارکت شرکت‌های دولتی خدمات فناوری و هوشمندسازی			



8	مصوبات وزارت آموزش و پرورش در زمینه توسعه هنرستان‌ها		
7	سیاست‌های تشویقی دولت در بخش ارتقای سیستم آموزشی		
6	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ارتقای تکنولوژیکی سیستم آموزشی		
6	برون‌سپاری خدمات هوشمندسازی به بخش خصوصی و صنعت	مشارکت صنعت و بخش خصوصی	حمایت‌ها و منابع اکوسیستمی
10	بهره‌گیری از ظرفیت‌ها مراکز علمی و فناوری مانند استارت‌آپ‌ها در زمینه بومی‌سازی دانش		
12	مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های هوشمندسازی مدارس		

ادامه جدول ۳- چارچوب‌بندی و کدگذاری چند مرحله‌ای مؤلفه‌های شناسایی شده

تکرار مضامین کلیدی	مؤلفه (کدگذاری اول)	ابعاد (کدگذاری دوم)	منظر (کدگذاری سوم)	سطح (کدگذاری چهارم)
11	کمک‌های مردمی در زمینه مدرسه‌سازی و تجهیز مدارس			ظرفیت‌سازی (اکوسیستم دانش-محور)
10	حمایت‌های نهادهای عمومی و اجتماعی از ارتقا مدارس			
12	حمایت والدین دانش‌آموزان از برنامه هوشمندسازی مدارس	حمایت	حمایت‌ها و منابع	
6	حمایت و پیگیری رسانه‌های از اقدامات حوزه آموزش و پرورش	عمومی	اکوسیستمی	
8	حمایت جامعه ورزش از برنامه‌های مرتبط با هنرستان‌های تربیت‌بدنی			
7	نیازسنجی جامع هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی توسط مدیریت آنها	آماده‌سازی		هوشمندسازی (مدرسه هوشمند)
16	پیگیری تأمین منابع هوشمندسازی هنرستان از مسیر سازمانی و بیرونی	سیستم مدیریتی	مدیریت فناوری‌محور هنرستان	
10	برنامه‌ریزی پروژه هوشمندسازی هنرستان			
4	تعریف کلیه فرایندها و فعالیت‌های هنرستان در قالب سایت و سامانه الکترونیک	یکپارچگی و هوشمندی		
4	چابک‌سازی مدیریت از طریق بکارگیری اتوماسیون و سیستم‌های اطلاعاتی ارتباطی	مدیریت		



6	تقسیم کار و تعیین وظایف معلمان و پرسنل به در سیستم دانش محور جدید		
13	تجهیزات شبکه مانند سرور، پهنای باند و ...		
15	وسایل کاربری مانند رایانه، تبلت و ...		
19	وسایل آموزشی مانند ویدئو پروژکتورهای و تخته های هوشمند	سخت افزاری	
6	وسایل جانبی مانند چاپگر و اسکنر	زیرساخت	
4	تجهیزات ایمنی و مانند برق اضطراری	ICT	
8	امنیت شبکه فناوری اطلاعات و ارتباطات مورد استفاده	هنرستان ها	
6	به کارگیری نرم افزارهای آموزشی کمکی و پیشرفته (تولید محتوا، و...)	نرم افزاری	
7	نرم افزارهای چند رسانه ای و شبکه های اجتماعی		
18	وب سایت و اتوماسیون اداری		
14	نرم افزارهای ورزشی		

ادامه جدول ۳- چارچوب بندی و کدگذاری چند مرحله ای مؤلفه های شناسایی شده

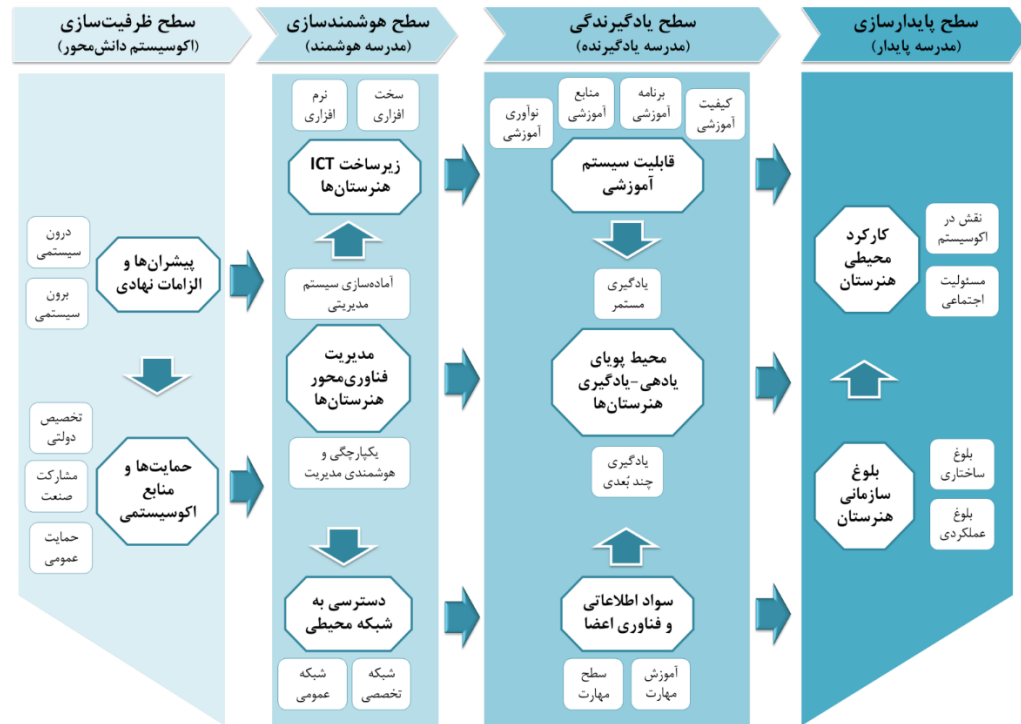
تکرار مضامین کلیدی	مؤلفه (کدگذاری اول)	ابعاد (کدگذاری دوم)	منظر (کدگذاری سوم)	سطح (کدگذاری چهارم)
8	اتصال به شبکه های ملی مدارس و آموزش و پرورش	شبکه های	دسترسی به	هوشمندی سازی (مدارسه هوشمند)
3	دسترسی به شبکه های ورزشی	تخصصی	شبکه های	
5	دسترسی به شبکه های آموزشی ملی و بین المللی	شبکه های	محیطی	
14	دسترسی به شبکه های اجتماعی	شبکه های		
13	دسترسی به شبکه های بازار و صنعت	عمومی		
7	دسترسی به شبکه های دولتی و ملی			
16	رضایت دانش آموز و والدین	کیفیت		یادگیری (مدارسه یادگیرنده)
6	دستیابی به استاندارد آموزشی ملی و بین المللی	آموزشی	قابلیت	
5	تناسب نسبت سرانه تجهیزات و فضا به دانش آموز		سیستم	
4	تناسب نسبت تعداد معلم به دانش آموز		آموزشی	
7	تقویم آموزشی و طرح درس مدرسان	برنامه ریزی		
20	روش های آموزش و الگوهای تدریس	آموزشی		
8	برنامه آموزشی پنهان ناشی از هوشمندسازی			
7	تحول در روش های ارزشیابی			



9	دستیابی به استانداردهای آموزشی		
12	تثبیت سیستم مدیریت مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات	بلوغ	
7	تثبیت فرهنگ خلاقیت و شکوفایی استعداد در دانش آموزان	عملکردی	
8	هم‌افزایی بین معلمان، مدیران، پرسنل		
10	دستیابی به استانداردهای زیست محیطی و مدرسه سبز	مسئولیت	
9	دستیابی به استانداردهای نشاط اجتماعی و مدرسه شاداب	اجتماعی	
5	دستیابی به استانداردهای سلامت عمومی و مدرسه سالم و اخلاقی مدار	هنرستان‌ها	
7	ایفای نقش مناسب هنرستان‌های تربیت‌بدنی در حوزه ورزش کشور	کارکرد محیطی هنرستان‌ها	
3	ایفای نقش مناسب هنرستان‌های تربیت‌بدنی در حوزه نظام آموزشی و علمی کشور	تأثیرگذاری بر اکوسیستم	
4	ایفای نقش مناسب هنرستان‌های تربیت‌بدنی در محیط فرهنگی، آموزشی و ورزشی کشور		

سطوح مفهومی شامل ظرفیت‌سازی (اکوسیستم دانش‌محور)، هوشمندسازی (مدرسه هوشمند)، یادگیرندگی (مدرسه یادگیرنده) و پایداری (مدرسه پایدار) بود.





شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش (مستخرج از چارچوب کیفی)

سطح ظرفیت‌سازی شامل دو منظر پیشران‌ها و الزامات نهادی و حمایت‌ها و منابع اکوسیستمی است. پیشران‌ها و الزامات نهادی نیز شامل دو بُعد درون سیستمی و برون سیستمی بود. حمایت‌ها و منابع اکوسیستمی هم مشتمل بر سه بُعد حمایت دولتی، مشارکت صنعت و بخش خصوصی و حمایت عمومی تعیین گردید.

سطح هوشمندسازی شامل سه منظر مدیریت فناوری‌محور هنرستان، زیرساخت ICT هنرستان‌ها و دسترسی به شبکه‌های محیطی بود. منظر مدیریت فناوری‌محور مشتمل بر دو بُعد آماده‌سازی سیستم مدیریتی و یکپارچگی و هوشمندی مدیریت بود. منظر زیرساخت ICT شامل ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. منظر دسترسی به شبکه‌های محیطی نیز شامل شبکه‌های تخصصی و شبکه‌های عمومی بود.

سطح یادگیرندگی شامل سه منظر قابلیت سیستم آموزشی، سواد اطلاعاتی و فناوری اعضا و محیط پویای یادگیری-یادگیری هنرستان‌ها بود. منظر قابلیت سیستم آموزشی مشتمل بر چهار ابعاد کیفیت

آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، منابع آموزشی و نوآوری آموزشی است. منظر سواد اطلاعاتی و فناوری اعضا شامل دو بُعد سطح و نوع مهارت و آموزش و ارتقای مهارت اعضای هنرستان بود. منظر محیط پویای یاددهی-یادگیری هنرستان‌ها هم شامل دو بُعد یادگیری چند بعدی و استمرار یادگیری است. سطح پایداری شامل دو منظر بلوغ سازمانی هنرستان‌ها و کارکرد محیطی هنرستان‌ها بود. منظر بلوغ سازمانی شامل دو بعد بلوغ ساختاری و بلوغ عملکردی است. منظر کارکرد محیطی هنرستان‌ها نیز شامل ابعاد مسئولیت اجتماعی هنرستان‌ها و تأثیرگذاری بر اکوسیستم بود.

در شکل ۱، مدل مفهومی پژوهش شامل متغیرها، منظرها و ابعاد، روابط بین آن ترسیم شده است. بر اساس شکل جریان کلی روابط شناسایی شده به صورت توالی سطح ظرفیت‌سازی، هوشمندسازی، یادگیرندگی و پایداری است. در سطح ظرفیت‌سازی جهت اثرگذاری منظر پیشران‌ها و الزامات نهادی بر منظر حمایت‌ها و منابع اکوسیستمی غالب است. در سطح هوشمندسازی اثر منظر مدیریت فناوری محور بر زیرساخت ICT هنرستان‌ها و دسترسی به شبکه‌های محیطی غالب است. در سطح یادگیرندگی جهت اثرگذاری قابلیت سیستم آموزشی و سواد اطلاعاتی و فناوری اعضا بر محیط پویای یاددهی-یادگیری غالب است. در سطح سطح پایداری نیز منظر اثر کارکرد محیطی هنرستان‌ها بر بلوغ سازمانی هنرستان‌ها غالب است.

بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب رویکرد مدل‌سازی کیفی در این پژوهش به دلیل خلاء این نوع تحقیقات در حوزه هنرستان‌های تربیت‌بدنی است. هر سیستم آموزشی از اجزای مختلف و روابط گوناگون بین آنها تشکیل شده است که در حال کنش و واکنش با یکدیگر هستند. از این رو مدیریت در چنین سیستمی بسیار پیچیده و غیرقابل درک خواهد بود. مدل‌ها به ما کمک می‌کنند که با ساده‌سازی کل سیستم به درک بهتری از تمامیت سیستم دست یابیم. مدل‌ها به ما کمک می‌کنند مسائل را بهتر طبقه‌بندی کنیم و شانس یافتن پاسخ‌های صحیح را بالا می‌برد. در واقع مبانی اصلی دانش در هر حوزه‌ای بر پایه مدل‌های شناسایی شده مناسب و نه یافته‌های جزئی و پراکنده قرار دارد؛ زیرا داده‌ها در قالب مدل می‌توانند کشف، تبیین و تفسیر شوند. مدل‌سازی نمی‌تواند روابط پدیده‌های محیطی را به‌طور کامل توضیح دهد، اما درک مکانیسم‌های اساسی آن را آسان‌تر می‌کند. مدیریت آموزشی حوزه ورزشی روش‌های قابل قبول اندکی دارد تا میزان انطباق و پایداری خود در قبال تحولات محیطی را به درستی بسنجد.



در این پژوهش کوشش شده است عوامل اثرگذار در هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی مورد مطالعه به‌گونه‌ای هماهنگ تحلیل شوند.

بر اساس نتایج، چارچوب و مدل مفهومی پژوهش شامل چهار سطح، ۱۰ منظر، ۲۳ بعد و ۷۹ مؤلفه بود. این چارچوب یک رویکرد جامع، سیستمی و چندسطحی به موضوع هوشمندسازی، یادگیرندگی و پایداری مراکز آموزشی دارد. از دیدگاه جامعیت، انواع متغیرها و عوامل دارای نقش و اثر مشهود در نظر گرفته شده‌اند. از منظر سیستمی، رویکرد مؤلفه از عوامل زمینه‌ای- محیطی به سوی عوامل ساختاری- فرایندی و در نهایت عوامل پیامدی- کارکردی است. از منظر چند سطحی بودن نیز عوامل کلان-خرد و عوامل فردی- سازمانی- نهادی شناسایی شده‌اند. سطوح ظرفیت‌سازی مبتنی بر اکوسیستم دانش‌محور، سطح هوشمندسازی بیانگر الگوی مدرسه هوشمند، سطح یادگیرندگی مبنای الگوی مدرسه یادگیرنده و سطح پایداری بیانگر مدرسه پایدار است. تحقیقات پیشین نیز تأیید‌کننده کلیات یا جزئیات مدل مفهومی پژوهش هستند. سروش (۲۰۱۷) برای چارچوب مدرسه هوشمند با رویکرد معماری پایدار مؤلفه‌های فیزیکی و مکان‌شناختی، زیست‌محیطی، آموزشی، مدیریتی و فناوری را تعیین کرد که با کلیات مدل انطباق دارد. طلایی و همکاران (۲۰۱۶) مؤلفه‌های هوشمندسازی مدرسه را در دو مضمون کلی عوامل ساختاری و فرآیندی چارچوب‌بندی کرده است که با ماهیت عوامل سطوح مدل این پژوهش همسویی دارد. مدل مفهومی هوشمندسازی مدارس در تحقیق شیرزاد کبریا و سیدمحمد (۲۰۱۵) بیشتر عوامل مرتبط با سطح هوشمندی و یادگیرندگی را مورد تأیید قرار می‌دهد. سلیمی و رضانی (۲۰۱۵) مؤلفه‌های زیرساخت‌ها و قوانین و فرهنگ عمومی، نیروی انسانی ماهر، ارتباط بین مدارس، محیط یادگیری و مدیریت فن‌آوری داخلی مدارس را به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی هوشمندسازی مدارس شناسایی نمود که مضامین به‌کار رفته در این مدل همخوانی دارد. از این رو مدل پژوهش منطبق بر اصول علمی و سازمانی هوشمندسازی مراکز آموزشی است و اجزا و روابط آن نیز برای هنرستان‌های تربیت‌بدنی به صورت تخصصی تعیین شده است.

اولین سطح مدل سطح ظرفیت‌سازی است و شامل دو منظر پیشران‌ها و الزامات نهادی و حمایت‌ها و منابع اکوسیستمی است. بر اساس مدل پیشران‌ها و الزامات نهادی باید در هر دو بُعد درون سیستمی و برون سیستمی مورد توجه قرار بگیرد. حمایت‌ها و منابع اکوسیستمی نیز در سه حوزه حمایت دولتی، مشارکت صنعت و بخش خصوصی و حمایت عمومی هر کدام کارکردها و اثرات خود را دارند. به دلیل نقش غالب دولت و نهادهای دولتی در سیستم آموزشی کشور، مؤلفه‌های پیشران‌ها و الزامات نهادی هم در درون نظام آموزش و پرورش و هم در محیط بیرونی آن می‌توانند نقش مستقیم و زمینه‌ای در زمینه هوشمندسازی مدارس ایفا کنند. همچنین با توجه به محدودیت مراکز آموزشی به



ویژه مراکز دولتی، هزینه‌ها و پیاده‌سازی سیستم‌های هوشمند به تنهایی برای مدارس و آموزش و پرورش مقدور نیست و نیازمند حمایت از طرف انواع بازیگران اکوسیستم آموزش در محیط دولتی، صنعتی، اجتماعی و دانشگاهی کشور است. برخی نتایج پژوهشی پیشین نیز مؤلفه‌ها و عوامل شناسایی شده در این سطح را به عنوان عوامل مهم و تعیین کننده مورد تأیید قرار می‌دهند. میرطاهری (۲۰۱۸) محورهای سیاست‌گذاری هوشمندسازی مدارس کشور را شامل بودجه، تجهیزات، توانمندسازی، برنامه‌ریزی، فاوا، آموزش، خدمات، حمایت، نوآوری، مشارکت، یادگیری و سواد پیشنهاد داده است که منطبق با منظر "تعامل بین مراکز آموزشی با محیط بیرونی و نهادی" بررسی شده در این پژوهش است. در شیوه‌نامه هوشمندسازی مدارس کشور (۲۰۱۱) نیز نقش توانمندسازها و ظرفیت‌سازهای بیرونی برای مدارس و آموزش و پرورش مورد توجه و تأیید قرار گرفته است. شواهد بین‌المللی نیز توسعه تربیت بدنی در اصلاحات جدید نظام‌های آموزشی را نیازمند سازگاری آنها با فناوری و تقویت رابطه آن با عوامل زمینه‌ای می‌دانند. از این رو برای هنرستان‌های تربیت‌بدنی کشور مانند سایر مدارس عمومی و تخصصی بدون ظرفیت‌سازی اکوسیستمی و محیطی دستیابی الگوی مدارس هوشمند و هوشمندسازی یادگیرنده و پایدار مسیر نخواهد بود.

دومین سطح از مدل، سطح هوشمندسازی به مفهوم اجرای الگوی مدرسه هوشمند بود که شامل سه منظر مدیریت فناوری محور هنرستان، زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات هنرستان‌ها و دسترسی به شبکه‌های محیطی است. منظر مدیریت فناوری محور در هر دو بُعد آماده‌سازی سیستم مدیریتی و یکپارچگی و هوشمندی مدیریت ضرورت دارد. منظر زیرساخت نیز باید در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد توجه قرار بگیرد. دسترسی به شبکه‌های محیطی هم نیاز به هر دو حوزه شبکه‌های تخصصی و عمومی را بیان می‌کند. در تبیین عوامل این سطح و روابط بین آنها لازم است تفاوت بین فعالیت‌های پراکنده و مقطعی با فعالیت‌ها مبتنی بر برنامه و پایدار بیشتر مدنظر قرار بگیرد. در واقع می‌توان گفت هوشمندسازی تنها محدود به تجهیز کلاس‌های به فناوری آموزشی نیست بلکه مدیریت هوشمند و تعامل با شبکه‌های هوشمند محیطی نیز جزو بنیان‌های دستیابی به الگوی مدرسه هوشمند، یادگیرنده و پایدار هستند. پیاده‌سازی سیستم مدیریت هوشمند ابتدا از طریق تحول و آماده‌سازی در سیستم مدیریت فعلی مسیر است. تجهیزات نیز تنها محدود به برخی سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای معمول نیست بلکه کلیه اجزای سخت‌افزاری و نرم‌افزارهای برای آموزش الکترونیک، مدیریت هوشمند و ارتباطات دیجیتال مدنظر هست. دسترسی به شبکه‌های محیطی نیز تنها محدود به برخی از سایت‌های آموزش و ارزشیابی رسمی در کشور نیست بلکه کلیه شبکه‌های اطلاعاتی آموزشی، علمی، صنعتی، ورزشی و سایر در داخل و خارج از کشور را در بر می‌گیرد. مطالعات پیشین



نیز مؤلفه‌های اصلی و محوری در هوشمندسازی را بیشتر مربوط به مدیریت، زیرساخت و ارتباطات دانسته‌اند. استیری (۲۰۱۵) در طراحی هنرستان تربیت بدنی بارویکرد معماری پایدار در سبزواری در گزارش‌های خود بر نیاز میرم این هنرستان‌ها به نوآوری و فناوری تأکید کرده‌اند. در شیوه‌نامه هوشمندسازی مدارس کشور (۲۰۱۱) نیز سیستم مدیریت یکپارچه و الکترونیک، زیرساخت‌های فناوری و ارتباطات مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات بین‌المللی نیز نقش نوآوری آموزشی و چندرسانه‌ای در هوشمندسازی مدارس را مهم و قابل توجه گزارش کرده‌اند (پری‌تو و همکاران، ۲۰۱۷، ۳). برای مثال وانت و بیک (۲۰۱۹) پذیرش فن آوری در تدریس تربیت‌بدنی را نیازمند بازبینی و تغییر رویکردهای سنتی مدیریت فناوری می‌دانند. از این رو پیاده‌سازی الگوی مدرسه هوشمند و اجرای موفق برنامه هوشمندسازی مدارس ابتدا نیازمند سیستم الکترونیک مدیریت، زیرساخت فناوری و ارتباطات علمی محیطی است.

سطح سوم مدل مفهومی، سطح یادگیرندگی به مفهومی اجرای الگوی مدرسه یادگیرنده است و شامل سه منظر قابلیت سیستم آموزشی، سواد اطلاعاتی و فناوری اعضا و محیط پویای یادهی-یادگیری هنرستان‌ها بود. سیستم آموزشی بایستی در همه ابعاد کیفیت آموزش، برنامه‌ریزی آموزشی، منابع آموزشی و نوآوری آموزشی دارای قابلیت و توانمندی باشد. سواد اطلاعاتی و فناوری مدیران، معلمان، و دانش آموزش هم باید در سطح مطلوب قرار بگیرد و به صورت مستمر نیز ارتقا یابد. محیط یادهی-یادگیری هنرستان‌ها نیز وقتی پویا باشد یادگیری هم چند بعدی و هم مستمر و معنادار خواهد بود. سطح یادگیرندگی در واقع نشانه قابلیت یادگیری سازمانی مدارس خواهد بود و قابلیت یادگیری سازمانی نیازمند یک سیستم مدیریت دانش کارآمد است. در همین راستا مؤلفه‌های مدیریت دانش دو رویکرد فرایندی (تولید، آموزش، نشر و کاربرد دانش) و ساختاری (اطلاعات، برنامه و فرهنگ دانشی) هستند که با مؤلفه‌های شناسایی شده این پژوهش در سطح یادگیرندگی انطباق دارند. به صورت کلی ابزارهای نوین آموزشی، تعاملات فناورمحور آموزشی و سواد دیجیتال باید با هم درهم آمیخته شوند تا بتوانند یک مدرسه یادگیرنده را پیاده‌سازی کنند. شواهد علمی پیشین نیز تأیید کننده اهمیت مؤلفه‌های شناسایی شده برای توصیف و تبیین سطح یادگیرندگی هستند. زرگانی و هاشمی (۲۰۱۸) و حیدری (۲۰۱۷) عملکرد آموزشی و یادگیری هنرستان‌های تربیت بدنی را وابسته به برنامه و محتوای آموزشی می‌دانند. حمید (۲۰۱۴) کارآمدی فرایند یادهی-یادگیری را معیار اصلی برای هوشمند سازی مدارس می‌داند. ثقفیان (۲۰۱۷) نیازهای فناوری و علمی را یکی از پنج حوزه اصلی نیازسنجی معلمان تربیت بدنی تعیین کردند بیساین (۲۰۱۴) نگرش به فناوری و سواد اطلاعاتی را مهم‌ترین عامل در کاربرد آن برای تربیت‌بدنی مدارس می‌داند. برخی شواهد بین‌المللی نیز نشان



داده‌اند که کاربرد فناوری توسط مدارس ورزش و پذیرش آن توسط معلمان تربیت‌بدنی وابسته به پشتیبانی فنی، حمایت ساختاری، تجارب پیشین و قابلیت تولید محتوا و سواد تکنولوژی آنها است (گاوریش و همکاران، ۲۰۱۹، ۴؛ کیلیان و همکاران، ۲۰۲۰، ۳). از این رو برای دستیابی به الگوی مدرسه یادگیرنده و پیاده‌سازی قابلیت یادگیرندگی در هنرستان‌های تربیت‌بدنی باید به ارتقای قابلیت سیستم آموزشی، سواد فناوری افراد و ایجاد یک محیط پویایی یادهی-یادگیری اقدام نمود. به طور مثال در هنرستان تربیت‌بدنی هوشمند یک هنرجوی ورزش، باید بتواند با صرف وقت بر روی موضوعات به شکل مستمر، منابع و قابلیت‌های اجرایی خود را توسعه و تغییر دهد.

آخرین سطح مدل شامل سطح پایداری است که بیانگر پیشرفت در اجرای الگوی مدرسه پایدار است. این سطح شامل دو منظر بلوغ سازمانی هنرستان‌ها و کارکرد محیطی هنرستان‌ها است. بلوغ سازمانی باید از هر دو رویکرد ساختاری و عملکردی مدنظر قرار بگیرد. کارکرد محیطی هنرستان‌ها نیز بایستی بتواند به وضوح مسئولیت اجتماعی هنرستان‌ها و تأثیرگذاری بر اکوسیستم را نشان دهد. در واقع مدرسه پایدار مدرسه‌ای سبز، بالغ و اثرگذار بر محیط است. بلوغ ساختاری و عملکردی با هم اسباب پایداری را فراهم می‌سازند؛ زیرا بلوغ ساختاری بدون عملکرد مطلوب غیربهره‌ور و بلوغ عملکرد بدون ساختار مطلوب بی‌ثبات خواهند بود. همچنین ایفای نقش مسئولیت اجتماعی در قبال محیط و توان اثرگذاری مثبت در عین اثرپذیری از محیط بیانگر کارکرد یک مدرسه هوشمند و پایدار در جامعه است. ماهیت ورزشی بودن هنرستان‌های تربیت‌بدنی نیز می‌تواند خود محرک هوشمندی و یادگیرندگی برای پایداری باشد. برای مثال نورگیت و داویس (۲۰۱۶) خدمات حرکتی هوشمند برای مدرسه پایدار را یک اصل اساسی می‌دانند. مدرسه پایدار و سبز با تربیت سالم نیز وابستگی دارد به طوری که برخی محققان مهم‌ترین کارکرد سیستم هوشمند در مدرسه را مقوله سلامت می‌دانند (ایپ و همکاران، ۲۰۱۷، ۶). از این رو مدرسه پایدار، بالغ، سبز، سالم، پویا و مسئولیت‌پذیر در راستای هوشمندی و یادگیرندگی قرار دارد و مؤلفه فوق‌الذکر می‌توانند بستر چنین تحولی را برای هنرستان‌های تربیت‌بدنی توصیف، پیش‌بینی و تبیین نمایند.

روابط بین منظرها، ابعاد و مؤلفه‌ها به صورت بین سطحی و درون سطحی قابل بحث است. جهت کلی اثرگذاری و اثرپذیری بین سطح مطابق مدل، به صورت توالی ظرفیت‌سازی، هوشمندسازی، یادگیرندگی و پایداری است. در سطح ظرفیت‌سازی جهت اثرگذاری منظر پیشران‌ها و الزامات نهادی بر منظر حمایت‌ها و منابع اکوسیستمی غالب خواهد بود. در سطح هوشمندسازی منظر مدیریت فناوری محور اثرگذار بر زیرساخت ICT هنرستان‌ها و دسترسی به شبکه‌های محیطی است. در سطح یادگیرندگی جهت اثرگذاری قابلیت سیستم آموزشی و سواد اطلاعاتی و فناوری اعضا بر محیط پویایی



یادهی-یادگیری غالب است. در سطح پایداری منظر کارکرد محیطی هنرستان‌ها بر بلوغ سازمانی هنرستان‌ها اثرگذار است. توالی و زنجیره‌ای بودن عوامل این چهار سطح منطبق بر تئوری سیستمی در مدیریت است. در واقع بر اساس مدل مفهومی پژوهش می‌توان گفت که در سیستم هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی ظرفیت‌سازی نقش پیش‌بینی و زمینه‌ای، هوشمندسازی نقش فرایندی، یادگیرندگی نقش نتایج و خروجی و سطح پایداری نقش پیامدی دارد. برخی تحقیقات جریان کلی روابط بین متغیرهای مدل را تأیید و تبیین می‌نمایند. برای مثال عبداللهی ارفع و همکاران (۲۰۱۷) هوشمندسازی را جریانی از سطح ادراکی و مفهومی تا پیامدی و عملکردی می‌داند. همچنین جوینو (۲۰۱۱) و گیبن و همکاران (۲۰۱۰) روش یکپارچه سازی عوامل محیطی به فرایندی را برای کاربرد فناوری در آموزش تربیت‌بدنی جهت دستیابی به پیامدهای مطلوب مؤثر می‌داند که تأیید کنند ماهیت مدل پژوهش است. برخی تحقیقات نیز منطبق بر تعامل بین دو سطح مشخص از مدل هستند. برای مثال، نقشبندی و همکاران (۲۰۱۴) و بیدگلی و همکاران (۲۰۱۸) تأثیر هوشمندسازی مدارس بر خلاقیت و یادگیری دانش آموزان را معنادار گزارش کرد. ادیب و همکاران (۲۰۱۵) تأثیر هوشمندسازی مدارس بر تعاملات، نگرش به فناوری، فرآیند یاددهی یادگیری و خودکارآمدی تحصیلی را معنادار می‌داند. این سه پژوهش اثر عوامل سطح دوم بر سطح سوم در مدل را تأیید می‌کنند.

به صورت کلی بر اساس مدل مفهومی پژوهش می‌توان گفت که هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت-بدنی با هدف دستیابی به الگوی مدرسه یادگیرنده و پایدار، فرایندی سیستماتیک و چندسطحی است که در هر سطح و مرحله دارای ویژگی‌های مختص به خود است و از عوامل همبسته خود اثر می‌پذیرند. از این رو ضرورت دارد تا مدیران ارتباط بین عوامل در درون هر سطح و با سایر سطوح را در نظر بگیرند. تغییر در سیستم نسبتاً سنتی هنرستان‌های تربیت‌بدنی به سوی مدرسه هوشمند نیازمند تغییر در کلیات سیستم این مدارس است. این تغییر می‌بایست قدم به قدم و با درایت و تفکر باشد. از طرفی دیگر اصلاحات در نظام آموزش و پرورش کشور عموماً با چالش‌ها و مشکلات مختلفی روبه‌رو خواهد بود که برای رفع آن مشکلات لازم است منتقدان به یاری دست‌اندرکاران آن جریان اصلاحی بیایند و با نگاه نقادانه راه را برای مجریان هموار نمایند. زیرا اجرای مدرسه هوشمند، یادگیرند و پایدار برای هنرستان‌های تربیت‌بدنی نیازمند یک برنامه بلندمدت است و چند سال طول می‌کشد تا ابزار خود را که شامل زیرساخت ارتباطی، محتوای مناسب، آموزش معلمان، تغییر روش‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی والدین است، کامل کند. به طور مشخص پیشنهاد می‌شود که مؤلفه‌ها، مضامین و چارچوب ارائه شده در این پژوهش جهت غنی‌سازی مفهومی اسناد و برنامه‌ها، جامع‌نگری در



تصمیمات و اقدامات و همچنین فرایندنگری در ارزیابی و مدیریت عملکرد مربوط به هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی مورد استفاده قرار بگیرد.

در نهایت ضرورت‌های خاص ارتقای هنرستان‌های تربیت‌بدنی به مدرسه یادگیرنده و پایدار از طریق هوشمندسازی شامل موارد زیر است: ۱. تحولات سریع جهانی در ورزش پرورشی و لزوم به‌کارگیری روش‌های نوین آموزش ورزش پایه از طریق هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی؛ ۲. وجود تعداد زیادی از دانش‌آموزان متقاضی و علاقه‌مند به رشته تربیت‌بدنی در سطح هنرستان‌ها و لزوم ارتقای ساختاری و کارکردی این هنرستان‌ها از طریق هوشمندسازی؛ ۳. ورزش و محیط زیست همواره پیوند تاریخی داشته‌اند و فرهنگ‌سازی آن از هنرستان‌های تربیت‌بدنی به عنوان پایه‌های تربیت متخصصان ورزشی در کشور باید صورت بگیرد؛ ۴. تهدیدهای فراوان زیستی محیطی در کشور وجود دارد و فرهنگ‌سازی باید از سطح پایه در مدارس صورت بگیرد؛ ۵. نظام آموزش و پرورش کشور به هوشمندسازی مدارس اهتمام دارد. از این رو به دلیل وجود جنبه‌های تخصصی در هنرستان‌های تربیت‌بدنی هوشمندسازی این هنرستان‌ها نیاز به بررسی علمی در ابعاد تخصصی دارد.

تقدیر و تشکر

تیم تحقیق این پژوهش از همکاری معاونت تربیت‌بدنی و سلامت اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه، دفتر برنامه‌ریزی درسی تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش و کلیه مصاحبه‌شوندگان این پژوهش قدرانی و تقدیر بی عمل می‌آورند.

منابع

1. Abdollahi arfa, M., Shabani V, B., Javidi kalateh jafarabadi, T., masoodi, J. (2018). "Intelligent Schools: the common perceptions to aspirations of the educational system" Plan Intelligent schools in Tehran, according to Habermas's critical approach and using the MacGilchrist Smart School Framework). *The Journal of New Thoughts on Education*, 13(4): 7-37. (Persian)
2. Abdolvahabi, M., mehralizadeh, Y., parsa, A. (2016). A study of barriers of implementation of smart schools in in Ahwaz Girls secondary schools from the views of Teacher sand principles. *Journal of Educational Scinces*, 23(1): 55-80. (Persian)
3. Adib, Y., Rad Soleimani, L., Azimi, M. (2015). Stady of the Effect of School Intelligent Building and Interaction of Attitude to ICT on Promoting Teaching Iearning Process and Academic self-efficacy of third Grade of high School Girls Students in Ardebil. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 6(21): 21-42. (Persian)



4. Afhami, R., Hamid, Sh. (2014). Smart schools in the process of learning and learning, *the first national conference on educational sciences and psychology, Marvdasht, Andisheh Sazan Mobtekar Javan Company*. (Persian)
5. Bidgoli, Z., Nowruzi, D., Maghami, H. (2018). the impact of smart school technologies on students' creativity. *Innovation and Creativity in the Humanities*, 7 (4): 241-262. (Persian)
6. Bisgin, H. (2014). Analyzing the attitudes of physical education and sport teachers towards technology. *Anthropologist*, 18(3): 761-764.
7. Estiri, A. (2015) Designing a Physical Education Conservatory in Barvikard, Sustainable Architecture in Sabzevar. *Thesis of the Faculty of Engineering, Islamic Azad University, Shahroud Branch*. (Persian)
8. Gawrisch, D. P., Richards, K. A. R; & Killian, C. M. (2019). Integrating Technology in Physical Education Teacher Education: A Socialization Perspective. *Quest*, 1-18.
9. Ghasemi, A M. (2016). Analyzing the situation of sports conservatories in Qazvin province and presenting a model. *Master Thesis, Payame Noor University of Alborz Province*. (Persian)
10. Ghasemi, H., asgar shamsi, M. (2019). Content Analysis of physical education and student sport researches in Iran. *Research on Educational Sport*, 7(16): 61-84.
11. Gibbone, A., Rukavina, P., & Silverman, S. (2010). Technology integration in secondary physical education: teachers' attitudes and practice. *Journal of Educational Technology Development and Exchange (JETDE)*, 3(1): 3.
12. Ip, D. K., Lau, E. H., So, H. C., Xiao, J., Lam, C. K., Fang, V. J., ... & Cowling, B. J. (2017). A Smart Card-Based Electronic School Absenteeism System for Influenza-Like Illness Surveillance in Hong Kong: Design, Implementation, and Feasibility Assessment. *JMIR public health and surveillance*, 3(4).
13. Juniu, S. (2011). Pedagogical uses of technology in physical education. *Journal of Physical Education, Recreation & Dance*, 82(9): 41-49.
14. Killian, C. M., Woods, A. M., Graber, K. C., & Templin, T. J. (2020). Factors Associated with High School Physical Education Teachers' Adoption of a Supplemental Online Instructional System (iPE). *Journal of Teaching in Physical Education*, 1(aop): 1-10.
15. Luttrell, W. (2016). School-smart and mother-wise: Working-class women's identity and schooling. *Routledge*.
16. Mirtaheri, M H. (2018). Technology and schools of smartening schools in Iran: with emphasis on educational tablets. *master's theses, Imam Sadegh University, Faculty of Islamic Studies and Culture and Communication*. (Persian)
17. Mirzaie, I., Mirzaei, M., Zare, A. (2016). Examining barriers of development information technology in education's Physical Education (case study: Deprived areas of the country). *Applied Research in Sport Management*, 4(3): 123-133. (Persian)
18. Momeni, M. (2015). Comparison of the situation of physical education conservatories in Tehran from the perspective of principals, teachers and students. *Master Thesis, Payame Noor University, Tehran Province*. (Persian)



19. Naqshbandi, A., Hassan, E., Hamzeh, S., Abdolbaset, A., (2014). The Impact of School Intelligence on School Student Learning. *International Conference on Engineering, Art and the Environment*. (Persian)
20. Norgate, S., Davies, N. A. J. (2016). A73-GoWSB: A Smart Mobility Service to Promote Sustainable School Transport. *Journal of Transport and Health*, 3(2 Supp), S48-S49.
21. Papastergiou, M. (2010). "Enhancing Physical Education and Sport Science students' self-efficacy and attitudes regarding Information and Communication Technologies through a computer literacy course". *Computers & Education*, 54(1): 298-308.
22. Pomerantz, S., & Raby, R. (2017). Smart girls: Success, school, and the myth of post-feminism. *University of California Press*.
23. Prieto, L. P., Rodriguez Triana, M. J., Kusmin, M., & Laanpere, M. (2017). Smart school multimodal dataset and challenges. In Joint Proceedings of the Sixth Multimodal Learning Analytics (MMLA) Workshop and the Second Cross-LAK Workshop co-located. *7th International Learning Analytics and Knowledge Conference*, Vol. 1828.
24. Saghfian, Z. (2017). Educational needs assessment of physical education teachers in Mazandaran province. *Master's thesis of Green Higher Education Institute, Faculty of Humanities*. (Persian)
25. Samadi, P., Heydari, R. (2017). The Effect of Hidden Curriculum on the Behavior of Students in Physical Education. *Critical Studies in Text & Programs of Human Science*, 17(6): 203-216. (Persian)
26. Seidi, S. (2017). The development of standards of making smart schools and the level of respecting to these standards in Tehran. *Technology of Education*, 11(4): 349-361. (Persian)
27. Seragi, F., Sarmadi Ansar, H., Asgari Motie', A. (2015). Determining Ongoing Obstacles of Smart School Development in Hamadan Province. *Educational Psychology*, 11(35): 159-180. (Persian)
28. Shahmoradi, M. (2014). The relationship between school environment and academic achievement of physical education students from the perspective of physical education teachers in Kurdistan province. *Thesis of Kurdistan University*. (Persian)
29. Shaik, A. S., Bhavani, M., & Kiran, K. R. (2018). Smart Pick and Drop Intimation System of School Children. *Indian Journal of Science and Technology*, 10(46).
30. Shirzad, K., B., Seyed Mohammadi, S. (2015). Studying Effective Factors on Smart Schools and Present Appropriate Conceptual Model. *Research in School and Virtual Learning*, 3(10): 39-48. (Persian)
31. Soroush, M. (2017). Smart Elementary School Design with a Sustainable Architecture Approach in Tabriz. *Master's Thesis, Tabriz University of Islamic Arts, Faculty of Architecture and Urban Planning*. (Persian)
32. Talaie, E., Ansaari N, Pahlavaan, M., Abootaalebi, Z. (2016). Making Iranian Schools Smart: From Policy to Practice. *QJOE*, 32 (3):79-105. (Persian)
33. Wyant, J., & Baek, J. H. (2019). Re-thinking technology adoption in physical education. *Curriculum Studies in Health and Physical Education*, 10(1): 3-17.



34. Zargani, J, Hashemi, H (2018). Analysis of the content status of secondary school textbooks in Iranian vocational schools. *Quarterly Journal of Psychological Studies and Educational Sciences*, 4 (2): 1-9. (Persian)

ارجاع دهی

فرضی خالیدی، شبنم؛ بهرامی، شهاب؛ یوسفی، بهرام. (۱۴۰۱). تدوین الگوی مفهومی هوشمندسازی هنرستان‌های تربیت‌بدنی با رویکرد مدرسه یادگیرنده و پایدار. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۰ (۲۶): ۴۶-۱۱۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.8836.1872

Farzi Khaledi, Sh; Bahrami, Sh; Yousefi, B. (2022). Designing the Intelligent Building Model of Physical Education Conservatories with a Sustainable and Learning School Approach. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 117-46. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.8836.1872



Research Paper

The Impact of the Global "I'mPOSSIBLE" Program on the Iranian Students' Change of Attitude Toward Inclusive Sport**M. Pourkiani¹, A.Afrouzeh², M. Boroumand³, S. Soheili Pishkenari⁴**

1. Assistant Professor of sport Management, Department of sport management and media, Faculty of sport science and health, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Author Corresponding)

2. Ph.D. in sport management, Faculty of physical education and sport science, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Assistant Professor of sport Management, Department of sport management and media, Faculty of sport science and health, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

4. Ph.D. in sport management, Faculty of physical education and sport science, University of Guilan, Rasht, Iran

Received: 2020/07/01**Accepted: 2020/10/20****Abstract**

In recent years, international organizations have put forth various programs in way of creating an inclusive world. One of the programs which has recently been introduced by the International Paralympic Committee and has also been implemented in Iran is the "I'mPOSSIBLE" global program. This program aims to change young people's attitude toward people with disabilities. Thus, the main objective of the current study was to identify the impact of the implementation of the "I'mPOSSIBLE" program on changing the attitude of primary school students toward inclusive sport. The present study was of an applied and semi-experimental type. The statistical sample consisted of 50 sixth grade students who were put into two groups of 25 control and experimental students. The experimental group was trained in three sessions in accordance with the "I'mPOSSIBLE" program. The measurement tools included a questionnaire designed to assess children's attitude toward inclusive sport (Block, 1995) and an adjective checklist (Siperstein, 2006) in way of evaluating the cognitive attitude that used the pre-test and post-test design to obtain data. The questionnaires were given to both groups before and after the

1. Email: m.pourkiani46@gmail.com

2. Email: a.afrouzeh@gmail.com

3. Email: M_Boroumand@sbu.ac.ir

4. Email: saharsoheil3@gmail.com



Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives 4.0 International Public License

implementation of the program. To analyze the variables, the mixed model analysis, the independent T, the follow-up extrapolation as well as the Wilcoxon tests were used. The results indicated that the program had a significant effect on changing the students' attitudes toward inclusive sport. It is suggested that the "I'mPOSSIBLE" program be included in the physical education (PE) curriculum and be implemented continuously in the primary schools in Iran. By implementing this program in schools, a large number of the existing restrictions for people with disabilities in society will be eliminated in addition to improving and promoting a positive attitude towards people with disabilities and their integration into the society.

Keywords: Paralympic, Inclusive Sport, I'mPOSSIBLE Program, Sport for Disable Person

Extended Abstract

Background and purpose

Disability is an undesirable and unpleasant phenomenon, which may occur during a humans' lifetime. The disabled people may be deprived of all life aspects as well as participation in many social, cultural, sport, and occupational events. Disability causes a low quality of life (Zahirinia, 2011). Inclusion development in various parts of society, such as education, and sports has been introduced as a solution to reduce adverse implications over recent years. In this context, the most substantial comprehensive program has focused on changing attitudes of individuals to promote inclusion in society. Accordingly, the International Paralympic Committee (IPC) has set its prospect to introduce and develop the training "I'mPOSSIBLE" program. This has been done to expand the values and perspectives of the Paralympic Movement among students aged 6-18 years old. I'mPOSSIBLE program aims to change the perception and attitude of young people toward disability through Paralympic values to create an inclusive society. This program was launched in Iran last year by IR.IRAN NPC. Accordingly, the purpose of this study is to identify the impact of the "I'mPOSSIBLE" program on the attitude of elementary students toward the inclusive sport.

Methodology

This paper was conducted using a quasi-experimental method and pretest-posttest design with a control group. The statistical sample comprised 50 sixth-grade elementary students in Tehran that were randomly assigned to two experimental and control groups (n=25). The experimental group (n=25) received the intervention through three 45-minute training sessions of the "I'mPOSSIBLE" program. Children's Attitudes towards Inclusive Physical Education



Questionnaire (CAIPE) (Block, 1995) was employed as a measurement tool. Some of its items were revised by the research team under the authority of expert professors. To assess the face and content validity, the final questionnaire was confirmed. Besides, Siperstein's Adjective Checklist (2006) was used to evaluate cognitive attitude. Both mentioned questionnaires were distributed among control and experimental groups one week before and after the program to collect data. A descriptive report of data was given by using mean, standard deviation, and frequency. To test the normality of data distribution, the Shapiro-Wilk test was used. Levene's test was employed to examine variance homogeneity of attitude toward inclusive sport at school and amending rules. The inferential analysis of variables (attitude toward inclusive sport at school and rules amendment) was done using Mixed ANOVA (2*2), independent t-test, and Bonferroni Test. The variable of "cognitive attitude" was analyzed using the Wilcoxon Test.

Results

A significant difference was observed between mean values of attitude toward inclusive sport at school obtained by the intervention (experimental) and control groups in posttest ($P=0.001$, Mean difference =1.633, Impact factor =0.838). Considering the significant impact of the time factor, the Bonferroni posthoc test was used to find the intragroup difference in each group. Results showed an increase in the mean value of "attitude toward inclusive sport at school" in the intervention group compared to pretest; this increase was statistically significant ($P=0.001$, Mean difference =-1.207, Impact factor =0.842). Also, results indicated an increase in the posttest mean value of "attitude toward rules amendment" in the intervention group compared to pretest; this increase was statistically significant ($P=0.001$, Mean difference =-1.340, Impact factor =0.689). There was not, however, any significant difference between pretest and posttest mean values of "attitude toward rules amendment" obtained by the control group ($P=0.381$, Mean difference =-0.140, Impact factor =0.032).

To compare the mean values of "positive and negative cognitive attitudes" among respondents, Wilcoxon Test was used. Results showed a significant mean difference between "positive and negative cognitive attitudes" of the intervention group in the posttest ($P=0.001$). In other words, the posttest mean values of positive cognitive attitudes in the intervention group were significantly higher than the negative cognitive attitude.



Discussion and Conclusion

Findings showed that the "I'mPOSSIBLE" program has a positive impact on the attitude of normal students (without disability) toward the inclusive sport. Seemingly, the content of the "I'mPOSSIBLE" program has changed the perception and attitude of Iranian students toward the inclusive sport. Therefore, it is recommended that the content of the "I'mPOSSIBLE" program be included in in-service courses of physical education teachers to make them familiar with the paralympic movement and inclusive sports. Teachers can launch this program in schools continuously. Furthermore, it is suggested to include the content of the "I'mPOSSIBLE" program in the physical education curriculum and to execute this program in elementary schools of Iran. In this case, South Korea has approved an Act in 2016 under which local governments should provide all individuals (students, employees, and so on) with educational and training programs. This Act aims to make individuals aware of people who live with a disability. To this end, this plan (actions for the welfare of people with disabilities in South Korea, 2016) is applied twice annually in all high schools of South Korea to raise information about disabled people. This program can be launched in schools not only to improve positive attitudes toward people with disability and their integration in society but also to remove many constraints for disabled people in society.

References

1. Block, M. E. (1995). Development and validation of the children's attitudes toward integrated physical education-revised (CAIPE-R) inventory. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 12(1): 60-77 .
2. Siperstein, G. (2006). *Adjective checklist (ACL)*. Boston: Center for Social Development and Education, University of Massachusetts
3. Zahirinia, M. (2011). An Survey of Personal and Social Consequences of Disability. *Cultural Journal of Hormozgan*, 1(1): 162-180.(Persian).



تأثیر اجرای برنامه جهانی «من می توانم» بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به ورزش فراگیر

محمد پورکیانی^۱، علی افروزه^۲، محمدرضا برومند^۳، سحر سهیلی پیشکناری^۴

۱. استادیار، مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی و رسانه، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران (نویسنده مسئول)

۲. دانش آموخته دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران

۳. استادیار، مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی و رسانه، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

۴. دانش آموخته دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

در سال‌های اخیر، سازمان‌های بین‌المللی برای خلق یک جهان فراگیر، برنامه‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند. یکی از برنامه‌هایی که اخیراً توسط کمیته بین‌المللی پارالمپیک معرفی شد و در ایران نیز اجرا شد، برنامه جهانی «من می توانم» است. این برنامه درصدد است نگرش جوانان را نسبت به افراد دارای معلولیت تغییر دهد. لذا هدف اصلی این پژوهش شناسایی تأثیر اجرای برنامه «من می توانم» بر تغییر نگرش دانش آموزان مدارس ابتدایی نسبت به ورزش فراگیر بود. راهبرد پژوهش از نوع نیمه تجربی و با استفاده از طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. نمونه آماری شامل ۵۰ نفر از دانش آموزان پایه ششم دبستان بودند که به صورت داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند و در دو گروه ۲۵ نفری کنترل و تجربی جای گرفتند. گروه تجربی در سه جلسه تحت آموزش برنامه‌های من می توانم قرار گرفتند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسش‌نامه نگرش کودکان نسبت به ورزش فراگیر (بلاک، ۱۹۹۵) و چک لیست صفات (سیپراستاین، ۲۰۰۶) برای ارزیابی نگرش شناختی بود که جهت جمع آوری داده‌ها، از طرح پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد و پرسش‌نامه‌ها

1. Email: m.pourkiani46@gmail.com

2. Email: a.afrozeh@gmail.com

3. Email: M_Boroumand@sbu.ac.ir

4. Email: saharsoheil3@gmail.com



نگرش شناختی بود که جهت جمع آوری داده‌ها، از طرح پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد و پرسش‌نامه‌ها قبل و پس از اجرای برنامه در اختیار هر دو گروه قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل متغیرها از آزمون‌های آنالیز واریانس مختلط، تی مستقل و تعقیبی برونفرونی و همچنین ویل کاکسون استفاده شد. نتایج نشان داد این برنامه تأثیر معناداری بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به ورزش فراگیر ($p=0/001$) و همچنین نگرش نسبت به تعدیل قوانین ($p=0/001$) دارد. پیشنهاد می‌شود برنامه «من می‌توانم» در سرفصل‌های درسی تربیت بدنی قرار گیرد و به صورت مستمر در مدارس ابتدایی ایران اجرا شود. با اجرای این برنامه در مدارس، علاوه بر بهبود و ارتقا نگرش مثبت نسبت به افراد دارای معلولیت و ادغام آنان در جامعه، بسیاری از محدودیت‌های موجود برای افراد دارای معلولیت در جامعه نیز از بین خواهد رفت.

واژگان کلیدی: پارالمپیک، ورزش فراگیر، برنامه من می‌توانم، ورزش معلولین

مقدمه

طبق آخرین گزارش سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۸، حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان دارای معلولیت هستند. این در حالی است که سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، ۱۰ درصد از جمعیت جهان دارای معلولیت بودند. پژوهشگران اعتقاد دارند نرخ افزایش معلولیت به علت پیری جمعیت، شیوع سریع بیماری‌های مزمن و یا پیشرفت تجهیزات شناسایی انواع معلولیت است. انتظار می‌رود در سال ۲۰۵۰، تعداد افراد دارای معلولیت از ۱ بیلیون به ۲ بیلیون برسد. معلولیت، پدیده‌ای ناخواسته و ناگوار است که گروهی از انسان‌ها ممکن است به ناگزیر در بخشی از زندگی یا تمامی عمر خود به آن دچار شوند، بیشتر افراد دارای معلولیت در تمام جنبه‌های زندگی به حاشیه رانده می‌شوند و همواره از شرکت در رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و شغلی محروم می‌شوند و کیفیت زندگی‌شان نیز معمولاً پایین است (ظهیری‌نیا، ۲۰۱۱). یکی از راهکارهایی که در سال‌های اخیر برای کاهش پیامدهای منفی مطرح شده است، توسعه فراگیری در بخش‌های مختلف جامعه از جمله آموزش و ورزش است.

در آمریکا، فراگیری به عنوان رویکردی در نظر گرفته می‌شود که تمام دانش‌آموزان شامل دانش‌آموزان دارای معلولیت و بدون معلولیت، با همسالان خود در یک کلاس قرار و به طرق مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرند (بلاک^۱، ۲۰۰۰). باید توجه داشت که فراگیری را نمی‌توان به عنوان یک ناهمگونی در سیستم آموزشی در نظر گرفت، بلکه فراگیری فرصتی برای توانمندسازی مدارس در جهت پاسخ به

1. Block



تنوع در دانش آموزان است (بوت و آینسکو، ۲۰۰۲). در طول چند سال گذشته، ایده فراگیری دانش‌آموزان دارای معلولیت در کلاس‌های آموزشی عمومی در بسیاری از کشورها متداول شده است (کی و ها، ۲۰۱۲). اجماع در خصوص آموزش فراگیر، در چهل و هشتمین جلسه کنفرانس بین‌المللی آموزش در سال ۲۰۰۸ پایه‌گذاری شد. در کنفرانس مذکور، طی یک تفاهم نامه بیان شد که آموزش فراگیر، یک فرایند پیوسته است که هدف آن فراهم کردن آموزش باکیفیت برای همه است، در حالی که به نیازهای متنوع، توانایی‌ها، ویژگی‌ها و انتظارات آموزشی همه دانش‌آموزان احترام گذاشته می‌شود (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۸). این تفاهم نامه به دنبال حذف هرگونه اشکال تبعیض است؛ به ویژه، فراگیری یک ابزار برای افزایش مشارکت در آموزش توسط همه دانش‌آموزان است که به همه اهداف آموزشی دست پیدا کنند (دیپاو و دولتیپر، ۲۰۰۰). محیط فراگیر مدارس، مزایای بی‌شماری برای دانش‌آموزان از رشد نگرشی تا رشد شناختی و از رشد اجتماعی تا رشد رفتاری ایجاد می‌کند (کاستن، ۲۰۱۴). این رشد از طریق محیط فراگیر و ایجاد حس پذیرش، حس تعلق و حس مورد حمایت بودن ایجاد می‌شود (کالیمون، گتینگر و ماکسول، ۲۰۱۰). نگاه و درک عمومی به این صورت است که زمانی که به جوانان دارای معلولیت حق انتخاب دهیم، آنها تمایل دارند در فعالیت‌های ورزشی و تفریحی فراگیر در مدرسه و جامعه مشارکت داشته باشند (رینولدز، ۱۹۹۳). این مشارکت می‌تواند درک پذیرش اجتماعی توسط این گروه از جامعه را افزایش دهد (مون، ۱۹۹۴). همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان داده است فعالیت ورزشی و تفریحی به صورت فراگیر (افراد دارای معلولیت به همراه افراد بدون معلولیت) می‌تواند احساسات مثبتی را در هر دو گروه ایجاد کند (لیتل، ۱۹۹۰). همچنین مشارکت در ورزش و تفریحات به صورت فراگیر، می‌تواند اعتماد به نفس و پذیرش اجتماعی افراد دارای معلولیت و بدون معلولیت را نیز افزایش بدهد (داتیلو، ۱۹۹۶). چن، ریو، فنگ و همکاران^{۱۱}

1. Both & Ainscow
2. Qi & Ha
3. United Nations
4. DePauw & Doll-Tepper
5. Causton
6. Kalymon, Gettinger, & Hanley-Maxwell
7. Reynolds
8. Moon
9. Little
10. Dattilo
11. Chen, Ryuh, Fang, Lee, and Kim



(۲۰۱۹) نیز در پژوهش خود نشان دادند فوتبال فراگیر می‌تواند منجر به بهبود مهارت و عملکرد در هر دو گروه دارای معلولیت و بدون معلولیت شود. در پژوهشی دیگر نیز نشان داده شد ورزش فراگیر می‌تواند منجر به تغییرات مثبت اجتماعی در مالووی آفریقا شود (کرایگ، بارسلونا، آیتور و همکاران^۱، ۲۰۱۹). فراگیری در یک بازی محلی هنگ‌کنگی نیز اثرات مثبتی در پی داشته است و باعث شده هر دو گروه، مهارت‌های اجتماعی را به صورت بهتری کسب کنند و همچنین سبک زندگی سالمی را در پیش بگیرند (چوی و چنگ^۲، ۲۰۱۹). ارتباطات و تماس بین افراد دارای معلولیت و بدون معلولیت در جامعه، همراه با تعامل‌های فردی، فواید متقابل و وضعیت برابر بین دو گروه می‌تواند نگرش نسبت به هر دو گروه را بهبود بخشد (آرچی و شریل^۳، ۱۹۸۹). افزایش درک جوانان جامعه برای تغییر رفتار خود نسبت به افراد دارای معلولیت و بدون معلولیت در جهت تسهیل فراگیری ورزش در مدارس و جامعه یکی از اهداف مهم جوامع است (وایت، موش، گولدنبرگ و همکاران^۴، ۱۹۹۷). اجرای فراگیری در جامعه از سال‌های گذشته مورد توجه پژوهشگران مختلف بوده است، با این وجود جوامع همواره با چالش‌هایی برای پیاده‌سازی ورزش فراگیر در جامعه مواجه بوده‌اند (وایت، موش، گولدنبرگ و همکاران، ۱۹۹۷). از سال‌های گذشته، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های جوامع، تلاش برای تغییر نگرش افراد جامعه بوده است تا از این طریق فراگیری را در جامعه توسعه دهند. نگرش به عنوان یکی از ارکان کلیدی برای تغییر رفتار مردم نسبت به افراد با توانایی‌های متفاوت است، این بهبود رفتار برای ورزش فراگیر و ادغام ضروری است (شریل^۵، ۱۹۹۸). نگرش‌ها نقش بسیار مهمی در زندگی، اندیشه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان دارند (طاهریان، رسولی، ابوحمز، ۲۰۱۷).

نگرش به عنوان یکی از مراحل آماده‌سازی و از پیش شرط‌های اصلی در تغییر رفتار افراد معرفی شده است (آلپورت، کلارک و پتیگرو^۶، ۱۹۵۴). تعریف نگرش به صورت چندبعدی گسترش یافته است. نظریه پردازان، نگرش را با اثرات شناختی و اجزای رفتاری توضیح می‌دهند. جز شناختی که مربوط به عقیده‌های گوناگون و آگاهانه افراد نسبت به یک موضوع است، و در جز رفتاری نیز منظور این است که شخص در برخورد با موضوع مورد نظر به گونه‌ی معینی رفتار می‌کند (روزنبرگ، هولند، مک گویر و

1. Craig, Barcelona, Aytur, Amato, & Young
2. Choi & Cheung
3. Archie & Sherrill
4. Wilhite, Mushett, Goldenberg, & Trader
5. Sherrill
6. Allport, Clark, & Pettigrew



همکاران^۱، (۱۹۶۰). در حالی که تعاریف می‌تواند متفاوت باشد، پژوهشگران اعتقاد دارند نگرش در زندگی انسان‌ها بسیار اهمیت دارد چرا که به عنوان راهنمای انسان‌ها در رسیدن به اهداف و بهبود ارتباطات کمک شایانی می‌کند (کاتز^۲، ۱۹۶۰). از طرفی کلاس درس و فضای مدرسه از موقعیت‌هایی است که افراد زیادی تحت تأثیر همسالان قرار می‌گیرند، چرا که بیشتر وقت دانش‌آموزان در این مکان سپری می‌شود و دانش‌آموزان در بیشتر مسائل و موقعیت‌های زندگی فردی و اجتماعی تحت نفوذ و تأثیر آموزه‌های مستقیم و غیر مستقیم همسالان خود قرار می‌گیرند. همچنین در فضای مدرسه، به طرق مستقیم در مقابله با نگرش‌های دیگر همسالان خود قرار می‌گیرند. از طرفی آنها با نگرش‌های متفاوت و ناهم‌ساز نگرش‌های خود مواجه می‌سازد تا دانش‌آموزان در نگرش‌های خود تجدید نظر کنند و نگرش‌های نادرست خود را اصلاح کنند (عبدالله پور و گلزاری، ۲۰۰۹). همچنین محیط سازمان یافته اجتماعی کلاس تربیت بدنی، یک فرصت بی نظیر برای توسعه رفتار اجتماعی دانش‌آموزان است (شریل، ۱۹۹۸). به طور کلی فضای مدارس فراگیر، یک فضای ایده‌آل است که فرصت ارزشمندی برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کند تا دانش‌آموزان دارای معلولیت را به خوبی درک و پذیرش کنند (لی، ناراساکی، پارک و همکاران^۳، ۲۰۲۰). سر فیلیپ کریون^۴، رئیس سابق کمیته بین‌المللی پارالمپیک نیز اعتقاد دارد مدارس یک محیط ایده‌آل برای پایه‌ریزی شالوده‌هایی برای ساخت یک دنیای بهتر است. برای کودکان، معلولیت با معانی و مفاهیم منفی که اغلب در جامعه بزرگسالان وجود دارد، جایی ندارد و کودکان تنها بر توانستن تمرکز دارند (۰). بنابراین سازمان‌هایی از قبیل کمیته بین‌المللی المپیک و کمیته بین‌المللی پارالمپیک برنامه‌های خود را برای تغییر نگرش جامعه در مدارس اجرا می‌کنند. برای مثال کمیته بین‌المللی المپیک اخیراً برنامه «تعلیم و تربیت مبتنی بر ارزش‌های المپیک» را تحت عنوان OVEP^۵ در مدارس اجرا کرده است.

کمیته بین‌المللی پارالمپیک نیز در سال‌های اخیر اقدامات جدی‌ای برای توسعه ورزش فراگیر در جهان انجام داده است. در سال ۲۰۰۶، کمیته بین‌المللی پارالمپیک برنامه پارالمپیک در مدارس را برای ارتقا آگاهی نسبت به ورزش‌های پارالمپیکی طراحی کرد. این برنامه به منظور خلق محیطی جذاب برای دانش‌آموزان به منظور تجربه ورزش‌های پارالمپیکی طراحی شده بود. برنامه پارالمپیک در

1. Rosenberg, Hovland, McGuire, Abelson, & Brehm
2. Katz
3. Lee, K., Narasaki-Jara, M., Park, J., Lai, B., Davis, R., & Oh, J.
4. Sir Philip Craven
5. Olympic Education Value Program



مدارس بر پایه چهار ارزش شامل احترام برای دستاوردهای ورزشی، احترام و پذیرش تفاوت‌های فردی، ورزش به عنوان حقوق انسانی و تقویت حمایت اجتماعی بود (کمیته بین‌المللی پارالمپیک، ۲۰۰۶). اجرای این برنامه پس از چند سال متوقف شد و سرفصل‌ها و محتوای آن به کلی تغییر کرد و مجدد با نام جدید «من می‌توانم»^۱ معرفی شد. برنامه «من می‌توانم» یک برنامه آموزشی است که توسط بنیاد آجیتوس^۲، بازوی توسعه‌ای کمیته بین‌المللی پارالمپیک به منظور گسترش ارزش‌ها و چشم‌اندازهای جنبش پارالمپیک در بین دانش‌آموزان ۶ تا ۱۸ ساله توسعه یافته است. برنامه «من می‌توانم» از طریق آموزش فراگیری و ارزش‌های پارالمپیک، درصدد است درک و نگرش جوانان جامعه را نسبت به افراد دارای معلولیت تغییر دهد و یک جامعه فراگیر خلق کند. این برنامه در اختتامیه بازی‌های پارالمپیک زمستانی سوچی ۲۰۱۴ رونمایی شده است که نشان دهد افراد جامعه می‌توانند به هر چیزی که بخواهند برسند. در واقع این برنامه، تلاش می‌کند به دانش‌آموزان بیاموزد که آنها می‌توانند با استفاده از ارزش‌های پارالمپیک در زندگی خود از جمله شجاعت، اعتماد به نفس، الهام بخشی و برابری به هر چیزی که ظاهر ناممکن، دست یابند. لازم به ذکر است تمرکز این برنامه بر دانش‌آموزان بدون معلولیت است تا نگرش آنها را نسبت به افراد دارای معلولیت تغییر کند و پذیرش افراد دارای معلولیت در مدارس عادی و به تبع آن در جامعه افزایش یابد. محتوای این برنامه به صورت کاملاً تعاملی طراحی شده است و دانش‌آموزان با جنبش پارالمپیک، ارزش‌های پارالمپیک، پارالمپین‌ها و تاریخچه پارالمپیک آشنا می‌شوند و در نهایت نیز رشته‌هایی از قبیل والیبال نشسته، گلبال و دوومیدانی نابینایان، بسکتبال با ویلچر و ... را تجربه می‌کنند. همچنین کاربرگ‌هایی طراحی شده که بعد از هر بخش در اختیار دانش‌آموزان قرار داده می‌شود تا با تمرین بیشتر بر آموزه‌های خود عمق بخشند.

اگر چه تحقیقات زیادی در حوزه اثربخشی برنامه‌های آگاهی بخشی در خصوص افراد دارای معلولیت وجود دارد، اما تحقیقات بسیار کمی وجود دارد که اثربخشی برنامه‌های آگاهی بخشی در خصوص ورزش افراد دارای معلولیت را سنجیده شده باشد (مک‌کی، پارک و بلاک^۳، ۲۰۱۸). آنها به شناسایی تأثیر اجرای برنامه روز پارالمپیک در مدارس بر روی ۷۱ دانش‌آموز پرداختند. نتایج نشان داد این برنامه تأثیر مثبتی بر روی نگرش کودکان شرکت‌کننده در این برنامه دارد. آنها در پژوهش خود بر

1. I'mPOSSIBLE program
2. Agitos Foundation
3. McKay, Park, & Block



روی تئوری تضاد که یکی از اجزای اصلی در تغییر نگرش است کار کردند و آنها نشان دادند در دانش‌آموزانی که در برنامه روز پارالمپیک در مدارس شرکت کردند، تغییرات معناداری در اجزای تئوری تضاد شامل وضعیت برابر، اهداف مشارکتی، تعاملات فردی و پذیرش اجتماعی حاصل شد. مک‌کی، هیگل و بلاک^۱ (۲۰۱۹) در یک پژوهش کیفی، پس از اجرای برنامه روز پارالمپیک در مدارس، به ارزیابی آموخته‌های دانش‌آموزان از ورزش‌های پارالمپیک و افراد دارای معلولیت در جامعه پرداختند. دانش‌آموزان در مصاحبه‌های خود موارد جالبی را بیان کرده بودند. یکی از دانش‌آموزان اظهار داشت «بعد از تجربه این برنامه، من متوجه شدم که افراد دارای معلولیت دقیقاً مثل ما هستند». یکی دیگر از دانش‌آموزان بیان داشته است، من همیشه فکر می‌کردم معلولیت افراد را از ورزش باز می‌دارد اما بعد از این برنامه متوجه شدم در صورتی که ورزش‌ها تعدیل شوند، این افراد می‌توانند مانند ما بسیاری از ورزش‌ها را انجام دهند. بسیاری دیگر از دانش‌آموزان نیز در صحبت‌های خود اظهار داشتند بعد از این برنامه دید آنها به افراد دارای معلولیت تغییر کرده است. مک‌کی و پارک (۲۰۱۹) در تحقیقی دیگر یک برنامه آگاهی بخشی نسبت به ورزش فراگیر را برای دانش‌آموزان اجرا کردند. آنها اعتقاد داشتند، دانشجویان از رهبران آینده هستند و آشنایی آنان با ورزش فراگیر برای تغییر نگرش جامعه نسبت به ورزش فراگیر الزامی است. آنها نشان دادند، برنامه مذکور به عنوان یک برنامه اثربخش می‌تواند منجر به تسهیل در تغییر نگرش شناختی دانشجویان شود. لیو، کودلک و جسینا^۲ (۲۰۱۰) به مقایسه نگرش نسبت به ورزش فراگیر دانش‌آموزان دختر و پسر بعد از اجرای برنامه پارالمپیک در مدارس پرداختند. نتایج نشان داد به طور کلی میانگین نمرات نگرش نسبت به ورزش فراگیر از ۱۶.۵۰ به ۱۷.۲۵ رسید. اما آنها نشان دادند گروه دختران در این برنامه اثرپذیرتر از پسران بودند.

برنامه «من می‌توانم» سال گذشته توسط کمیته ملی پارالمپیک در ایران اجرا شده است. لازم به ذکر است این برنامه برای اولین بار در ایران اجرا شده است. لذا ضروری است تا با شناسایی اثربخشی آن بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به ورزش فراگیر، میزان دسترسی به اهداف را بررسی کرد تا در سال‌های آتی این برنامه با کیفیت بالاتری انجام شود. از طرفی تمام پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر در این حوزه انجام شده است، بر روی اثربخشی برنامه «روز پارالمپیک در مدارس» بوده است و

1. McKay, Heagle, & Block
2. Liu, Kudláček, and Ješina



با توجه به جدید بودن برنامه «من می‌توانم» و تغییر محتوا، سرفصل‌ها و نحوه آموزش، هنوز مقالاتی بر روی اثربخشی آن کار نشده است.

از طرفی ضروری است تا با اجرای چنین پژوهش‌هایی به گفتمان‌سازی در این حوزه پرداخته شود تا در آینده نزدیک با تصویب و اجرای قوانین حمایتی، این برنامه‌ها به صورت مستمر در کشورمان اجرا شود. لذا هدف اصلی این پژوهش شناسایی تأثیر اجرای برنامه «من می‌توانم» بر تغییر نگرش دانش-آموزان مدارس ابتدایی نسبت به ورزش فراگیر بود.

روش تحقیق

راهبرد پژوهش از نوع نیمه تجربی و با استفاده از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. نمونه آماری شامل ۵۰ نفر از دانش‌آموزان پایه ششم دبستان شهر تهران، واقع در منطقه ۳ در سال ۱۳۹۸ بودند که به صورت تصادفی در دو گروه ۲۵ نفره کنترل و تجربی تقسیم شدند. مداخله بدین صورت بود که دانش‌آموزان گروه تجربی (۲۵ نفر) در سه جلسه ۴۵ دقیقه‌ای تحت آموزش‌های برنامه «من می‌توانم» قرار گرفتند. برنامه آموزشی طبق سرفصل‌های آموزشی جدول شماره ۱ اجرا شد.

جدول ۱- سرفصل محتوای آموزش برنامه من می‌توانم برای آموزش در مدارس

ردیف	سرفصل	مدت زمان	جلسه
1	جنبش پارالمپیک	25 دقیقه	جلسه اول
2	ارزش‌های پارالمپیک	25 دقیقه	جلسه اول
3	پارالمپیک از گذشته تا کنون	25 دقیقه	جلسه دوم
4	ورزش فراگیر	25 دقیقه	جلسه دوم
5	داستان‌های الهام بخش پارالمپین‌ها	25 دقیقه	جلسه دوم
6	آشنایی با رشته‌های پارالمپیک (تئوری و عملی)	25 دقیقه	جلسه سوم

ابزار اندازه‌گیری شامل پرسش‌نامه نگرش کودکان نسبت به ورزش فراگیر (بلاک، ۱۹۹۵) بود که توسط تیم تحقیق و با نظر اساتید خبره، برخی از سئوالات آن تغییر کرد. برای تأیید روایی صوری و محتوایی، پرسش‌نامه نهایی مورد تأیید ۵ نفر از اساتید مدیریت ورزشی قرار گرفت همچنین پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/83$) مورد تأیید قرار گرفت. این پرسش‌نامه بدین



صورت است که ابتدا برای کودکان، وضعیت یک دانش‌آموز دارای معلولیت به صورت زیر شرح داده می‌شود.

«علی یک پسر هم سن و سال شما است، او نمی‌تواند راه برود و به همین منظور از ویلچر استفاده می‌کند. علی علاقه دارد بازی‌هایی مثل شما انجام دهد اما او در برخی بازی‌ها خیلی خوب نیست. گر چه علی به طور مستقل و بدون کمک دیگران با ویلچر حرکت می‌کند اما حرکات او کندتر از حرکات شماست. علی می‌تواند توپ را پرتاب کند اما دقت کنید که او تنها از فاصله نزدیک قادر به این کار است. او می‌تواند دربیبل بسکتبال انجام دهد، اما پرتاب‌های او معمولاً قدرت آن را ندارند که به حلقه برسد. به خاطر معلولیت علی از ناحیه پا، او معمولاً والیبال نشسته بازی می‌کند»

پس از خواندن این متن برای دانش‌آموزان، از آنها خواسته شد تا پرسش‌نامه مذکور را قبل از اجرای برنامه «من می‌توانم» و بعد از آن تکمیل نمایند. همچنین از چک لیست صفات سیپرستین (۲۰۰۶) برای ارزیابی نگرش شناختی استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل ۳۴ صفت (۱۷ صفت مثبت و ۱۷ صفت منفی) بود که پس از بررسی توسط تیم تحقیق، ۳ صفت مثبت و سه صفت منفی حذف شد. این صفات شامل موارد مثبتی مثل باهوش، بشاش، خوشحال، سالم و ... و همچنین موارد منفی مثل خجالتی، نامرتب، کسل، غمگین و ... بود. دانش‌آموزان می‌توانستند به صورت آزادانه هر تعداد از صفات را که احساس می‌کردند متناسب با علی (فرد دارای معلولیت) است را انتخاب کنند. جهت جمع‌آوری داده‌ها، یک هفته قبل از اجرای برنامه و یک هفته پس از اجرای برنامه، هر دو پرسش‌نامه در اختیار دانش‌آموزان دو گروه کنترل و تجربی قرار گرفت. گزارش توصیفی داده‌ها با استفاده از میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی انجام شد. برای بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها از آزمون شاپیرو-ویلک و بررسی همگنی واریانس متغیرهای نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه و تعدیل قوانین از آزمون لون استفاده شد. تجزیه و تحلیلی استنباطی متغیرهای نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه و تعدیل قوانین با استفاده از آزمون آنالیز واریانس مختلط (۲*۲)، تی مستقل و تعقیبی برون‌فرونی و متغیر نگرش شناختی با استفاده از آزمون ویل کاکسون آزمون انجام شد. تمامی محاسبات در سطح معناداری ($P \leq 0/05$) انجام شد.

1. Siperstein



یافته‌ها

نمونه مورد مطالعه شامل ۵۰ دانش‌آموز پایه ششم بودند که به صورت تصادفی در دو گروه کنترل با میانگین سنی $12/16 \pm 0/37$ و تجربی با میانگین سنی $12/08 \pm 0/40$ قرار گرفتند. خروجی آزمون شاپیرو-ویلک نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه و نگرش نسبت به تعدیل قوانین در هر گروه است. سطح معناداری آزمون لوین نیز نشان از همسانی واریانس در متغیرهای نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه و نگرش نسبت به تعدیل قوانین را دارد؛ لذا نمره‌های آزمودنی‌های پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آماری واریانس مختلط دو راهه تحلیل شد که در این طرح از دو گروه (مداخله، کنترل) به عنوان عامل بین‌گروهی و از زمان (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) به عنوان عامل درون‌گروهی استفاده شد.

نتایج آزمون تحلیل واریانس مختلط نشان داد برای میانگین متغیر نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه در اثر عامل زمان ($F=0/390$ ، اندازه اثر، $F=30/667$ ، $p=0/001$)، اثر تعامل زمان*گروه ($F=60/674$ ، اندازه اثر، $F=55/945$ ، $p=0/001$) و اثر عامل گروه ($F=20/250$ ، اندازه اثر، $F=80/181$ ، $p=0/001$) تفاوت معناداری مشاهده شد (جدول ۲).

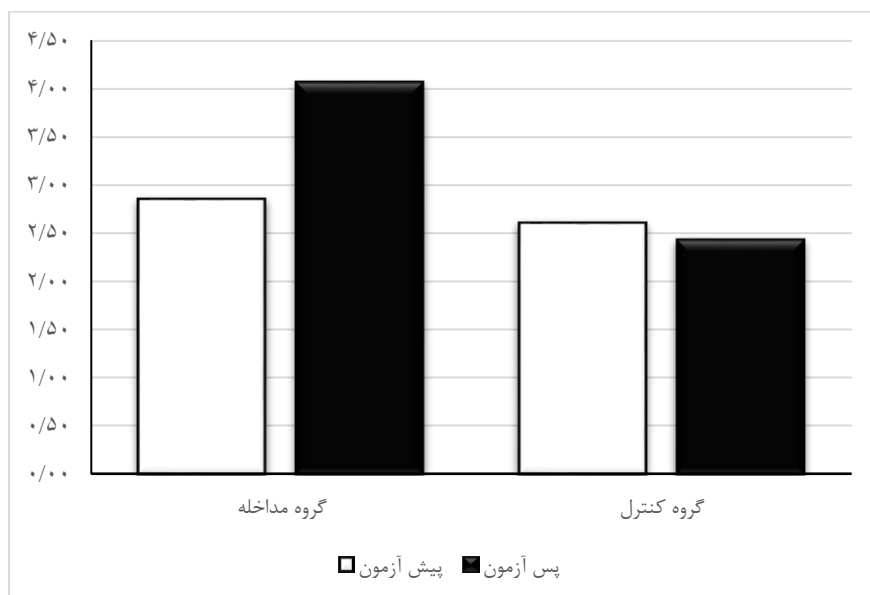
جدول ۲- نتایج حاصل از تحلیل واریانس مختلط برای متغیرهای نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه

و تعدیل قوانین

اندازه اثر	سطح معناداری	آماره تحلیل واریانس	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
0.390	0.001	30.667	6.588	1	6.558	زمان
0.538	0.001	55.945	12.0188	1	12.018	زمان*گروه
0.558	0.001	60.674	22.090	1	22.090	گروه
0.439	0.001	37.555	13.690	1	13.690	زمان
0.340	0.001	24.689	9.000	1	9.000	زمان*گروه
0.626	0.001	80.181	20.250	1	20.250	گروه



توان آماری ۱ حاکی از دقت معناداری این اثرات است. با توجه به معناداری اثر عامل گروه از آزمون تی مستقل به منظور بررسی تفاوت بین گروهی در پیش‌آزمون‌ها و پس‌آزمون‌ها استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد در پیش‌آزمون بین مقدار میانگین متغیر نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه بین دو گروه مداخله و کنترل تفاوت معناداری مشاهده نشد (اندازه اثر، $0/034$ ؛ اختلاف میانگین، $P=0/197$) اما در پس‌آزمون بین مقدار میانگین متغیر نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه بین دو گروه مداخله و کنترل تفاوت معناداری مشاهده شد (اندازه اثر، $0/838$ ؛ اختلاف میانگین، $p=0/001$). با توجه به معناداری اثر عامل زمان از آزمون تعقیبی بونفرونی به منظور بررسی تفاوت درون‌گروهی در هر گروه استفاده شد که نتایج نشان داد پس از آزمون میانگین متغیر نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه در گروه مداخله نسبت به پیش‌آزمون افزایش داشته است و این افزایش از لحاظ آماری معنادار است (اندازه اثر، $0/842$ ؛ اختلاف میانگین، $p=0/001$)؛ اما در گروه کنترل بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون میانگین متغیر نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه تفاوت معناداری مشاهده نشد (اندازه اثر، $0/180$ ؛ اختلاف میانگین، $p=0/246$). شکل ۱ تفاوت میانگین متغیر نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه را در دو گروه مداخله و کنترل طی مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد.

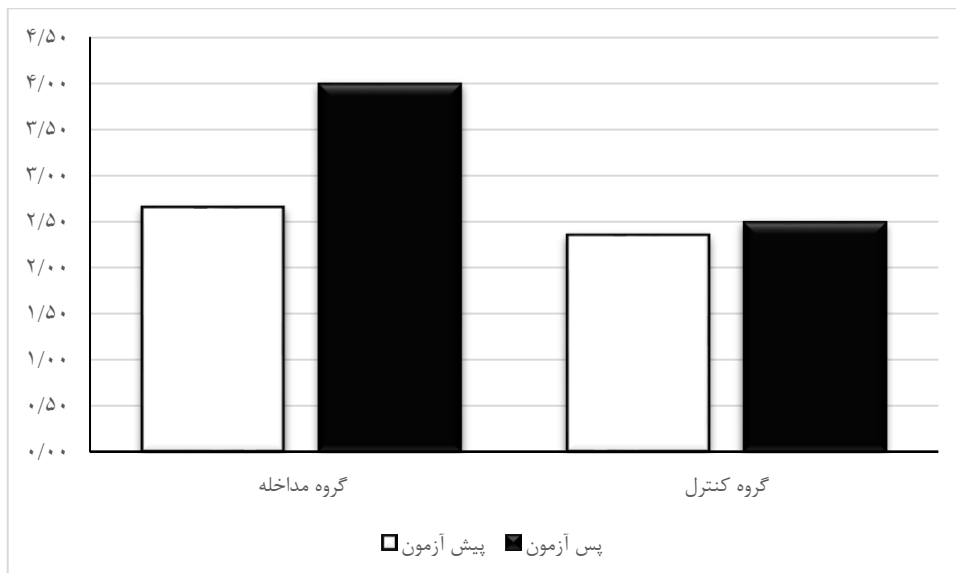


شکل ۱ - تفاوت میانگین متغیر نگرش نسبت به ورزش فراگیر در مدرسه در گروه دو پیش‌آزمون و پس‌آزمون



نتایج آزمون تحلیل واریانس مختلط نشان داد برای میانگین متغیر نگرش نسبت به تعدیل قوانین در اثر عامل زمان ($F=۳۷/۵۵۵$ ، $p=۰/۰۰۱$)، اثر تعامل زمان* گروه ($F=۰/۳۴۰$) اندازه اثر، ($F=۲۴/۶۸۹$ ، $p=۰/۰۰۱$) و اثر عامل گروه ($F=۰/۶۲۶$) اندازه اثر، ($F=۸۰/۱۸۱$ ، $p=۰/۰۰۱$) تفاوت معناداری مشاهده شد (جدول ۱). توان آماری ۱ حاکی از دقت معناداری این اثرات است. با توجه به معناداری اثر عامل گروه از آزمون تی مستقل به منظور بررسی تفاوت بین گروهی در پیش‌آزمون‌ها و پس‌آزمون‌ها استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد در پیش‌آزمون بین مقدار میانگین متغیر نگرش نسبت به تعدیل قوانین بین دو گروه مداخله و کنترل تفاوت معناداری مشاهده نشد ($F=۰/۰۴۹$) اندازه اثر، $F=۰/۳۰۰$ اختلاف میانگین، ($p=۰/۱۲۱$)؛ اما در پس‌آزمون بین مقدار میانگین متغیر نگرش نسبت به تعدیل قوانین بین دو گروه مداخله و کنترل تفاوت معناداری مشاهده شد ($F=۰/۷۷۹$) اندازه اثر، $F=۱/۵۰۰$ اختلاف میانگین، ($p=۰/۰۰۱$). با توجه به معناداری اثر عامل زمان از آزمون تعقیبی بونفرونی به منظور بررسی تفاوت درون‌گروهی در هر گروه استفاده شد که نتایج نشان داد پس‌آزمون میانگین متغیر نگرش نسبت به تعدیل قوانین در گروه مداخله نسبت به پیش‌آزمون افزایش داشته است و این افزایش از لحاظ آماری معنادار است ($F=۰/۶۸۹$) اندازه اثر، $F=۱/۳۴۰$ اختلاف میانگین، ($p=۰/۰۰۱$)؛ اما در گروه کنترل بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون میانگین متغیر نگرش نسبت به تعدیل قوانین تفاوت معناداری مشاهده نشد ($F=۰/۰۳۲$) اندازه اثر، $F=۰/۱۴۰$ اختلاف میانگین، ($p=۰/۳۸۱$). شکل ۲ تفاوت میانگین متغیر نگرش نسبت به تعدیل قوانین را در دو گروه مداخله و کنترل طی مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد.





شکل ۲- تفاوت میانگین متغیر نگرش نسبت به تعدیل قوانین دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون

فراوانی صفات تشکیل‌دهنده نگرش شناختی مثبت و منفی به تفکیک در جدول ۲ آورده شده است. در بین صفات نگرش شناختی مثبت در پیش‌آزمون، صفت کمک‌کننده در هر دو گروه (گروه مداخله ۱۳ فراوانی، گروه کنترل ۱۲ فراوانی) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. همچنین در هر دو گروه صفت زیبا در پیش‌آزمون فراوانی به خود اختصاص نداده است. در پس‌آزمون بیشترین فراوانی بین صفات نگرش شناختی مثبت، صفت باهوش در گروه مداخله با ۱۲ فراوانی و صفت خوب در گروه کنترل با ۱۰ فراوانی است. در بین صفات نگرش شناختی منفی در پیش‌آزمون صفت غمگین در گروه مداخله با ۱۵ فراوانی و صفت خجالت‌زده با ۱۶ فراوانی در گروه کنترل بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. در پس‌آزمون بیشترین فراوانی بین صفات نگرش شناختی منفی؛ صفات تنها و خجالت‌زده در گروه مداخله با ۷ فراوانی و صفت ناراحت در گروه کنترل با ۱۱ فراوانی است.



جدول ۳- فراوانی تفکیکی صفات تشکیل دهنده نگرش شناختی مثبت و منفی

نگرش شناختی مثبت	گروه مداخله		گروه کنترل		نگرش شناختی منفی	گروه مداخله		گروه کنترل	
	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون		پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
سالم	1	8	1	2	آهسته (آرام)	12	3	9	6
مرتب (تمیز)	1	8	4	3	تنها	13	7	9	3
بادقت	4	2	4	4	نامرتب	2	0	1	1
مشتاق	3	11	6	1	خنگ	0	0	4	0
زیبا	0	4	0	2	بی دقت	3	3	3	3
باهوش	6	12	4	5	دروغگو	1	0	0	0
مفتخر	0	6	3	1	ضعیف	9	0	13	10
خوب	6	7	6	10	دیوانه	0	0	1	0
بشاش	1	4	2	3	ناراحت	6	1	7	11
کمک کننده	13	6	12	2	کسل	6	0	9	9
راستگو	8	4	4	3	زشت	0	0	1	0
خوشحال	3	6	3	3	احمق	0	0	0	2
صمیمی	4	9	6	8	خجالت زده	12	7	16	7
مهربان	2	8	13	7	غمگین	15	1	11	6

به منظور مقایسه میانگین رتبه نگرش شناختی مثبت و منفی در بین آزمودنی‌ها از آزمون ویل کاکسون استفاده شد (جدول ۳). نتایج نشان داد در پیش‌آزمون بین میانگین رتبه نگرش شناختی مثبت و نگرش شناختی منفی هم در گروه کنترل ($p=0/410$) و هم گروه مداخله ($p=0/054$) تفاوت معناداری مشاهده نشد. در پس‌آزمون نیز بین میانگین رتبه نگرش شناختی مثبت و نگرش شناختی منفی در گروه کنترل ($p=0/157$) تفاوت معناداری مشاهده نشد؛ اما در گروه مداخله در پس‌آزمون بین میانگین رتبه نگرش شناختی مثبت و نگرش شناختی منفی ($p=0/001$) تفاوت معناداری مشاهده شد. به عبارتی در پس‌آزمون گروه مداخله، میانگین رتبه نگرش شناختی مثبت به طور معناداری بیشتر از میانگین رتبه نگرش شناختی منفی است.



جدول ۴- نتایج آزمون ویل کاکسون برای مقایسه میانگین رتبه نمرات نگرش شناختی مثبت و منفی در دو گروه مداخله و کنترل

رتبه مثبت	رتبه منفی	رتبه برابر	میانگین رتبه مثبت	میانگین رتبه منفی	آماره	سطح معناداری
6 ^a	17 ^b	2 ^c	12.58	11.79	-1.930	0.054
25 ^d	0 ^e	0 ^f	13.00	0.00	-4.395	0.001*
7 ^a	16 ^b	2 ^c	15.86	10.31	-0.824	0.410
2 ^d	6 ^e	17 ^f	4.50	4.50	-1.414	0.157

a: پیش‌آزمون نگرش شناختی منفی کمتر از پیش‌آزمون نگرش شناختی مثبت، b: پیش‌آزمون نگرش شناختی منفی بیشتر از پیش‌آزمون نگرش شناختی مثبت، c: پیش‌آزمون نگرش شناختی منفی برابر پیش‌آزمون نگرش شناختی مثبت، d: پس‌آزمون نگرش شناختی منفی کمتر از پس‌آزمون نگرش شناختی مثبت، e: پس‌آزمون نگرش شناختی منفی بیشتر از پس‌آزمون نگرش شناختی مثبت f: پس‌آزمون نگرش شناختی منفی برابر پس‌آزمون نگرش شناختی مثبت

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی اثر اجرای برنامه «من می‌توانم» در مدارس بدون معلولیت، و اثر آن بر تغییر نگرش دانش‌آموزان بدون معلولیت نسبت به دانش‌آموزان دارای معلولیت و ورزش فراگیر بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد، اجرای برنامه «من می‌توانم» تأثیر مثبتی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان بدون معلولیت نسبت به ورزش فراگیر داشته است. برنامه پارالمپیک در مدارس حدود ۵ سال است که در اکثر مدارس اروپایی برگزار می‌شود که نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، این برنامه نقش مثبتی در تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به افراد دارای معلولیت و همچنین ورزش فراگیر داشته است. یافته این پژوهش با یافته‌های پژوهش ليو و همکاران (۲۰۱۰) همراستا بود. آنها پس از اجرای این برنامه در مدارس جمهوری چک، نتیجه گرفتند که آموزش پارالمپیک در مدارس، ایده بسیار خوبی برای گسترش و ترویج فلسفه جنبش پارالمپیک در جامعه است. لی و همکاران (۲۰۲۰) نیز تأثیر آموزش ورزش‌های پارالمپیک در مدارس را بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به ورزش فراگیر و همچنین نسبت به حقوق انسانی سنجیدند. تحقیق مذکور به صورت بلند مدت و در ۹ ماه انجام شد.



علی‌رغم این‌که نمونه‌های این تحقیق، دانش‌آموزان دبیرستانی بودند، اما در نهایت نتایج نشان داد گروه تجربی تغییرات معناداری را نسبت به گروه کنترل تجربه کردند. بنابراین آنها نیز پیشنهاد کردند این برنامه آموزش ۵ هفته‌ای که توسط دانشگاه ملی سئول طراحی شده است می‌تواند در سیستم آموزش سنتی مدارس کره قرار گیرد. وایت و همکاران (۱۹۹۷) نیز پس از اجرای برنامه پارالمپیک در مدارس، با دانش‌آموزان بدون معلولیت مصاحبه انجام دادند تا اثر بخشی برنامه را بر تغییر نگرش آنها بررسی کنند. در همین راستا به یکی از جملات کلیدی دانش‌آموزان می‌توان اشاره کرد که گفته شده بود «من فکر می‌کنم این ایده بسیار خوبی باشد که همه ما فرصت‌های برابری داشته باشیم». ایجاد چنین درکی در دانش‌آموزان نشان از اجرای موفقیت آمیز این برنامه داشته است؛ چرا که برابری یکی از ارزش‌های اصلی جنبش پارالمپیک است. همچنین یکی از دلایل فقدان فعالیت بدنی دانش‌آموزان دارای معلولیت، عدم تعامل اجتماعی دانش‌آموزان دارای معلولیت با دانش‌آموزان مدارس بدون معلولیت است (آلیپورت، ۱۹۵۴). در واقع این موضوع باعث شده است افراد بدون معلولیت در رابطه با افراد دارای معلولیت آشنایی بسیار کمی داشته باشند که این عدم آشنایی باعث ایجاد فاصله و دوری-گزینی افراد دارای معلولیت در جامعه و مدارس شده است. همچنین به نظر می‌رسد افراد دارای معلولیت و بدون معلولیت زمانی که در فعالیت بدنی با یکدیگر در تعامل هستند معمولاً دچار استرس می‌شوند چرا که از انتظارات یکدیگر و همچنین از شرایط یکدیگر آگاهی کاملی ندارند. بنابراین بدیهی است یکی از عوامل مؤثر در توسعه فعالیت بدنی دانش‌آموزان دارای معلولیت و همچنین توسعه فراگیری، آموزش صحیح به افراد بدون معلولیت برای آشنایی بیشتر با دانش‌آموزان دارای معلولیت، برطرف کردن نگرش منفی و در نهایت پذیرش افراد دارای معلولیت توسط افراد بدون معلولیت است. حال به نظر می‌رسد، محتوای برنامه «من می‌توانم»، به خوبی توانسته است نگرش دانش‌آموزان ایرانی نسبت به ورزش فراگیر را تغییر دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود، محتوای برنامه «من می‌توانم»، در دوره‌های ضمن خدمت معلمان تربیت بدنی قرار گیرد، تا معلمان ضمن آشنایی با جنبش پارالمپیک و مدل‌های ورزش فراگیر، بتوانند این برنامه را به صورت مستمر در مدارس اجرا کنند. همچنین پژوهش‌های مختلفی از جمله نادری و سکینه پور (۲۰۱۹) موانع مشارکت معلولین در ورزش را عوامل فرهنگی-اجتماعی می‌دانند. لیموچی و همکاران (۲۰۲۰) نیز یکی از عوامل مشارکت ورزشی معلولین را فرهنگ و آموزش تعیین کردند. آنها نشان دادند زیرمقولاتی چون افزایش آگاهی و تغییر نگرش تأثیر بسزایی در افزایش مشارکت ورزشی افراد دارای معلولیت دارد. با توجه به این موارد، برنامه «من



می توانم» به عنوان یک برنامه فرهنگی-آموزشی، می تواند مشارکت معلولین در فعالیت ورزشی را نیز افزایش دهد.

در بخش تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به تعدیل قوانین نیز، نتایج نشان داد پس از اجرای این برنامه، تغییر در این نگرش نیز تفاوت معناداری نسبت به گروه کنترل داشته است. این یافته با یافته های (جسینا و همکاران، ۲۰۰۶) و (پاناچیتوس، اواجلیو، دولکریدو و همکاران^۱، ۲۰۰۸) متفاوت بود. آنها در پژوهش خود بیان کردند، در عین حالی که نگرش دانش آموزان نسبت به افراد دارای معلولیت تغییر کرده بود، اما حاضر نبودند در ورزش قوانین بازی را تغییر دهند. به نظر می رسد یکی از دلایل عدم همسویی این یافته با پژوهش های قبلی، کم رنگ کردن نقش رقابت در بسته آموزشی بود. بلک و ویلیامسون (۲۰۱۷) یکی از موانع مهم توسعه ورزش فراگیر را مؤلفه رقابتی بودن فعالیت مورد نظر می داند. مک کی و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشان دادند، نگرش دانش آموزان دختر به علت کمتر بودن روحیه رقابتی در آنها، نسبت به دانش آموزان دارای معلولیت، مثبت تر از پسران است. دانش آموزان با روحیه رقابتی اعتقاد دارند، دانش آموزان دارای معلولیت، بازی را کند و آهسته می کنند، شدت و هیجان بازی را کاهش می دهند و در نهایت بازی را خراب می کنند. به نظر می رسد، یکی از دلایل اصلی تغییر محتوای برنامه روز پارالمپیک در مدارس و تبدیل آن به برنامه «من می - توانم» همین موضوع بوده است. چرا که هدف اصلی برنامه من می توانم، توسعه ورزش فراگیر است و در این برنامه محتوای بیشتری در رابطه با فراگیری و تعدیل قوانین به دانش آموزان و معلمان گفته می شود. در همین راستا برنامه من می توانم دستورالعمل (TREE^۲) را برای توسعه ورزش فراگیر در اختیار معلمان قرار می دهد. این دستورالعمل بیان می کند معلمان تربیت بدنی برای توسعه ورزش فراگیر باید بتوانند در سبک تدریس، قوانین، محیط و تجهیزات برای ورزش مورد نظر تعدیل انجام دهند تا بتوانند از رقابتی شدن ورزش و فعالیت بدنی در مدارس جلوگیری کنند تا زمینه مشارکت همه دانش آموزان فراهم شود. همچنین بلک و ویلیامسون^۳ (۲۰۱۱) مدل STEP^۴ را ارائه دادند. "استپ" از کنار هم قرار گرفتن اول کلمات فضا، وظیفه، تجهیزات و افراد شکل گرفته است. آنها اعتقاد داشتند برای توسعه ورزش در بین اقشار مختلف جامعه، مربیان و معلمان ورزش باید بتوانند با استفاده از خلاقیت خود، در فضای مورد نیاز، تجهیزات و ... تغییرات لازم را ایجاد کنند. در واقع هر

1. Panagiotou, Evaggelina, Doukeridou, Mouratidou, & Koidou

2. Teaching, Style, Rules, Environment, Equipment

3. Black, K., and D. Williamson

4. Space, Task, Equipment, People



دوی این مدل تلاش می‌کند، همه اقشار جامعه با هر توانایی به صورت هم‌زمان و فراگیر ورزش کنند. به طور کلی، یادگیری این مدل‌ها برای مربیان و معلمان ورزش توصیه می‌شود، چرا که آنها می‌توانند با استفاده از این مدل‌ها و تعدیل قوانین و شرایط رقابتی، ورزش فراگیر را در مدارس و به تبع آن در جامعه گسترش دهند. به طور کلی، دلیل ناهمسویی این پژوهش را می‌توان تفاوت در نوع برنامه و همچنین تفاوت محتوایی برنامه دانست. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، برنامه «من می‌توانم» متناسب با چشم انداز جدید جنبش پارالمپیک در جهت توسعه ورزش فراگیر طراحی شده است. به نظر می‌رسد این برنامه توانسته است به اهداف اولیه خود برای دستیابی به یک جهان فراگیر از طریق ورزش دست یابد.

به منظور ارزیابی اثربخشی این برنامه بر نگرش شناختی و احساسات دانش‌آموزان نسبت به افراد دارای معلولیت، از چک لیست صفات استفاده شد. در این بخش دانش‌آموزان هر دو گروه احساسات خود را در دو بخش پیش آزمون و پس آزمون نسبت به افراد دارای معلولیت در قالب صفات مثبت و منفی بیان می‌کردند. نتایج نشان داد آزمودنی‌های گروه تجربی در این بخش نیز تغییرات معناداری را تجربه کرده‌اند. این یافته همسو با یافته‌های لیو (۲۰۱۰) است. آنها نیز در پژوهش خود نشان دادند پس از اجرای برنامه من می‌توانم از تعداد صفات منفی کاسته و به تعداد صفات مثبت انتخاب شده افزوده می‌شود. در پیش آزمون گروه مداخله، صفات منفی پرتکراری از قبیل تنها، آهسته و آرام، ضعیف، خجالت‌زده و غمگین وجود داشت که پس از انجام مداخله تعداد این صفات منفی کاهش یافت و بر تعداد صفات مثبت انتخابی از جمله مشتاق، باهوش و صمیمی افزوده شد. نکته جالب در این قسمت کاهش انتخاب صفت "ضعیف" توسط دانش‌آموزان پس از اجرای این برنامه بود که از عدد ۹ به صفر رسید. یکی از دلایل این موضوع را می‌توان به تغییر ارزش‌های پارالمپیک در چند سال اخیر و تأکید بر دو ارزش مهم «شجاعت» و «الهام بخشی» دانست. بخش عمده‌ای از برنامه «من می‌توانم»، به مفاهیم عمیق ارزش‌های پارالمپیک می‌پردازد. همچنین با کلیپ‌ها و داستان‌های الهام بخش بیان می‌کند که چگونه افراد دارای معلولیت با شجاعت، اقدامات خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهند و برای مردم دنیا الهام بخش هستند. به نظر می‌رسد این موارد باعث شده است، دانش‌آموزان گروه تجربی، صفات منفی کمتری را برای دانش‌آموزان دارای معلولیت انتخاب کنند.

در ایران رویکرد آموزش کودکان و نوجوانان دارای نیازهای ویژه و دارای معلولیت، از الگوی فراگیر آموزش که بر اساس فلسفه اجتماعی بنا شده است، پیروی می‌کند. این امر اگر چه امتیاز و یا مزیت خاصی برای این دانش‌آموزان محسوب نمی‌شود اما اصلی است که برای حفظ «کرامت انسانی» در



همه افراد جامعه پذیرفته شده است. با این حال اجرای این رویکرد در سال‌های اخیر با مشکل رو به رو بوده است چرا که مدارس عادی از پذیرش دانش‌آموزان دارای معلولیت امتناع می‌کنند و همچنین دانش‌آموزان بدون معلولیت نیز نگرش مثبتی به کودکان دارای معلولیت ندارند. نتایج این پژوهش نشان داد در صورت اجرای این برنامه در مدارس، نگرش دانش‌آموزان نسبت به دانش‌آموزان دارای معلولیت مثبت خواهد شد و به تبع آن پذیرش آنان در مدارس و جامعه تسهیل خواهد شد و به خلق یک جامعه فراگیر کمک خواهد شد. لذا پیشنهاد می‌شود برنامه "من می‌توانم" در سرفصل‌های درسی تربیت بدنی قرار گیرد و به صورت مستمر در مدارس ابتدایی ایران اجرا شود. در همین راستا در سال ۲۰۱۶، در کشور کره جنوبی نیز قانونی تصویب شده است که دولت‌های محلی باید برای تمام افراد جامعه از جمله دانش‌آموزان، کارمندان و ... برنامه آموزشی و آگاهی بخشی نسبت به افراد دارای معلولیت داشته باشند. به همین منظور در تمام مدارس مقطع دبیرستان کره جنوبی، در سال حداقل دو بار برنامه آگاهی بخشی نسبت به معلولین اجرا می‌شود. با اجرای این برنامه در مدارس، علاوه بر بهبود و ارتقا نگرش مثبت نسبت به افراد دارای معلولیت و ادغام آنان در جامعه، بسیاری از محدودیت‌های موجود برای افراد دارای معلولیت در جامعه نیز از بین خواهد رفت.

تشکر و قدردانی

از کمیته ملی پارالمپیک جمهوری اسلامی ایران برای همکاری در انجام این پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

1. Abdollahpour, M., & Golzari, M. (2009). Investigation of the effect of life skill training on attitude towards substance abuse in sirjan city high school students. *Research on Addiction*, 2(8): 33-54. (Persian).
2. Allport, G. W., Clark, K., & Pettigrew, T. (1954). *The nature of prejudice*, , New York: Doubleday Anchor
3. Archie, V. W., & Sherrill, C. (1989). Attitudes toward handicapped peers of mainstreamed and nonmainstreamed children in physical education. *Perceptual and Motor Skills*, 69(1): 319-322 .
4. Black, K., & Williamson, D. (2017). *Designing inclusive physical activities and games*. In *Design for sport* (pp. 229-264), England: Routledge.
5. Block, M. (2000). *A teacher's guide to including students with disabilities in regular physical education.*, Maryland: Brookes Publishing Co.



6. Block, M. E. (1995). Development and validation of the children's attitudes toward integrated physical education-revised (CAIPE-R) inventory. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 12(1): 60-77 .
7. Booth, T., & Ainscow, M. (2002). *Index for inclusion: developing learning and participation in schools (2nd edn)*, Bristol: Centre for Studies on Inclusive Education (CSIE) .
8. Causton, J. (2014). *The principal's handbook for leading inclusive schools*, Maryland: Brookes Publishing Co.
9. Chen, C.-C. J., Ryuh, Y.-J., Fang, Q., Lee, Y., & Kim, M.-L. (2019). The Effects of Inclusive Soccer Program on Motor Performance and Sport Skill in Young Adults with and without Intellectual Disabilities. *Journal of Developmental and Physical Disabilities*, 31(4): 487-499 .
10. Choi, P. H. N., & Cheung, S. Y. (2019). Inclusive Sand-Shoering Training Program for Students with and without Intellectual Disabilities in Hong Kong. *ICHPER-SD Journal of Research*, 10(2): 3-7.
11. Craig, P. J., Barcelona, B., Aytur, S., Amato, J., & Young, S. J. (2019). Using Inclusive Sport for Social Change in Malawi, Africa. *Therapeutic Recreation Journal*, 53(3): 244-263 .
12. Dattilo, J. (1996). Inclusive Leisure Services: Responding to the Rights of People with Disabilities. *Journal of Leisure Research*, 28(4): 312 .
13. DePauw, K. P., & Doll-Tepper, G. (2000). Toward progressive inclusion and acceptance: Myth or reality? The inclusion debate and bandwagon discourse. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 17(2): 135-143 .
14. Ješina, O., Lucas, S., Kudláček, M., Janečka, Z., Machová, I., & Wittmannová, J. (2006). Effect of an intervention program on attitude of elementary school children toward inclusion of children with disability, *8th European Conference of Adapted Physical Activity*, Olomouc, Rep. Checa.
15. Kalymon, K., Gettinger, M., & Hanley-Maxwell, C. (2008). Middle school boys' perspectives on social relationships with peers with disabilities. *Remedial and Special Education*, 31(4): 305-316 .
16. Katz, D. (1960). The functional approach to the study of attitudes. *Public opinion quarterly*, 24(2): 163-204 .
17. Lee ,K., Narasaki-Jara, M., Park, J., Lai, B., Davis, R., & Oh, J. (2020). The Long-term Effect of a Paralympic Sports Class on Korean High School Students' Attitudes towards Peers with Disabilities and Perceptions of Their Human Rights. *International Journal of Disability, Development and Education*, 67(1):1-13 .
18. limoochi, S., Moshref Javadi, B., Safania, A., Mohamadi, F. (2020). Identification of Effective Factors on the Participation of the People with Disabilities in Sport Activities. *Contemporary Studies On Sport Management* , 9(18): 77-90. doi: 10.22084/smms.2020.20907.2513 (Persian)
19. Lindstrom, H. (1992). Integration of sport for athletes with disabilities into sport programmes for able-bodied athletes. *Palaestra*, 8(3): 28-32 .



20. Little, M. (1990). *Acceptance and access by accentuation of ability Adapted Physical Activity* (pp. 137-143), Berlin:Springer.
21. Liu, Y., Kudláček, M., & Ješina, O. (2010). The influence of Paralympic School Day on children's attitudes towards people with disabilities. *Acta Gymnica*, 40(2): 63-69 .
22. McKay, C., Haegele, J & .,Block, M. (2019). Lessons learned from Paralympic School Day: Reflections from the students. *European Physical Education Review*, 25(3): 745-760 .
23. McKay, C., & Park, J. Y. (2019). The Impact of Paralympic Skill Lab on College Student Cognitive Attitudes toward Inclusive Lifetime Sport and Fitness. *International Journal of Kinesiology in Higher Education*, 3(3): 67-76 .
24. McKay, C., Park, J. Y., & Block, M. (2018a). Exploring the variables associated with student attitudes toward inclusion in physical education after taking part in the Paralympic School Day programme. *International Journal of Inclusive Education*, 25(2): 1-19 .
25. McKay, C., Park, J. Y., & Block, M. (2018b). Fidelity criteria development: Aligning Paralympic school day with contact theory. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 35(2): 233-242 .
26. Moon, M. S. (1994). *Making School and Community Recreation Fun for Everyone: Places and Ways To Integrate*: ERIC.
27. Nadri, A. (2019). Investigating Obstacles of Participation in Physical Activities and Exercise among the Disabled of Kermanshah Province. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 16(31): 152-137. doi: 10.22080/jsmb.2019.10795.2453 (Persian)
28. Panagiotou, A. K., Evaggelinou, C., Doukeridou, A., Mouratidou, K., & Koidou, E. (2008). Attitudes of 5th and 6th grade Greek student toward the inclusion of children with disabilities in physical education classes after a Paralympic education program. *European Journal of Adapted Physical Activity*, 1(2): 31-43
29. Qi, J., & Ha, A. S. (2012). Inclusion in physical education: A review of literature. *International Journal of Disability, Development and Education*, 59(3): 257-281 .
30. Reynolds, R. (1993). *Recreation and leisure lifestyle changes. The ADA mandate for social change*. Maryland: Brooks Publication Co.
31. Sherrill, C. (1998). *Adapted physical activity, recreation and sport*, Boston:ERIC
32. Siperstein, G. (2006). *Adjective checklist (ACL)*. Boston: Center for Social Development and Education, University of Massachusetts
33. Taherian, M., Rasouli, M. R., & Abuhameed, A. (2017). The Effect of Educational Movies on Changing The Attitude of High School student in Damavand Toward drug Abuse. *Media Studies*, 12(1): 36-37 (Persian)
34. United Nations Educational. (2008). International conference on education, 48th session ,Geneva .
35. Wilhite, B., Mushett, C. A., Goldenberg, L., & Trader, B. R. (1997). Promoting inclusive sport and leisure participation: Evaluation of the Paralympic Day in the schools model. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 14(2): 131-146 .



36. Zahirinia, M. (2011). An Survey of Personal and Social Consequences of Disability. *Cultural Journal of Hormozgan*, 1(1): 162-180.(Persian).

ارجاع دهی

پورکیانی، محمد؛ افروزه، علی؛ برومند، محمدرضا؛ سهیلی پیشکناری، سحر. (۱۴۰۱). تأثیر اجرای برنامه جهانی «من می‌توانم» بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به ورزش فراگیر. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۰ (۲۶): ۷۲-۱۴۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.9169.1918

Pourkiani, M; Afrouzeh, A; Boroumand, M; Soheili Pishkenari, S. (2022). The Impact of the Global "I'mPOSSIBLE" Program on the Iranian Students' Change of Attitude Toward Inclusive Sport. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 147-72. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.9169.1918



Research Paper

**Analysis of Effective Factors on Sustainable Participation
in Student Sports****M. H. Mohseni Chelak¹, F. Emami², M. H. Ghorbani³,
R. Tarighi⁴**

1. PhD student of Islamic Azad University, Ayatollah Amoli
2. Assistant Professor of Islamic Azad University, Ayatollah Amoli (Corresponding Author)
3. Assistant Professor of Physical Education and Sport Sciences Research Institute
4. Assistant Professor of Sports Management, Faculty of physical Education and Sport Sciences, Shomal university, Amol, Mazandaran, Iran

Received: 2021/01/18**Accepted: 2021/04/13**

Abstract

The present study aimed to provide a conceptual pattern of sustainable participation in student sports. The research method is qualitative content analysis and applied purpose. Research participants included people with management history at various levels of student sports, experts, and informed professors in student sports issues. To conduct interviews and obtaining information in relation to the issue of research, 17 people's opinions were completely examined. For data collection, semi-structured interviews were used and analyzed using MAXQDA software. The factors identified in the form of 212 semantic phrases and 38 open codes without repeat, 8 axial codes, and 3 categories were used and for prioritizing codes and categories of Shannon entropy, and at the end, the concept model was drawn. The Kappa method was used to measure the reliability and quality control of the present study. The kappa coefficient calculated by SPSS software is 25 times 0.751, which is at the level of excellent agreement. The results showed that the components of sustainable participation in student sports included the ad element, public relations, verification, advertisement, subculture, social class, service and resources, and participation management. These components are promoted in the form of three dimensions of promotion, social and cultural infrastructure and management. Sustainable involvement of student sport requires people who work in this manner; therefore, people should be attracted to be elite in both planning and policymakers.

Keywords: Qualitative Content Analysis, Sustainable Participation, Student Sports

1. Email: mohamad65mohseni@gmail.com
2. Email: f_emami2007@yahoo.com
3. Email: ghorbani.moho@gmail.com
4. Email: Rasoul.tarighi@ut.ac.ir



Extended Abstract

Background and purpose

The expansion of the universities and higher education institutions in recent years and subsequent growth of the student population, as well as the arrival of new sports disciplines in the scene of national and academic sports and students' desire for participation in sports competition, as well as the structural weakness of the department of physical education and shortage of facilities and spaces of universities in holding the championships, on the one hand, and the possibility of continuing the process of sustainable participation in student sport, on the other hand, has faced a fundamental problem. Hence, the country's student sports organizations should design and implement new patterns for sustainable sports participation, especially in student sports. Therefore, the aim of this study is to provide a model of factors affecting sustainable participation in student sports.

Methodology

The present study was an applied study in terms of purpose, and in terms of data collection, data were collected through using interviewees' opinions about the components of sustainable student sports participation. To select participants, the principle of diagnosis and target sampling method was used. Interviewed people were selected by considering theoretical saturation. For this purpose, the various experts involved in organizing sporting events, and or students in sports were selected. Content analysis was performed after interviews and data collection. Conducting interview with 17 experts did not create any new information from the interview 15th, but for assurance, until the interview 17 was carried out. Encoding, classification, and data categorization with the help of MAXQDA software were finalized.

Results

Recorded interviews were implemented in Word software format. Then, the findings from each interview in the form of MAXQDA software tables were worded, and encoded. The collected data were analyzed using Shannon Entropy Technique. The results show that from the open codes of extraction, the open code "The importance of the tendency of community indexes to student sports" has the highest priority to other codes with the importance of 0.035. Also, among the extraction axial codes, the axial code of "ad element" with the index of the significance of 0.235 has the highest priority compared to other axial codes, and among the selectively chosen codes, the selective code promoted with the coefficient of the significance of 0.619 has the highest priority compared to other codes.



Conclusion

The development of sustainable student sports participation can provide applied and proportional sports knowledge for different levels of sports in the country and be a rich backing for the country's competitive sports organization. Sustainable participation represents the degree of interest in a particular activity that brings together a long term. Sustainable participation is a function of a person's past relationship or activity and relationship with his values, given that sport is an inclusive institution in society. The presented model can well show the capacity of different aspects of sustainable sports participation and clarify that students' participation in sport accepts widespread factors. The present model provides basic construction of sustainable participation of student sports and can explain it and provide its functions. Based on the present model, the ability of the sustainable participation of student sports was analyzed. The purpose of this study was to identify the factors affecting sustainable participation in student sports. Therefore, after interviewing experts, extractive codes were classified into 3 categories and 8 axial codes. The main categories include (cultural and social infrastructure, development management, and promotion), and axial codes include (public relations, advertising, subculture, social class, service and resources, and participation management). According to the results of the research, it can be suggested that officials are formulated by the appropriate program and identify the effect of each of the factors mentioned on increasing the sustainable participation of student sports. Moreover, pivot knowledge programs are considered to increase students' knowledge with each of the factors mentioned. Hence, the application of each of these factors in the field of increased exercise participation in the main programs of students should be included.

Keywords: Qualitative Content Analysis, Sustainable Participation, Student Sports.

References

1. Gharakhanlou, R, Ghorbani, M. H, Bayati, M, & Shams, A. (2020). Developing a strategic plan for monitoring the well-being and physical activity of Iranian students. *Research on Educational Sport*, 8(19): 17-38. (Persian).
2. Hosseini, S.A. Purkiani, M., Jami Al-Ahmadi, A., & Afroozeh, A. (2017). Determining the factors affecting the increase of students' participation in physical activities. *Research in Educational Sports*, 5 (12), 97-114. (Persian).
3. McKay, C. D., Cumming, S. P., & Blake, T. (2019). Youth sport: friend or foe?. Best practice & research. *Clinical rheumatology*, 33(1), 141-157.



4. Rasekh, N., Sajjadi, S.A., Razavi, S.M.H, & Dousti. M. (2018). Analysis of the Educational Sport Structure in Iran. *Research on Educational Sport*, 6(14): 17-44. (Persian).
5. Tatari, A, Ehsani, M, Kuzechian, H, & Norouzi Seyedhoseyni, R. (2019). Design the optimal requirements for the implementation of social marketing in recreational sports in Iran. *Journal of Sport Management Review*, 11(53), 33-59. (Persian).



واکاوی عوامل مؤثر بر مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی

محمد حسین محسنی چلک^۱، فرشاد امامی^۲، محمد حسین قربانی^۳، رسول طریقی^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران
۲. گروه مدیریت ورزشی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران (نویسنده مسئول)
۳. گروه مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران
۴. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه غیرانتفاعی شمال، آمل، مازندران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی مفهومی مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی اجرا شده است. روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی و از نظر هدف کاربردی است. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل افراد دارای سابقه مدیریت در سطوح مختلف ورزش دانشجویی، خبرگان و اساتید مطلع در مسائل ورزش دانشجویی کشور بود. برای انجام مصاحبه و کسب اطلاعات لازم در ارتباط با موضوع تحقیق تعداد ۱۷ نفر به شکل کاملاً غیراحتمالی و با بهره‌گیری از تکنیک‌های هدفمند نظری انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته استفاده شد و تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم افزار MAXQDA انجام گرفت. عوامل شناسایی شده در قالب ۲۱۲ عبارت معنایی و ۳۸ کد باز بدون تکرار، ۸ کد محوری و ۳ مقوله درج و برای اولویت‌بندی کدها و مقوله‌ها از آنتروپی شانون استفاده شد و در انتها مدل مفهومی ترسیم گردید. به منظور سنجش پایایی و کنترل کیفیت مطالعه حاضر از روش کاپا استفاده شد. ضریب کاپا محاسبه شده به وسیله نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ برابر با ۰/۷۵۱ بوده که در سطح توافق عالی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی شامل عنصر آگهی، روابط عمومی، صحنه‌گذاری، تبلیغ، خرده فرهنگ، طبقه اجتماعی، خدمات و منابع و مدیریت مشارکت است و این مؤلفه‌ها در قالب سه بعد ترویج، زیر ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی و مدیریت توسعه قابل طبقه‌بندی است. مشارکت پایدار ورزش دانشجویی نیازمند افرادی است که در این امر فعالیت دارند؛ بنابراین، افرادی باید جذب شوند که هم در برنامه‌ریزی و هم در سیاست‌گذاری ورزش دانشجویی نخبه باشند.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوای کیفی، مشارکت پایدار، ورزش دانشجویی

1. Email: mohamad65mohseni@gmail.com
2. Email: f_emami2007@yahoo.com
3. Email: ghorbani.moho@gmail.com
4. Email: Rasoul.tarighi@ut.ac.ir



مقدمه

زندگی در دنیای امروز ابتکار عمل سریع را از انسان گرفته است. ورزش به عنوان راه حل راهبردی و ورزش همگانی به عنوان وسیله‌ای ارزان قیمت و فرح بخش می‌تواند این مشکل را به نحو مطلوب حل کند (ممتاز بخش و فکور، ۲۰۰۷، ۵۹). بسیاری از مؤسسه‌های بین‌المللی به ورزش به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف غیر ورزشی می‌نگرند. آنها تأکید می‌کنند که ورزش یک پدیده اجتماعی وسیع جهانی است که در زندگی جوانان و بزرگسالان زن و مرد ریشه دارد؛ بنابراین، ورزش نباید به عنوان تنها یک محصول جامعه ما، بلکه باید به عنوان یک موتور محرکه شناخته شود (جاویر^۱، ۲۰۱۴، ۲۴). مشارکت به معنای عام بر حضور و دخالت آگاهانه، داوطلبانه، متعهدانه افراد و اقشار جامعه دلالت دارد (فرنس و والرز^۲، ۲۰۱۲، ۲۹) و مشارکت پایدار^۳ نشان دهنده میزان تمایل و علاقه فرد نسبت به فعالیت خاص است که این فعالیت منافعی را در دراز مدت برای فرد به همراه دارد. مشارکت پایدار تابعی از رابطه گذشته فرد با فعالیت و ارتباط با ارزش‌های درونی آن فرد تعریف شده است (فرنس و والرز، ۲۰۱۲، ۳۰).

دانشجویان، بخش گسترده و اثرگذاری از جامعه و جمعیت ایران را به خود اختصاص داده‌اند. در این راستا، حدود ۳۶۰۰۰۰۰ دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی کل کشور مشغول به تحصیل هستند و از این تعداد ۷۵۰۰۰۰ نفر در دانشگاه‌های دولتی تحصیل می‌کنند (قراخانو و همکاران، ۲۰۲۰، ۱۹). دانشگاه به عنوان یکی از اثرگذارترین نهادهای مؤثر در توسعه و پیشرفت، می‌بایست به عنوان یک اهرم برای بهبود تندرستی دانشجویان به کار گرفته شود؛ چرا که دانشگاه نقش مهمی در نهادینه‌سازی تندرستی و فعالیت‌بدنی برخوردار است. نظام آموزش عالی بخش بزرگی از نهاد تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و با توجه به اهمیت و کارکردهای توسعه فرهنگ ورزش در جامعه، توسعه ورزش دانشجویی اهمیت اجتماعی بالایی دارد (حسینی و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۰۱). ورزش دانشگاهی در تأمین سلامت جسمی و روانی دانشجویان بسیار مؤثر است (دویکیواقلو و همکاران^۴، ۲۰۱۲، ۳۲۸) و اهداف اصلی آن، فراهم آوردن زمینه‌های لازم و فرصت‌های مناسب برای قشر فراگیر دانشجویی، به منظور دستیابی به فضای تفریحی و رقابتی سالم است؛ از این‌رو، در بین دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و توجه خاصی بدان می‌شود (حمیدی و همکاران، ۲۰۱۱،

1. Javier
2. Ferns & Walls
3. Sustainable Participation
4. Devecioglu et al



(۲۱) علاوه بر این، از آن جا که دانشگاه‌ها وظیفه تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص، ماهر و سالم را دارند، ورزش دانشگاهی می‌تواند نقش مهمی در برنامه‌های مدیریت منابع انسانی داشته باشد (بایل^۱، ۲۰۰۲، ۱۳۷) از منظری دیگر نیز می‌توان بیان نمود که توسعه ورزش دانشگاهی می‌تواند پشتوانه‌ای غنی برای توسعه ورزش کشور باشد. در همین راستا، داوونارد و راسکویت^۲ (۲۰۱۵) بیان نموده‌اند، آموزش عالی نه تنها موجب افزایش میزان و شدت مشارکت مردان در ورزش می‌شود، بلکه در کمک به توسعه علاقه‌مندی زنان به ورزش و در نتیجه افزایش نرخ مشارکت آنها در ورزش نقش مهمی دارد.

با توجه به مزایای فعالیت‌های بدنی و ورزش، درک و ارتقای مشارکت در ورزش از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مشارکت از جمله پدیده‌هایی است که از دیرباز وجود داشته و همواره با زندگی انسان‌ها پیوند داشته است، لازمه زندگی جمعی و گروهی وجود همکاری، مساعدت و مشارکت است که متناسب با شرایط اجتماعی در زمان و مکان خاص خود به صورت‌های مختلف شکل گرفته است (نوابخش و اسمی جوشقانی، ۲۰۱۳، ۱۱۷) لذا سازمان‌ها برای دستیابی به عملکرد مؤثر و مقابله با مشکلات و موانع سد راه پیشرفت خود، نیاز به مشارکت و همکاری متقابل سایر سازمان‌ها دارند و سازمان‌های ورزشی و آموزشی از این قاعده مستثنی نیستند و افزایش مشارکت در ورزش می‌تواند تأثیر عمیق و مثبتی بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سلامت فرد و جامعه بگذارد و همچنین منفعت ایجاد کند (آدتونی و آکندوتیر^۳، ۲۰۱۷) با این حال، مبنای مشارکت ورزشی، از سطوح ورزش تربیتی، ورزش همگانی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای تشکیل شده است و برای هر کشوری مهم است که با حفظ تعادل در این سطوح و اولویت‌بندی این ابعاد بر اساس کاربرد و اهمیت آنها، ساختار ورزش کشور خود را توسعه و گسترش دهد (راسخ و همکاران، ۲۰۱۸، ۲۰).

بنابراین مشارکت در حکم یک پدیده اجتماعی در مکاتب متفاوت فکری نظریه‌پردازی شده است. انطباق سطح نظری و عملی در ایده‌های اجتماعی از جمله مشارکت، نیازمند پژوهش‌های فراگیر در جامعه مورد نظر است (متین، ۲۰۱۵، ۱۵۴). با این وجود اهمیت مشارکت پایدار ورزشی در نهاد دانشجویی، سبب توجه اساسی دولت‌ها به این سطح از ورزش شده است. ورزش دانشجویی بخش‌های زیادی از ورزش آموزشی و ورزش رقابتی را نیز در بر می‌گیرد (بنار و همکاران، ۲۰۱۸، ۲۲۲) ورزش، به خودی خود فعالیت ارزشمند، مثبت و مفیدی ارزیابی می‌شود؛ اما شواهد نشان می‌دهند که در

1. Byl
2. Downward and Rasciute
3. Adetunji & Akindutire



عمل‌گرایی به مشارکت پایدار در ورزش و انجام فعالیت‌های بدنی در میان دانشجویان وضعیت مناسبی ندارد لذا با توجه به وضعیت فعلی توسعه ورزش در کشور مشارکت ورزشی نیازمند مدیریت و عزم جدی جهت توسعه پایدار و تعمیم ورزش در بین دانشجویان دارد. لازمه پایداری تعادل است. به عبارت دیگر، روی دیگر سکه پایداری، تعادل است؛ زیرا یک سیستم نامتعادل، ناپایدار نیز خواهد بود و برعکس. تفاوت در انگاره‌های مختلف در تعمیم مفهوم تعادل و پایداری است که گروهی به تعادل در رابطه ورزش و سلامتی اکتفا می‌نمایند و گروهی آن را به تمامی شئون زندگی انسانی، یعنی رابطه انسان با محیط و انسان با انسان و جوامع تعمیم می‌دهند (راسخ و همکاران، ۲۰۱۸، ۲۲). شناخت عوامل مؤثر بر افزایش و یا کاهش انگیزه و تمایل به مشارکت ورزشی نزد دانشجویان زمینه ساز برداشتن گام‌های دقیق و شفاف در راستای بسترسازی برای مشارکت در برنامه‌های ورزشی و همراه ساختن یکباره برنامه‌ریزی، اجرا، نگهداری و ارزشیابی در فرایند مشارکت پایدار ورزش دانشجویی می‌گردد (ساک و همکاران، ۲۰۱۸). اگر میزان مشارکت دانشجویان در ورزش کشور افزایش یابد، شاهد رونق کسب و کار ورزشی خواهیم بود و شغل‌های مرتبط با ورزش همچون پوشاک ورزشی، تربیت نیروی انسانی (مربی، داوران و غیره)، آموزش کارآموزان ورزشی و غیره رونق قابل توجهی خواهند داشت که همه این‌ها در گرو افزایش میزان مشارکت دانشجویان و اقشار مختلف در ورزش و رسیدن به پایداری در این زمینه است (ططری و همکاران، ۲۰۱۹، ۴۰).

گسترش شتابان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی طی سال‌های اخیر و متعاقب آن رشد روزافزون جمعیت دانشجویی و همچنین ورود رشته‌های جدید ورزشی به صحنه ورزش ملی و دانشگاهی و اشتیاق و استقبال دانشجویان برای شرکت در رقابت‌های ورزشی، و همچنین ضعف ساختاری ادارات تربیت بدنی و کمبود امکانات و فضاهای ورزشی دانشگاه‌ها در برگزاری مسابقات قهرمانی نیز از طرف دیگر، امکان ادامه روند مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی را با مشکل اساسی مواجه کرده است. از این‌رو، سازمان‌های ورزش دانشجویی کشور باید بر آن باشند تا متناسب با شرایط و مقتضیات جدید و با بهره‌گیری از تجارب و نظریات متخصصان ورزش، به ویژه در حوزه ورزش دانشجویی، الگوهای جدیدی برای مشارکت پایدار ورزشی، طراحی و اجرا کنند (فتحی، ۲۰۱۰، ۱۶۲).

تحقیقات نشان داده است که عوامل مختلفی در توسعه مشارکت در ورزش از طریق دانشجویان انجام گرفته است و هر یک ابعادی از موضوع را اشاره و بررسی کرده‌اند. در این راستا، رحمتی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با هدف مطالعه عوامل مؤثر بر فرایند مشارکت ورزشی اظهار داشتند که فرایند مشارکت ورزشی در وهله اول از طریق فرآیند جامعه‌پذیری و میزان حمایت‌های دریافتی



مختلف آغاز می‌گردد، در مرحله بعد با استمرار مشارکت ورزشی، هویت ورزشی ورزشکاران شکل گرفته و با توجه به نقشی که هویت ورزشی در باز تعریف ورزشکاران در جامعه دارد، تعهد ورزشی نیز شکل می‌گیرد. همچنین فشارهای ساختاری و اجتماعی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند جامعه‌پذیری ورزشی، هویت ورزشی، تعهد ورزشی و مشارکت ورزشی ورزشکاران ایفا می‌کنند. در پژوهشی دیگر توسط آدیتونجی و الوسولا^۱ (۲۰۱۷) تحت عنوان مزایای مشارکت ورزشی جوانان بیان داشتند که افزایش مشارکت ورزشی می‌تواند تأثیر عمیق و مثبتی بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سلامتی فرد و جامعه گذارد و معتقدند که مدارس مختلف از ابتدایی تا مؤسسات عالی رتبه، باید از طریق وزارتخانه‌های ورزشی، جوامع بشر دوستانه، سازمان‌های داوطلبانه و شرکت‌های چند ملیتی، برای جمع‌آوری کمک‌های مالی و پرداخت هزینه‌های ورزشی دانش‌آموزان و دانشجویان، امکانات ورزشی مناسب و با کیفیت خوب، تجهیزات و لوازم بادوام و انگیزه‌های لازم برای ورزشکاران اقدام نمایند. همچنین اظهار داشتند که مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌های ورزشی خارج از مدرسه به بهبود بیشتر مهارت‌های آنان کمک می‌کند و رابطه صمیمانه‌ای بین مدارسی که در این برنامه‌ها مشارکت می‌کنند به وجود می‌آورد و پیشرفت حاصل شده توسط دانش‌آموزان شرکت‌کننده، به جنبش انسانی در مدارس منجر می‌شود. در این راستا مک‌کی، کامینگ و بلیک^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان دوست یا دشمن با مشارکت ورزشی جوانان؟ اذعان نمودند که مشارکت ورزشی جوانان به عنوان بخشی سالم از شیوه زندگی ترویج یافته است و مزایایی برای آمادگی جسمانی، توسعه اجتماعی و سلامتی ذهنی دارد و می‌تواند بر اخلاق، رفتار، فعالیت بدنی و سلامت اسکلتی عضلانی در مادام‌العمر تأثیر بگذارد. ادات^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان شناسایی دلایل بی‌میلی شرکت در فعالیت‌های ورزشی در بین دانشجویان دانشگاه آلیا نشان داد عوامل مدیریتی و اجرایی، اقتصادی و اجتماعی از دلایل بی‌میلی دانشجویان آن دانشگاه است. وی پیشنهاد کرد اهمیت مشارکت دانشجویان در فعالیت ورزشی را با برگزاری سخنرانی‌ها و همایش‌ها و آماده کردن متخصصان در بخش ورزش بالا ببرند و سپس این متخصصان را به طور گسترده در بخش ورزش دانشگاه به کار بگیرند. دی‌مریت^۴ (۲۰۱۵) در پژوهشی در حیطه جنسیت و انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌های دانشگاهی پیشنهاد داد مربیان ورزش در دانشگاه‌ها بر فعالیت‌های وظیفه‌گرا تمرکز کنند و از توجه

1. Adetunji & Olusola
2. McKay, Cumming & Blake
3. Odat
4. DeMeritt



به شکست و یا پیروزی خودداری کنند. همچنین آنها می باید راهبردهایی را اجرا کنند تا از طریق ورزش احساس شایستگی و استقلال دانشجویان را افزایش دهند تا از این طریق انگیزه آنان برای حضور در فعالیت‌های ورزشی افزایش یابد. همچنین منافی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به اهمیت عامل مدیریت پی بردند. آنها بیان کردند در صورتی که حتی تمام زیرساخت‌ها فراهم باشد، مشارکت ورزشی تنها با مداخله عامل مدیریتی افزایش پیدا خواهد کرد.

مبانی اصلی دانش در هر حوزه‌ای بر پایه مدل‌های مناسب شناسایی شده توسط دانشمندان است و نه یافته‌های جزئی و پراکنده؛ زیرا داده‌ها در قالب مدل می‌توانند کشف، تبیین و تعبیر شوند. البته مدل‌سازی از فراگردهای اجتماعی، جهان اجتماعی را لزوماً به طور کامل معرفی نمی‌کند؛ اما ابزاری به دست می‌دهد که درک مکانیسم‌های اساسی آن را آسان‌تر می‌کند از سویی دیگر فقدان مدل‌های قابل اتکا و دارای مصادیق عینی در توسعه مشارکت پایدار ورزش دانشجویی کشور، محقق را بر آن داشت تا به واکاوی جهت‌دستیابی به ساختار چنین مدلی بپردازد. با تکیه بر مطالعات مرور شده، می‌توان گفت با وجود پژوهش‌ها و اقدامات مختلفی که در بخش‌های مختلف ورزش کشور انجام شده، همچنان درصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بسیار کم و سیاست‌های کلی در این زمینه ناکافی است. با آگاهی از این‌که عوامل زیادی بر مشارکت در فعالیت‌های ورزشی خصوصاً ورزش دانشجویی تأثیر گذارند و در تحقیق‌های محققین قبلی نیز به آنها اشاره گردید اما پژوهشی در رابطه با مشارکت پایدار در ورزش خصوصاً ورزش دانشجویی انجام نشده است. لذا پژوهشگران مطالعه حاضر بر آن شدند که با استفاده از مفاهیم و راهکارهای مختلف، به گونه‌ای جدید در این زمینه مهم وارد شوند و به بررسی مشکلات و معضلات مشارکت پایدار ورزش دانشجویی، راهکارهای تغییر رفتار و جایگزین کردن رفتارهای مطلوب و بدیع بپردازند. با توجه به مطالب مطرح شده و هدف اصلی تحقیق که توسعه مدل مفهومی مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی است، در این پژوهش، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی و دسته‌بندی و ارتباطات بین آنها شناسایی و تبیین شده است.

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، به روش کیفی انجام شد که با استفاده از نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره مؤلفه‌های مشارکت پایدار ورزش دانشجویی تحلیل شد. برای انتخاب مشارکت‌کننده‌ها از اصل تشخیص و روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. برای



گردآوری اطلاعات در این روش محقق با افرادی ارتباط برقرار می کند که در مورد موضوع تحت مطالعه یا برخی از جنبه های آن دارای شناخت و اطلاعات کافی و مناسب باشند (محمد پور و رضایی، ۲۰۰۰، ۱۸-۱۹). افراد مورد مصاحبه با در نظر گرفتن اشباع نظری انتخاب شد. مصاحبه ها به صورت انفرادی و با سئوالات نیمه ساختاریافته بعد از هماهنگی لازم، در محل کار شرکت کنندگان انجام گرفت. با در نظر گرفتن معیارهایی از قبیل داشتن اطلاعات غنی و بینش عمیق نسبت به موضوع مطالعه مشارکت کنندگان از میان صاحب نظران فعال در بخش های متنوع ورزشی انتخاب و وارد مطالعه شدند. برای این منظور خبرگان حوزه های مختلف که در برگزاری رویدادهای ورزش دانشجویی مشارکت داشته اند و یا در زمینه ورزش دانشجویی پژوهش انجام داده اند انتخاب شدند. ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

مشارکت کنندگان	تعداد	جنسیت		تحصیلات	
		مرد	زن	کارشناسی ارشد	دکتری
خبرگان و اساتید دانشگاهی و مراکز علمی	6	4	2	0	6
مدیران حوزه ورزشی دانشجویی	4	3	1	3	1
افراد صاحب نظر در ورزش دانشجویی (کارشناسان و خبرگانی که در برگزاری رویدادهای ورزش دانشجویی مشارکت داشتند)	7	5	2	2	5
مجموع	17	12	5	5	12

میانگین محدوده زمانی مصاحبه ها ۴۵ دقیقه بود. تحلیل محتوا پس از اتمام مصاحبه ها و جمع آوری داده ها صورت گرفت. مصاحبه بین ۱۷ خبره انجام پذیرفت که از مصاحبه ۱۵ به بعد هیچ بیانه ای جدیدی ایجاد نگردید ولی برای اطمینان تا مصاحبه ۱۷ نیز ادامه یافت. در ادامه کدگذاری، طبقه بندی و دسته بندی داده ها با کمک نرم افزار MAXQDA تحلیل نهایی گردید و در نهایت به منظور افزایش روایی پژوهش، تنها به نتایج حاصله از مصاحبه ها اکتفا نشده و جهت غنی تر نمودن نتایج از منابع ثانویه و متون پیشین نیز بهره گرفته شده است.



یافته‌ها

مصاحبه‌های ضبط شده در قالب نرم افزار ورد پیاده سازی گردید. سپس یافته‌های حاصل از هر مصاحبه در قالب جداول نرم افزار MAXQDA، جمله‌بندی و کدگذاری گردید. اطلاعات گردآوری شده از بررسی اسناد و مدارک هم با استفاده از تکنیک آنروپی شانون^۱ تحلیل و بررسی شد. برای تشریح الگوریتم روش آنروپی شانون، لازم است که ابتدا پیام بر حسب مقوله‌ها به تناسب هر پاسخگو بر حسب فراوانی، شمارش

شود. این روش با توجه به مراحل زیر انجام می‌گیرد:

در مرحله اول، طبق فرمول زیر، فراوانی‌ها، بهنجار می‌شوند. در پژوهش حاضر چون نشانگرها در هر واحد مطالعاتی بیش از یک مرتبه تکرار نداشتند، هنجار یک در نظر گرفته شده است.

$$P_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^n a_{ij}}; \forall i, j$$

در مرحله دوم، بار اطلاعاتی هر مقوله طبق فرمول زیر محاسبه شد:

$$k = \frac{1}{\ln(m)} \quad E_j = -k \cdot \sum_{i=1}^m P_{ij} \cdot \ln(P_{ij})$$

در مرحله آخر میزان ضریب اهمیت هر نشانگر مطابق فرمول زیر محاسبه شد:

$$w_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j}; \forall j$$

از تقسیم بار اطلاعاتی هر نشانگر بر مجموع بار اطلاعاتی کل نشانگرهای یک عامل، ضریب اهمیت هر نشانگر به دست می‌آید. مجموع ضریب اهمیت هر یک از عوامل در صورت درستی محاسبات، برابر با یک است. در مرحله بعد برای تعیین بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت هر یک از ملاک‌ها، مجموع بار اطلاعاتی نشانگرهای هر ملاک بر تعداد نشانگرهای مربوط به آن ملاک تقسیم و پس از تعیین بار اطلاعاتی همه ملاک‌های یک عامل، از تقسیم میزان بار اطلاعاتی هر یک از ملاک‌ها به کل بار اطلاعاتی ملاک‌های هر عامل، ضریب اهمیت آنها به دست خواهد آمد و به همین ترتیب میزان بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت هر یک از عوامل به طور جداگانه محاسبه می‌شود.

1. Entropy Shannon



جدول ۲- نتایج تکنیک آنتروپی شانون در خصوص کدها

کد انتخابی	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت	کد محوری	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت	کد باز	فراوانی	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت
						ضرورت وجود تعریف جامعه از ورزش دانشجویی	7	0.538	0.031
						تعریف کامل و جامع از ورزش دانشجویی	6	0.496	0.029
						ورزش دانشجویی یک ضرورت اجتماعی	5	0.445	0.026
						تأثیر ورزش بر کاهش هزینه های درمان ضعف آگاهی از تأثیر ورزش دانشجویی بر افزایش شادابی و نشاط اهمیت ورزش دانشجویی درباره ارتقای کیفیت زندگی	6	0.496	0.029
ترویج	0.482	0.619	عنصر آگهی	0.505	0.235	تأثیر مثبت ورزش دانشجویی بر قانون مداری تأثیر شبکه های اجتماعی بر افزایش آگاهی درباره ورزش دانشجویی اهمیت الگو برای ترویج ورزش دانشجویی	7	0.538	0.031
						تأثیر مثبت ورزش دانشجویی بر افزایش تعاملات اجتماعی	5	0.445	0.026
						شناسایی نیاز واقعی مشتریان در ارتباط با آنها حضور افراد شاخص در ارتباط با دانشجویان برای ترغیب به ورزش روابط رسانه ای	7	0.538	0.031
						روابط عمومی	8	0.575	0.033



ادامه جدول ۲- نتایج تکنیک آنتروپی شانون در خصوص کدها

کد انتخابی	بار اطلاعاتی	ضرب اهمیت	کد محوری	بار اطلاعاتی	ضرب اهمیت	کد باز	فراوانی	بار اطلاعاتی	ضرب اهمیت
						اهمیت نقش کلیدی و مهم صدا و سیما	5	0.445	0.026
						اهمیت تبلیغات جذاب	6	0.496	0.029
			تبلیغ	0.503	0.117	اهمیت معرفی ورزش های سهل الوصول دانشجویی	6	0.496	0.029
						ضرورت معرفی ورزش های دانشجویی مبتنی بر توجه به ورزش های نو و جذاب	8	0.575	0.033
						اهمیت صحت‌گذاری	8	0.575	0.033
			صحت‌گذاری	0.459	0.133	صحت‌گذاری تلویحی یا ضمنی	6	0.496	0.029
						صحت‌گذاری دستوری	6	0.496	0.029
						صحت‌گذاری همزمان	2	0.191	0.011
						صحت‌گذاری واضح یا آشکار	7	0.538	0.031
			خرده فرهنگ	0.34	0.059	اهمیت فرهنگ مذهبی	4	0.383	0.022
						اهمیت فرهنگ ملی در انتخاب ورزش دانشجویی	5	0.445	0.026
						اهمیت گروه همسالان	2	0.191	0.011
						اهمیت گرایش افراد شاخص جامعه به ورزش دانشجویی	9	0.608	0.035
						اهمیت جنسیت برای شرکت در ورزش دانشجویی	7	0.538	0.031
			طبقه اجتماعی	0.456	0.132	اهمیت سن برای شرکت در ورزش دانشجویی	5	0.445	0.026
						اهمیت سطح سواد و ورزشی دانشجویان	2	0.191	0.011
						اهمیت سطح درآمد دانشجویان	6	0.496	0.029

زیر ساخت های اجتماعی و فرهنگی

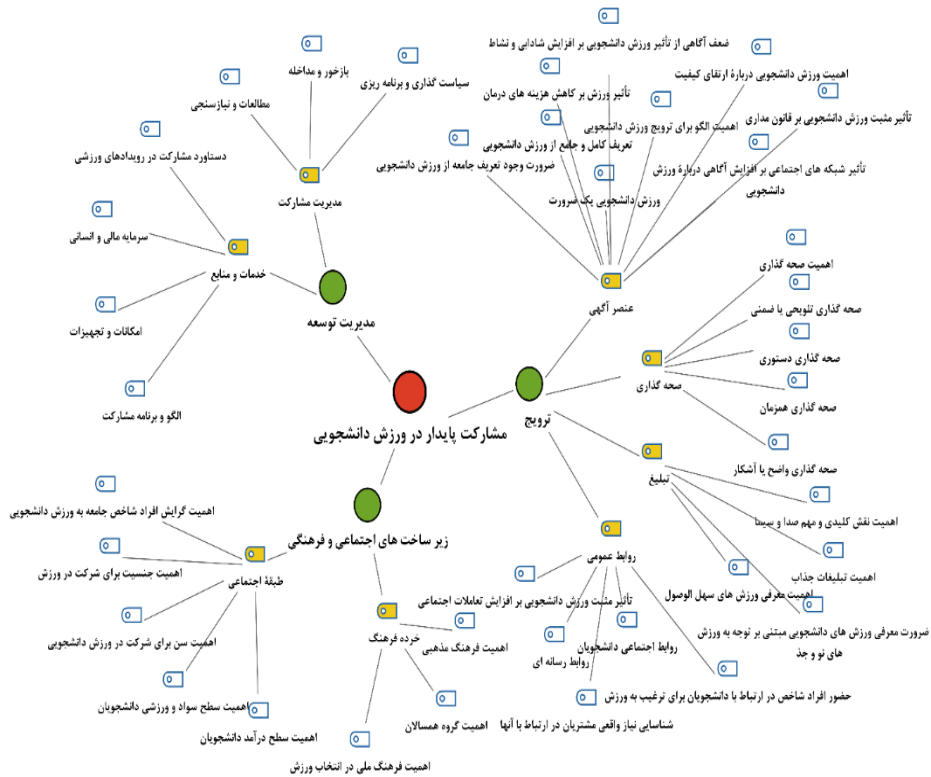


ادامه جدول ۲- نتایج تکنیک آنتروپی شانون در خصوص کدها

کد انتخابی	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت	کد محوری	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت	کد باز	فراوانی	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت
مدیریت توسعه	0.412	0.166	خدمات و منابع	0.382	0.089	دستاورد مشارکت در	5	0.445	0.026
						رویدادهای ورزشی	5	0.445	0.026
						سرمایه مالی و انسانی	2	0.191	0.011
						امکانات و تجهیزات	5	0.445	0.026
			مدیریت مشارکت	0.441	0.077	الگو و برنامه مشارکت	5	0.445	0.026
						مطالعات و نیازسنجی	3	0.304	0.018
						بازخور و مداخله	8	0.575	0.033
						سیاست‌گذاری و برنامه- ریزی			
3	0.431	1	8	3.547	1	38	212	17.343	1

نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد که از میان کدهای باز استخراجی، کد باز "اهمیت‌گرایش افراد شاخص جامعه به ورزش دانشجویی" با ضریب اهمیت ۰/۰۳۵ بالاترین اولویت را نسبت به سایر کدهای باز دارد. همچنین از میان کدهای محوری استخراجی کد محوری "عنصر آگهی" با ضریب اهمیت ۰/۲۳۵ بالاترین اولویت را نسبت به سایر کدهای محوری دارد. از میان کدهای انتخابی استخراجی کد انتخابی ترویج با ضریب اهمیت ۰/۶۱۹ بالاترین اولویت را نسبت به سایر کدهای انتخابی دارد.





شکل ۱- دسته بندی عوامل مؤثر بر مشارکت پایدار ورزش دانشجویی با استفاده از نرم افزار MAXQDA

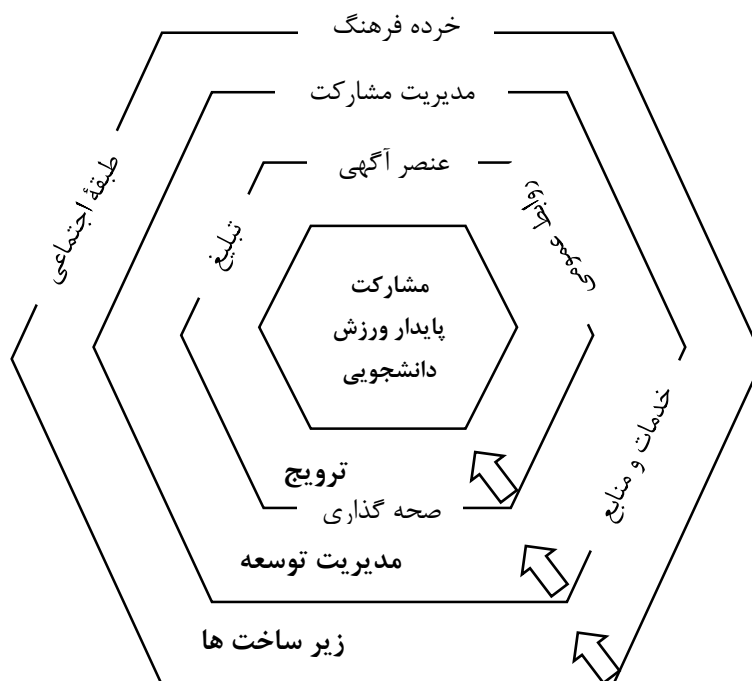
در این تحقیق جهت اعتباردهی فرایند کدگذاری و کنترل کیفیت آن از شاخص کاپای کوهن استفاده شده است. جهت محاسبه شاخص کاپا از یک فرد خبره در امر موضوع خواسته می شود بدون اطلاع از کدگذاری محقق، نسبت به کدگذاری و دسته بندی مفاهیم اقدام نماید. سپس با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس، مفاهیم ارائه شده توسط پژوهشگر با مفاهیم ارائه شده توسط فرد خبره مقایسه شده است. چنان چه کدهای این دو محقق نزدیک به هم باشند نشان دهنده توافقی بالا بین این دو کدگذار و بیان کننده پایایی است.



جدول ۳- وضعیت شاخص کاپا و نتایج آماره ضریب توافق کاپای کوهن

وضعیت توافق	مقدار عددی شاخص کاپا	نتایج آماره (ضریب توافق کاپای کوهن)	
ضعیف	کمتر از ۰	0.751	ارزش
بی اهمیت	0- 0.2	38	تعداد
متوسط	0.21- 0.4	0.0001	معناداری
مناسب	0.41- 0.6		
معتبر	0.61- 0.8		
عالی	0.81- 1		

همان طور که در ادامه نشان داده شده است مقدار شاخص کاپا برابر با ۰/۷۵۱ محاسبه شده که با توجه به جدول شماره ۳، در سطح توافق عالی قرار گرفته است



شکل ۲- مدل نهایی مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی با رویکرد کیفی

بحث و نتیجه گیری

ورزش دانشجویی، بخش مهمی از فرآیند ورزش پرورشی محسوب می شود که اهداف اصلی آن، فراهم آوردن زمینه های لازم و فرصت های مناسب برای دانشجویان جهت دستیابی به فضای تفریحی و رقابتی سالم است و همچنین بخش مهمی از اهداف بلند مدت توسعه ملی در بخش ورزش و جوانان است. علاوه بر این، دانشجویان قشر فراگیر و پویای جامعه هستند و از منظر مدیریت منابع انسانی، دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی عالی وظیفه تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص، ماهر و سالم را در راستای ارتقای علمی و عملی دانشجویان دارند که در این میان توسعه و گرایش به ورزش دارای اولویت بالایی است. ورزش دانشجویی در دسترس ترین منابع تحقیقات علوم ورزشی را در اختیار می گذارد و بسیاری از تحقیقات در ورزش دانشگاهی قابل تعمیم به سایر بخش های ورزش است. همچنین بسیاری از دانش ورزش در دانشگاه های کشور تولید می شود و ورزش دانشجویی نیز از بسترهای اصلی مطالعات علوم ورزشی کشور است. بنابراین توسعه مشارکت پایدار ورزش دانشجویی می تواند زمینه تولید دانش ورزشی کاربردی و متناسب را برای سطوح مختلف ورزش کشور فراهم کند و پشتوانه ای غنی برای تشکیلات ورزش رقابتی کشور باشد. مشارکت پایدار نشان دهنده درجه علاقه فرد توسط فعالیت خاص است که منفعی را در دراز مدت به همراه دارد. مشارکت پایدار تابعی از رابطه گذشته فرد یا فعالیت و ارتباط با ارزش های فردی او است با توجه به این که ورزش نهادی فراگیر در جامعه است، مدل ارائه شده می تواند به خوبی ظرفیت ابعاد مختلف مشارکت پایدار ورزشی را نشان دهد و روشن سازد که مشارکت دانشجویان در ورزش از عوامل گسترده ای اثر می پذیرد. مدل حاضر، ساخت های اساسی مشارکت پایدار ورزش دانشجویی را می رساند و در سطح خود، قادر به تبیین آن و ارائه کارکردهایش است. بر پایه مدل حاضر می توان فرایند مشارکت پایدار ورزش دانشجویی را تجزیه و تحلیل کرد.

هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی بود. لذا بعد از مصاحبه با خبرگان کدهای استخراجی در قالب ۳ مقوله اصلی و ۸ کد محوری طبقه بندی گردید. مقوله های اصلی شامل (زیر ساخت های فرهنگی و اجتماعی، مدیریت توسعه و ترویج) هستند و کدهای محوری شامل (عنصر آگهی، روابط عمومی، صحنه گذاری، تبلیغ، خرده فرهنگ، طبقه اجتماعی، خدمات و منابع و مدیریت مشارکت) هستند.

مقوله ترویج شامل عوامل عنصر آگهی، روابط عمومی، صحنه گذاری و تبلیغ است. بر اساس اولویت بندی آنتروپی شانون از میان این عوامل، عنصر آگهی دارای بیشترین اهمیت است لذا در این میان



می توان به ضرورت وجود تعریف کامل و جامع از ورزش دانشجویی، اهمیت ورزش دانشجویی درباره ارتقای کیفیت زندگی و اهمیت الگو برای ترویج ورزش دانشجویی اشاره نمود. همچنین در مورد عامل روابط عمومی نیز می توان به روابط رسانه ای و در خصوص عامل صحنه گذاری نیز به اهمیت صحنه گذاری در مشارکت پایدار ورزش دانشجویی اشاره نمود. نتایج پژوهش حاضر با با بخشی از یافته های تحقیق های رحمتی و همکاران (۲۰۱۹) و منافی و همکاران (۲۰۱۵) در مشارکت پایدار ورزش دانشجویی، همسویی دارد. توجه به فعالیت های ورزشی در دوران تحصیل در دانشگاه، فرصت بسیار خوبی است که دانشجویان را بیشتر با منافع ناشی از فعالیت های بدنی آشنا سازد؛ به علاوه اگر در محیط های خانوادگی و دوران تحصیل در دبستان و دبیرستان، شرایط پی بردن به ضرورت پرداختن به ورزش در آنان به وجود نیآورده باشد، دوران تحصیل دانشگاهی فرصت با ارزشی برای دانشجویان خواهد بود که علاوه بر پرداختن به ورزش و تقویت قوای جسمانی و پر نمودن اوقات فراغت از منافع روانی و اجتماعی آن نیز برخوردار شوند، لذا برای ترویج و مشارکت پایدار ورزش دانشجویی در جامعه به کارگیری عواملی چون تبلیغات و آگاهی رسانی جمعی و استفاده از روابط عمومی و صحنه گذاری در زمینه مشارکت ورزشی دانشجویی می تواند پایداری مشارکت در این زمینه را سبب شود.

مقوله زیر ساخت های اجتماعی و فرهنگی شامل عوامل خرده فرهنگ، طبقه اجتماعی است. بر اساس اولویت بندی آنتروپی شانون از میان این عوامل، عامل طبقه اجتماعی دارای بیشترین اهمیت است. در این میان می توان به اهمیت گرایش افراد شاخص جامعه به ورزش دانشجویی اشاره کرد و در مورد عامل خرده فرهنگ به اهمیت فرهنگ ملی در انتخاب ورزش دانشجویی اشاره نمود. نتایج پژوهش حاضر با با بخشی از یافته های تحقیق های رحمتی و همکاران (۲۰۱۹) و مک کی و همکاران (۲۰۱۹) در مشارکت پایدار ورزش دانشجویی، هم سویی دارد. نظام اجتماعی و حیات سیاسی جامعه بشری بر اساس تعاون و مشارکت و همیاری اعضای آن استوار گردیده است. از این رو در تمامی نظام های اجتماعی به ویژه نظام آموزش عالی به جهت رسالتی که از نظر تربیت انسان ها و نهادینه کردن فرهنگ مشارکت در جوامع بر عهده دارند از اهمیت خاصی برخوردار است. ماهیت فعالیت های دانشگاه به گونه ای است که مشارکت و همکاری همه عوامل انسانی از جمله دانشجویان در آن ضروری است و این امر بیانگر اهمیت و ضرورت "بررسی و شناسایی راه های مشارکت پایدار دانشجویان در فعالیت های ورزشی دانشگاه" است. هدف دانشگاه ایجاد روحیه مشارکت جویی و به دنبال آن مشارکت پایدار در فعالیت های ورزشی دانشگاهی است. به واقع یکی از کارکردهای مورد انتظار دانشگاه افزایش روحیه مشارکت جویی است. به این معنی که در نهایت دانشگاه باید این روحیه را در اختیار جامعه قرار دهد. اگر بخواهیم درباره فرایند مشارکت جویی دانشجویان به تبیینی مطلوب



دست یابیم، ترکیبی از عوامل فردی و اجتماعی و فرهنگی قابل توجه است. مشارکت و به‌ویژه مشارکت پایدار در امور ورزشی، نقش مستقیمی در توسعه فرهنگی جوامع ایفا می‌کند و همواره بسیاری سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه فرهنگ به منزله محوری مستقل به آن توجه کرده‌اند. مشارکت فرهنگی، شرکت داوطلبانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی برای گسترش توسعه پایدار، متوازن و همه‌جانبه حیات فرهنگی آن جامعه است. از عواملی که می‌تواند سبب پایداری در مشارکت ورزش دانشجویی گردد زیر ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی هستند و برای این منظور می‌توان از ورزشکاران نخبه و همچنین اشخاص مطرح ورزش دانشجویی بهره گرفت.

مقوله مدیریت توسعه شامل عوامل خدمات و منابع و مدیریت مشارکت است. بر اساس اولویت بندی آنتروپی شانون از میان این عوامل، عامل خدمات و منابع دارای بیشترین اهمیت است. در این میان می‌توان به سرمایه مالی و انسانی و الگو و برنامه مشارکت اشاره کرد و در مورد عامل مدیریت مشارکت به سیاست‌گذاری و برنامه ریزی اشاره نمود. نتایج پژوهش حاضر با با بخشی از یافته‌های تحقیق‌های آدیتونجی و الوسولا (۲۰۱۷)، ادات (۲۰۱۵)، دی مریت (۲۰۱۵) و منافی و همکاران (۲۰۱۵) در مشارکت پایدار ورزش دانشجویی، هم‌سوئی دارد. داشتن روحیه مشارکت‌جویی از جمله عواملی است که تأثیر مهمی بر هم‌کنش‌ها و عمل‌های جمعی دارد. مقدمه مشارکت پایدار، داشتن این روحیه است که در هر جامعه‌ای به شکلی خاص بر ساخته است. توسعه زیرساخت‌ها مانند تأسیسات و تجهیزات ورزشی را می‌توان به عنوان محور دیگر توسعه مشارکت ورزش دانشجویی در نظر گرفت که به مدیریت امکان می‌دهد با توسعه مشارکت پایدار ورزشی دانشجویان، برنامه‌ها و فرایندهای کافی را برای فعالیت ورزشی طراحی کند. مدیریت توسعه می‌تواند در زمینه مشارکت ورزش دانشجویی از طریق ارائه خدمات و همچنین استفاده از مدیران مجرب و کاربلد در زمینه ورزش دانشجویی اقدام نماید تا از این طریق زمینه‌های پایداری در مشارکت ورزش دانشجویی ارتقا پیدا کند.

آنچه مسلم است ادراک و نگرش دانشجویان به موانع و مزایای مشارکت در ورزش عامل اثرگذار بر تصمیم‌گیری‌های آنان در مشارکت پایدار در فعالیت‌های منظم و سلامت محور است؛ لذا ارزیابی اداراک و نگرش دانشجویان به فعالیت‌های حرکتی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. بنابراین برای مشارکت بیشتر دانشجویان در ورزش، آگاهی از نگرش و تغییر نگرش آنها نسبت به ورزش و فعالیت بدنی ضرورتی انکارناپذیر است.



با توجه به نتایج پژوهش می‌توان پیشنهاد کرد که مسئولان برنامه‌های دانش محوری برای افزایش آگاهی دانشجویان با هر یک از عوامل ذکر شده در نظر گرفته شود و کاربرد هر یک از این عوامل در زمینه افزایش مشارکت پایدار ورزشی در برنامه‌های اصلی دانشجویان گنجانده شود. دانشگاه‌ها لازم است شرایط و زیرساخت‌های لازم را برای فعالیت‌های ورزشی دانشجویان فراهم کند و تا جایی که شرایط و امکانات اجازه می‌دهد ورزش را برای دانشجویان، ارزان، جذاب و مفرح کنند. به این معنی که تنوع رشته‌های ورزشی همراه با بسترسازی مناسب ایجاد نمایند تا از این طریق میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی بیشتر و بیشتر شود. همچنین کلیه فعالیت‌های مربوط به تربیت بدنی و ورزش از قبیل تشکیل تیم‌های ورزشی، انجام مسابقات مختلف، تشویق و ترغیب روحیه جوانمردی در ورزشکاران، تشویق دانشجویان به مطالعه و تحقیق در زمینه‌های مختلف تربیت بدنی باید با مشارکت جدی دانشجویان صورت گیرد. یکی از راهکارهای پیشنهادی در حوزه ساختار تشکیلاتی است. راهبردها و سیاست‌گذاری‌های ورزش دانشگاهی به حمایت مؤسسات دولتی، بخش سلامت و بخش خصوصی نیاز دارد. بنابراین باید حداکثر امکانات، منابع، نیروی انسانی و تجهیزات به خدمت گرفته شود. رسانه‌ها از روش‌های گوناگونی می‌توانند به ترویج و ارتقای ورزش دانشجویی کمک کنند، توجه و پوشش بیشتر رویدادهای ورزش دانشگاهی و تهیه برنامه‌های آموزشی از جمله این موارد هستند. همچنین از دیگر راهکارهای اجرایی می‌توان به استفاده از ایده‌های نوآورانه و جذاب برای گسترش ورزش دانشجویی و همچنین بهره‌گیری از نیروی داوطلب در توسعه ورزش دانشجویی اشاره نمود.

تشکر و قدردانی:

این مقاله از رساله دوره دکترای تخصصی مدیریت ورزشی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی آیت الله آملی استخراج شده است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از کلیه مسئولان پژوهشی این دانشگاه که ما را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند. همچنین از جناب آقای دکتر عظیم صلاحی کجور که ما را در انجام هر چه بهتر مصاحبه‌ها یاری نمودند کمال تشکر و قدردانی را داریم.



منابع

1. Adetunji, O., & Akindutire, I. (2017). Benefits of participation in sport to the youth. *Journal of Sports and Physical Education*, 4(1): 30-34.
2. Benar, N., Dastoom, S., Goharrostami, H M., Mohaddes, F. (2018). Designing a Model of Sport Participation Development (Case Study of Guilan Province), *Human Resource Management in Sport Journal*, 5(2): 217-234. (Persian).
3. Byl j. (2002). Intramural Recreation: A Step-by-Step Guide to Creating an Effective Program, *human kinetics*. 137.
4. DeMeritt, E. A. (2015). *Gender and Grade Differences in Motives for Participation in Varsity Athletic Programs atan Overseas School for Military Dependents. Doctor of Philosophy thesis*. Northcentral University.
5. Devecioglu S, Sahan H, Yildiz M, Tekin M. (2012). Examination of Socialization Levels of University Students Engaging in Individual and Team Sports, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*; (46):326-330.
6. Downward, P., & Rasciute, S. (2015). Exploring the covariates of sport participation for health: an analysis of males and females in England. *Journal of Sports Sciences*, 33(1): 67-76.
7. Fathi, S. (2010). Sociological explanation of student sports participation. *Journal of social sciences*, 3(4): 145-173.
8. Ferns, B. H; Walls, A. (2012). Enduring travel involvement, Destination brand equity and Traveler's visit intentions: A structural model analysis. *Journal of Destinatin Marketing and Management*, 1(1-2): 27-35.
9. Gharakhanlou, R; Ghorbani, M. H; Bayati, M; Shams, A. (2020). Developing a Strategic Plan for Monitoringthe Well-Being and Physical Activity of Iranian Students. *Research on Educational Sport*, 8(19): 17-38. (Persian).
10. Hamidi, M.; Divine, AS; Akbarzadi, H. and Hamidi, M. (2011). Student Sports of the Islamic Republic of Iran, Development Perspectives and Strategies, *Sports Management Studies*, (12): 26-13. (Persian).
11. Hosseini, S.A. Purkiani, M., Jami Al-Ahmadi, A., Afroozeh, A. (2017). Determining the factors affecting the increase of students' participation in physical activities. *Research in Educational Sports*, 5 (12): 97-114. (Persian).
12. Javier, F. (2014). The sport for all ideal: A tool for enhancing human capabilities and dignity. *Physical Culture and Sport. Studies and Research*, 63(1): 20-28.
13. Manafi, F; Ramezani Nejad, R; Gohar Rostami, H. and Purkiani, M. (2015). Influence of infrastructural and managerial factors on the development of sports participation in Iranian public universities. *Research in Educational Sports*, 4 (9): 65-90. (Persian).
14. McKay, C. D., Cumming, S. P., & Blake, T. (2019). Youth sport: friend or foe? Best practice & research. *Clinical rheumatology*, 33(1): 141-157.
15. Mohammadpour, A; Mehdi, R. (2008). Semantic Understanding of the Consequences of Renovation Entry to the Oraman Region of Iran through Background Research, *Iranian Journal of Sociology*, 9(1-2) 3-33. (Persian).



16. Momtazbakhsh, M., Fakur, Y. (2007). Nvestigating the Strategies for Promotion and Development of Women's Sports for all in Police University. *Journal of Danesh-e-Entezami*, 33(2): 53-62. (Persian).
17. Navabakhsh, M. Esmi Joshaghani, Z. (2013). The Survey of Social and Cultural Factors Affecting the Student Participation Rates in Students' Activities. *Iranian Social Development Studies*, 4 (4): 105-122. (Persian).
18. Matin, N. (2015). The Importance of Involvement in Education and the Ways to Alleviate the Shortcomings, *Journal of Sociology of Education*, 3, 143-176. (Persian).
19. Odat, J. (2015). The Reasons for the Reluctance of Princess Alia University College Students' from Practicing Sports Activities. *International Education Studies*, 8(4): 40-51.
20. Rahmati, M. M., Alikhah, F., ShadManfaat, S. M., Kabiri, S. (2019). Structural Equation Modeling: The Study on Factors Affecting Sports Participation. *Research on Educational Sport*, 6(15): 223-46. (Persian).
21. Rasekh, N., Sajjadi, S.A., Razavi, S.M.H, Dousti. M. (2018). Analysis of the Educational Sport Structure in Iran. *Research on Educational Sport*, 6(14): 17-44. (Persian).
22. Saki, M. Mazloomi Mahmood Abadi, S. Mirjalili, M. and Fallah, H. (2018). Using the Combination of Social Marketing and Innovation Dissemination Model to Promote Yazd Women's Physical Activity: A Combined Study, *Second National Conference on Achievements in Sport Sciences and Health, Ahvaz, Ahvaz University of Medical Sciences*. (Persian).
23. Tatari, A; Ehsani, M; Kuzechian, H; Norouzi Seyedhoseyni, R. (2019). Design the Optimal Requirements for the Implementation of Social Marketing in Recreational Sports in Iran, *Journal of Sport Management Review*, 11(53): 33-59. (Persian).

ارجاع دهی

محسنی چلک، محمدحسین؛ امامی، فرشاد؛ قربانی، محمدحسین؛ طریقی، رسول. (۱۴۰۱). واکاوی عوامل مؤثر بر مشارکت پایدار در ورزش دانشجویی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۰ (۲۶): ۹۶-۱۷۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2021.10027.2043

Mohseni Chelak, M. H; Emami, F; Ghorbani, M. H; Tarighi, R. (2022). Analysis of Effective Factors on Sustainable Participation in Student Sports. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 173-96. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2021.10027.2043



Research Paper

The Effect of Empowerment on Physical Education Teachers' Self-efficacy and Job Performance**M. Golsanamlou¹ , M. Hamidi², H. Rajabi Noush Abadi³, S. N. Sajjadi⁴**

1. PhD Student of Sports Management, Kish International Campus, University of Tehran, Kish, Iran
2. Associate Professor of Sports Management, University of Tehran, Iran
3. Assistant Professor of Sports Management, Kish International Campus University of Tehran, Iran (Corresponding author)
4. Professor of Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 2020/06/24**Accepted: 2020/12/22****Abstract**

The purpose of this study was to investigate the effect of empowerment on self-efficacy and job performance of physical education teachers. The research method was quantitative and the target population of the study consisted of 27530 physical education teachers in the country. Using Krejcie and Morgan sampling table, 380 physical education teachers, 188 male and 192 female, were selected as the sample population. The random sampling method was one-stage cluster. To collect data from three questionnaires of empowerment of physical education teachers adapted from two questionnaires of staff empowerment of Rokni Lemoki (2013) and the questionnaire of improving job performance of staff of Awamle (2013), self-efficacy questionnaire adapted from the self-efficacy questionnaire teachers' self-efficacy of Bandura (2006), the teachers' job performance questionnaire was taken from the teachers' job performance questionnaire of Amin, Shah, Ayaz and Ata (2013). Data analysis was performed at both descriptive and inferential levels using SPSS21 software and LISREL8 software. The results showed that the value of standard regression coefficient between empowerment and self-efficacy of teachers is 0.56 with a significant coefficient of $t = 7.02$, which indicates a significant and direct effect of empowerment on self-efficacy of physical education teachers in the country. The results also showed that the standard regression coefficient between empowerment and job performance of teachers was 0.53 with a significance coefficient of $t = 8.87$, which also showed that empowerment

-
1. Email: golsanamloum@gmail.com
 2. Email: mhamidi@ut.ac.ir
 3. Email: Horajabi@ut.ac.ir
 4. Email: nsajjadi@ut.ac.ir



had a significant and direct effect on the job performance of physical education teachers in the country. Therefore, it can be concluded that if the capabilities of physical education teachers increase, it can improve the self-efficacy and job performance of physical education teachers.

Keywords: Organization Behavior, Sport Organizations, Ministry of Education, In-Service Courses, Student Sports

Extended Abstract

Background and Purpose

A review of the results of research also shows that attention to educational programs and in-service courses is of particular importance, which may indicate the need for this research. Also, in examining the upstream documents, one can clearly see the importance of this issue. As an example, in the second chapter of the document on the fundamental transformation of the educational system, the role of teachers as guides and reliable and insightful models in the education process and the most effective element in fulfilling the missions of the formal education system is mentioned. The document also emphasizes physical education, sports and healthy individual and group recreation in order to meet the physical and mental needs of the current and future generations as a basic goal. Considering the research and studies conducted in this field, the researchers in this study sought to study the effect of empowerment on self-efficacy and job performance of physical education teachers.

Methodology

The method of this research was quantitative and the target population of the study included all 5,530 physical education teachers in the country. Using Krejcie and Morgan sample size determination table, 380 people were considered as statistical sample. Statistical samples included 188 men and 192 women. By converting the questionnaire format to electronic version and uploading it on the Internet, the samples were selected by one-step cluster random sampling method and the questionnaires were sent to the samples through virtual networks and the research tools were returned by the respondents after completion. In this study, three questionnaires were used to collect and extract data. The questionnaire of empowerment of physical education teachers was prepared by adapting two questionnaires of staff empowerment by Rokni Lemoki (2013) and the questionnaire of improving job performance of staff by Awamle (2013) in 29 items and 5 components. Self-efficacy questionnaire was adapted from the teachers' self-efficacy questionnaire by Bandura (2006) in 24 items and 5 components and the questionnaire of teachers' job performance taken from the teachers' job performance questionnaire by Amin, Shah,



Ayaz and Ata (2013) in 25 items and 4 items. All three questionnaires were formulated in a range of 5 options: strongly disagree, disagree, have no opinion, agree and strongly agree. The reliability coefficient of the questionnaires was obtained by calculating Cronbach's alpha test of 0.94, 0.82 and 0.93, respectively. To analyze the obtained data, two softwares, SPSS21 and LISREL8, were used at both descriptive and inferential levels. SPSS software was used to calculate frequencies, percentages, means, and standard deviation. LISREL software was also used to analyze the path and structural equations.

Results

In this study, a significant level ($\alpha = 0.05$) is considered for all tests of hypotheses. One of the prerequisites for using structural equations is to check the adequacy of the sample under consideration. In other words, are the number of data (sample size and relationship between variables) appropriate for factor analysis? For this purpose, the KMO sampling adequacy test and the Bartlett test were used. The adequacy of sampling was equal to 0.852; therefore, the sample size is suitable for using structural equations. In general, the values obtained indicated that factor analysis was applicable to the data. In extracting the results from the research data, as a first step to perform confirmatory factor analysis, standardized and significant factor loads were examined to ensure whether the markers played a role in the measurement of their hidden structures or were significant or not? Carefully in the values of standard coefficients and significant values related to teacher empowerment, it was observed that these values were within the defined acceptable range. As can be seen in Table (1), the values of good fit index, soft fit index, relative fit index, developmental fit index, and adaptive fit index of the model are listed.

Table 1- Structural model fit indicators

Results	The amount obtained	Acceptable domain	Indicators title
Model approval	.91	GFI>.90	GFI
Model approval	.90	NFI>.90	NFI
Relative approval of the model	.88	RFI>.90	RFI
Model approval	.91	IFI>.90	IFI
Model approval	.91	CFI>.90	CFI



Based on the results of the above table, all evaluation indicators of the model are in an acceptable level. As a result, it can be said that the model of the effect of empowerment of physical education teachers on their self-efficacy and job performance had the necessary fit. The results showed that the value of standard regression coefficient between empowerment and self-efficacy of teachers is 0.56 with the value of test statistic $t = 7.02$ which shows that at the level of 5%, empowerment has a significant and direct effect on self-efficacy of physical education teachers in the country. Therefore, it can be concluded that if physical education teachers increase their competencies, it will also have a positive effect on their self-efficacy and improve them. The results also showed that the standard regression coefficient between empowerment and job performance of teachers is 0.53 with the value of test statistic $t = 8.87$. These values indicate that at the level of 5%, empowerment has an effect on the job performance of physical education teachers in the country. It is meaningful and direct; therefore, it can be concluded that if the abilities of physical education teachers are increased, it can have a positive effect on their performance and lead to their improvement.

Conclusion

Empowerment of human resources in educational environments, especially in schools, is one of the topics that has been considered by experts and researchers in the field of education in recent decades. Moreover, in schools the issue of teachers' empowerment is valuable and important. In fact, the quality and capability of human resources is the most important factor in maintaining the survival and life of the organization. In addition, it can be said that the more educational institutions work through in-service courses and empowerment training programs, such as strengthening the ability to influence others, organizational empowerment, and strengthening the professional competence and competence of physical education teachers. Finally, it can positively affect educational self-efficacy in the way of self-efficacy in creating a positive atmosphere in school, disciplinary self-efficacy, decision-making self-efficacy and self-efficacy in attracting parental involvement. It also seems that the design and implementation of empowerment training programs for physical education teachers will have a positive effect on teachers' performance in interpersonal relationships, performance in teaching, performance in establishing discipline in the educational environment, and performance in their management.

Keywords: Organization Behavior, Sport Organizations, Ministry of Education, In-Service Courses, Student Sports



References

1. Amin, M.; Shah, R.; Ayaz, M.; & Atta, M. (2013). Teachers' job performance at secondary school level in Khyber Pakhtunkhwa, Pakistan. *Gomal University Journal of Research*, 29(2): 100-104.
2. Awamle, N. AHK. (2103). Enhancing Employees Performance via Empowerment: A Field Survey. *Asian Journal of Business Management*, 5(3): 313-319. doi: org/10.19026/ajbm.5.5328
3. Bandura, A. (2006). Self-Efficacy Beliefs of Adolescents, *Guide for Constructing Self-Efficacy Scales*, Chap. 14: 307-337.
4. Rokni Lomoki, F. (2013). Investigating the relationship between servant leadership and organizational trust and empowering employees in Mazandaran Gas Company. Master's Thesis in Public Administration, Human Resources, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University. (Persian)



تأثیر توانمندسازی بر خود کارآمدی و عملکرد شغلی دبیران تربیت بدنی معصومه گل صنم لو^۱، مهرزاد حمیدی^۲، حسین رجبی نوش آبادی^۳، سید نصرالله سجادی^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، پردیس بین المللی کیش، دانشگاه تهران، کیش، ایران

۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استادیار مدیریت ورزشی، پردیس بین المللی کیش، دانشگاه تهران، کیش، ایران (نویسنده مسئول)

۴. استاد مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر توانمندسازی بر خود کارآمدی و عملکرد شغلی دبیران تربیت بدنی بود. روش پژوهش کمی بود و جامعه آماری پژوهش را کلیه دبیران تربیت بدنی کشور به تعداد ۲۷۵۳۰ تشکیل دادند. با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان تعداد ۳۸۰ نفر از دبیران تربیت بدنی به تفکیک ۱۸۸ مرد و ۱۹۲ زن به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای یک مرحله‌ای بود. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسش‌نامه استفاده شد. این پرسش‌نامه‌ها عبارت بودند از پرسش‌نامه توانمندسازی دبیران تربیت بدنی اقتباس شده از دو پرسش‌نامه توانمندسازی کارکنان رکنی لموکی (۲۰۱۳) و پرسش‌نامه بهبود عملکرد شغلی کارکنان آوام له (۲۰۱۳)، پرسش‌نامه خود کارآمدی با اقتباس از پرسش‌نامه خود کارآمدی معلمان بندورا (۲۰۰۶) و پرسش‌نامه عملکرد شغلی معلمان برگرفته از پرسش‌نامه عملکرد شغلی معلمان امین، شاه، ایاز و آنا (۲۰۱۳). تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS21 و نرم‌افزار LISREL8 انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد بین توانمندسازی و خودکارآمدی دبیران برابر ۰/۵۶ با ضریب معناداری $t = 7/02$ هست که نشانگر تأثیر معنادار و مستقیم توانمندسازی بر روی خود کارآمدی دبیران تربیت بدنی کشور بود. همین‌طور نتایج نشان داد که مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد بین توانمندسازی و عملکرد شغلی دبیران برابر ۰/۵۳ با ضریب معناداری $t = 8/87$ بود که این یافته نیز نشان داد، توانمندسازی بر روی عملکرد

1. Email: golsanamloum@gmail.com

2. Email: mhamidi@ut.ac.ir

3. Email: horajabi@ut.ac.ir

4. Email: nsajjadi@ut.ac.ir



شغلی دبیران تربیت‌بدنی کشور تأثیر معنادار و مستقیم داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگر بر توانمندی‌های دبیران تربیت‌بدنی افزوده شود، این امر می‌تواند سبب بهبود خود کارآمدی و عملکرد شغلی دبیران تربیت‌بدنی شود.

واژگان کلیدی: رفتار سازمانی، سازمان‌های ورزشی، وزارت آموزش و پرورش، دوره‌های ضمن خدمت، ورزش دانش‌آموزی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین چالش‌های عصر حاضر در سازمان‌ها، عدم استفاده کافی از منابع فکری و ظرفیت‌های بالقوه منابع انسانی است. به عبارت دیگر با این‌که افراد توان بروز خلاقیت و ابتکار و انجام فعالیت بیشتری را دارند، اما در محیط سازمانی به دلایلی از این قابلیت‌ها به طور مطلوب بهره‌برداری نمی‌شود. افراد توانمند خود راهبر و قابل اطمینان هستند و توانایی تطابق با تغییرات بیرونی و درونی سازمان را دارند و از مشارکت در امور لذت می‌برند. به همین دلیل اندیشمندان مدیریت تحول و بهسازی سازمان، توانمندسازی منابع انسانی را به عنوان راهبرد اثرگذار بر عملکرد و شایستگی نیروی انسانی معرفی کرده‌اند (حسن‌آبادی، ۲۰۱۳).

اولین تعریف عملیاتی توانمندسازی در سال ۱۹۸۸ توسط کانگر و کانونگو^۱ ارائه شد. از نظر آنان توانمندسازی عبارت است از فرایند ارتقای کیفیت نفس افراد سازمان، به گونه ای که شرایطی که موجب احساس عدم برخورداری از قدرت در آنان می‌شود را شناسایی نمایند و در جهت برطرف کردن آنها با فعالیت‌های سازمانی رسمی و فنون و شیوه‌های غیررسمی و فراهم کردن اطلاعات اثربخش کوشش نمایند. برای تعریف توانمندسازی توافقی وجود ندارد. بسیاری از نظریه‌پردازان مفهوم توانمندسازی را مترادف با مشارکت کارکنان در محل کار مدنظر قرار داده‌اند. مشارکت کارکنان فرایندی است که به‌وسیله آن قدرت در میان افراد تسهیم می‌شود. این نظریه‌پردازان معتقدند که توانمندسازی ممکن است به‌عنوان اعطای قدرت سازمانی بیشتر به کارکنان (نونه و همکاران^۲، ۲۰۱۱) و تفویض اختیار (پیرس و همکاران^۳، ۲۰۰۳) تعریف شود.

1. Conger & Kanungo
2. Noe et al.
3. Pearce et al.



نیروی انسانی، سرمایه اصلی سازمان‌های عصر نوین است. در حقیقت، بازدهی و بهره‌وری هر سازمان به رفتار و عملکرد نیروی انسانی آن سازمان وابسته است و کارکنان شاغل و توانمند در سازمان‌ها، از جمله شاخص‌های سنجش میزان برتری سازمان‌ها نسبت به هم هستند (سوزان و برونیاچک^۱، ۲۰۱۵). سازمان‌های امروزی، برای ادامه حیات خود باید از ویژگی‌های خاصی همچون مشتری‌مداری، انعطاف‌پذیری بالا، شفافیت، بهبود مستمر و غیره برخوردار باشند و برای دستیابی به چنین ویژگی‌هایی باید مهم‌ترین منبع و ابزار رقابتی شالوده سرمایه خود یعنی نیروی انسانی را توانمند سازند (هانسر^۲ و جورج^۳، ۲۰۱۳). در همین راستا حمیدی و همکاران (۲۰۱۸) در طراحی و تدوین برنامه راهبردی فدراسیون ورزش دانش‌آموزی ایران، یکی از راهبردهای تدوین شده را توسعه نظام آموزش و توانمندسازی علمی و عملی مربیان و داوران بیان نمودند.

موفقیت مدارس و مؤسسات آموزشی به میل و اشتیاق دبیران آنها وابسته است تا به این وسیله از وظایف رسمی خود فراتر رفته و به تحقق اهداف مدارس کمک کنند؛ بنابراین امروزه مدیریت مدارس پیشرو، بیش از پیش در برانگیختن دبیران برای درگیر شدن در چنین رفتارهایی تلاش می‌کنند. این مسئله سبب می‌شود که مدارس دارای دبیرانی باشند که به اهداف و ارزش‌های سازمانی خود متعهد باشند. امروزه با گسترش جوامع و به تبع آن پیچیده‌تر شدن مسائل اجتماعی، دبیران نسبت به گذشته در امر تدریس با چالش‌های بیشتری مواجه‌اند. این چالش‌ها و تنیدگی حاصل از آنها می‌تواند منجر به مشکلات گوناگونی در بین دبیران شود. یکی از مهم‌ترین متغیرها و عوامل درونی تأثیرگذار که می‌تواند معلمان را در مقابله با مشکلات مطرح‌شده مصون کند، خودکارآمدی است. خودکارآمدی شالوده انگیزش، بهزیستی و دستاوردهای انسانی است. این باور منبعی کلیدی در خود پیش‌بری، سازش موفقیت‌آمیز با موقعیت‌های چالش‌انگیز و تغییر به شمار می‌رود (بندورا^۴، ۲۰۰۱). خودکارآمدی اولین بار در دهه ۱۹۸۰ توسط بندورا مطرح شد. خودکارآمدی از جمله صفاتی است که بر اکثر جنبه‌های زندگی افراد تأثیر دارد. خودکارآمدی شغلی به‌عنوان قضاوت فرد در مورد توانایی خود برای انجام اصل تکالیف در چارچوب شغلی و حرفه‌ای معین تعریف شده است (بیرگیت و سابین^۵، ۲۰۱۰). خودکارآمدی شغلی از انگیزش و رفتار فرد تأثیر می‌گیرد و به‌طور متقابل بر آن تأثیر می‌گذارد و

-
1. Susan & Broniarczyk
 2. George
 3. Hancer & George
 4. Bandura
 5. Birgit & Sabine



سطوح بالای آن موجب افزایش مشارکت در تکالیف و رفتارهای شغلی می‌شود (بندورا، ۲۰۰۱). روش‌ها و رویکردهای مختلفی برای آموزش و تقویت دبیران تربیت‌بدنی به کار گرفته شده است که از جمله آنان می‌توان به برگزاری دوره‌های بازآموزی، سمینارها، کارگاه‌های آموزشی و مسابقات علمی تخصصی اشاره کرد که همه این‌ها با عملکرد دبیران رابطه‌ی معناداری دارند و عملکرد آنها را بهبود می‌بخشند (افشار نژاد، ۲۰۰۵).

هر سازمانی برای رسیدن به هدف‌های خود احتیاج به منابع مختلفی دارد و بی‌تردید مهم‌ترین منبع در هر سازمان نیروی انسانی شاغل در آن سازمان است. این منابع انسانی سازمان‌ها هستند که نقش اساسی در پیشبرد اهداف سازمانی دارند و در صورتی که این منابع از عملکرد شغلی درست و صحیحی برخوردار نباشند، سازمان ممکن است به سمت نابودی برود (دهقانی، دقیقی اصلی و پورولی، ۲۰۱۵). بنابراین عملکرد شغلی کارکنان، برای بقای سازمانی بسیار مهم است و می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین نتیجه کار سازمان مدنظر قرار گرفته شود. مدیران سازمان‌ها نیز به‌خوبی دریافته‌اند که مهم‌ترین عامل کسب مزیت، منابع انسانی است (دی اینوسنزو، ماتئو و کوکنبرگر، ۲۰۱۶). در مؤسسات آموزشی عملکرد شغلی دبیران یکی از مهم‌ترین عوامل در تسهیل یادگیری دانش آموزان است. عملکرد شغلی دبیران به صورت مجموعه وظایفی تعریف می‌شود که توسط دبیر در یک دوره زمانی خاص و در یک مدرسه برای دستیابی به اهداف سازمانی انجام می‌گیرد (سلامت، سامسو و کمالو، ۲۰۱۳). با توجه به اهمیت نقش دبیران در موفقیت تحصیلی دانش آموزان، هر گونه اقدامی در جهت افزایش و تغییر وضعیت شغلی آنها به معنای تأثیرگذاری در تربیت نسل آینده است (رسپوگلو و همکاران، ۲۰۱۰). زمانی که دبیران احساس توانمندی بیشتری کنند با اعتماد به نفس بیشتری قادر به تدریس خواهند بود و دانش آموزان هم بیشتر پذیرای روش‌های تدریس آنها هستند (کری، ۲۰۱۶). وجود توانمندی و افزایش میزان آن در سازمان‌ها، باعث مزایایی هم برای افراد و هم برای سازمان می‌شود و می‌تواند بر انگیزش شغلی سازمانی کارکنان تأثیر بگذارد. انگیزش، در عمل و رفتارهای سازمانی تأثیر دارد به همین دلیل به‌عنوان منبع و موضوع مهمی مطرح است (بلاسکووا، ۲۰۱۵).

1. D'Innocenzo, Mathieu & Kukenberger
2. Selamat, Sumsu & Kamalu
3. Recepoğlu et al.
4. Keri
5. Blaskovaa



آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین سازمان‌های ترویج دهنده ورزش و اثرات آن در جامعه است و دبیران ورزش در خط مقدم این سازمان مسئولیت این امر خطیر را بر عهده دارند. به جرأت می‌توان گفت عامل اصلی موفقیت و ناکامی آموزش و پرورش، نیروی انسانی است، سایر اجزا، عناصر و ارکان همه خمیرمایه‌هایی در دست انسان‌های باکفایتی هستند که می‌توانند از آنها بهترین شرایط را برای یادگیری مؤثر و ثمربخش دانش آموزان فراهم کنند. با توجه به نقش و تأثیر توانمندی دبیران در آموزش و پرورش، ضرورت دارد که برای توانمندسازی آنان گام برداشته شود. اثربخشی یک معلم، تأثیر بیشتری بر یادگیری دانش آموزان دارد. محققان مدارس در کارولینای شمالی دریافته‌اند که داشتن یک کلاس با معلم قوی تأثیرش ۱۴ برابر بیشتر از داشتن یک کلاس با پنج دانش آموز کمتر است. به‌رغم این واقعیت، آموزش و پرورش در بهبود اثربخشی معلمان، در مواردی همچون استخدام، ارزیابی، توسعه، توانمندسازی و حفظ آنان به طور مؤثر عمل نکرده است. (کلوتفلتر^۱، ۲۰۰۷). در همین راستا، تحقیقات مشابه دیگری نیز صورت گرفته که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود. سومارنو^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل تأثیر توانمندسازی معلمان بر بهبود عملکرد آموزش در مدارس ابتدایی به این نتیجه رسید، توانمندسازی معلمان در ابعاد مختلف صلاحیت‌های آموزشی می‌تواند اثربخشی بر عملکرد معلمان داشته باشد.

علامی، عمر فاووزی و سین^۱ (۲۰۱۷) رابطه بین خود کارآمدی معلمان تربیت‌بدنی و رضایت شغلی در کالج‌های تربیت‌بدنی عراق را بررسی نمودند. نتایج این پژوهش نشان داد که سطح خود کارآمدی و رضایت شغلی معلمان تربیت‌بدنی در حد متوسط است. نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که بین خود کارآمدی معلمان تربیت‌بدنی و رضایت شغلی رابطه مثبت وجود دارد. شاهزاده تیمورلو و همکاران (۲۰۱۸) به شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر توانمندسازی معلمان تربیت‌بدنی پرداختند و نشان دادند که با بهبود و توسعه شرایط سازمانی از طریق توسعه و بهبود مؤلفه‌های آن یعنی با داشتن اهداف روشن و واضح، استفاده از روش‌های ارزیابی و نظارت درست، آموزش‌های صحیح و با قرار دادن منابع و تجهیزات در اختیار معلمان تربیت‌بدنی می‌توان فرایند توانمندسازی آنان را تسریع و در عین حال بهبود بخشید. در پژوهشی دیگر ساکی، نعمتی و رضایی (۲۰۱۴) نشان دادند که توانمندی، خود کارآمدی و عملکرد شغلی متغیرهایی هستند که تأثیر به‌سزایی بر اثربخشی و موفقیت یک سازمان دارند. وجود سازمان‌های مناسب در هر جامعه‌ای که بتوانند با کارآمدی و اثربخشی از عهده وظایف خود برآیند از مهم‌ترین وسایل دستیابی به پیشرفت است. کارآمدی و اثربخشی در وظایف، عملکرد شغلی مطلوب را خلق می‌کند. بنابراین، سازمان‌ها برای نیل به کارآمدی و توانمندی در انجام وظایف و در نهایت بهبود عملکرد شغلی اعضای خود باید بر عواملی متمرکز شوند که موجبات عملکرد شغلی مطلوب را فراهم کنند. همچنین

1. Allami, Omar-Fauzee & Sin



شاهزاده تیمورلو و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به منظور طراحی الگوی توانمندسازی معلمان تربیت‌بدنی با رویکرد سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نشان دادند که عوامل مؤثر بر توانمندسازی معلمان عبارتند از توجه به فناوری و ارتباطات، عوامل فرهنگی، منابع و تجهیزات، نظارت و ارزیابی، مؤلفه‌های روان‌شناختی، حرفه‌ای و اعتقادی-اخلاقی.

بررسی نتایج پژوهش‌های انجام‌شده همچنین نشان می‌دهد که توجه به برنامه‌های آموزشی و برگزاری دوره‌های ضمن خدمت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که این امر می‌تواند بیانگر ضرورت انجام این پژوهش باشد. همچنین در بررسی اسناد بالادستی می‌توان به وضوح توجه به اهمیت این موضوع را مشاهده کرد. به عنوان نمونه در فصل دوم سند تحول بنیادین نظام آموزشی که در مورخ ۱۳۹۰/۷/۵ به تأیید شورای انقلاب فرهنگی رسیده است، به نقش معلمان به عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرآیند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی اشاره شده است. همچنین در همین سند به تربیت‌بدنی، ورزش و تفریحات سالم فردی و گروهی به منظور تأمین نیازهای جسمانی و روانی نسل فعلی و آتی به عنوان یک هدف اساسی توجه و تأکید شده است. دو مورد از مهم‌ترین و در عین حال مرتبط‌ترین بخش این سند که اهمیت انجام این پژوهش را نشان می‌دهد عبارتند از اشاره به استقرار سازوکارهای ارتقای توانمندی‌های معلمان برای مشارکت مؤثر آنان در برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه، به‌ویژه سازوکارهایی که به تقویت هویت حرفه‌ای آنان می‌انجامد و دیگری، تأمین تسهیلات و امکانات و ایجاد سازوکارهای کارا و اثربخش در آموزش‌های ضمن خدمت معلمان و تقویت انگیزه و مهارت حرفه‌ای برای یادگیری مداوم. با عنایت به بررسی پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در این زمینه که در فوق به آنها اشاره شد، پژوهشگران در این پژوهش در پی آن بودند تا تأثیر توانمندسازی بر خود کارآمدی و عملکرد شغلی دبیران تربیت‌بدنی را بررسی و مطالعه نمایند.

روش تحقیق

روش این پژوهش، کمی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دبیران تربیت‌بدنی کشور به تعداد ۲۷۵۳۰ نفر بود. با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. نمونه‌های آماری شامل ۱۸۸ مرد و ۱۹۲ زن بودند. با تبدیل فرمت پرسش‌نامه به نسخه الکترونیکی و بارگذاری آن در اینترنت، نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای یک مرحله‌ای انتخاب شدند و از طریق شبکه‌های مجازی لینک پرسش‌نامه‌ها برای نمونه‌ها ارسال شد و ابزارهای پژوهش بعد از تکمیل به‌وسیله پاسخ‌دهندگان عودت داده شدند. در این پژوهش



جهت جمع‌آوری و استخراج داده‌ها از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شده است:

پرسش‌نامه توانمندسازی دبیران تربیت‌بدنی با اقتباس از دو پرسش‌نامه توانمندسازی کارکنان رکنی لموکی (۲۰۱۳) و پرسش‌نامه بهبود عملکرد شغلی کارکنان آوام له^۱ (۲۰۱۳) در ۲۹ گویه و ۵ مؤلفه تنظیم شد. پرسش‌نامه خود کارآمدی دبیران تربیت‌بدنی با اقتباس از پرسش‌نامه خود کارآمدی معلمان بندورا (۲۰۰۶) در ۲۴ گویه و ۵ مؤلفه و پرسش‌نامه عملکرد شغلی معلمان با الهام از پرسش‌نامه عملکرد شغلی معلمان امین، شاه، آیاز و آتا^۲ (۲۰۱۳) در ۲۵ گویه و ۴ مؤلفه تهیه شد. هر سه پرسش‌نامه در یک طیف ۵ گزینه‌ای کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم صورت‌بندی شدند. ضریب پایایی پرسش‌نامه‌ها از طریق محاسبه آزمون آلفای کرونباخ در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول ۱- آزمون آلفای کرونباخ پرسش‌نامه‌های توانمندسازی، خود کارآمدی و عملکرد شغلی دبیران تربیت‌بدنی

پرسش‌نامه توانمندسازی	α	پرسش‌نامه خود کارآمدی	α	پرسش‌نامه عملکرد شغلی	α
شایستگی	.92	خود کارآمدی در تصمیم‌گیری	.70	عملکرد در تدریس	.80
خودمختاری	.83	خود کارآمدی آموزشی	.78	عملکرد در مدیریت	.77
تأثیرگذاری	.92	خود کارآمدی انضباطی	.82	عملکرد در برقراری نظم و انضباط	.88
معنادار بودن	.83	خود کارآمدی در جذب مشارکت والدین	.76	عملکرد در روابط بین فردی	.81
توانمندسازی سازمانی	.85	خود کارآمدی در ایجاد جود مثبت در مدرسه	.82	کل گویه‌های پرسش‌نامه	.93
کل گویه‌های پرسش‌نامه	.94				

1. Awamle
2. Amin, Shah, Ayaz, & Atta



برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از دو نرم‌افزار SPSS²¹ و LISREL⁸ در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شد. نرم‌افزار SPSS برای محاسبه فراوانی‌ها، درصدها، میانگین، انحراف معیار به کار برده شد. همچنین برای تحلیل مسیر و معادلات ساختاری از نرم‌افزار LISREL⁸ استفاده شد.

نتایج

در این پژوهش سطح معناداری برای کلیه آزمون فرضیه‌ها مقدار $\alpha=0/05$ در نظر گرفته شده است. از پیش‌نیازهای استفاده از معادلات ساختاری بررسی کفایت نمونه مورد بررسی است. به عبارت دیگر، آیا تعداد داده‌های مورد نظر (اندازه نمونه و رابطه بین متغیرها) برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ بدین منظور، از آزمون کفایت نمونه‌برداری کی ام او و آزمون بارتلت استفاده می‌شود.

جدول ۲- آزمون کفایت نمونه‌برداری

آزمون کفایت نمونه‌گیری		.852
شاخص کرویت بارتلت	3348.37	
درجه آزادی	91	
سطح معناداری	.001	

مقدار کفایت نمونه‌گیری معادل با ۰/۸۵۲ است. بنابراین میزان نمونه برای استفاده از معادلات ساختاری مناسب هست. به‌طور کلی مقادیر بالا (نزدیک به یک) نشانگر آن است که تحلیل عاملی برای داده‌ها قابل کاربرد است. همچنین آزمون کرویت بارتلت معنادار هست (زیرا سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر شده است)، پس ماتریس همبستگی متغیرها برای تحلیل عاملی مناسب هست. به‌عنوان اولین گام برای انجام تحلیل عاملی تأییدی، بارهای عاملی استاندارد شده و معناداری بررسی می‌شود تا اطمینان حاصل شود که آیا نشانگرها در اندازه‌گیری سازه‌های پنهان خود نقش داشته‌اند یا به عبارتی معنادار هستند. ضرایب معناداری خارج از ۱/۹۶ و ۱/۹۶- برای نشانگرها قابل قبول هستند و بارهای عاملی استاندارد در واقع همان ضرایب رگرسیونی مسیر متغیر پنهان به نشانگر است که باید بیش از ۰/۳ باشند. البته در بعضی از منابع حداقل مقدار قابل قبول را ۰/۵ در نظر می‌گیرند.

1. Statistical Package for Social Science
2. Linear Structural Relations



ضرایب استاندارد شده، در واقع بیانگر ضرایب مسیر^۱ یا بارهای عاملی استاندارد شده^۲ بین عامل‌ها و نشانگرها هستند. برای داشتن روایی باید بین شاخص^۳ و بعد^۴ و بین بعد و شاخص، همبستگی معناداری وجود داشته باشد. مدل تخمین استاندارد مدلی است که از تطابق دو ماتریس کوواریانس مدل داده‌ها حاصل می‌شود و تخمین واقعی پارامترهای مدل را نشان می‌دهد. در این مدل میزان روابط بین شاخص و بعد و همچنین بعد و شاخص نشان داده می‌شود. ضرایب بین سئوال‌ات و متغیرهای تحقیق، ضریب استاندارد شده هستند که نشان‌دهنده شدت توانایی اندازه‌گیری هر شاخص در متغیر تحقیق است. شکل‌های ۱ و ۲ مدل اندازه‌گیری مربوط به توانمندسازی دبیران به ترتیب در حالت ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری را نشان می‌دهد. با دقت در مقادیر ضرایب استاندارد و مقادیر معناداری مربوط به توانمندسازی دبیران مشاهده می‌شود که این مقادیر در بازه قابل قبول تعریف شده قرار دارند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در جدول (۳) مقادیر شاخص نیکویی برازش، شاخص برازش نرم‌دار، شاخص برازش نسبی، شاخص برازش نمودی، شاخص برازش تطبیقی مدل درج شده است.

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل ساختاری

عنوان شاخص	دامنه مورد قبول	مقدار به دست آمده	نتیجه
GFI	$GFI > .90$.91	تأیید مدل
NFI	$NFI > .90$.90	تأیید مدل
RFI	$RFI > .90$.88	تأیید نسبی
IFI	$IFI > .90$.91	تأیید مدل
CFI	$CFI > .90$.91	تأیید مدل

بر اساس نتایج جدول فوق تمامی شاخص‌های ارزیابی مدل در حد قابل قبولی قرار دارند. در نتیجه می‌توان بیان کرد مدل تأثیر توانمندسازی دبیران تربیت‌بدنی بر خود کارآمدی و عملکرد شغلی آنها از برازش لازم برخوردار بود.

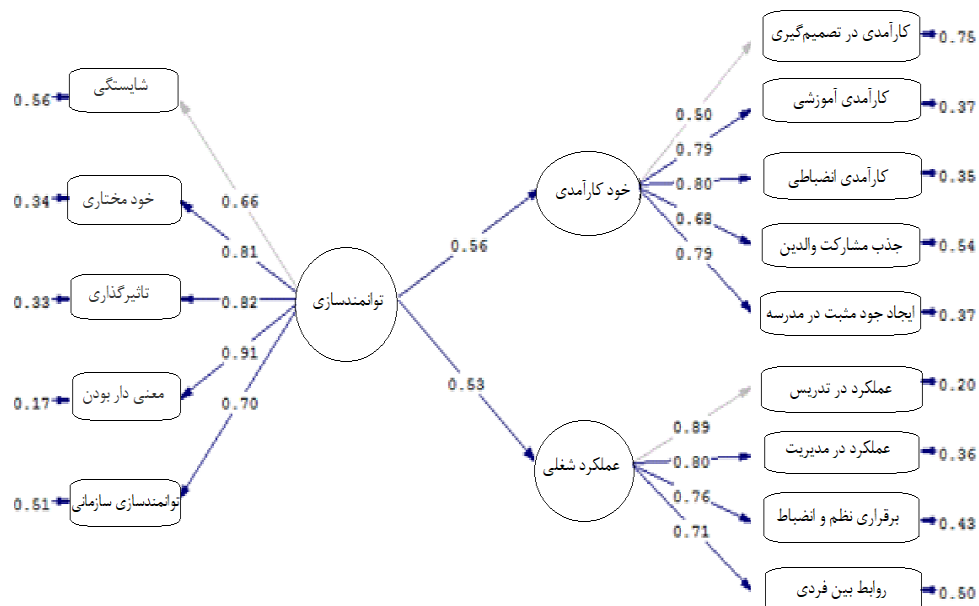
مطابق نتایج شکل‌های ۱ و ۲، مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد بین توانمندسازی و خودکارآمدی دبیران برابر ۰/۵۶ با مقدار آماره آزمون $t = 7/02$ است که نشان می‌دهد در سطح ۵ درصد،

1. Path Coefficient
2. Standardized Estimate
3. Index
4. Component



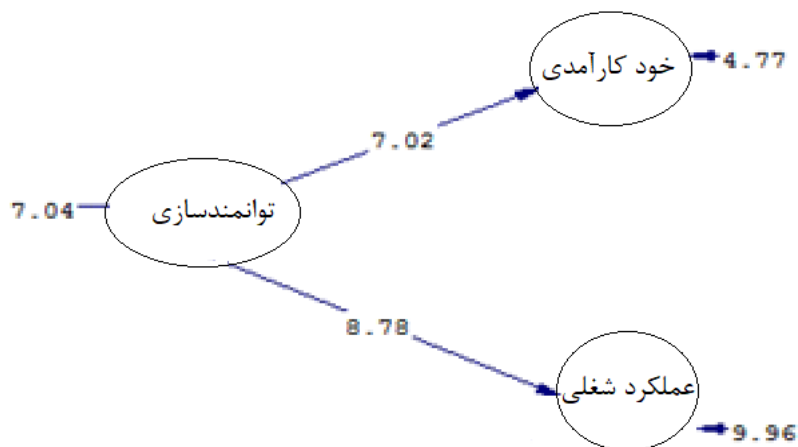
توانمندسازی بر روی خود کارآمدی دبیران تربیت‌بدنی کشور تأثیر معنادار و مستقیم دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگر دبیران تربیت‌بدنی بر توانمندی‌ها بیافزایند، روی خود کارآمدی آنان نیز تأثیر مثبت می‌گذارد و سبب بهبود آنها می‌گردد.

شکل‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد که مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد بین توانمندسازی و عملکرد شغلی دبیران برابر ۰/۵۳ با مقدار آماره آزمون $t = ۸/۸۷$ است. این مقادیر حاکی از آن است که در سطح ۵ درصد، توانمندسازی بر روی عملکرد شغلی دبیران تربیت‌بدنی کشور تأثیر معنادار و مستقیم دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگر بر توانمندی‌های دبیران تربیت‌بدنی افزوده شود، این امر می‌تواند روی عملکرد آنان نیز اثر مثبت گذارد و سبب بهتر شدن آنها شود.



شکل ۱- مقادیر ضرایب استاندارد شده روابط بین متغیرهای مدل ساختاری تحقیق





شکل ۲- مقادیر ضرایب معناداری روابط بین متغیرهای مدل ساختاری تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

توانمندسازی نیروی انسانی در محیط‌های آموزشی و به‌ویژه در مدارس از جمله مباحثی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه صاحب‌نظران و محققان حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. می‌توان گفت که توانمندی به خصایص و ویژگی‌های شخصیتی بستگی دارد و رویکردی مدیریتی است که در آن به کارکنان اختیار تصمیم‌گیری داده می‌شود. در مدارس نیز مسئله توانمند بودن دبیران ارزشمند و دارای اهمیت است. بسیاری از صاحب‌نظران مدیریت تحول و بهسازی سازمان، از منابع انسانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های هر سازمان یاد می‌کنند. در واقع کیفیت و توانمندی نیروی انسانی، مهم‌ترین عامل حفظ بقاء و حیات سازمان است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر توانمندسازی بر خود کارآمدی و عملکرد شغلی دبیران تربیت‌بدنی بود که با استفاده از روش پژوهشی کمی انجام شد.

نتایج پژوهش نشان داد توانمندسازی دبیران تربیت‌بدنی بر احساس خود کارآمدی آنها تأثیر مثبت دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های آرش و اسلامفر (۲۰۱۶) و اناری نژاد و عبداللهی (۲۰۱۵) همخوانی دارد. آنها دریافتند دوره‌های ضمن خدمت به‌منظور توانمندسازی دبیران تربیت‌بدنی، می‌تواند حس خود کارآمدی آنها را تقویت کند. همچنین آکتوپ و کاراهان^۱ (۲۰۱۲) نتیجه گرفتند که اجرای

1. Aktop & Karahan

برنامه‌های آموزشی توانمندسازی از نوع عملی برای مدرسان تربیت‌بدنی می‌تواند آنان را کارآمدتر کند. ضمن این که براگا، جونز، بولگر و الیوت^۱ (۲۰۱۷) نیز دریافتند که دوره‌های توانمندسازی بر آماده‌سازی بهتر دبیران تربیت‌بدنی کمک شایانی می‌کند. نتایج پژوهش‌های ها^۲ (۲۰۱۷)، پرمن^۳ (۲۰۱۷) و عزیززی فر^۴ (۲۰۲۰) مؤید این بود که بین توانمندسازی معلمان و خود کارآمدی آنان رابطه مثبت وجود دارد. تنها نتیجه پژوهشی که با نتایج این پژوهش همسویی نداشت، یافته‌های سلمانی دستجرد، همتی نژاد و رحمانی نیا (۲۰۰۸) بود که نشان دادند بین خود کارآمدی معلمان تربیت‌بدنی و شرکت آنها در کلاس‌های ضمن خدمت به‌منظور بهبود توانمندی ارتباط وجود ندارد. البته این پژوهشگران معتقد بودند که عدم وجود این ارتباط، دلایل مختلفی دارد و به مواردی نظیر نداشتن علاقه و انگیزه کافی برای شرکت در این کلاس‌ها، عدم برنامه‌ریزی مناسب، شرایط محیطی، نداشتن علاقه به شغل معلمی و عدم تعهد شغلی اشاره نموده‌اند.

در تبیین این بخش از نتایج پژوهش می‌توان عنوان کرد که داشتن اطلاعات پایه‌ای قوی‌تر در زمینه کاری خود، تسلط کافی بر مهارت‌های مورد نیاز وظایف شغلی و داشتن قابلیت‌های لازم برای انجام وظایف شغلی می‌تواند موجب ارتقای شایستگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های توانمندی شود. همچنین از طریق تقویت آزادی عمل در تصمیم‌گیری، به استقلال و خودمختاری لازم برسند. علاوه بر این، قابلیت‌های لازم را در ایجاد همسویی بین اهداف فردی و سازمانی کسب کنند و از کار کردن به‌عنوان فرصتی برای رشد خود استفاده نمایند. همچنین دبیران تربیت‌بدنی می‌توانند با انجام اموری نظیر تأثیرگذاری بر تصمیماتی که در مدرسه در امور ورزشی و تربیت‌بدنی گرفته می‌شود، برقراری ارتباط با دانش‌آموزان مشکل‌ساز در حوزه ورزش و تربیت‌بدنی، سوق دادن دانش‌آموزان به انجام تمرینات ورزشی دشوار، دادن انگیزه کافی به دانش‌آموزانی که علاقه چندانی به تکالیف مرتبط با ورزش و تربیت‌بدنی ندارند، سوق دادن دانش‌آموزان به پیروی از قوانین ورزشی در مدرسه، توانایی سوق دادن والدین به مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با ورزش در مدرسه و توان تبدیل مدرسه به مکانی امن برای فعالیت‌های تربیت‌بدنی، خودکارآمدی خویش را ارتقاء دهند.

همچنین نتایج نشان داد توانمندسازی دبیران تربیت‌بدنی بر عملکرد شغلی آنان تأثیر مثبت دارد. به عبارت دیگر به هر میزانی که بر توانمندی‌های دبیران تربیت‌بدنی افزوده شود، این امر می‌تواند روی عملکرد شغلی آنان اثر مثبت گذارد و سبب بهبود آن شود. این نتیجه را نیز نتایج پژوهش‌های برخی از

2. Braga, Jones, Bulger & Elliott

3. Ha

4. Perman



پژوهشگران تأیید می‌کند. حامی و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند که دوره‌های آموزشی ضمن خدمت بر عملکرد دبیران تربیت بدنی تأثیر معناداری دارد. ساکی، نعمتی و رضایی (۲۰۱۵) نیز دریافتند که مدیران سازمان‌های آموزشی نباید از دوره‌های بهبود توانمندی دبیران به منظور تقویت عملکرد شغلی آنها غافل شوند. در تحقیق دیگری سومارنو (۲۰۱۱) به این نتیجه رسید که توانمندسازی معلمان، تأثیر مثبتی بر عملکرد آنها دارد. لیدن، واینه و اسپارو^۱ (۲۰۰۰) نیز دریافتند افراد توانمند نسبت به افرادی که توانمندی کمتری دارند، بهتر کار می‌کنند. همچنین احمد و ملیک^۲ (۲۰۲۰) در بررسی ارتباط بین توانمندسازی (روانی و بهزیستی) با عملکرد شغلی معلمان نشان دادند که بین توانمندسازی (روانی و بهزیستی) با عملکرد شغلی معلمان رابطه معنادار و مثبت دارد.

در تبیین این بخش از نتایج می‌توان گفت، توانمندسازی کارکنان آموزشی نشانگر میزان مشارکت آنان در کار است و در بسیاری از جنبه‌های کار تأثیر دارد. اگر یک بازیگر آموزشی از توانمندی بالاتری برخوردار باشد، بیشتر احتمال دارد که از رئیس یا سازمان خود درباره روند انجام کار استفاده کند؛ بنابراین درک او برای انجام کار ساده‌تر و معنادار بوده و نیز استقلال شغلی را افزایش می‌دهد. لذا کارمند بیشتر فکر می‌کند که آیا شغل وی می‌تواند بر استراتژی و مدیریت شرکت تأثیر بگذارد یا خیر. در واقع کسب اطلاعات پایه‌ای قوی در حوزه تخصصی و کاری، تسلط کافی به مهارت‌های مورد نیاز برای انجام وظایف شغلی و دریافت قابلیت‌های لازم برای انجام امور شغلی از جمله مواردی هستند که بر شایستگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های توانمندی اثر دارد. همچنین تقویت آزادی عمل خود برای تصمیم‌گیری، تقویت توانایی تأثیرگذاری بر دیگران، آمادگی کافی برای تدریس مطالب مرتبط با ورزش و تربیت‌بدنی، تدریس برای هر دانش‌آموز با توجه به توانایی‌های وی، انجام درست دیگر وظایف مرتبط با تربیت‌بدنی، وفق دادن و سازگاری خود با مسئولیت‌های واگذار شده جدید سازمانی، برقراری نظم و انضباط و برقراری روابط بین فردی در مدرسه از جمله عواملی هستند که دبیران تربیت‌بدنی می‌توانند از طریق آنها عملکرد شغلی خود را تقویت نمایند. توانمندسازی دبیران باعث می‌شود که آنها شایستگی‌های خود را ارتقاء دهند و از این طریق، محیط‌های آموزشی پویا و فعالی ایجاد کنند.

از سوی دیگر می‌توان ادعان داشت که توانمندسازی کارکنان در هر سازمانی عامل مهمی است که می‌تواند به خود کارآمدی منجر شود. اگر مدیران مدارس بتوانند از طریق برنامه‌های توانمندسازی، قابلیت‌ها و توانایی‌های دبیران را افزایش دهند، خودکارآمدی نیز افزایش می‌یابد که به نوبه خود

1. Lide , Wayne & Sparrowe
2. Ahmed & Malik



می‌تواند منجر به تربیت معلمانی شود که احساس قدرت و اعتماد به نفس بیشتری می‌کنند. لذا خود کارآمدی به‌عنوان یکی از ابعاد توانمندسازی دبیران، در پیش‌بینی نتایج سازمانی از اهمیت بسیاری برخوردار است و باید توسط تصمیم‌گیرندگان و مدیران میانی و ارشد مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، دی‌اینوسنزو^۱ (۲۰۱۶) و گوناون، جالی و سودیارهیتا^۲ (۲۰۱۷) اذعان داشتند که توانمندسازی کارکنان در سازمان‌ها من جمله سازمان‌های آموزشی به شکل مستمر و فرایندی، می‌تواند به کارکنان کمک کند تا وظایف و مسئولیت‌های خود را با دقت و سرعت عمل بیشتری انجام بدهند. در عین حال به‌زعم گراونکمپر^۳ (۲۰۱۶) فرایند توانمندسازی کارکنان آموزشی به عنوان یک پتانسیل بالقوه به تقویت آزادی عمل، اعتماد به نفس و کارآمدی آنها در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های آموزشی نیز کمک شایانی می‌کند. سیفتچی و کارامن^۴ (۲۰۱۹) بیان داشتند که بعضی از محققان در یک جمع‌بندی نسبتاً اغراق‌آمیز، معتقدند که توانمندسازی کارکنان باعث می‌شود که آنها خدمات استثنایی به مخاطبان، ارباب‌رجوع و افراد ذی‌نفع ارائه دهند.

در نهایت می‌توان گفت هر چقدر مؤسسات آموزشی از طریق برگزاری دوره‌های ضمن خدمت و برنامه‌های آموزشی توانمندسازی، نظیر تقویت توانایی تأثیرگذاری بر دیگران، توانمندی سازمانی و تقویت صلاحیت و شایستگی حرفه‌ای دبیران تربیت‌بدنی تلاش کنند، به همان میزان می‌توانند به ترتیب بر روی خود کارآمدی آموزشی، خود کارآمدی در ایجاد جو مثبت در مدرسه، خود کارآمدی انضباطی، خود کارآمدی تصمیم‌گیری و خود کارآمدی در جذب مشارکت والدین تأثیر مثبت بگذارند. همچنین به نظر می‌رسد که طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی توانمندسازی دبیران تربیت‌بدنی بر عملکرد دبیران در روابط بین فردی، عملکرد در تدریس، عملکرد در برقراری نظم و انضباط در محیط آموزشی و عملکرد در مدیریت آنها تأثیر مثبتی خواهد گذاشت.

منابع

1. Afsharnezhad, T.; Hemmatinezhad, M.A., & Ramazaninezhad, R. (2005). Investigating the effect of participation in scientific-specialized competitions on the professional performance of physical education teachers, Master's thesis, Faculty of Physical Education, University of Guilan. (Persian)

1. D'Innocenzo
2. Gunawan, Djaali, & Sudiardhita
3. Gravenkemper
4. Ciftci & Karaman



2. Ahmed, N. & Malik, B. (2020). Impact of Psychological Empowerment on Job Performance of Teachers: Mediating Role of Psychological Well-being. *Review of Economics and Development Studies (READS)*, 5(3): 451-460. doi:10.26710/readsv5i3.693
3. Aktop, A. & Karahan, N. (2012). Physical education teachers views of effective teaching methods in physical education, *Procardia - Social and Behavioral Sciences*, 46:1910 – 1913.
4. Allami, F. B. Fauzee, M. S. O. Sin, I. (2017). The Relationship between Physical Education Teacher's Self-efficacy and Job Satisfaction in Iraq Physical Education Colleges. *International Journal of Innovative Research and Development*, 6(8): 8-13.
5. Amin, M.; Shah, R.; Ayaz, M.; & Atta, M. (2013). Teachers' job performance at secondary school level in Khyber Pakhtunkhwa, Pakistan. *Gomal University Journal of Research*, 29(2): 100-104.
6. Anarinezhad, A. & Abdollahi, N. (2015). Assessing the relationship between in-service training and self-efficacy of physical education teachers in Fars province, the first national conference on sports and physical education in Iran, electronically, the Association for the Development and Promotion of Basic Sciences and Techniques. (Persian)
7. Arash, O.R., & Eslamfar, M. (2016). Investigating the Relationship between In-Service Training and Self-Efficacy of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province Physical Education Teachers. *Second National Conference on Modern Sciences and Technologies of Iran, Tehran, Association for the Development and Promotion of Fundamental Science and Technology*. (Persian)
8. Awamle, N. AHK. (2103). Enhancing Employees Performance via Empowerment: A Field Survey. *Asian Journal of Business Management*, 5(3): 313-319. doi: org/10.19026/ajbm.5.5328
9. Azizifar, A.; Naghipour, S.; Mohamadian, F.; Veisani, Y.; Cheraghi, F.; & Aibod, S. (2020). Investigating the relationship between iranian EFL teachers' empowerment and their self-efficacy as a consequence for their educational improvement. *Journal of Education and Health Promotion*, 9(80): 1-11. doi: 10.4103/jehp.jehp_354_19
10. Bandura, A. (2001). Social cognitive theory: an argentic perspective. *Annual review of psychology*, 52(1): 1-26.
11. Bandura, A. (2006). Self-Efficacy Beliefs of Adolescents, *Guide for Constructing Self-Efficacy Scales*, Chap. 14: 307-337.
12. Blaskovaa, M.; Blaskoa, R.; Figurskab, I.; & Sokolc, A. (2015). Motivation and Development of the University Teachers' Motivational Competence. *Procardia - Social and Behavioral Sciences*, 182: 116–126.
13. Birgit, S.; & Sabine, S. (2010). Leadership attributes valence in self-concept and occupational self-efficacy. *Career Development International*, 15(1): 78 – 92.
14. Braga, L.; Jones, E.; Bulger, S.; & Elliott, E. (2017). Empowering teachers to implement innovative content in physical education through continuous professional development. *Teacher Development*, 21(2): 288-306.



15. Çiftçi, E., & Karaman, A. (2019). Short-Term International Experiences in Language Teacher Education: A Qualitative Meta-Synthesis. *Australian Journal of Teacher Education*, 44(1). doi.org/10.14221/ajte.2018v44n1.6
16. Clotfelter, C. T.; Ladd, H. F.; & Vigdor, J. L. (2007). Teacher credentials and student achievement: Longitudinal analysis with student fixed effects, *Economics of Education Review*, 26(6): 673-682.
17. Dehghani, A.; Daghighi Asli, A., & Pourvali, F. (2015). Investigating the effect of in-service training on the ability and job performance of employees in an insurance company. *Insurance Journal*, 2: 35-60. (Persian)
18. D'Innocenzo, L., Mathieu, J. E., & Kukenberger, M. R. (2016). A meta-analysis of different forms of shared leadership–team performance relations. *Journal of Management*, 42(7): 1964–1991. doi.org/10.1177/0149206314525205
19. Esfandiyari, M.R., & Mohsenini, Sh. (2014). Structural equations based on the partial least squares approach using Smart-PLS software: educational and practical. Tehran: Mehraban Book Publishing Institute. (Persian)
20. Gunawan, E., Djaali, D., & Sudiardhita, I. K. R. (2017). The effect of empowerment, self efficacy and job satisfaction on job performance of employees in the ministry of finance's procurement entities. *IJHCM (International Journal of Human Capital Management)*, 1(01): 44-55. doi.org/10.21009/IJHCM.01.01.05
21. Gravenkemper, S. (2016). Employee involvement: Practitioner perspective. In M. J. Grawitch & D. W. Ballard (Eds). *The psychologically healthy workplace: Building w win-win environment for organizations and employees* (pp. 35-58). Washington, DC: American Psychological Association.
22. Ha, AS.; Lonsdale, C.; Lubans, D R.; & Ng , J YY. (2017). Increasing students' physical activity during school physical education: Rationale and protocol for the SELF-FIT cluster randomized controlled trial. *BMC Public Health*, 18(11): 1-12. doi: 10.1186/s12889-017-4553-8.
23. Habibpour, K., & Safari Shali, R. (2012). Comprehensive guide to the use of SPSS in survey research (quantitative data analysis). Tehran: Loyeh, Motafakeran. (Persian)
24. Hami, M.; Ebrahimzadeh, A.; & Davarpanah, R. (2016). Influence of in-service training courses, organizational commitment and performance of physical education teachers in Babol city, 4th National Conference on New Achievements in Sports Sciences, Gorgan, Islamic Azad University, Gorgan Branch. (Persian)
25. Hamidi, H.; Rajabi Noush Abadi, H.; Alidoust Ghahfarokhi, E.; Zeini Zadeh, M.; Designing Strategic Plan for Student Sport Federation of Iran, *Research on Educational Sport*, 6(14): 67-92. DOI: 10.22089/RES.2017.3874.1268 (Persian)
26. Hancer, M.; & George, T. (2013). Psychological empowerment of non-supervisory employees working in full-service restaurants, *International Journal of Hospitality Management*, 22: 3-16.
27. Hasanabadi, S. (2013). Designing a Strategic Model for Empowering Nahaja Technical Staff, PhD Thesis, Tehran, Higher National Defense University, Faculty of National Defense. (Persian)



28. Keri, D. M. (2016). Analyzing Relationships Among Principal Instructional Leadership, Teacher Empowerment, Teacher Creative Practices and Student Creative Practice, A Dissertation Submitted to the Graduate School University of Arkansas at Little Rock.
29. Liden, R. C.; Wayne, S. J.; & Sparrowe, R. T. (2000). An examination of the mediating role of psychological empowerment on the relations between the job, interpersonal relationships, and work outcomes. *Journal of Applied Psychology*, 85(3): 407-416.
30. Maleki Sadeghi, F., & Arban, Sh. (2017). Investigating the Relationship between Psychological Empowerment and Job Performance of Secondary School Women Teachers in Khorramabad, First International Conference on Social Sciences, Humanities and Psychology Education, Tehran, Koosha International Company. (Persian)
31. Mirsepasi, N. (2005). Strategic human resource management and labor relations "With a view to the process of globalization". Tehran: Ketab Sara, Mir. (Persian)
32. Mostahfezian, M.; Khodaei, Z., & Rahbari, S. (2018). The Study effectiveness of virtual in-service training periods on job performance of physical education's teachers. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 14(28): 183-194. doi: 10.22080/jsmb.2018.10465.2405. (Persian)
33. Noe, Roymond, A.; Hollenbeck, J.; Gerhart, B.; & Wright, Patrick. M. (2011). Human resource management. MC . Graw- Hill.
34. Pearce, C. L., Sims H. P., Cox, J. F., Ball, G., Schnell, E. & Smith, K. A. (2003). Transactors, transformers and beyond, A multi-method development of a theoretical typology of leadership. *Journal of Management Development*, 22(4): 273-307.
35. Perman, S.; Turner, S.; Ramsay, A I.; Baim-Lance, A.; Utley, M.; & Fulop, N J. (2017). School-based vaccination programmes: A systematic review of the evidence on organisation and delivery in high income countries. *BMC Public Health*. 17(252):1-11. Doi:10.1186/s12889-017-4168-0
36. Receptoğlu, E. (2014). Analyzing job motivation level of high school teachers in Turkey. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116: 2220-2225.
37. Rokni Lomoki, F. (2013). Investigating the relationship between servant leadership and organizational trust and empowering employees in Mazandaran Gas Company. Master's Thesis in Public Administration, Human Resources, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University. (Persian)
38. Saki, R., Nematti, H., & Rezaei. M. (2014). Investigating the relationship between empowerment and self-efficacy with teachers' job performance in girls' high schools in Tehran. *Technical and Vocational Education*, 5(5): 32-51. (Persian)
39. Salmani Dastjerd, E.; Hematinezhad, M.A., & Rahmaninia, F. (2008). The relationship between in-service training and self-efficacy of physical education teachers. *Harakat*, 37: 193-204. (Persian)
40. Selamat, N.; Samsu, N.Z.; & Mustafa Kamalu, N. S. (2013). The impact of organizational climate on teachers' job performance. *Educational research*, 2(1): 71-82.



41. Shahzadehh Teimourpor, H., Khodayari, A., Alidoust Gahfarokhi, E., & oorbaksh, M. (2018). Identifying the effective factors on empowerment of physical education teachers: A case study of East Azerbaijan province. 4th National Conference on Sports Science and Physical Education of Iran. Tehran, Iran (Persian)
42. Shahzadeh Teimourpor, H., Khodayari, A., Noorbaksh, M., & Alidoust Gahfarokhi, E. (2020). Developing an Empowerment Mdel of Physical Education Teachers with Emphasis of I.R Iran's 1404 Vision Document. *Research on Educational Sport*, 8(18): 91-112. (Persian). DOI: 10.22089/res.2017.4387.1322
43. ShirMohammadzadeh, M., & Ghorbani, S. (2018). The Relationship between Psychological Empowerment and Effectiveness of Physical Education Teachers in Bonab County, 4th National Conference on Sports Science and Physical Education, Iran, Tehran,: Association for the Development and Promotion of Basic Sciences and Techniques. (Persian)
44. Sumarno, A. (2011). Influence analysis of teacher empowerment against performance improve the quality of education in the elementary school in Su rabaya. A master thesis of human resource management, University State of Surabaya.
45. Susan, M.; & Broniarczyk, G. (2015). Decision Difficulty in the Age of Consumer Empowerment, *Journal of Consumer Psychology*, 24(4): 608-625.
46. Zohrabi, H.; Shahlai, J.; Salman, Z., & Bagheri, M. (2011). Relationship between in-service training and performance of physical education teachers in Fars province, 6th National Conference of Physical Education and Sports Science Students of Iran, Tehran, Research Institute of Physical Education and Sports Sciences. (Persian)

ارجاع دهی

گل صنم‌لو، معصومه؛ حمیدی، مهرزاد؛ رجبی نوش آبادی، حسین؛ سجادی، سیدنصرالله. (۱۴۰۱). تأثیر توانمندسازی بر خود کارآمدی و عملکرد شغلی دبیران تربیت‌بدنی. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۱۰ (۲۶): ۱۹۷-۲۲۰. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.9011.1912

Golsanamlou, M; Hamidi, M; Rajabi Noush Abadi, H; Sajjadi, S. N. (2022). The Effect of Empowerment on Physical Education Teachers' Self-Efficacy and Job Performance. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 197-220. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.9011.1912



Research Paper

The Effectiveness of Life Skills Training on Emotion Regulation Strategies and Sports Self-Efficacy of Children/ Adolescent Athletes

S. Khodaparast¹, H. Abdi², H. Esmaeili³, V. Bakhshalipour⁴

1. Department of Physical Education, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran
2. Department of Physical Education, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran (Corresponding Author)
3. Employee of the General Department of Sports and Youth of Gilan Province, Rasht, Iran
4. Department of Physical Education, instructor Sama technical and vocational training college, Islamic Azad University, Siyahkal, Iran

Received: 2021/02/21

Accepted: 2021/09/16

Abstract

The aim of this study was the effectiveness of life skills training on emotion regulation strategies and sports self-efficacy of children / adolescent athletes. The research method was quasi-experimental with a pretest-posttest design with a control group. The statistical population of this study consisted of all student-athletes in Rasht in the academic year 2009-2010, from which 30 people were selected by available sampling and randomly replaced in two experimental groups (15 people) and control (15 people). They answered the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (Garnowski et al.2005) and the Sports Self-Efficacy Scale (Kerel et al. 2007). The participants in the experimental group received 8 sessions of life skills program. Data were analyzed using multivariate analysis of covariance. The results showed that life skills training had an effect on emotion regulation strategies and sports self-efficacy of students in disadvantaged areas. They had more and less maladaptive emotion regulation. It seems that the use of life skills training increases athletic self-efficacy and adaptive emotion regulation, as well as decreases maladaptive emotion regulation in athlete students.

Keywords: Sports Self-Efficacy, Emotion Regulation Strategies, Life Skills

-
1. Email: s.khodaparast@yahoo.com
 2. Email: Habdi1978@gmail.com
 3. Email: Hashem1387@gmail.com
 4. Email: vahidbakhshalipour@yahoo.com



Extended Abstract

Background and Purpose

Self-efficacy beliefs in exercise can have both positive and negative effects on people's mental health. These beliefs also affect a person's way of thinking, feeling, motivating, or behaving (1). Also, emotion is a multifaceted phenomenon that has evolutionary, behavioral, cognitive, and communicative functions. Emotion regulation can be defined as the way in which people experience, control, and express their emotions (2). Due to the need of athletes for their health and well-being, we can expect good performance from these people only if the physical and mental conditions are favorable for them. Due to the fact that athletes experience a lot of stress in their field of exercise, this stress and anxiety may have different effects on their athletic performance. Therefore, the present study aimed to determine the effectiveness of life skills training on emotion regulation strategies and sports self-efficacy of children / adolescent athletes.

Methods

The present study is a quasi-experimental study in which a pre-test-post-test design with a control group was used. The statistical population of this study consisted of all student-athletes in Rasht in 2009-2010. The statistical sample consisted of 30 student-athletes who were selected by available sampling method and were randomly assigned to experimental (n = 15) and control (n = 15) groups. Data collection tools included Garnefski et al. (3) Emotional Cognitive Regulation Questionnaire and Kroll et al. (4) Exercise Self-Efficacy Scale.

The Exercise Self-Efficacy Scale is a 10-item test by ESES Kroll et al. (2007). 1 to 4 points are given for answering each question. The theoretical range of scores is between 10 and 40.

The main version of the Cognitive Emotional Regulation Questionnaire was developed by Garnefski et al. (2005) in the Netherlands, which is used to identify cognitive coping strategies after experiencing negative events or situations. This questionnaire has 18 items and is a self-report that the scale scores range from 1 (almost never) to 5 (almost always). The researcher referred to the boys 'and girls' schools in Rasht and, in coordination with the school principal, selected 30 students based on the entry and exit criteria. Initially, participants completed a written consent form, and the researcher pledged to keep all information confidential, and finally to announce the results of the research to the subjects. Before conducting life skills training sessions, research questionnaires were provided to the subjects and completed by them. Subjects were asked to answer the questions carefully and not leave any questions unanswered. After 8 sessions, the questionnaires were given to the subjects again and they were asked to



complete either honesty or accuracy. Life skills training sessions lasted 8 weeks, one session per week and 60 minutes per session.

Descriptive statistics such as frequency mean and standard deviation and inferential statistics including multivariate analysis of covariance (MANCOVA) were used to analyze the data using SPSS software version 25.

Results

Based on the obtained results, the mean and standard deviation of the age of the participants in the experimental group were 15.80 and 0.861 and in the control group were 16.06 and 0.798. Also in the experimental group were 6 boys (40%) and 9 girls (60%) and in the control group were 8 boys (53.3%) and 7 girls (46.7%). Kolmogorov-Smirnov test was used to investigate the distribution of scores of research dependent variables. The values of Kolmogorov-Smirnov test are not significant for adaptive and maladaptive strategies of emotion regulation and sports self-efficacy in both groups ($P < 0.05$), so it can be concluded that the distribution of scores in these variables is normal. Leven test was used to examine the default homogeneity of variances. The value of F statistic is not significant for all variables of adaptive and maladaptive emotion regulation strategies as well as sports self-efficacy ($P < 0.05$), therefore the assumption of equality of variances in all variables is confirmed.

Table 1- Results of multivariate analysis of covariance to investigate the effect of intervention on post-test of research variables

Source	Variable	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.	Partial Eta Squared
Group	Adaptive Strategy	2014.14	1	2014.14	269.59	0.001	0.915
	Non-Adaptive Strategy	353.28	1	353.28	143.30	0.001	0.851
	Self-Efficacy	796.64	1	796.64	114/99	0.001	0.821
Error	Adaptive Strategy	186.77	25	7.47			
	Non-Adaptive Strategy	61.63	25	2.46			
	Self-Efficacy	173.18	25	6.92			



Table 1- Results of multivariate analysis of covariance to investigate the effect of intervention on post-test of research variables

Source	Variable	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.	Partial Eta Squared
Total	Adaptive Strategy	30283	30				
	Non-Adaptive Strategy	19544	30				
	Self-Efficacy	20342	30				

Based on the results obtained from Table 1, it can be said that according to the values of F for the post-test of adaptive strategies (269.59), maladaptive strategies (143.30) and sports self-efficacy (114.99) and their significance level (0.001) that Less than 0.05 ($P < 0.05$) It can be seen that group life skills training has been effective and has been able to increase adaptive strategies and sports self-efficacy and reduce maladaptive strategies, therefore all research hypotheses are confirmed.

Conclusions

The aim of this study was to investigate the effectiveness of life skills training on emotion regulation strategies and sports self-efficacy of children / adolescent athletes. In the obtained explanation, it can be argued that the selection and application of life skills is the basis and foundation that, by teaching them, a new order of thought, cognition and metacognition is achieved in adolescents.

Also; it can be stated that high life skills and consequently a sense of control over personal events, including for students on sports events, is effective in the ability to overcome or adapt to problems and thus increase mental health and sports self-efficacy. One of the limitations of the research is that it is limited to a specific geographical area (Rasht) and the possibility of generalizing its results to other geographical areas. It is suggested that more research be done on the effectiveness of various educational and therapeutic methods in improving students' athletic.

Key words: Sports Self-Efficacy, Emotion Regulation Strategies, Life Skills



References

1. Garnefski N, Kraaij V, van Etten M. (2005). Specificity of relations between adolescents' cognitive emotion regulation strategies and internalizing and externalizing psychopathology. *Journal of adolescence*. 28(5),619-631.
2. Gong X, Paulson SE. Effect of family affective environment on individuals' emotion regulation. *Personality and individual differences*. 117,144-149.
3. Kroll T, Kehn M, Ho PS, Groah S. (2007). The SCI exercise self-efficacy scale (ESES): development and psychometric properties. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*. 4(1),1-6.



اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر راهبردهای تنظیم هیجان و خودکارآمدی ورزشی کودکان/نوجوانان ورزشکار

سیاوش خداپرست^۱، حسن عبدی^۲، هاشم اسماعیلی^۳، وحید بخشعلی‌پور^۴

۱. استادیار، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران
۲. استادیار، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)
۳. کارمند اداره کل ورزش و جوانان استان گیلان، رشت، ایران
۴. گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، آموزشکده فنی و حرفه ای سما سیاهکل، دانشگاه آزاد اسلامی، سیاهکل، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر راهبردهای تنظیم هیجان و خودکارآمدی ورزشی کودکان/نوجوانان ورزشکار بود. روش پژوهش به شیوه نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل اجرا شد. کلیه دانش‌آموزان ورزشکار شهر رشت در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند که از میان آنها ۳۰ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) به صورت تصادفی جایگزین و تقسیم شدند و به پرسش‌نامه تنظیم شناختی هیجان (گارفنسل و همکاران، ۲۰۰۵) و مقیاس خودکارآمدی ورزشی (کرل و همکاران، ۲۰۰۷) پاسخ دادند. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه مهارت‌های زندگی را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی بر راهبردهای تنظیم هیجان و خودکارآمدی ورزشی دانش‌آموزان ورزشکار مناطق محروم، تأثیرگذار بود و آزمودنی‌های گروه آزمایش نسبت به آزمودنی‌های گروه کنترل در پس‌آزمون، خودکارآمدی ورزشی و تنظیم هیجان سازگارانه بیشتر و تنظیم هیجان ناسازگارانه کمتری داشتند و از نظر آماری معنی‌دار بود. بنابراین استفاده از آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند موجب افزایش خودکارآمدی ورزشی و تنظیم هیجان سازگارانه و نیز کاهش تنظیم هیجان ناسازگارانه دانش‌آموزان ورزشکار شود.

واژگان کلیدی: خودکارآمدی ورزشی، راهبردهای تنظیم هیجان، مهارت‌های زندگی

1. Email: s.khodaparast@yahoo.com
2. Email: Habdi1978@gmail.com
3. Email: Hashem1387@gmail.com
4. Email: vahidbakhshalipour@yahoo.com



مقدمه

باورهای خودکارآمدی یک نوع راهبردهای یادگیری خودتنظیمی به هم وابسته می‌باشند هر دو نیاز به وجود ظرفیت‌های شناختی خاص، از جمله توانایی تعیین اهداف، نظارت بر خود، تأمل و قضاوت دارند. همچنین هر دو از نمایندگی یا کنترل شخصی پشتیبانی می‌کنند. بررسی مهارت‌های یادگیری خودتنظیمی کودکان در سنین اولیه برای درک میزان حفظ خودکارآمدی ضروری است. هر دو قضاوت یادگیری و خودکارآمدی خودتنظیمی به یک سری فرایندهای شناختی و فراشناختی از جمله مشاهدات خود، قضاوت خود و عکس‌العمل خود احتیاج دارند. تحقیقات بیشتر با کودکان این گروه سنی ممکن است به درک کامل و عمیق‌تری از ماهیت دقیق این باورها منجر شود تا در همه کودکان شروع مثبت و هیجان‌انگیز در تلاش برای یادگیری مادام‌العمر را فراهم کند (گاسکیل و هوی^۱، ۲۰۰۲؛ یوشر و پاجارس^۲، ۲۰۰۸). مهارت‌های روانی مؤثر، به‌منظور ثبات هیجانی ورزشکار و دستیابی به موفقیت ورزشی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، چرا که این مهارت‌ها، ناتوانی در مقابله با عوامل استرس‌زایی همچون محیط‌های ورزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مانع تأثیر عوامل مزاحم می‌شود (دی‌فابیو و همکاران^۳، ۲۰۱۴) از جمله مهارت‌های که به نظر می‌رسد عملکرد را در شرایط استرس‌زا همچون محیط‌های ورزشی تحت تأثیر قرار می‌دهد، مهارت تنظیم شناختی-هیجان است که نقش مهمی در سازگاری ما با وقایع استرس‌زا دارد (تامپسون^۴، ۱۹۹۴). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ظرفیت افراد در تنظیم مؤثر هیجان‌ها بر شادمانی روان‌شناختی، جسمانی و بین فردی تأثیر می‌گذارد (گروس^۵، ۱۹۹۹؛ ریف و سینگر^۶، ۱۹۹۶). تنظیم شناختی هیجان به کنترل و دست‌کاری ورود اطلاعات هیجانی به شیوه شناختی منوط می‌باشد (اوجسندر و گروس^۷، ۲۰۰۵). روش‌های متعددی برای تعدیل میزان راهبردهای تنظیم هیجان و افزایش خودکارآمدی ورزشی به وجود آمده‌اند. یکی از روش‌هایی که به‌تازگی وارد حوزه مطالعاتی با هدف ارتقای راهبردهای تنظیم هیجان و افزایش خودکارآمدی ورزشی دانش‌آموزان ورزشکاران شده است، مداخله مهارت‌های زندگی است. در این روش از طریق عرضه آموزش‌های مورد نیاز، مجموعه مهارت‌های لازم برای کامیابی در زندگی طی

1. Gaskill & Hoy
2. Usher & Pajares
3. Di Fabio et al.,
4. Thompson
5. Gross
6. Ryff & Singer,
7. Ochsner & Gross



مراحل ده‌گانه به فرد آموزش داده می‌شود و به او کمک می‌شود تا توانایی‌ها، اطلاعات، گرایش‌ها و مهارت‌های لازم برای زندگی موفق، سالم و بدون فشار روانی زیاد را در خود پرورش دهد. اصطلاح مهارت‌های زندگی، به گروه بزرگی از مهارت‌های روانی اجتماعی و میان فردی گفته می‌شود که به افراد کمک می‌کند تا تصمیمات خود را آگاهانه اتخاذ کنند، ارتباط مؤثر برقرار نمایند، مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت شخصی خود را گسترش دهند و زندگی سالم و باروری داشته باشند، مهارت‌های زندگی ممکن است درباره فعالیت‌های شخصی و یا فعالیت‌های مربوط به دیگران باشد، همچنین ممکن است از آنها به‌منظور تغییر محیط به محیطی سالم استفاده شود (عباسی و قهرمانی، ۲۰۱۹).

سازه خودکارآمدی از تأثیرگذارترین سازه‌ها بر پیشرفت‌های ورزشی محسوب می‌شود. خودکارآمدی را به‌عنوان "باور به قابلیت‌های شخصی برای سازمان‌دهی و اجرا سازی مسیر عمل لازم برای تولید موفقیت" تعریف کرده‌اند (باندورا، ۱۹۹۷؛ به نقل از آهن، بانگ و کیم^۱، ۲۰۱۷). در واقع می‌توان بیان کرد که خودکارآمدی به عنوان سطح اعتماد افراد نسبت به خود تعریف می‌شود (ژوو، چن، شی، لیانگ و لیو^۲، ۲۰۱۶) و اشاره به درک افراد در ارتباط با توانایی انجام وظایف در موقعیت‌های مختلف دارد. باورهای خودکارآمدی در امر ورزش می‌توانند تأثیرات مثبت و منفی بر روی سلامت روانی افراد داشته باشند. این باورها موجب تأثیرگذاری بر شیوه تفکر، احساس، انگیزش یا رفتار فرد نیز می‌گردد (استرول، تیوماسجان و اپورل^۳، ۲۰۱۱). باور به خودکارآمدی بالا می‌تواند بهترین پیش‌بینی کننده عملکرد فرد در تمام زمینه‌ها باشد (بلومکیوست، دهقان فراشاه و توماس^۴، ۲۰۱۶).

از دیگر عواملی که می‌تواند ورزشکاران را تحت تأثیر قرار دهد، راهبردهای تنظیم هیجان است. هیجان پدیده‌ای چندوجهی است که کارکردهای تکاملی، رفتاری، شناختی و ارتباطی دارد. بدین معنی که انواع سیستم‌های شناختی و رفتاری فرد، مثل حافظه، تصمیم‌گیری (گرکوچای^۵ و همکاران، ۲۰۱۳)، حل مسئله، بازخورد (گرسالفی و بارنز^۶، ۲۰۱۶) و یا رفتارهای گرایشی و اجتنابی فرد پس از تجربه هیجان، فعال خواهند شد. تنظیم هیجان اشاره به فرایندهایی دارد که طی آن افراد سعی می‌کنند فرآیندهای مربوط به تولید هیجان‌های خود را اصلاح کنند که به طور معمول با هدف کاهش شدت

1. Seon Ahn, Bong & Kim
2. Zhu, Chen, Shi, Liang & Liu
3. Strobel, Tumasjan & Sporrle
4. Blomquist, Dehghanpour Farashah & Thomas
5. Grecucci
6. Gresalfi & Barnes



تجارب هیجانی همراه است (گروس و جزائیری^۱، ۲۰۱۴). به عبارتی دیگر تنظیم هیجان می‌تواند به عنوان روشی تعریف شود که افراد از طریق آن هیجان‌های خود را تجربه، کنترل و ابراز می‌کنند (گانگ و پائولسون^۲، ۲۰۱۷؛ دی فرانس و هولنشتاین^۳، ۲۰۱۷).

یکی از انواع مداخله‌های تعدیل‌کننده بسیاری از نشانه‌ها، آموزش مهارت‌های زندگی است. رشد مهارت زندگی از طریق یادگیری را می‌توان زیربنای پیشگیری از مشکلات روانی و اجتماعی دانش آموزان ورزشکار دانست (بوید^۴، ۱۹۹۲). سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۳) مهارت‌های زندگی را به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌های روانی و اجتماعی و میان فردی تعریف کرده که به افراد کمک می‌کند تا آگاهانه تصمیم بگیرند و مهارت‌های ارتباطی، شناختی و هیجانی خوب و زندگی سالم و پربراری داشته باشند. به نظر پراجاپاتی و همکاران^۵ (۲۰۱۷) در طی این فرایند فرد مسئولیت خود و زندگی‌اش را به دست می‌گیرد. آنها معتقدند که فرایند خود توانمندسازی یک فرایند روانی پویا و در حال رشد است. برای خود توانمندسازی بیشتر هر فرد به آگاهی، داشتن اهداف مشخص، ارزش‌ها و اطلاعات نیاز دارد. آموزش مهارت‌های زندگی باعث احساس کفایت و رشد شناختی و هیجانی دانش آموزان می‌شود. به نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های زندگی در ایجاد و افزایش توانمندی‌هایی مانند تصمیم‌گیری، ایجاد انگیزه در خود، پذیرش مسئولیت، ارتباط مثبت با دیگران، ایجاد عزت‌نفس مثبت، حل مشکل، خود نظم دهی و خودکفایتی دانش آموزان مؤثر است.

مطالعات مختلفی در ارتباط با آموزش مهارت‌های زندگی بر تنظیم هیجان و خودکارآمدی صورت گرفته است ولی اکثر تحقیقات یا به اثربخشی آن بر یکی از این متغیرها پرداخته است و یا در ارتباط با ورزشکاران نبوده است. نقطه مثبت و متفاوت این تحقیق با تحقیقات گذشته مربوط به همین یکپارچگی در ارتباط با دو متغیر و جامعه ورزشکاران است. در این راستا کهریزه (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان " بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع ابتدایی " به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی توانسته است سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش آموزان را بهبود بخشد و افراد مورد مطالعه شرکت‌کننده در آزمایش در پس‌آزمون به‌طور معناداری، سلامت روان مطلوب‌تر و عملکرد تحصیلی بهتری را نشان دادند. همچنین اسماعیلی و بصیری (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان " آموزش مهارت‌های زندگی و

1. Gross & Jazaeiri
2. Gong & Paulson
3. De France & Hollenstein
4. Bowd
5. Prajapati et al.,



تأثیر آن بر اختلالات هیجانی پسران نوجوان" به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی موجب کاهش اضطراب و افسردگی در گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل گردیده است. مهری نژاد و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان "اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر عزت‌نفس و تعارض والد-نوجوان دختران دوره متوسطه اول شهر تهران" به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی منجر به افزایش عزت‌نفس و کاهش تعارض والد-نوجوان گردیده است. می‌توان نتیجه گرفت که ارتقای مهارت‌های زندگی در دوره نوجوانی می‌تواند در بهبود عزت‌نفس دختران و تعارض‌های آنها با والدین‌شان مؤثر باشد. دانا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان "اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر تاب‌آوری و خودکارآمدی تمرینی ورزشکاران نوجوان" به این نتیجه رسیدند که پس از کنترل سطوح پیش‌آزمون، نمره‌های تاب‌آوری و خودکارآمدی تمرینی در گروه آزمایشی به‌طور معناداری بالاتر از گروه کنترل قرار دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آموزش مهارت‌های ارتباطی، روش مؤثری برای افزایش تاب‌آوری و خودکارآمدی تمرینی در ورزشکاران نوجوان است. گیلبرستون^۱ (۲۰۱۶)، نورگارد و همکاران^۲ (۲۰۱۲) نشان دادند که مهارت‌های ارتباطی منجر به افزایش خودکارآمدی افراد شده است. براگارد^۳ (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های ارتباطی و مدیریت هیجان به‌طور معناداری خودکارآمدی شرکت‌کنندگان را افزایش و استرس ارتباطی آنها را کاهش داد.

با توجه به دشواری‌هایی که ورزشکاران در ورزش‌های حرفه‌ای با آنها روبه‌رو می‌شوند، گزاف نیست اگر ادعا کنیم ورزشکاران در معرض تهدیدهای مختلف از جمله سلامتی هستند که بر این اساس، نتایج پژوهش حاضر درصدد بهبود دانش کاربردی در این زمینه است. همچنین به دلیل لزوم پاسخگویی ورزشکاران نسبت به سلامت و تندرستی خود، تنها در صورتی می‌توان انتظار عملکرد مناسبی از این افراد داشت که شرایط جسمانی و روانی برای آنان مساعد باشد که در این زمینه راهبردهای تنظیم هیجان و خودکارآمدی ورزشی بالا در این حوزه از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود که بدین منظور نتایج پژوهش حاضر مثمر ثمر است. علاوه بر این، به منظور کاهش صدمات جسمانی و روانی به نیروی ورزشکار، باید در زمینه بهبود شرایط حاکم بر این گروه از افراد جامعه کوشا بود که نتایج پژوهش حاضر در این زمینه قابل توجه خواهد بود. از سوی دیگر بهبود خودکارآمدی ورزشی از جمله مؤلفه‌هایی است که در احساس توانمندی روانی ورزشکاران از اهمیت بالایی برخوردار

1. Gilbertson
2. Nørgaard et al.,
3. Bragard



است که به همین منظور شناسایی و مدیریت عوامل مؤثر بر روی این متغیر نیز در بهبود خودکارآمدی ورزشی آنها مؤثر خواهد بود. در مجموع، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های روان‌شناختی به‌ویژه آنهایی که در قالب گروهی ارائه می‌شوند به میزان چشمگیری پریشانی هیجانی و استرس مرتبط با ورزش را کاهش می‌دهند، حمایت اجتماعی ارزشمندی فراهم می‌کنند و مهارت‌های مقابله‌ای انطباقی را افزایش می‌دهند. با توجه به این‌که ورزشکاران در امر ورزش خود استرس‌های زیادی را متحمل می‌شوند که این استرس و اضطراب ممکن است در عملکرد ورزشی آنان تأثیرات متفاوتی بگذارد. لذا، پژوهش حاضر به‌منظور تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر راهبردهای تنظیم هیجان و خودکارآمدی ورزشی کودکان/نوجوانان ورزشکار است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی بود و از لحاظ روش، نیمه‌آزمایشی است که در آن از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان ورزشکار شهر رشت در سال ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند. نمونه آماری شامل ۳۰ نفر از دانش‌آموزان ورزشکار بود که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایگزین و تقسیم شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه تنظیم‌شناختی هیجانی گارنفسکی و همکاران^۱ (۲۰۰۵) و مقیاس خودکارآمدی ورزشی کرل و همکاران^۲ (۲۰۰۷) بود.

فرم کوتاه نسخه فارسی پرسش‌نامه تنظیم‌شناختی هیجان: نسخه اصلی پرسش‌نامه تنظیم‌شناختی هیجانی توسط گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۵) در کشور هلند تدوین شده است که جهت شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه کردن وقایع یا موقعیت‌های منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. حسنی (۲۰۱۰) نسخه فارسی این پرسش‌نامه را تنظیم کرده است. فرم کوتاه نسخه فارسی پرسش‌نامه تنظیم‌شناختی هیجان ۱۸ گویه دارد و یک ابراز خود گزارشی است که دامنه نمرات مقیاس از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) است. این پرسش‌نامه دارای ۲ راهبرد تنظیم‌شناختی هیجانی سازگار و ناسازگار و ۹ زیر مقیاس است. پنج زیر مقیاس این پرسش‌نامه راهبردهای شناختی هیجانی سازگار (پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت،

1. Garnefski et al.,
2. Kroll et al



دیدگاه‌گیری) و چهار زیر مقیاس دیگر (نشخوارگری، ملامت دیگران، ملامت خویش، فاجعه سازی) راهبردهای تنظیم شناختی هیجانی ناسازگار هستند. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای راهبردهای شناختی هیجانی سازگار ۰/۸۷ و برای راهبردهای شناختی هیجانی ناسازگار ۰/۹۰ به دست آمد.

مقیاس خودکارآمدی ورزشی: مقیاس خودکارآمدی ورزشی یک آزمون ۱۰ سوالی ESES کرل و همکاران (۲۰۰۷) است. برای پاسخ به هریک از سوالات از ۱ تا ۴ امتیاز داده می‌شود. دامنه نظری نمرات بین ۱۰ تا ۴۰ است. پایایی پرسش‌نامه در تحقیق زردشتیان و همکاران (۲۰۱۶) ۰/۸۴ به دست آمد. بر حسب یافته‌های مقدماتی، آلفای کرونباخ پرسش‌های مقیاس در مورد یک نمونه ۲۳۶ نفری از ورزشکاران سطوح و رشته‌های مختلف ورزشی، ۰/۹۳ محاسبه شد که بیانگر همسانی درونی خوب مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۷۶ نفر از نمونه مذکور در دو نوبت بافاصله ۲ تا ۴ هفته $r=0/78$ به دست آمد و در سطح $P<0/01$ پایایی بازآزمایی مقیاس خودکارآمدی ورزشی را تأیید کرد.

جدول ۱- خلاصه جلسات آموزش مهارت‌های زندگی

اهداف	محتوای آموزشی	جلسات
ایجاد علاقه نسبت به ورزش و محسنات آن در زندگی	آشنایی اعضا با یکدیگر، ارائه کلیاتی در باب آثار ورزش بر زندگی	جلسه اول
پی بردن به اهمیت ارتباط، شناخت عناصر اصلی ارتباط (کلامی و غیرکلامی)، شناخت موانع ارتباط مؤثر، توانایی برقراری ارتباط مؤثر	ارائه کلیاتی در باب مهارت‌های زندگی، انواع و کاربرد آن ارائه تعریف ارتباط مؤثر با دیگران، ارائه عواملی برای ارتباط مؤثر با دیگران، شناخت انواع سبک‌های ارتباطی و جمع‌بندی و ارائه تکلیف	جلسه دوم
کسب توانایی در تصمیم‌گیری مناسب در موقع بروز مشکل، توانایی در انتخاب بهترین راه حل از راه‌حل‌های مختلف، دوری از عجله در تصمیم، تسلط بر هیجانات در تصمیم‌گیری	ارائه تعریفی از مهارت حل مسئله، ارائه روش حل مسئله و مراحل آن و انواع مقابله، ویژگی‌های افراد فاقد توانایی حل مسئله، ارائه تعریف تصمیم‌گیری، مراحل اصلی در تصمیم‌گیری، جمع‌بندی و ارائه تکلیف	جلسه سوم



ادامه جدول ۱- خلاصه جلسات آموزش مهارت‌های زندگی

اهداف	محتوای آموزشی	جلسات
آشنایی با مفهوم استرس منابع و اثرات آن، یادگیری مهارت‌های مقابله با استرس، کسب توانایی و مقاومت در برابر استرس	ارائه تعریف مهارت مقابله با استرس و اهمیت آن، شناخت علائم جسمی، رفتاری، شناختی و عاطفی ناشی از استرس، بررسی راه‌های مقابله با استرس (مقابله‌های هیجان مدار و مسئله مدار)، ویژگی افراد مقاوم در برابر استرس و جمع‌بندی و ارائه تکلیف	جلسه چهارم
توانایی آرام‌سازی خود در مواقع خشم، یادگیری شیوه‌های غلبه بر خشم، آگاهی از عواقب سوء پرخاشگری، پی بردن به ارزش گذشت و عفو	ارائه تعریف هیجان و مدیریت هیجانی، ارائه راهکارهایی برای غلبه بر خشم،	جلسه پنجم
پی بردن به مفهوم جرأت‌مندی، حقوق و مسئولیت خویش، آشنایی با سبک‌های ارتباطی (منفعانه، پرخاشگرانه و جرأت‌مندانه)، کسب توانایی مهارت کلامی و غیرکلامی جرأت‌مندی، توانایی درخواست کردن، توانایی «نه» گفتن	ارائه تعریفی از جرأت‌ورزی و مهارت نه گفتن، ارائه روش‌های عملی برای جرأت‌مند شدن، جمع‌بندی و ارائه تکلیف	جلسه ششم
کسب مهارت‌های تفکر و تفکر نقادانه، اصول تفکر نقادانه، کسب مهارت تفکر خلاق و کاربرد آن، فهم موانع تفکر خلاق و راه‌های افزایش آن	ارائه تعریف تفکر نقادانه، ویژگی‌های افراد دارای تفکر نقادانه، موانع تفکر نقادانه، راه‌های پرورش تفکر نقادانه، اخلاق گفت‌وگو در تفکر انتقادی، ارائه تعریف خلاقیت و مهارت تفکر خلاق، ویژگی‌های افراد خلاق، بررسی راه‌های پرورش تفکر خلاق در خود و دیگران، جمع‌بندی و ارائه تکلیف	جلسه هفتم
پایان جلسات آموزشی و اجرای پس‌آزمون	خلاصه و جمع‌بندی جلسات	جلسه هشتم

محقق با مراجعه به مدارس پسرانه و دخترانه شهرستان رشت و با هماهنگی مدیر مدرسه و بر اساس معیارهای ورود و خروج ۳۰ نفر از دانش‌آموزان را به‌صورت در دسترس انتخاب نمودند. در ابتدا، شرکت‌کنندگان فرم رضایت‌نامه کتبی را تکمیل نمودند و محقق تعهد نمود که تمامی اطلاعات به‌صورت محرمانه باشد و در نهایت نتیجه تحقیق را به آزمودنی‌ها اعلام نماید. قبل از اجرای جلسات آموزش مهارت‌های زندگی پرسش‌نامه‌های تحقیق در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت و توسط آنها تکمیل گردید. از آزمودنی‌ها خواسته شد که با دقت به سئوالات پاسخ دهند و هیچ سئوالی را بدون جواب باقی نگذارند. بعد از ۸ جلسه دوباره پرسش‌نامه‌ها در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفته و از آنها خواسته



شد با صداقت و دقت تکمیل نمایند. جلسات آموزش مهارت‌های زندگی در طول ۸ هفته، هر هفته یک جلسه و هر جلسه ۶۰ دقیقه بود. معیارهای ورود به تحقیق شامل دانش‌آموزانی می‌شد که در دامنه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال بودند و حداقل سه سال سابقه ورزشی منظم داشتند و بر اساس پرسش‌نامه جمعیت‌شناختی و فرم سلامت سابقه بیماری و اختلالات روانی نداشتند. معیارهای خروج شامل غیبت بیش از دو جلسه در کل تحقیق بود.

در این تحقیق یافته‌های پژوهش در قالب دو قسمت یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی ارائه شده است. در قسمت یافته‌های توصیفی، شاخص‌های آماری گروه نمونه از قبیل فراوانی، میانگین و انحراف معیار مطرح شده‌اند. در بخش یافته‌های استنباطی که با هدف بررسی فرضیه‌های پژوهش انجام شده است، با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) تصمیم‌گیری در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش فرضیه‌های پژوهش صورت گرفته است. متغیر مستقل در این تحقیق مهارت‌های زندگی و متغیرهای وابسته تنظیم هیجان و خودکارآمدی ورزشی است

نتایج

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان در گروه آزمایش ۱۵/۸۰ و ۰/۸۶۱ و در گروه کنترل ۱۶/۰۶ و ۰/۷۹۸ بود. همچنین در گروه آزمایش ۶ پسر (۴۰ درصد) و ۹ دختر (۶۰ درصد) و در گروه کنترل ۸ پسر (۵۳/۳ درصد) و ۷ دختر (۴۶/۷ درصد) بودند. برای بررسی چگونگی توزیع نمرات متغیرهای وابسته پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. مقادیر آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای راهبردهای سازگار و ناسازگارانه تنظیم هیجان و نیز خودکارآمدی ورزشی در هر دو گروه معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$) لذا می‌توان نتیجه گرفت که توزیع نمرات در این متغیرها نرمال است.



جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در دو گروه کنترل و آزمایش

گروه				مرحله	مؤلفه	متغیر
کنترل		آزمایش				
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین			
2.95	21.80	2.45	20.80	پیش‌آزمون	راهبردهای سازگارانه	تنظیم هیجان
3.17	22.33	2.36	38.80	پس‌آزمون		
2.31	32.93	2.32	32.13	پیش‌آزمون	راهبردهای ناسازگارانه	
1.66	28.93	1.59	21.46	پس‌آزمون		
3.74	22	2.12	22.06	پیش‌آزمون	خودکارآمدی ورزشی	
1.53	20.26	3.41	30.53	پس‌آزمون		

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد راهبردهای سازگار و ناسازگارانه تنظیم هیجان و نیز خودکارآمدی ورزشی را در دو گروه کنترل و آزمایش نشان می‌دهد که به منظور مقایسه این میانگین‌ها از آمار استنباطی استفاده شده و نتایج آن ارائه شده است.

جهت بررسی پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها از آزمون لون استفاده گردیده است. مقدار آماره F برای تمامی متغیرهای راهبردهای سازگار و ناسازگارانه تنظیم هیجان و نیز خودکارآمدی ورزشی معنادار نیست ($P > 0.05$)، از این رو پیش‌فرض برابری واریانس‌ها در تمامی متغیرها تأیید می‌شود.

جدول ۳- نتایج آزمون‌های چندمتغیری جهت بررسی معناداری اثر عضویت گروهی

اثر	آزمون	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری
گروه (پس‌آزمون)	اثر پیلایی	0.961	186.94	3	23	0.001
	لامبدای ویلکز	0.039	186.94	3	23	0.001
	اثر هتلینگ	24.38	186.94	3	23	0.001
	بزرگ‌ترین ریشه روی	24.38	186.94	3	23	0.001

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۳ می‌توان گفت که آزمون‌های چندمتغیری جهت بررسی معناداری اثر عضویت گروهی و با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده، بین دو گروه آزمایش و کنترل،



حداقل در یکی از متغیرهای وابسته (راهبردهای تنظیم هیجان و خودکارآمدی ورزشی) در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). بررسی دقیق‌تر این تفاوت در جداول زیر مشخص شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری جهت بررسی اثر مداخله در پس‌آزمون متغیرهای پژوهش

منبع	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجدور اتا
گروه	راهبرد سازگاران	204.14	1	2014.14	269.59	0.001	0.915
	راهبرد ناسازگاران	353.28	1	353.28	143.30	0.001	0.851
	خودکارآمدی	796.64	1	796.64	114.99	0.001	0.821
خطا	راهبرد سازگاران	186.77	25	7.47			
	راهبرد ناسازگاران	61.63	25	2.46			
	خودکارآمدی	173.18	5	6.92			
مجموع	راهبرد سازگاران	30283	30				
	راهبرد ناسازگاران	19544	30				
	خودکارآمدی	20342	30				

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۴ می‌توان گفت که با توجه به مقادیر F برای پس‌آزمون راهبردهای سازگاران (۲۶۹/۵۹)، راهبردهای ناسازگاران (۱۴۳/۳۰) و خودکارآمدی ورزشی (۱۱۴/۹۹) و سطح معناداری آنها (۰/۰۰۱) که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است ($P < 0.05$) مشاهده می‌شود که آموزش گروهی مهارت‌های زندگی اثربخش بوده و توانسته است راهبردهای سازگاران و خودکارآمدی ورزشی را افزایش و راهبردهای ناسازگاران را کاهش دهد، از این رو تمام فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر راهبردهای تنظیم هیجان و خودکارآمدی ورزشی کودکان/نوجوانان ورزشکار بود. یافته پژوهش حاضر با یافته‌های شاکری و همکاران (۲۰۱۹)، غفوریان و همکاران (۲۰۱۹)، کهریزه (۲۰۱۹)، اسماعیلی و همکاران (۲۰۱۹)، براگارد (۲۰۱۰)، همسو است.

در تبیین یافته به‌دست‌آمده می‌توان این‌گونه استدلال کرد که انتخاب و به‌کارگیری مهارت‌های زندگی، پایه و مبنایی است که با آموزش آنها، نظم نوین فکری، شناختی و فراشناختی در



نوجوانان حاصل می‌شود. به طوری که نوجوانانی که مهارت‌های زندگی را به طور واقعی دریافت کرده‌اند در ورود به خودآگاهی، مدیریت استرس و هیجانات، تصمیم‌گیری، تفکر خلاق و همدلی، تعامل مثبت بیشتری با خود و همسالان خویش داشته‌اند و دامنه وسیعی از تفکرات و رفتارهای مفید و تنظیم‌شده را از خود نشان داده‌اند.

همچنین نوجوانانی که با مهارت خودآگاهی به خودشناسی بیشتری می‌رسند و به جنبه‌های مثبت و منفی شخصیت خود، آگاه می‌شوند مسئولیت رشد فردی، خود را به دست می‌گیرند. این افراد به اهمیت هیجانات و احساسات در شکل‌گیری هیجانات، آگاه می‌شوند و با تکیه بر نقاط قوت، نقاط ضعف را با مهارت تنظیم‌شناختی هیجان (توانایی فراشناختی) تقویت می‌نمایند (کراجی و همکاران^۱، ۲۰۰۸)، به علاوه آنان در تنظیم آگاهانه هیجانات خود مثبت عمل می‌کنند و در به‌کارگیری راهبردهای تنظیم‌سازش یافته، چون پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌گیری مهارت بیشتری پیدا می‌کنند (اوجسنر و گروس، ۲۰۰۵) و با شناخت، اطلاعات ورودی را تنظیم می‌نمایند تا توسط شدت هیجان‌ها مغلوب نشوند (گروس و تامپسون، ۲۰۰۷) زیرا افراد در مراحل زندگی با دامنه وسیعی از رویدادهای تنش‌زا و چالش‌برانگیز روبرو هستند.

همچنین نوجوانانی که به مهارت تصمیم‌گیری تسلط می‌یابند، با جمع‌آوری اطلاعات مفید، فشارهای اجتماعی و فردی را شناسایی می‌کنند و بین تصمیم‌گیری احساسی، هیجانی و منطقی، تفکیک قائل می‌شود و در فرایند تصمیم‌گیری منطقی و عقلانی، مهارت یافته‌اند با مدیریت هیجانات خود به تنظیم‌شناختی هیجان می‌رسند و در شرایط (عادی و استرس‌زا) تصمیم مناسب اخذ می‌نمایند (اوجسنر و همکاران، ۲۰۰۵).

به علاوه نوجوانانی که در مهارت میان فردی، دانش و مهارت پیدا می‌کنند، نسبت به انواع ارتباط‌های میان فردی جرات‌مندانه، پرخاشگرانه و منفعلانه، آگاهی می‌یابند و با شناخت بر احساس و رفتار از بروز اختلالات و مشکلات بین فردی جلوگیری می‌نمایند (ورنر و گروس^۲، ۲۰۱۰).

تفکر خلاق و انتقادی، قوی‌ترین نوع تفکر است که نوجوانان یاد می‌گیرند تا با تفکر واگرا، ابتکار و خلق ایده‌های بدیع به‌طور فراشناختی و متفاوت به رویدادهای منفی بپردازند (سده و همکاران^۳، ۲۰۱۲) و شدت، مدت هیجان راه، نه تجارب هیجانی خود را مدیریت نمایند (توماس و همکاران،

1. Kraaij et al.,
2. Werner & Gross
3. Saadé et al.,



۲۰۰۸). در این مهارت نوجوانان یاد می‌گیرند به تفکرات‌شان، نظم جدید و دوباره بدهند و باتجربه روش نوین، ناراحتی و تنیدگی کمتری را تجربه کنند و با راهبردهای تنظیم‌شناختی راحت‌تر با آن رویدادها کنار بیایند.

نوجوانانی که در قواعد مدیریت خشم و هیجانات، مهارت پیدا می‌کنند، به شیوه کنترل و واکنش به خشم جسمانی، فیزیولوژیکی و هیجانی، آگاهی پیدا می‌کنند و با شیوه آرام‌سازی، تمرکز بر خودگویی، ایجاد تغییر در محیط و ابراز خشم سازگاران به نظم فکری می‌رسند و با تنظیم خشم خود با توجه به مقتضیات رفتار می‌کنند و همچنین افرادی که مهارت ارتباط را می‌آموزند آگاه می‌شوند که تنها ابزار انتقال و دریافت اطلاعات از دیگران «ارتباط» است. از طریق برقراری ارتباط، سوءبرداشت‌ها و سوءتفاهم‌ها را برطرف می‌کنند (پرلا و اودونل^۱، ۲۰۰۴). با آگاهی به روش‌ها و مهارت‌های ارتباطی به تنظیم‌شناختی هیجان دست یافته و با محیط پیرامون، رابطه مطلوب برقرار می‌نمایند و ضعف‌های مربوط به راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان را تقویت می‌نمایند؛ همچنین می‌توانند ضعف ناگویی هیجانی خود را برطرف نموده و با توان بیشتری پردازش نمایند.

همچنین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که اثربخشی مهارت‌های زندگی منجر به افزایش خودکارآمدی ورزشی در بین گروه آزمایش شده است. یافته پژوهش حاضر با یافته‌های عباسی و همکاران (۲۰۱۹)، میری (۲۰۱۹)، مهری نژاد و همکاران (۲۰۱۹)، دانا و همکاران (۲۰۱۸)، گیلبرستون (۲۰۱۶)، نورگارد و همکاران (۲۰۱۲) همسو است.

در تبیین یافته حاضر می‌توان این‌گونه بیان کرد که بالا بودن مهارت‌های زندگی و در نتیجه احساس کنترل بر رویدادهای شخصی و ورزشی باعث می‌شود که دانش آموزان توانایی غلبه و سازگاری و کنار آمدن با مشکلات رت به دست آورده و در نتیجه باعث افزایش سلامت روانی و خودکارآمدی ورزشی مؤثر گردد. پژوهش‌های مختلف نشان داده است که افراد با توانایی‌های زندگی بالا نگرش مثبتی نسبت به توانایی خود با رویدادهای مهم ورزشی و زندگی روزانه، بهره‌برداری از زندگی، برنامه‌ریزی برای اهداف شخصی خود دارد. همچنین در ارتباط با دانش‌آموزانی که آموزش مهارت‌های زندگی را یاد می‌گیرند می‌توان گفت این دانش آموزان به توانایی‌های خود باور پیدا می‌کنند و برای انجام تکالیف ورزشی خود برنامه‌ریزی می‌کنند و یاد می‌گیرند امورات خود را سازمان‌دهی و نظارت می‌کنند، لذا این دانش آموزان منبع موفقیت خود را درونی یعنی نتیجه تلاش و کوشش خود در انجام تکالیف می‌دانند و این افراد معمولاً موفقیت بیشتری در ورزش خواهند داشت و دانش‌آموزانی هم که

1. Perla, & O'Donnell



موفقیت بیشتر دارند، باور خودکارآمدی ورزشی بیشتری خواهند داشت. در زمینه کوشش می‌توان گفت کوشش دانش آموزان بر روی پیشرفت و خودکارآمدی ورزشی آنها اثر می‌گذارد. همچنین زمانی که اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزانی در ورزش افزایش پیدا می‌کند که آنها کوشش واقعی خود را برای انجام تکالیف به کار ببرند. دانش آموزان در استفاده از مهارت‌های زندگی از آن‌جا که آزادی عمل و اختیار بیشتری در انجام تکالیف برعهده دارند، زودتر به پیشرفت ورزشی می‌رسند و چون منبع انگیزشی آنها درونی است، یادگیری آنها بیشتر و پایدار خواهد شد.

از محدودیت‌های تحقیق می‌توان به محدود بودن به منطقه جغرافیایی خاص (رشت) و محدود بودن امکان تعمیم نتایج آن به سایر مناطق جغرافیایی اشاره نمود. پیشنهاد می‌شود که تحقیقات بیشتری در ارتباط با اثربخشی شیوه‌های مختلف آموزشی و درمانی در بهبود وضعیت ورزشی دانش‌آموزان انجام شود تا جامع‌ترین، کاربردی‌ترین و به‌صرفه‌ترین شیوه‌ها و مداخلات آموزشی و درمانی مشخص شوند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در اجرای این تحقیق همکاری نموده‌اند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

منابع

1. Ahn, H. S., Bong, M., & Kim, S. I. (2017). Social models in the cognitive appraisal of self-efficacy information. *Contemporary Educational Psychology*, 48, 149-166.
2. Abbasi, Mojgan and Qahramani, Neda. (2019). The effectiveness of life skills training on mental health and social adjustment of delinquent girls in divorced welfare families. *Journal of Humanities Horizons*, (29): 125-130. (Persian)
3. Ahn, H. S., Bong, M., & Kim, S. I. (2017). Social models in the cognitive appraisal of self-efficacy information. *Contemporary Educational Psychology*, 48, 149-166.
4. Blomquist, T., Farashah, A. D., & Thomas, J. (2016). Project management self-efficacy as a predictor of project performance: Constructing and validating a domain-specific scale. *International Journal of Project Management*, 34(8): 1417-1432.
5. Bowd, A. D. (1992). Integration and mainstreaming in cultural context: Canadian and American approaches. *International Journal of Disability, Development and Education*, 39(1): 19-31.
6. Bragard, I., Etienne, A. M., Merckaert, I., Libert, Y., & Razavi, D. (2010). Efficacy of a communication and stress management training on medical residents' self-efficacy, stress to communicate and burnout: a randomized controlled study. *Journal of health psychology*, 15(7): 1075-1081.



7. Dana, Amir; Soltani, Narges and Fathi, Azam. (2018). The effectiveness of communication skills training on resilience and training self-efficacy of adolescent athletes. *Sports Psychology Studies*, (26): 106-91. (Persian)
8. De France, K., & Hollenstein, T. (2017). Assessing emotion regulation repertoires: The regulation of emotion systems survey. *Personality and Individual Differences*, 119: 204-215.
9. Di Fabio, A., & Saklofske, D. H. (2014). Comparing ability and self-report trait emotional intelligence, fluid intelligence, and personality traits in career decision. *Personality and Individual Differences*, 64, 174-178.
10. Ehring, T., Fischer, S., Schnulle, J., Bösterling, A., & Tuschen-Caffier, B. (2008). Characteristics of emotion regulation in recovered depressed versus never depressed individuals. *Personality and Individual Differences*, 44(7): 1574-1584.
11. Esmaili Maryam & Noshin Basir (2019). Effectiveness of life skills training on emotional disorders among adolescence boys. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ)*, 8(3): 47-54. (Persian)
12. Garnefski, N., Kraaij, V., & van Etten, M. (2005). Specificity of relations between adolescents' cognitive emotion regulation strategies and internalizing and externalizing psychopathology. *Journal of adolescence*, 28(5): 619-631.
13. Gaskill, P. J., & Hoy, A. W. (2002). Self-efficacy and self-regulated learning: The dynamic duo in school performance. In *Improving academic achievement* (pp. 185-208). Department of Applied Psychology New York University New York, New York, Academic Press.
14. Ghafourian, Fahimeh, Karbalaee, Ahmad and Megoni, Mohammad. (2019). The effectiveness of life skills training on marital self-regulation and attachment behavior in marital relationships in women with marital conflicts. *Journal of New Strategies in Psychology and Educational Sciences*, (2): 1-24. (Persian)
15. Gilbertson, J. (2016). *Relationship of Self-regulation, Exercise Self-efficacy, and Self-compassion with Commitment to Physical Activity in College Students* (Doctoral dissertation, Oklahoma State University).
16. Grecucci, A., Giorgetta, C., Van't Wout, M., Bonini, N., & Sanfey, A. G. (2013). Reappraising the ultimatum: an fMRI study of emotion regulation and decision making. Oxford University Press, *Cerebral Cortex*, 23(2): 399-410.
17. Gresalfi, M. S., & Barnes, J. (2016). Designing feedback in an immersive videogame: supporting student mathematical engagement. *Educational Technology Research and Development*, 64(1): 65-86.
18. Gross, J. J., & Jazaieri, H. (2014). Emotion, emotion regulation, and psychopathology: An affective science perspective. *Clinical Psychological Science*, 2(4): 387-401.
19. Gong, X., & Paulson, S. E. (2017). Effect of family affective environment on individuals' emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, 117, 144-149.
20. Gross, J. J. (1999). Emotion regulation: Past, present, future. *Cognition & emotion*, 13(5): 551-573.



21. Gross, J. J. (Ed.). (2013). Handbook of emotion regulation. United States of America, New York, Guilford publications.
22. Kraaij, V., Garnefski, N., & Vlietstra, A. (2008). Cognitive coping and depressive symptoms in definitive infertility: a prospective study. *Journal of Psychosomatic Obstetrics & Gynecology*, 29(1): 9-16.
23. Kroll, T., Kehn, M., Ho, P. S., & Groah, S. (2007). The SCI exercise self-efficacy scale (ESES): development and psychometric properties. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 4(1): 1-6.
24. Kahrize Mahnaz (2019). The Effect of Life Skills Training on Mental Health and Academic Performance of Female Primary School Students. *Monthly of New Achievements in Humanities Studies*, (16): 113-122. (Persian)
25. Mehri Nejad, Abolghasem; Sadri, Nastaran; Ramadan, Lily and Ghaffari, Zeinab. (2019). The effectiveness of life skills training on self-esteem and parent-adolescent conflict in first grade girls in Tehran. *Quarterly Journal of New Educational Thoughts*, 15 (1): 187-206. (Persian)
26. Miri, Anwar. (2019). The effectiveness of life skills training on social health and general health of student teachers of Farhangian University of Kurdistan Province. *Journal of Health Promotion Management*, 8 (3): 19-26. (Persian)
27. Nørgaard, B., Ammentorp, J., Ohm Kyvik, K., & Kofoed, P. E. (2012). Communication skills training increases self-efficacy of health care professionals. *Journal of Continuing Education in the health professions*, 32(2): 90-97.
28. Ochsner, K. N., & Gross, J. J. (2005). The cognitive control of emotion. *Trends in cognitive sciences*, 9(5): 242-249.
29. Perla, F., & O'Donnell, B. (2004). Encouraging problem solving in orientation and mobility. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 98(1): 47-52.
30. Prajapati, R., Sharma, B., & Sharma, D. (2017). Significance of life skills education. *Contemporary Issues in Education Research (CIER)*, 10(1): 1-6.
31. Ryff, C. D., & Singer, B. (1996). Psychological well-being: Meaning, measurement, and implications for psychotherapy research. *Psychotherapy and psychosomatics*, 65(1): 14-23.
32. Saadé, R. G., Morin, D., & Thomas, J. D. (2012). Critical thinking in E-learning environments. *Computers in Human Behavior*, 28(5): 1608-1617.
33. Shakeri, Zahra; Shahnazi, Hossein and Hassanzadeh, Akbar. (2019). Investigating the effect of life skills training on the quality of life and general health of health workers. *Journal of Health System Research*, 15 (2): 136-143. (Persian)
34. Strobel, M., Tumasjan, A., & Spörrle, M. (2011). Be yourself, believe in yourself, and be happy: Self-efficacy as a mediator between personality factors and subjective well-being. *Scandinavian Journal of psychology*, 52(1): 43-48.
35. Thompson, R. A. (1994). Emotion regulation: A theme in search of definition. *Monographs of the society for research in child development*, 59(2-3): 25-52.
36. Usher, E. L., & Pajares, F. (2008). Self-efficacy for self-regulated learning: A validation study. *Educational and psychological measurement*, 68(3): 443-463.



37. Werner, K., & Gross, J. J. (2010). *Emotion regulation and psychopathology: A conceptual framework*. In A. M. Kring & D. M. Sloan (Eds.), *Emotion regulation and psychopathology: A transdiagnostic approach to etiology and treatment* (pp. 13–37). The Guilford Press.
- Zhu, B., Chen, C. R., Shi, Z. Y., Liang, H. X., & Liu, B. (2016). Mediating effect of self-efficacy in relationship between emotional intelligence and clinical communication competency of nurses. *International Journal of Nursing Sciences*, 3(2): 162-168.
38. Zardashtyan, Shirin; Gholami Torksoloyeh, Sajjad and Farzi, Hamed. (2017). Relationship between self-esteem and sports self-efficacy with competitive anxiety of adult wrestlers participating in the International Throne Cup. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 13 (26): 237-246. (Persian)

ارجاع دهی

خداپرست، سیاوش؛ عبدی، حسن؛ اسماعیلی، هاشم؛ بخشعلی پور، وحید. (۱۴۰۱).
 اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر راهبردهای تنظیم هیجان و خودکارآمدی
 ورزشی کودکان/نوجوانان ورزشکار. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۰ (۲۶): ۴۲-۲۲۱.
 شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2021.10179.2065

Khodaparast, S; Abdi, H; Esmaeili, H; Bakhshalipour, V. (2022).
 The Effectiveness of Life Skills Training on Emotion Regulation
 Strategies and Sports Self-Efficacy of Children / Adolescent
 Athletes. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 221-42. (Persian).
 DOI: 10.22089/RES.2021.10179.2065



Research Paper

Relationship between Social Status and Professional Commitment among the Physical Educators by Mediating Organizational Identity**M. Haddadi¹, R. Ramezani Nejad², M. Malaei³**

1. Master in Sport Management, University of Guilan, Rasht, Iran
2. Professor in Sport Management, University of Guilan, Rasht, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor in Sport Management, University of Guilan, Rasht, Iran

Received: 2019/06/24**Accepted: 2019/10/21****Abstract**

The purpose of this study was to investigate the relationship between social status and professional commitment by mediating the organizational identity among the physical educators in Rasht. The present research is a practical survey that has been performed by using the data gathered through the questionnaire from 265 physical educators (whole population). The validity of the researcher-made questionnaire was confirmed by experts (19 scholars). Its reliability was examined by Cronbach's alpha and combined reliability. Structural equation modeling using SPSS and PNS software was applied to analyze the data and to evaluate the fitness of the model. The results showed that social status has a positive and significant effect on professional commitment and organizational identity. Furthermore, organizational identity directly and positively affects professional commitment and accounts for its variation approximately. The effect of the social status on professional commitment was also indirectly explained through organizational commitment. There was a positive and significant relationship between social status and the experience and the status of employment. Also, the result demonstrated an inverse and significant relationship between educational status and social status. Therefore, it is suggested to educators in the city of Rasht to increase the educational status and social status of educators in the field of promoting their organizational identity, thereby enhancing the commitment of physical education teachers to the profession and ultimately increasing education organization.

Keywords: Professional Commitment, Social Status, Physical Education Teachers, Organizational Identity.

1. Email: mhadadi20@yahoo.com

2. Email: srramguil@yahoo.com

3. Email: m8mallaei@yahoo.com



Extended Abstract

Background and Purpose

Nowadays, human resources have special importance in comparison with other resources and facilities of the organization. Therefore, many managers of organizations are concerned with providing proper support for human agents to carry out their professional duties with a full sense of responsibility and commitment. As a valuable asset of the organization, the quality of human capital can be the reason for organizations' prosperity (Abtahi & Molaei, 2006; Ahmadwand & Portofik, 2014). Hence, the qualitative improvement of human resources is indispensable. Due to this importance, this study aims to examine the association between social status and professional commitment with the mediation of the organizational identity of physical Educators in Rasht.

Methodology

The present study is an applied research in terms of purpose and descriptive-correlational in its nature. The statistical population of the study consisted of all teachers of physical education in Rasht (265 persons). The statistical sample of this study was considered equal to the statistical population due to the low number of physical educators and the possibility of some non-return questionnaires. The research questionnaire was designed in two kinds: qualitative and quantitative. It consisted of three questionnaires on social status, professional commitment, and organizational identity that were valued on a scale (very high = 1 to very low = 5); occupational commitment questionnaires; organizational identity, along with a demographic questionnaire, which includes 8 questions on age, gender, experience, qualification, employment status, marriage status, spouse occupation, and teaching grade in the demographic section. The second part of the questionnaire contains the dimension of social status (33 items), which is taken from the researches of Christodoulos (2011), Hakimi and Roudbari (2006), Nadarian Jahromi and Jaber (2012), Heydari (1395). The four dimensions are academic identity, professional skills, educational environment, and job identity. The third part is the professional commitment dimension (12 items), which uses the Aranya Standard Questionnaire (1993) in the form of 3 aspects of identity acquisition, occupation, and job attachment. In the last section, the 6-item Miles & Ashforth (1992) questionnaire was used, which has three dimensions of membership, loyalty, and similarity. The content and face validity of the questionnaire was confirmed by experts (19 persons). Its reliability was calculated by Cronbach's alpha test (0.89) and combined reliability. Finally, PLS software was used to analyze the data.



Results

The results showed that 52.6% (113) of the sample were male, and 47.4% (102) of the sample were female. Also, the highest frequency (55.3 %, 119 persons) was in the age group of 31-40, and the lowest frequency (3.3% (7 persons)) was over 50 years old. 76.7% (165 people) were married. Also, 52.1% of the sample (112 persons) had a teaching experience between 1 and 10 years, and the least frequent cases were those who had over 21 years of teaching experience (16.3%); 38.1% (82 persons). Contractual status was the least frequent with 9.8% (n = 21). In addition, the highest frequency from educational status (48.8%) (104 students) belonged to the bachelor's degree, and the lowest frequency (8.8 %, 20 students) belonged to the undergraduate degree. Of course, teachers with a master's degree (42.3%) also had a high proportion of this data. 46.5 of the respondents (100) at the primary level, 27.9 of respondents (60) at the first secondary level, and 25.6 of the respondents (55) at the second level had the most teaching hours. The results of path analysis also showed that social status had a direct, positive, and significant effect on organizational commitment and organizational identity. Moreover, organizational identity had a direct, positive, and significant impact on professional commitment. The effect of social status on professional commitment was also indirectly explained through the mediating variable of organizational identity. The examination of the demographic characteristics on social status showed a positive and significant relationship between teaching experience and social status, and employment status and social status. On the other hand, the relationship between educational degrees and social status was negative and significant.

Conclusion

In general, it can be concluded that social status has a significant effect on the professional commitment of physical Educators, especially through organizational identity. Therefore, it is suggested that the educational policymakers of Rasht city enhance the social status of their physical educators so as to promote their organizational identity. Accordingly, such an increase in the final step can lead to an increase in their commitment to the profession and ultimately enhance the educational institution .

Keywords: Professional Commitment, Social Status, Physical Educators, Organizational Identity.



References

1. Abtahi, S. H., & Molaei, N. (2006). The Relationship between Professional and Organizational Commitment, *Tadbir Monthly*, 17 (177): 56-61
2. Ahmadwand, A. M., & Portofik, H. R. (2014). Investigating the effect of type of employment status in the employees of the organization on their job motivation (case study of East Alborz Coal Company) Master's dissertation, Nongovernmental Institute - Evanaki Institute of Higher Education, Engineering Research Institute.



رابطه جایگاه اجتماعی و تعهد حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی با میانجی هویت‌سازمانی

مهدی حدادی^۱، رحیم رضانی نژاد^۲، مینا ملائی^۳

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین جایگاه اجتماعی و تعهد حرفه‌ای با میانجی هویت‌سازمانی معلمان تربیت‌بدنی شهر رشت بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش کلیه معلمان تربیت‌بدنی شهر رشت بودند (۲۶۵ نفر) و نمونه آماری به صورت کل شمار انتخاب شدند. روایی پرسش‌نامه‌ها توسط کارشناسان خبره (۱۹ نفر) و پایایی آن نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تأیید شد. از مدل‌سازی معادلات ساختاری و با نرم‌افزار اس.پی.اس.اس و پی.ال.اس جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید. نتایج نشان داد که جایگاه اجتماعی به‌طور مستقیم اثر مثبت و معناداری بر تعهد حرفه‌ای و هویت‌سازمانی دارد. همچنین هویت‌سازمانی به‌طور مستقیم اثر مثبت و معناداری بر تعهد حرفه‌ای داشت. اثر متغیر جایگاه اجتماعی روی تعهد حرفه‌ای نیز به‌طور غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی هویت‌سازمانی تبیین شد. بررسی نقش ویژگی‌های جمعیت شناختی بر جایگاه اجتماعی نشان داد بین سابقه خدمت با جایگاه اجتماعی و بین وضعیت استخدامی با جایگاه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد، در صورتی که رابطه مدرک تحصیلی با جایگاه اجتماعی منفی و معناداری بود. بنابراین به متصدیان آموزش و پرورش شهر رشت پیشنهاد می‌شود برای افزایش جایگاه و منزلت اجتماعی معلمان تربیت‌بدنی، زمینه ارتقای هویت‌سازمانی آنان را فراهم نمایند تا از این طریق تعهد معلمان تربیت‌بدنی را به حرفه و در نهایت به سازمان آموزش و پرورش افزایش دهند.

واژگان کلیدی: تعهد حرفه‌ای، جایگاه اجتماعی، معلمان تربیت‌بدنی، هویت‌سازمانی.

1. Email: mhadadi20@yahoo.com

2. Email: srramguil@yahoo.com

3. Email: m8mallaei@yahoo.com



مقدمه

امروزه دغدغه بسیاری از مدیران سازمان‌ها بسترسازی مناسب برای عوامل انسانی است تا با حس مسئولیت و تعهد کامل به حرفه خود بپردازند، زیرا نیروی انسانی در میان سایر منابع و امکانات سازمان از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است و مهم‌ترین سرمایه سازمان به شمار می‌رود، هر چه این سرمایه از کیفیت مطلوب‌تری برخوردار باشد احتمال بقا و موفقیت سازمان بیشتر می‌شود، لذا بهبود کیفی نیروی انسانی ضرورت تام دارد (رنجبر، ۲۰۰۹، ۳). در سازمان آموزش و پرورش نیز اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدف‌های آموزشی معلم است. یکی از عوامل مهم در ارتباط با نیروی انسانی شاغل در سازمان‌ها مسئله تعهد است. به اعتقاد محققان تعهد رکن اصلی و شرط لازم برای اجرای مأموریت هاست، حتی اگر اهداف دوربرد و ظاهراً غیرقابل دسترس باشند (ترهارت^۱، ۲۰۲۲، ۳).

یکی از عواملی که نقش مهمی در عملکرد سازمان دارد تعهد حرفه‌ای است، زیرا عدم تعهد حرفه‌ای مانع بزرگی بر سر راه سازمان‌ها برای داشتن نیروی انسانی مناسب و رسیدن به عملکرد مورد نظر است (مصطفی نژاد، ۲۰۱۳، ۳۷). تعهد حرفه‌ای یکی از متغیرهایی است که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است و نیروی محرک قوی در موفقیت سازمان‌ها به شمار می‌رود (کوینگ^۲، ۲۰۲۰، ۴). محققان دریافته‌اند کارکنانی که در سطوح بالایی از تعهد حرفه‌ای قرار دارند کار خود را بهتر انجام می‌دهند، دارای رضایت شغلی و بازدهی بالاتری هستند و غیبت و تأخیر در کار کمتری دارند (میتچل^۳ و همکاران، ۲۰۱۹، ۴).

برخی تحقیقات نشان دادند که پذیرش و باور قلبی ارزش‌های موجود در یک شغل، انجام وظایف بدون هیچ‌گونه اجبار، حساسیت نسبت به آینده و سرنوشت آن حرفه و در نهایت میل به ماندن در شغل تحت هر شرایطی تعهد حرفه‌ای نام دارد، حتی اگر ضررهایی برای فرد به همراه داشته باشد (سوبا^۴، ۲۰۱۹، ۴). معلمان متعهد نیز می‌توانند با داشتن التزام عملی و احساس مسئولیت، وظایف خود را به بهترین شکل انجام دهند، اما در ایران حقوق کم معلمان باعث گرایش آنها به شغل دوم شده است که این مشاغل در سطوح بسیار پایینی هستند و این عمل باعث پایین آمدن ارزش اجتماعی معلمان و به تبع آن پایین آمدن وجدان کاری و تعهد حرفه‌ای آنان شده است (حسنی، ۲۰۱۵، ۴).

-
1. Terhart
 2. Qing
 3. Mitchell
 4. Subba



این موضوع کیفیت نظام آموزشی را پایین می‌آورد و فرهنگ کاری در جامعه را دگرگون می‌سازد و رشد و توسعه کشور را نیز با مشکل مواجه می‌کند. این عوامل و احتمالاً عوامل دیگری تعهد حرفه‌ای معلمان را زیر سؤال برده است، ضمناً تحقیقات مرتبط با تعهد حرفه‌ای معلمان مانند مصطفی نژاد (۲۰۱۳) و قاسمی (۲۰۱۷) نشان داده‌اند که رابطه معناداری بین عوامل شغلی و تعهد وجود دارد. علاوه بر این مسئله‌ای که امروز، در بسیاری از سازمان‌های کشور شاهد آن هستیم، فقدان یک هویت سازمانی منسجم و ناتوانی سازمان‌ها در شکل دادن به هویتی قوی و پایدار و بروز ضعف‌ها و نارسایی‌هایی در فرایندهای مختلف و مسائل گوناگونی است که سازمان با آن روبروست. این موضوع به‌خصوص در آن دسته از سازمان‌هایی که به نظر می‌رسد در مقایسه با سایر سازمان‌ها از جایگاه و وجهه پایین‌تری برخوردارند، نمود پیدا می‌کند (لاو^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). هویت سازمانی به عنوان داشتن تعریفی از خود یا بازنمودی شناختی از خود در نظر گرفته می‌شود که منطبق با اعضای سازمانی بوده و عمیقاً با سرشت و مفروضات اساسی و پنهان آنها عجین شده است. همچنین هویت سازمانی به آن دسته از ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که توسط اعضای سازمان به عنوان ویژگی‌های محوری، مستمر و شاخص متمایز ادراک شده و در نحوه تعریف آنها از خود (به عنوان اعضای سازمان) و سازمان‌شان سهیم است (کیم و همکاران^۲، ۲۰۱۸، ۳). بنابراین آگاهی هر چه بیشتر مدیران و اداره‌کنندگان سازمان‌های مختلف از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت سازمانی و همچنین تأثیر وجود هویت سازمانی مستحکم بر میزان تعهد کارکنان، ضروری است و زمینه لازم جهت شکل دادن به هویت سازمانی منسجم و دست یافتن به مزایای رقابتی حاصل از آن را در پی خواهد داشت. تحقیقات در این حوزه نیز نشان می‌دهد، کارکنانی که احساس هویت یکسانی با سازمان خود دارند، تفک و رفتارهای مفیدی در برابر محیط کار خود نشان می‌دهند (سوبا، ۲۰۱۹).

حال با توجه به این یافته‌ها، برای این‌که معلمان بتوانند نقش، وظایف شغلی و تعهد خود را به خوبی ایفا کنند، لازم است از هویت سازمانی بالا و شایسته‌ای برخوردار باشند. تحقیقات صادقیان سورکی و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد که رابطه معنادار بین مؤلفه وفاداری با تعهد عاطفی، مؤلفه عضویت با تعهد هنجاری و مؤلفه شباهت با تعهد پایدار است. در تحقیق رحمان سرشت و ساغروانی (۲۰۱۲) نیز تأثیر مثبت هویت سازمانی بر تعهد عاطفی تأیید شد. همچنین محققان نشان دادند که منزلت و پایگاه اجتماعی بر روحیه و کارایی معلمان تأثیر بسزایی دارد (آرام و قائم پور، ۲۰۱۱، ۲۷). منزلت یا پایگاه اجتماعی، شأن و موقعیتی است که برای یک فرد در جامعه قائل‌اند و ذهنیتی است که دیگران از یک

1. Luo

2. Kim et al.



شخص یا شغل دارند. کسانی که به موقعیت‌های حساس و با ارزش اجتماعی یا به تعبیری منزلت شغلی بالا به لحاظ انجام وظایف با مهارت‌ها و توانایی‌های استثنایی دست می‌یابند، معمولاً از امتیازات و شأن اجتماعی بالاتری نیز برخوردار می‌گردند (نادریان جهرمی و جابری، ۲۰۱۲، ۲۵). عدم وجود دغدغه‌های معیشتی، وجود تشکل‌های صنفی، توجه بیشتر حاکمیت به حرفه معلمی، وجود امنیت-های حرفه‌ای، اقتصادی و بهداشتی و به‌کاربردن نظر معلمان در تصمیم‌گیری‌ها از عوامل عمده افزایش تعهد شغلی و کیفیت کار معلمان و ارتقای موقعیت اجتماعی آنها است (یونسکو^۱، ۲۰۰۳، ۱۳).

جایگاه معلمان و پایگاه اجتماعی آنها را می‌توان از موضوعات نگران‌کننده بین‌المللی در دهه گذشته دانست و تلاش‌های بسیاری برای پیدا کردن عوامل مؤثر در پایگاه اجتماعی معلمان در سطح جهانی صورت گرفته است تا از این طریق بتوان منزلت اجتماعی آنها را ارتقاء بخشید. تحقیقات نشان می‌دهد که در کشورهای اروپایی معلمان از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند (وارینگ^۲، ۲۰۱۸، ۳). ترهارت (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان داده است که معلمان دارای پایگاه اجتماعی مطلوب و رضایت شغلی بالایی بودند. در حالی که براساس شواهدات در ایران و البته بسیاری از کشورهای در حال توسعه، معلمان از شغل خود احساس سرشکستگی می‌کنند و به شغل خود افتخار نمی‌کنند. نتایج تحقیقات داخلی درباره جایگاه و موقعیت شغلی و اجتماعی معلمان توسط حسن پور (۲۰۱۱)، رازقی (۲۰۱۱)، عیوضی (۲۰۱۲)، نادریان و جابری (۲۰۱۲)، زنگنه (۲۰۱۴)، معبودی (۲۰۱۴) و طیبی (۲۰۱۴) انجام گرفته است. نشان می‌دهد جایگاه اجتماعی معلمان در ایران با چالش‌های فراوانی روبرو است. تحقیقات خارجی مانند ترهارت (۲۰۲۲)، وسل^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، کوینگ (۲۰۲۰)، میتچل و همکاران، (۲۰۱۹)، سوبا (۲۰۱۹)، ژنگ^۴ (۲۰۱۸)، کیم و همکاران (۲۰۱۸) و لائو و همکاران (۲۰۱۷) نشان داده‌اند که موقعیت جایگاه اجتماعی معلمان با نگرش‌سازمانی‌ها (هویت، تعهد و...) ارتباط مستقیمی دارد.

به علت اهمیت فراوان این موضوع‌ها، تحقیقات فراوانی در دو دهه اخیر روی موقعیت اجتماعی و شغلی و هویت‌سازمانی و تعهد حرفه‌ای صورت گرفته است، اما در این تحقیقات، هر کدام از این موضوعات به صورت مستقل بررسی شده و رابطه تأثیر آنها بر یکدیگر مطالعه نشده است و با توجه به این که معلمان زمانی قادرند از عهده تعهد شغلی و وظایف آموزشی خود به خوبی و شایستگی برآیند

-
1. UNESCO
 2. Waring
 3. Wessel
 4. Zheng



که از شأن و منزلت بالایی برخوردار باشند، لذا ممکن است موقعیت و منزلت شغلی بر رضایت شغلی، انگیزش و به ویژه بر تعهد حرفه‌ای و شغلی معلمان اثرگذار باشد و چون هویت‌سازمانی نیز می‌تواند بر تعهد حرفه‌ای معلمان اثرگذار باشد به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شد. چون به نظر می‌رسد اگر موقعیت و جایگاه شغلی یا حرفه‌ای معلمان بالا باشد، متغیر هویت‌سازمانی که عمدتاً از اشتغال در سازمان آموزش و پرورش یا مدرسه کسب می‌شود (وسل و همکاران، ۲۰۲۱)، اثر جایگاه اجتماعی را بر تعهد حرفه‌ای تعدیل کند. به عبارت بهتر معلمان علاوه بر جایگاه اجتماعی باید به سازمان نیز احساس افتخار کنند و بخش زیادی از هویت خود را با حضور در سازمان آموزش و پرورش یا مدارس شکل دهند یا در آن جستجو کنند. بنابراین جایگاه اجتماعی معلمان به عنوان متغیر مستقل می‌تواند بر تعهد حرفه‌ای، به عنوان متغیر وابسته اثرگذار باشد. لذا در این تحقیق هدف محقق مطالعه روی نقش و جایگاه معلمان و رابطه آن با تعهد حرفه‌ای است و در این میان تأثیر متغیر میانجی هویت‌سازمانی بر تعهد حرفه‌ای، که این عوامل در موفقیت زندگی شغلی آنها نیز نقش بسیار مهمی دارد، بررسی شده است. لذا پرسش اصلی تحقیق این است اثر جایگاه اجتماعی معلمان تربیت‌بدنی بر تعهد حرفه‌ای چگونه است؟ و هویت‌سازمانی به عنوان متغیر میانجی تا چه اندازه می‌تواند بر این رابطه اثرگذار باشد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-همبستگی است و به شکل میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه معلمان تربیت‌بدنی شهر رشت تشکیل دادند (۲۶۵ نفر). نمونه آماری این تحقیق به علت پایین بودن تعداد معلمان تربیت‌بدنی و امکان عدم بازگشت و عودت کامل پرسش‌نامه، برابر جامعه آماری در نظر گرفته شده است. پرسش‌نامه پژوهش محقق ساخته و بر اساس دو مرحله کیفی و کمی است. شامل سه پرسش‌نامه جایگاه اجتماعی، تعهد حرفه‌ای و هویت‌سازمانی است که در مقیاس ارزشی (بسیار زیاد=۱ تا بسیار کم=۵) و پرسش‌نامه‌های تعهد حرفه‌ای و هویت‌سازمانی، به همراه پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی^۱ است. در بخش جمعیت‌شناختی، ۸ سؤال مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری تحقیق (سن، جنسیت، سابقه خدمت، مدرک تحصیلی، وضعیت استخدام، تأهل، شغل همسر و مقطع تدریس) است. بخش دوم پرسش‌نامه شامل:

1. Demographic



الف) پرسشنامه جایگاه اجتماعی: برگرفته از تحقیق نادریان جهرمی و جابری (۱۳۹۱) و دارای ۳۳ گویه است که در قالب چهار بعد هویت تحصیلی، مهارت‌های حرفه‌ای، محیط آموزشی و هویت شغلی قرار گرفتند.

ب) پرسشنامه تعهد حرفه‌ای: برگرفته از تحقیق رضانی‌نژاد و همکاران (۲۰۱۷) که دارای ۱۲ گویه است و از پرسش‌نامه قالب ۳ بعد کسب هویت، ماندن در شغل و دلبستگی شغلی استفاده شده است. ج) پرسشنامه هویت سازمانی: در دارای ۶ گویه‌ای و برگرفته از تحقیق صادقیان و همکاران (۲۰۱۰) است که دارای سه بعد عضویت، وفاداری و شباهت بود.

در این پژوهش روایی محتوی و صوری پرسش‌نامه توسط صاحب‌نظران (۱۹ نفر) تأیید شد. همچنین پایایی آن نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۹) و پایایی ترکیبی محاسبه شد. در نهایت جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار پی.ال.اس استفاده گردید.

نتایج

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش توصیفی، برخی از ویژگی‌های جمعیت شناختی (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، سابقه خدمت، وضعیت استخدام، مدرک تحصیلی و مقطع تدریس) نمونه آماری تحقیق گزارش شده است (جدول ۱).

جدول ۱- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری تحقیق

متغیر	فراوانی (به نفر)	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	52.6
	زن	47.4
سن (سال)	20-30	16.3
	31-40	55.3
	41-50	25.1
	بیشتر از 50	3.3



ادامه جدول ۱- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری تحقیق

متغیر	فراوانی (به نفر)	درصد فراوانی
وضعیت	50	23.3
تأهل	165	76.7
سابقه	112	52.1
خدمت	68	31.6
	35	16.3
وضعیت	69	32.1
استخدام	38	17.7
	82	38.1
	21	9.8
تحصیلات	20	8.8
	104	48.8
	91	42.3
مقطع	100	46.5
تدریس	60	27.9
	55	25.6
جمع کل	215	100%

در جدول ۱، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ورزشکاران توصیف شده است به طوری که ۵۲/۶ درصد (۱۱۳ نفر) از افراد نمونه مربوط به مرد و ۴۷/۴ درصد (۱۰۲ نفر) از افراد نمونه مربوط به جنسیت زن بود. همچنین بیشترین فراوانی با ۵۵/۳ درصد (۱۱۹ نفر) مربوط به سن ۳۱-۴۰ و کمترین فراوانی با ۳/۳ درصد (۷ نفر) مربوط به سن بیشتر از ۵۰ سال بود و ۲۳/۳ افراد نمونه (۵۰ نفر) مجرد و ۷۶/۷ درصد (۱۶۵ نفر) را افراد متأهل تشکیل داده‌اند. همچنین ۵۲/۱ درصد افراد نمونه (۱۱۲ نفر) سابقه بین ۱ تا ۱۰ سال دارند و کمترین تعداد فراوانی، به افراد بالای ۲۱ سال سابقه (۱۶/۳ درصد) مربوط می‌شود که ۳۸/۱ درصد (۸۲ نفر) مربوط به وضعیت پیمانی و کمترین فراوانی با ۹/۸ درصد (۲۱ نفر) مربوط به وضعیت قراردادی بود. همچنین بیشترین فراوانی با ۴۸/۸ درصد (۱۰۴ نفر) مربوط به مقطع کارشناسی و کمترین فراوانی با ۸/۸ درصد (۲۰ نفر) مربوط به مقطع فوق دیپلم بود. البته معلمان دارای مدرک تحصیلی ارشد و بالاتر نیز با ۴۲/۳ درصد، تعداد بالایی از این داده‌ها را شامل می‌شوند.



۴۶/۵ پاسخ دهندگان (۱۰۰ نفر) در مقطع ابتدایی، ۲۷/۹ پاسخ دهندگان (۶۰ نفر) در مقطع متوسطه اول و ۲۵/۶ از پاسخ دهندگان (۵۵ نفر) هم در مقطع متوسطه دوم بیشترین ساعات تدریس را داشته اند.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار بین متغیرهای پژوهش

ابعاد	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار
	هویت	3.32	0.28
	تحصیلی		
جایگاه اجتماعی	مهارت های حرفه ای	3.00	1.13
	محیط آموزشی	2.88	0.59
	هویت شغلی	3.17	1.08
	کسب هویت	2.45	1.02
تعهد حرفه ای	ماندن در شغل	2.47	0.63
	دلبستگی شغلی	3.92	0.73
	عضویت	3.38	0.88
هویت سازمانی	وفاداری	3.30	0.90
	شباهت	3.21	0.88

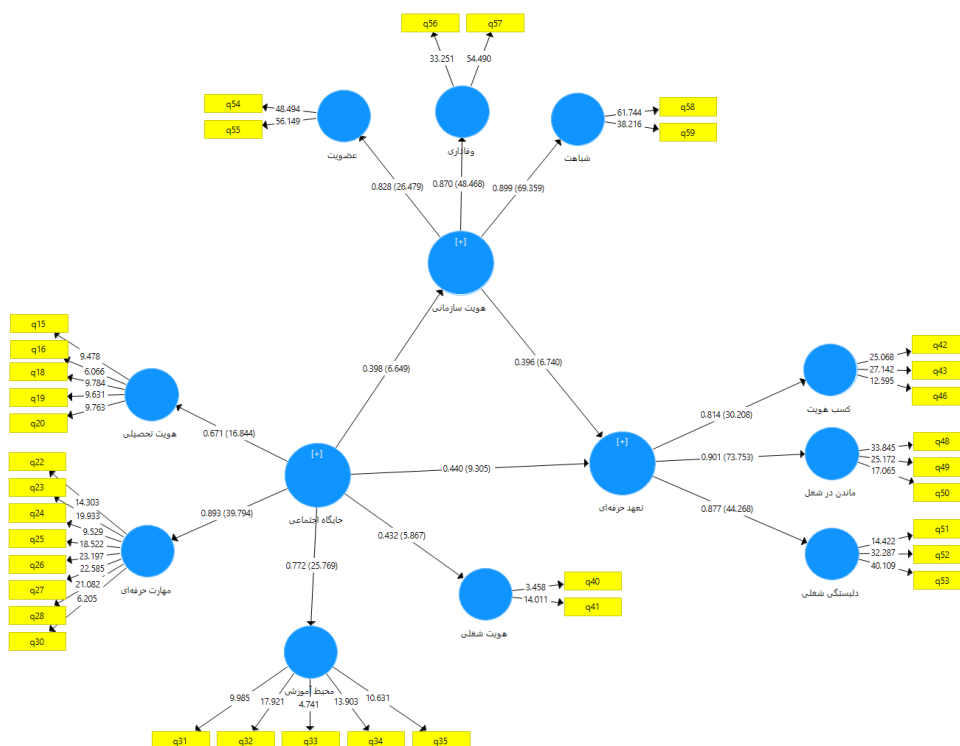
با توجه به جدول ۲، ملاحظه می شود که عامل دلبستگی شغلی دارای بیشترین میانگین (۳/۹۲) است و عامل کسب هویت دارای کمترین میانگین (۲/۴۵) است. در بخش دیگری از ضریب شاخص R^2 و فرمول GOF جهت مناسب بودن برازش مدل ساختاری استفاده شد است (فرمول ۱). R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برونزا بر یک متغیر درونزا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳، ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می شود (داوری و رضازاده، ۲۰۱۴). با توجه به نتایج نرم افزار، مقدار R^2 متغیرهای پژوهش با توجه به سه مقدار ملاک، مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می کند. در پی.ال.اس، به منظور برازش مدل کلی (مدل اندازه گیری و ساختاری) معیاری کلی تحت عنوان GOF (Goodness Of Fit) به عنوان شاخصی مطمئن برای برازش کل مدل محسوب شود. با توجه به بررسی های آنها GOF از طریق معادله زیر



قابل محاسبه است. مقادیر به دست آمده توسط این فرمول با توجه به مطالعات وتزلس و همکاران (۲۰۰۹) می‌تواند با سه مقدار ۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ در سه سطح ضعیف، متوسط و قوی تقسیم‌بندی شوند. با توجه به آن که معیار نام‌برده برابر ۰/۶۹۱ است، فلذا بنابر پژوهش‌های وتزلس و همکاران (۲۰۰۹) برازش کلی مدل در حد "بسیار قوی" مورد تأیید قرار می‌گیرد.

$$GOF = \sqrt{\text{communalities}} \times \bar{R}^2 = \sqrt{0/567} \times 0/647 = 627$$

با توجه به آن که معیار نام‌برده برابر ۰/۶۲۷ است، لذا بنابر پژوهش‌های وتزلس^۱ و همکاران (۲۰۰۹) برازش کلی مدل در حد "بسیار قوی" مورد تأیید قرار می‌گیرد. در بخش آمار استنباطی برای بررسی مجدد ارتباط میان مؤلفه‌ها با متغیرهای مربوط از تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر برای کلیه متغیرها استفاده شد (شکل ۲).



شکل ۱- میزان ضریب اثر و آماره معناداری T value مدل پژوهش

1. Vtzlz et al



جدول ۳- نتایج فرضیه اصلی آزمون مدل نهایی پژوهش

نتیجه فرضیه	معنی دار	آماره t	ضریب	فرضیات پژوهش
تأیید	0.001	16.31	0.670	جایگاه اجتماعی -> هویت تحصیلی
تأیید	0.001	36.34	0/882	جایگاه اجتماعی -> مهارت های حرفه‌ای
تأیید	0.001	23.97	0.770	جایگاه اجتماعی -> محیط آموزشی
تأیید	0.001	6.14	0.444	جایگاه اجتماعی -> هویت شغلی
تأیید	0.001	30.42	0.814	تعهد حرفه‌ای -> کسب هویت
تأیید	0.001	70.40	0.901	تعهد حرفه‌ای -> ماندن در شغل
تأیید	0.001	43.16	0.877	تعهد حرفه‌ای -> دلبستگی شغلی
تأیید	0.001	25.75	0.827	هویت سازمانی -> عضویت
تأیید	0.001	46.42	0.870	هویت سازمانی -> وفاداری
تأیید	0.001	67.90	0.898	هویت سازمانی -> شباهت

بر اساس جدول ۳ و شکل ۲، مشخص می‌شود که ابتدا در زمینه جایگاه اجتماعی نیز هر چهار مؤلفه دارای نقش معناداری در تبیین جایگاه اجتماعی داشتند، به طوری که به ترتیب مؤلفه‌های مهارت حرفه‌ای (۰/۸۸۲)، محیط آموزشی (۰/۷۷۰)، هویت تحصیلی (۰/۶۷۰) و هویت شغلی (۰/۴۴۴)، دارای نقش معناداری در تبیین جایگاه اجتماعی معلمان تربیت بدنی شهر رشت بودند. همچنین در زمینه هویت سازمانی هر سه مؤلفه دارای نقش معناداری در تبیین هویت سازمانی هستند، به طوری که به ترتیب مؤلفه شباهت (۰/۸۹۹)، وفاداری (۰/۸۷۰) و عضویت (۰/۸۲۷) دارای نقش معناداری در تبیین هویت سازمانی بودند. در زمینه تعهد حرفه‌ای هر سه مؤلفه دارای نقش معناداری در تبیین تعهد حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی هستند، به طوری که به ترتیب مؤلفه ماندن در شغل (۰/۹۰۱)، دلبستگی شغلی (۰/۸۷۷) و کسب هویت (۰/۸۱۴) بیشترین نقش را در تبیین تعهد حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی شهر رشت دارند. بر اساس تحلیل مسیر مشخص شد که متغیر جایگاه اجتماعی به طور مستقیم دارای اثر مثبت و معناداری بر تعهد حرفه‌ای (۴۵ درصد)، هویت سازمانی (۴۱ درصد) است و تغییرات آنها را تبیین می‌کند، سپس نتایج نشان داد که هویت سازمانی بر تعهد حرفه‌ای به طور مستقیم اثر مثبت و معناداری دارد و حدود ۳۸ درصد این متغیر را تبیین می‌کند. در ادامه برای بررسی میزان اثر متغیر میانجی از آزمون سوبل و وی.ای.اف استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است.



جدول ۵- فرضیات میانجی پژوهش

VAF	Sobel test	فرضیات میانجی
0.461	9.183	جایگاه اجتماعی--> هویت سازمانی--> تعهد حرفه‌ای

یافته‌های جدول فرضیه‌های میانجی پژوهش نشان داد که اثر متغیر جایگاه اجتماعی بر تعهد حرفه‌ای با میانجی‌گری هویت سازمانی نشان داد که ۴۶ درصد از اثر کلی متغیر جایگاه اجتماعی بر روی تعهد حرفه‌ای به‌طور غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی هویت سازمانی تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که رابطه مثبت پایین و معناداری ($R^2=0/04$) و معناداری ($0/047$) بین سابقه خدمت و جایگاه اجتماعی معلمان تربیت‌بدنی شهر رشت وجود دارد. در واقع آنها با بالا رفتن سابقه خدمت‌شان، جایگاه اجتماعی خود را بالاتر دانسته‌اند. قضاوت معلم درباره طرز رفتارشان تحت تأثیر سن و به طبع آن سابقه قرار می‌گیرد که البته دلیل آن می‌تواند وضعیت و موقعیتی باشد که او در آن فرهنگ رشد کرده و اجتماعی شده‌اند. در واقع ممکن است، فرهنگ و روش اجتماعی شدن که در زمان تحصیل آنها رایج بوده، بر قضاوت آنها تأثیر داشته است و به همین دلیل قضاوت و رفتار معلمان با سوابق متفاوت، بر نوع تفکر و رفتار و انتظارات‌شان اثرگذار باشد. البته این مطلب را هم باید بیان کرد که بر طبق مطالعه لاو و همکاران (۲۰۱۷) هر چه سابقه خدمت بالاتر می‌رود، امنیت شغلی نیز بالاتر می‌رود و وضعیت استخدامی بهتری پیدا می‌کنند که این خود سبب آسودگی خیال و نوعی آرامش روانی می‌شود. از منظر دیگری نیز می‌توان گفت که با افزایش سابقه و پیشرفت شغلی و همچنین همزمان برخی کاهش انتظارات شغلی دارد این احتمال وجود دارد که احساس دل‌بستگی و رضایت بهتری نسبت به جایگاه خود داشته باشند.

نتایج در مورد رابطه مدرک تحصیلی با جایگاه اجتماعی نشان داد که رابطه منفی و معناداری ($R^2=0/09$) و معناداری ($0/002$) بین این مؤلفه‌ها وجود دارد. به نحوی که هر چه مدرک تحصیلی معلمان بالاتر رفته است احساس پایین‌تری از جایگاه و منزلت خود داشته و دل‌بستگی و تعلق‌شان به حرفه معلمی کمتر شده است. این یافته با نظریه برابری که فرد هر گاه احساس برابری بین نهاده‌ها و نتایج ننماید، در او انگیزه و رضایت ایجاد نمی‌شود و همین‌طور با نظریه انتظار که ممکن است نوع و میزان انتظارات نیروهای با تحصیلات بالا بیشتر باشد (کیم و همکاران، ۲۰۱۸، ۳) همخوانی دارد. بنابراین می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که با بالاتر رفتن مدرک تحصیلی و نهاده‌هایی که معلمان با



تحصیلات به دست می‌آورند و انتظار دارند به نسبت داده‌هایی که برای سازمان به ارمغان آورده‌اند به همان میزان از سازمان دریافت کنند، چون این دریافتی را از سازمان ندارند و به میزانی که باید پاداش دریافت نمی‌کنند و به جایگاه واقعی خود در سازمان دست نمی‌یابند، بنابراین احساس رضایت‌مندی و دلبستگی پایینی دارند و جایگاه اجتماعی خود را پایین ارزیابی می‌کنند. این نتیجه با مطالعه هاردمن و همخوانی دارد، زیرا در مطالعه مذکور افراد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر، کمترین رضایت شغلی را ابراز کرده‌اند. نتایج برخی تحقیقات بیانگر این مطلب است که با افزایش مدرک تحصیلی تمایل به ادامه خدمت کاهش می‌یابد، اما نتایج مطالعه ژنگ (۲۰۱۸) با تحقیق حاضر همخوانی ندارد که ممکن است به علت تفاوت در نوع شغل و سازمان باشد. همچنین این احتمال وجود دارد که در آن سازمان‌ها با افزایش میزان تحصیلات، کنترل شغلی و نظارت کمتری از جانب سرپرست بر روی عملکرد اعمال شود و چنین ادراکی از آن توسط پاسخ دهندگان باشد، از دلایل آن باشد. برخی تحقیقات نشان داده‌اند معلمانی که سن بالایی داشته ولی از تحصیلات کمتری برخوردار بوده‌اند، نگرش مثبت‌تری نسبت به قدرت و منزلت اجتماعی، حقوق و تعهد نسبت به شغل معلمی داشتند و احساس می‌کردند که تغییر قابل‌ملاحظه‌ای در زندگی دانش آموزان ایجاد کرده‌اند (ردلو^۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

وضعیت استخدامی، دیگر مؤلفه‌ای است که با جایگاه اجتماعی معلمان، رابطه مثبت و معناداری داشت. وضعیت استخدامی به نوع قرارداد معلمان و قراردادی، پیمانی یا رسمی بودن آنان اشاره دارد. دلیل محتمل برای این موضوع، تأثیر مهمی است که نوع قرارداد بر امنیت شغلی معلمان و همچنین، میزان و نحوه دریافت حقوق، مزایا و سایر منافع مادی آنان دارد. در واقع هر چه معلمان تربیت‌بدنی از وضعیت استخدامی خود مطمئن‌تر باشند و احساس امنیت شغلی داشته باشند، مسلماً احساس رضایت و تعلق بیشتری به حرفه خود دارند و در نتیجه جایگاه و منزلت خود را بالاتر می‌پندارند. این نتایج با نتایج تحقیقات دشتی و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی ندارد که احتمالاً ترس از پاسخ صحیح به علت نداشتن امنیت شغلی و شرایط خاص آن شغل است.

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که جایگاه اجتماعی اثر معناداری بر تعهد حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی شهر رشت دارد. مهارت‌های حرفه‌ای یکی از ابعاد در نظر گرفته شده برای متغیر جایگاه اجتماعی و دلبستگی شغلی نیز از ابعاد متغیر تعهد حرفه‌ای است که در تحقیق انجام شده مؤثرترین ابعاد هستند. اسلامی و محمدداودی (۲۰۱۴) در تحقیق خود با عنوان ارزیابی سطح صلاحیت‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای مدیران مدارس و رابطه آن با تعهد و دلبستگی شغلی معلمان به این نتیجه رسیدند که بین

1. Ridlo



مهارت‌های حرفه‌ای و تعهد و دلبستگی شغلی معلمان رابطه معناداری وجود دارد، هویت شغلی یکی دیگر از مؤلفه‌ها برای متغیر جایگاه اجتماعی است. یکی از مشکلاتی که در مقطع کنونی آموزش و پرورش وجود دارد، کمبود بودجه و تهیه هزینه‌های موجود در این سازمان است. چون سازمان آموزش و پرورش به‌طور مستقیم، نهادی پول‌ساز و درآمدزا نیست، در اکثر زمینه‌ها به‌خصوص در زمینه تربیت‌بدنی و تهیه و تأمین امکانات و تجهیزات ورزشی برای مدارس و سرانه پرداختی به ازای هر دانش‌آموز با مشکل روبه‌رو است. این ضعف‌ها به نوبه خود می‌توانند سبب تنزل جایگاه این درس و کاهش انگیزه و جایگاه سازمان برای معلمان تربیت‌بدنی شوند. چون این پدیده باعث می‌شود والدین و البته جامعه به این درس اهمیت ندهند و ارزش و اعتباری برای این درس قائل نباشند که پیامد آن را می‌توان از دست دادن جایگاه این درس و به سبب آن پایین آمدن جایگاه اجتماعی معلمان تربیت‌بدنی در دید والدین و سازمان و جامعه دانست، که این خود سبب عدم تعهد به حرفه و شغل خواهد شد. اگر آموزش و پرورش بتواند محیطی را برای معلمان تربیت‌بدنی فراهم کند که تجارب شغلی مطلوبی را تجربه کنند و بین تربیت‌بدنی و ورزش و دیگر دروس تبعیض غیرمعارف قائل نشوند احتمالاً سبب ادراک بهتری از جایگاه اجتماعی و هویت سازمانی می‌شود. اگر معلمان ادراک مثبت و مناسبی از جایگاه اجتماعی داشته باشند در صورت عدم نظارت و کنترل قوی نیز عملکرد و رفتار مناسبی خواهند داشت. در تبیین نظری بیشتر می‌توان گفت بر اساس نظریه تبادل اجتماعی، از آنجایی که کارکنان، منافع مورد نیاز و انتظارات خود از سازمان را دائماً مطالبه می‌کنند، در صورت ادراک ارزش و هویت مناسب، برای ارائه رفتارهایی فراتر می‌توانند انگیزه پیدا خواهند کرد (وسل و همکاران، ۲۰۲۱، ۴).

بررسی اثر جایگاه اجتماعی بر هویت‌سازمانی نیز بیانگر اثر معناداری (۰/۳۹) بین این متغیرها بود. اهمیت تعلق و همبستگی به دلیل وجود هویت‌سازمانی در این است که این مؤلفه، دربردارنده احساسی قوی‌تر از رابطه میان افراد در قالب حمایت و پشتیبانی، آزادی بیان و مراقبت عمومی است. آنان به دلیل دوست داشتن محیط کار خود، احتمالاً از اقداماتی که به بهبود تصویر سازمان و همکاران آنها کمک می‌کند دریغ نمی‌نمایند. همچنین، زمانی که ارزش‌های کارکنان با ارزش‌های سازمانی در تطابق باشد، آنها راضی‌تر هستند، به سازمان تعهد بیشتر دارند، تمایل کمتری به ترک سازمان دارند، نگرش و افکار مثبت‌تری به کارکنان سازمان دارند و دارای رفتار اجتماعی از پیش تعیین شده هستند، زیرا سازمان را پشتیبان خود می‌دانند و در حقیقت، خود را از سازمان جدا نمی‌دانند (میتچل و همکاران، ۲۰۱۹، ۵). حال هر چه جایگاه اجتماعی فرد از حرفه‌ای که در آن نقش‌آفرینی می‌کند بیشتر شود، خود را با سازمان بیشتر هویت‌یابی می‌کند و احساس یکی بودن با سازمان می‌کند و



همین دل بستگی به سازمان است که سبب رضایت از حرفه می‌شود. نیلی پور طباطبایی و بیگری (۲۰۱۴) در پژوهش خود با نام بررسی ارتباط بین هویت‌سازمانی، رضایت شغلی و رفتار شهروندی در پرستاران به این نتیجه رسیدند که هویت‌سازمانی با رضایت شغلی و رضایت شغلی با رفتار شهروندی سازمانی رابطه مثبت و معناداری دارند. کاهش هویت و به تبع آن کاهش رضایت شغلی موجب افزایش ترک خدمت کارکنان می‌شود و سرمایه‌های انسانی و دانشی سازمان از دست می‌رود. اگر به معلمان تربیت‌بدنی با احترام و شخصیت بخشی رفتار شود، در تصمیم‌گیری‌ها و استراتژی‌های درس تربیت‌بدنی از نظرات و دیدگاه‌های آنها استفاده شود، داده‌هایشان با ستاده‌هایی که از سازمان و مدارس دریافت می‌کنند برابری کند و در انجام فعالیت‌های خود در آموزشگاه‌ها ابتکار عمل و استقلال داشته باشند و غیره، احساس و درک مناسب و درخوری از جایگاه و منزلت اجتماعی خود پیدا می‌کنند و به حرفه و سازمان خود به دیده افتخار می‌نگرند که این خود باعث نگرش مثبت به حرفه، علاقه به سازمان و در نتیجه هویت‌سازمانی مثبتی خواهد شد.

همچنین یافته‌های این تحقیق نشان داد که هویت‌سازمانی بر تعهد حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی اثر معناداری (۰/۵۷) دارد و هویت‌سازمانی می‌تواند پیش‌بینی کننده تعهد حرفه‌ای باشد. مطالعات پژوهشگران بیانگر این مطلب است که هر زمان کارمندان با سازمان خود هویت یابی می‌شوند، تعهد بالاتری به حرفه خود داشته‌اند و تمایل به ترک شغل و سازمان در آن‌ها کاهش می‌یابد (ژنگ، ۲۰۱۸، ۳). محققان ادعان نمودند که دل بستگی شغلی پیش‌درآمد یا پیش‌نیاز تعهد شغلی است. آنها دل بستگی شغلی را به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده روابط میان نگرش‌های مختلف از جمله اخلاق کاری، تعهد حرفه‌ای و تعهد شغلی تعریف کرده‌اند. به‌ویژه این که دل بستگی شغلی روی تعهد شغلی اثر مستقیم می‌گذارد. از دیدگاه این دو پژوهشگر، رابطه بین دل بستگی شغلی و تعهد شغلی مبتنی بر تئوری مبادله اجتماعی است، زیرا افراد تمایل دارند با کسانی ارتباط دوجانبه برقرار کنند که از آنها منتفع شوند. تجارب کاری مثبت کارمندان نیز در گرو تلاش‌های سازمان است زیرا کارمندانی که دل بستگی شغلی بالایی داشته باشند هویت‌سازمانی آنها افزایش می‌یابد و در نتیجه تعهدشان به شغل و سازمان بیشتر می‌شود (به نقل از ابطحی و مولایی، ۲۰۰۶، ۵۷). مصطفی نژاد (۲۰۱۳) در تحقیق خود به رابطه مثبت میان هویت‌سازمانی و تعهد حرفه‌ای اشاره کرد. البته زمانی که هویت نقش میانجی را بین سیاست سازمانی و تعهد حرفه‌ای داشت، رابطه منفی و غیر معنادار بود. صادقان سورکی و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که زمانی که این دو متغیر کنار هم باشند بیشترین تأثیر را خواهند داشت. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های رحمان سرشت و ساغروانی (۲۰۱۴) سازگار است. باید به این نکته ادعان داشت که می‌توان از طریق راهکارهایی جهت افزایش هویت‌سازمانی از



جمله توجه مدیران سازمان به کارکنان، فعالیت‌ها و کارهایی که کارکنان بین خود و سازمان ویژگی‌های مشترک پیدا می‌کنند و ایجاد اهداف مشترک بین افراد و سازمان می‌توان حس شباهت و وفاداری بین کارمند و سازمان را به وجود آورد تا ایجاد هویت‌سازمانی را برای کارکنان افزایش داد و به بروز هر چه بیشتر تعهد حرفه‌ای کارکنان منجر شد. توجه به هویت‌سازمانی زمانی ارزشمند است که بتوانیم آن را در بستر سازمان مطالعه کنیم و در جهت مناسب تغییر دهیم. اگر چه تغییر هویت‌سازمانی به‌سختی صورت می‌گیرد و مسل و همکاران (۲۰۲۱) بیان کردند که می‌توان هویت‌سازمانی را تغییر داد. بنابراین با توجه به تأثیر هویت‌سازمانی بر تعهد حرفه‌ای می‌توان نتیجه گرفت که نحوه معنابخشی فرد به سازمان (هویت‌سازمانی) می‌تواند پیوند وی را با سازمان، پیش‌بینی نماید. ضمناً با توجه به این که می‌توان اثرات مستقیم بین دو متغیر را از طریق متغیر سوم هدایت کرد بنابراین ارزیابی رابطه غیرمستقیم نیز اهمیت دارد. در این پژوهش هویت‌سازمانی در نقش متغیر میانجی برای جایگاه اجتماعی و تعهد حرفه‌ای انتخاب و تحلیل شد. بر حسب یافته رابطه غیرمستقیم جایگاه اجتماعی بر تعهد حرفه‌ای با میانجی هویت معنادار است و شدت آن کمی بیشتر از اثر مستقیم جایگاه بر تعهد حرفه‌ای است. این یافته بیانگر آن است که رابطه علی معلولی بین جایگاه و تعهد را می‌توان با میانجی هویت‌سازمانی هدایت یا تغییر اساسی در آن ایجاد کرد. حسنی و همکاران (۲۰۱۵) با مطالعه تأثیر تجربه و عوامل سازمانی بر تعهد حرفه‌ای معلمان با بررسی نقش میانجی خودکارآمدی و هویت‌سازمانی بر روی کلیه معلمان ابتدایی شهرستان پیرانشهر در سال تحصیلی ۹۲-۲۰۱۲ به این نتیجه رسیدند که مسیرهای بین خودکارآمدی و هویت‌سازمانی با تعهد حرفه‌ای معنادار است و واسطه‌گری هویت در رابطه بین گفتگوی دوطرفه با تعهد حرفه‌ای معنادار شد، ولی میانجی‌گری هویت‌سازمانی در ارتباط بین سیاست و تعهد حرفه‌ای تأیید نگردید. البته هویت هر سازمان، افراد درون آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سوبا، ۲۰۱۹). اگر قصد بر آن باشد که هویت، تصویر مثبتی از سازمان ارائه دهد، پس باید مدیران از سبک‌های کارساز و مطلوب استفاده کنند تا در تحقق این هدف موفق باشند. با تقویت هر چه بیشتر هویت‌سازمانی در کارکنان از طریق برقراری ارتباطات داخلی و خارجی در سازمان، به وجود آوردن وجهه خارجی مثبت از سازمان و به وجود آوردن تیم مدیران عالی و باکفایت در سازمان، می‌توان این حس را در کارکنان به وجود آورد که خود را از طریق سازمان هویت‌یابی نمایند. در واقع باید گفت مدیران عالی سازمان در شکل‌گیری هویت‌سازمانی نقش بسزایی ایفا می‌کنند، زیرا توانایی رهبری مدیران و شایسته‌سالاری آنان بر هویت شغلی و سازمانی کارکنان اثر گذار است. در واقع بر اثر تصمیمات موفق مدیران، موقعیت و برند سازمان ارتقا پیدا می‌کند و در نتیجه رضایت و هویت کارکنان ارتقا می‌یابد.



به طور کلی بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که هر چند جایگاه اجتماعی به طور مستقیم اثر قابل توجهی بر تعهد حرفه‌ای دبیران تربیت‌بدنی دارد اما اثر غیرمستقیم آن (از طریق میانجی هویت‌سازمانی) بیشتر است. بر این اساس به مدیریت بخش تربیت‌بدنی آموزش و پرورش شهر رشت پیشنهاد می‌شود که جهت افزایش جایگاه و منزلت معلمان تربیت‌بدنی به طور مستقیم برای ارتقای هویت‌سازمانی آنان اقدام کنند تا از این طریق تعهد و التزام معلمان تربیت‌بدنی را به حرفه و در نهایت به سازمان آموزش و پرورش افزایش دهند.

تقدیر و تشکر

تیم تحقیق این پژوهش از همکاری معاونت تربیت‌بدنی و سلامت اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان و کلیه پاسخ دندگان این پژوهش قدرانی و تقدیر بی عمل می‌آورند.

منابع

1. Aranya, N. Pollock, J. & Amernic, J. (2006). An examination of professional commitment in public accounting. *Organizations and Society*, 6: 271-280.
2. Hakimi, R., & Roudbari, M. (2006). Comparison of Social Position of Primary, Secondary and Secondary Teachers of Sistan and Baluchestan Province. *Journal of Educational Sciences and Psychology*, 1(1): 1-14. (Persian)
3. Hassani, Mohammad; Mustafa Nejad, Helaleh; Mustafa Nejad, Chiman; Shohoudi, Maryam. (2015). The effect of experience and organizational factors on teachers 'professional commitment: the Mediating Role of Teacher Efficacy and organizational Identity. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 6(21), 1-20. (Persian).
4. Islamiyya, F., Davoodi, M., & Hossein, A. (2014). Assessment of the level of competencies and professional skills of primary school principals and their relationship with the commitment and commitment of teachers, *Academic Journal of Education and Evaluation*, 7 (27): 103-116. (Persian)
5. Kaab omeir, F., Haidari, G. (2016). Construct and validate a questionnaire Social Position Knowledge and Information Science profession. *Sciences and Techniques of Information Management*, 2(1), 99-122. (Persian).
6. Kim, A. Y., Sinatra, G. M., & Seyranian, V. (2018). Developing a STEM identity among young women: A social identity perspective. *Review of Educational Research*, 88(4), 589-625.
7. Luo, Z., Marnburg, E., & Law, R. (2017). Linking leadership and justice to organizational commitment: The mediating role of collective identity in the hotel industry. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*.



8. Mitchell, R., Boyle, B., & Von Stieglitz, S. (2019). Professional commitment and team effectiveness: a moderated mediation investigation of cognitive diversity and task conflict. *Journal of Business and Psychology*, 34(4), 471-483.
9. Mostafa Nejad, H. (2013). Investigating the Relationship Between Individual and Organizational Forecasts with Professional Commitment of Primary Teachers in the City of Piranshahr. (Persian)
10. Naderiyan Jahromi, M., & Jaber, A. (2012). Factors Affecting the Social Position of Physical Education Teachers from the Viewpoint of High School Students in Isfahan. *Quarterly journal of sport management*, 2(3): 24-31. (Persian)
11. Nili Pour Tabatabaei, A., & Biglari, M. (2013). The Relationship between Organizational Identity, Job Satisfaction and Citizenship Behavior in Nurses. *Quarterly Journal of Nursing Management*, 3 (3): 61-67. (Persian)
12. Qing, M., Asif, M., Hussain, A., & Jameel, A. (2020). Exploring the impact of ethical leadership on job satisfaction and organizational commitment in public sector organizations: The mediating role of psychological empowerment. *Review of Managerial Science*, 14(6), 1405-1432.
13. Rahman Sarsht, H., & Saghranani, S. (2013). The Impact of Organizational Identity and Value Trend toward Employee's Affective Affiliation, *Research Transformation Management*, 5 (1), 9: 52-67. (Persian)
14. Ramezani Nejad, Rahim; Shafiee, Shahram, Rasouli, Rahim, Loghmani, Mohsen (2017). Relationship between Job Characteristics and Satisfaction among Iranian Soccer Referees: the Mediate Role of Professional Commitment. *Applied Research in Sport Management*, 6(1), 21-32.
15. Ridlo, M. R., Widodo, S. E., & Elianasari, E. (2020). The Effect of Power and Motivation in Teacher Organizational Citizenship Behavior (OCB) at Madrasah Aliyah in Central Lombok District. *International Journal for Educational and Vocational Studies*, 2(2).
16. Sadeghian Soraki, M., Jamshidian, A., & Hoveyda, R. (2010). Organizational Identity and Commitment in Educational Centers, Case Studies: Education Centers in Chaharmahal & Bakhtiari Province. *Quarterly Journal of Consulting Cultures*, 1 (4): 25-42. (Persian)
17. Sam Aram, E., & Ghaempour, M. A. (2011). Measuring social status of teachers among students, *Journal of Social Development Studies*, 3 (4): 76-87. (Persian)
18. Subba, D. (2019). Antecedent and consequences of organizational identification: a study in the tourism sector of Sikkim. *Future Business Journal*, 5(1), 1-9.
19. Terhart, H. (2022). Teachers in transition. A biographical perspective on transnational professionalisation of internationally educated teachers in Germany. *European Educational Research Journal*, 21(2), 293-311.
20. Waring, M. (2018). *Social pressures and curriculum innovation: A study of the Nuffield Foundation Science Teaching Project*. Routledge.



21. Wessel, L., Baiyere, A., Ologeanu-Taddei, R., Cha, J., & Blegind-Jensen, T. (2021). Unpacking the difference between digital transformation and IT-enabled organizational transformation. *Journal of the Association for Information Systems*, 22(1), 102-129.
22. Zheng, J., & Wu, G. (2018). Work-family conflict, perceived organizational support and professional commitment: A mediation mechanism for Chinese project professionals. *International journal of environmental research and public health*, 15(2), 344.

ارجاع دهی

حدادی، مهدی؛ رمضان‌نژاد، رحیم؛ ملائی، مینا. (۱۴۰۱). رابطه جایگاه اجتماعی و تعهد حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی با میانجی هویت‌سازمانی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۰ (۲۶): ۶۴-۲۴۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.7605.1701

Haddadi, M; Ramezani Nejad, R; Malaei, M. (2022). Relationship between Social Status and Professional Commitment among the Physical Educators by Mediating Organizational Identity. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 243-64. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2019.7605.1701



Research Paper

The Role of Educational Institutions in Institutionalizing the Culture and Etiquette of Attending Football Stadiums**S. Shabani¹, M. A. Hemmati Nezhad², Sh. Shafiee³, R. Faraji⁴, B. Yarigholi⁵**

1. Ph.D. in Sport Management, University of Guilan, Rasht, Iran
2. Professor in Sport Management, University of Guilan, Rasht, Iran (Author Corresponding)
3. Associate Professor in Sport Management, University of Guilan, Rasht, Iran
4. Associate Professor in Sport Management, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran
5. Associate Professor in Educational Science, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Received: 2020/07/07**Accepted: 2020/09/27****Abstract**

Educational institutions play a key role in the individuals' socialization, transmission, and institutionalization of cultural and social values and norms. The present study aims to the role of educational institutions in institutionalizing the culture and etiquette of attending in football stadiums. It employed an exploratory qualitative research design and the conventional content analysis technique. Thirteen deep semi-structured interviews were conducted with sports security and spectators' violent and aggression experts. The interviews were continued up to the theoretical data saturation. The collected data were analyzed using open and axial coding. The validity of coding was confirmed by two co-experts who reviewed and controlled the accuracy of the extracted codes and re-coding the interviews. The findings showed that educational institutions such as family, media, education, and higher education as four main themes and thirteen categories including cultural acceptance (education of children, families, students, teachers, professors, and citizens), modeling, and transmission of cultural-fan models (production of cultural content, awareness, and information, dissemination, and promotion of cultural models), academic promotion of fandom culture (development of cultural studies and enrichment of textbook content) and cultural co-thinking and networking (interaction and cooperation, and paving the path for the realization of cultural goals) are involved in the formation and institutionalization of culture and etiquette in football stadiums. It seems that paying more attention of educational institutions to the training of sports audiences, trying to modeling and transfer of cultural patterns, and having these institutions' co-thinking and cooperation can develop people's culture and etiquette in football stadiums, reduce the level of violence and aggression of spectators and other people present in the stadiums, and prevent security incidents.

Keywords: Cultural Modeling, Stadium Security, Fans' Violence, Fandom Culture.

1. Email: s.shabani66@yahoo.com
2. Email: ma_hemati@yahoo.com
3. Email: shafieeshahram@gmail.com
4. Email: r.faraji@yahoo.com
5. Email: behboud.yarigholi@yahoo.com

Extended Abstract**Background and Purpose**

The integrity of society necessitates its members to accept its sustainable values and general norms correctly and efficiently and play an effective role in the better functioning of society (1). Educational systems in any society play the most important role in the individuals' socialization, reflecting their socio-cultural values and norms (2). Given the significance of socializing citizens through educational institutions in football and the spectators' behaviors in stadiums, these institutions must create culture and education and transfer cultural patterns to reduce the violence of spectators and other individuals present in stadiums. It seems that the familiarity of educational institutions with their roles and responsibilities for creating a culture and raise public awareness about appropriate behaviors in sports fields, without any double standard, can promote a culture of spectatorship and pave the way for family presence in stadiums.

Methodology

The present study employed an exploratory qualitative research design and the conventional content analysis technique. The participants were expert professors with research records in the field of football stadiums and sports fans' violence and aggression. Via a purposive sampling method, thirteen individuals were selected as participants. The inclusion criteria for specialists consisted of having research pieces or any writing in sports security, violence, and aggression, and fans' behaviors in football, as well as supervising and counseling in master's theses and doctoral dissertations in these fields. To collect the required data, 30- to 90- minute in-depth semi-structured interviews were conducted with open-ended questions. The sampling and interviewing process continued until the theoretical saturation of the data was reached. From the eleventh interview, the data reached theoretical saturation, and the interviews were continued solely to ensure the accuracy of the findings. At the end of each interview, their content was completely typed and open (initial) coding of the data was done for extracting the initial concepts (subcategories). After conducting all the interviews and extracting the initial codes, the axial coding was done and the concepts were extracted. Then the concepts were combined, categorized, and the themes were selected. Continuous participation of the researcher in the process of data collection and analysis, referring the transcribed text of the interviews to the participants and obtaining their approval, reviewing and controlling the accuracy of the extracted codes, and recoding the interviews by two collaborators concerning the research topic and qualitative research method were used as methods to confirm the research reliability.

Results

In the open coding stage, 152 initial codes regarding the role of educational institutions in institutionalizing the culture and etiquette of attending football stadiums were extracted. After reviewing and collecting the repeated codes, the initial codes (subcategories) were analyzed in the axial coding stage, from which thirteen categories and four main themes were extracted (Table 1).

Table 1- Results obtained from the content analysis of the data

Theme	Category	Subcategory
Acculturation	Children education	Training children the correct behavioral and moral patterns and managing behavior and emotion
		Socializing children through families
		Training appropriate behavioral patterns on how to attend stadiums to the family by the media
	Family education	Training supportive behavioral patterns to parents through cultural centers and think tanks
		Training appropriate cultural and behavioral patterns to students in the form of workshops
	Student education	Training win-win thinking as well as responsibility and protection of public property
		Training fandom rules and regulations and focusing on preventive education in schools before misbehavior occurs
		Modeling and presenting cultural models of how school students attend stadiums
		Institutionalizing and internalizing law enforcement and respecting the law for students in schools
	University student education	Creating a sense of belonging to public property and the ugliness of damaging public property in students by schools
		Training appropriate behavioral patterns and etiquette in stadiums to physical education students as future teachers and coaches
		Training behavioral patterns and ethics of attending stadiums to students of general physical education courses
	Teacher and professor education	Training win-win thinking for students
Holding in-service training courses for physical education teachers and university professors with a focus on ethics in sports and adherence to the rules		
Citizen education	Training, empowering, and making aware the physical education teachers in transmitting cultural concepts and patterns to students	
	Training appropriate behavioral patterns in sports environments to people by mosque clerics	
	Training adolescents and young people a sense of religion towards the general facilities of the stadium in mosques and Basij bases	
	Training cultural and behavioral patterns to citizens through media programs	
	Efforts of the media and its affiliates in training anger and emotion management and respect for the rules of the game	

Table 1- Results obtained from the content analysis of the data

Theme	Category	Subcategory
Cultural modeling and providing patterns of fandom culture	Cultural awareness and information	Informing the spectators about the cases of entering the stadium and the legal offenses of the offenders by the media
		Informing and informing the spectators about the legal and criminal consequences of the offenders by the media
		Informing students about the ethical and cultural aspects of attending sporting events and legal and judicial offenses
	Cultural content production	Holding sports camps to the stadium to watch the game and train etiquette
		Holding a conference, gathering, and workshop at the university on football and the customs and culture of attending the stadium and watching the game
		Preparing educational brochures on how to behave in stadiums and their distribution among students
		Producing cartoon programs with the aim of training appropriate behavioral patterns in stadiums and respect for the rules by the media
		Holding scientific programs and meetings by media experts
		Making advertising programs about the immoral consequences in stadiums
	Cultural models promotion	Promoting win-win thinking in the media and conveying the moral and cultural concepts and values of being in the stadium through the media
		Modeling through the preparation of biographies or biographies of athletes with domestic and foreign ethics and its distribution in schools
		Transmitting cultural and moral concepts in the field of sports by celebrities in the media
		Transmitting appropriate behavioral patterns of fandom to adolescents and young people through Imams of congregations
		Introducing appropriate cultural models (cultural modeling) and educational books and websites by the media
		Selecting the top fans of the week by the media

Table 1- Results obtained from the content analysis of the data

Theme	Category	Subcategory
Academic promotion of fandom culture	Development of cultural studies	Approving and implementing research projects in the field of modeling the culture of presence in the stadium by researchers Conducting research studies and writing and translating books related to the culture of attending sports fields Reviewing statutes and guidelines of successful countries in managing fans' behaviors
	Textbook content enrichment	Including cultural-ethical topics and etiquette in sports venues and events in the content of school textbooks Including ethical and cultural issues in the content and subject of sports sociology course in universities
Cultural co-thinking and networking	Cooperation	Media interaction with fans and focusing on the needs and concerns of fans in the programs Interaction of the institution of religion with sports and modification of some religious rules regarding the issues facing sports according to the opinion of religious jurists Aligning media sports programs with the cultural policies of the community and especially the sports institution
	Paving the path for the realization of cultural goals	Eliminating negative words and corrections such as spectatorship from media programs and non-political use of media by football margins Paying attention to the role of provincial education councils in informing, planning and policy-making the culture of attending stadiums Lack of promotion of win-lose thinking and creating tension in the fans before the start of the game in the media Paying more attention to the cultural content of sports programs, media and sports press Paying more attention of the Ministry of Education and Higher Education to the culture of fandom and ethics and tolerance and holding related workshops Making sports presenters and programmers aware of participating in training workshops on not spying on the audience Making the clergy and imams feel responsible for modeling and promoting appropriate behavioral patterns to citizens

Findings show that educational institutions such as family, media, education, and higher education in the form of four main themes and thirteen categories including cultural acceptance (education of children, families, students, teachers, professors, and citizens), modeling, and transmission of cultural-fan models (production of cultural content, awareness, and information, dissemination, and promotion of

cultural models), academic promotion of fandom culture (development of cultural studies and enrichment of textbook content) and cultural thinking and networking (interaction and cooperation, and paving the path for the realization of cultural goals) are involved in the formation and institutionalization of culture and etiquette in football stadiums. Regarding the role of universities in the culture and etiquette of attending stadiums, the interviewee No. 5 stated: "in universities, we have a sociology of sports unit, the topics of which can be used to create a culture or to inform and educate students. Conferences, gatherings, and workshops on football and ethics at universities can also provide training and awareness for students." Interviewee No. 8 believed that "media and education can be used to provide information about prohibited items entering stadiums and the legal and criminal consequences of offenders". Interviewer No. 3 also stressed the significance of the role of education: "school principals can, in coordination with the parents, plan sports camps to the stadium and introduce the children to the environment, training them how to observe the law, respect for the rights of others, and manage and control anger". Regarding the interaction of the religious institution with other institutions regarding cultural affairs, the interviewee No. 12 stated that "establishing communication between sports directors and presenters and religious experts and discussing them with them can be a solution to many cultural issues of football sports. Having a series of interactions and communication and creating constructive cooperation between these two institutions can help to promote cultural issues in the field of football". Interviewee No. 6 emphasized the role of the media in shaping violence among fans: "sports media get better if they eliminate abuses and marginalization. The media should seek to build trust so that the audience can trust it".

Conclusion

Many people like to watch football up close and personal in stadiums, but it seems that accidents at football stadiums have made them unsafe environments (3). Therefore, it is necessary to rely on educational institutions and their functions in society to train a new generation of football spectators to minimize the occurrence of accidents in stadiums and to improve security in stadiums. Improving the atmosphere of football stadiums requires preventive measures. Educational institutions such as families, schools, universities, and mass media are the most appropriate and ready platform to pursue the correction of the behavior pattern in watching football due to their appropriate access to each stratum of the society. So their functions should be considered as much as possible. According to the results, it is necessary to educate children and adolescents at the top of the program to change and correct fandom behaviors. Besides, educational texts should be prepared based on attention to the culture of collectivism, observance of laws, respect for the rights of others, and win-win thinking.

Keywords: Cultural Modeling, Stadium Security, Fans' Violence, Fandom Culture.

Resource

1. Abbasi Domshari, F. & Daryuosh, Y. (2017). The role of basic education system in institutionalizing social norms from the perspective of primary school teachers in Bandar Abbas. *New research in the humanities*, 3: 209-232. (Persian)
2. Hasanzadeh, R. (2006). The role and functions of educational institutions in the transmission of socio-cultural values. *Quarterly Journal of Educational Innovation*, 4(2): 49-64. (Persian)
3. Hemmatinezhad, M. A., Gholizadeh, M. H., Taylor, T & Faraji, R. (2015). The role of football games' planning and management on stadiums' security. *Sport Management and Development*, 4(2): 1-14. (Persian)

نقش نهادهای تربیتی در نهادینه‌سازی فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال

سپیده شبانی^۱، مهر علی همتی‌نژاد^۲، شهرام شفیعی^۳، رسول فرجی^۴، بهبود یاریقلی^۵

۱. دانش آموخته دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۴. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۵. دانشیار علوم تربیتی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹

چکیده

نهادهای تربیتی نقش اساسی در جامعه‌پذیری افراد، انتقال و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی دارند. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی نقش نهادهای تربیتی در نهادینه‌سازی فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال ایران بود. پژوهش حاضر از نوع اکتشافی و روش آن کیفی از نوع تحلیل محتوای عرفی بود. ۱۳ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق با متخصصان حوزه مدیریت ورزشی و جامعه‌شناسی که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند ملاک‌مدار انتخاب شده بودند، تا رسیدن به حد اشباع نظری، انجام شد. داده‌های به‌دست آمده با استفاده از کدگذاری باز و محوری تجزیه و تحلیل شدند. اعتبار کدگذاری‌ها نیز با بازبینی و کنترل صحت کدهای استخراج شده و کدگذاری مجدد مصاحبه‌ها توسط دو نفر متخصص همکار مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد نهادهای تربیتی همچون خانواده، رسانه، آموزش و پرورش و آموزش عالی در قالب چهار تم اصلی و ۱۳ مقوله شامل فرهنگ-پذیری (آموزش فرزندان، خانواده‌ها، دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و اساتید، شهروندان)، الگوسازی و انتقال الگوهای فرهنگی-هواداری (تولید محتوای فرهنگی، آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی، اشاعه و ترویج الگوهای فرهنگی)، ارتقا آکادمیک فرهنگ هواداری (توسعه مطالعات فرهنگی و غنی‌سازی محتوای کتب درسی) و هم‌اندیشی و شبکه‌سازی فرهنگی (تعامل و همکاری متقابل و زمینه‌سازی تحقق اهداف فرهنگی) در شکل‌گیری و نهادینه‌سازی فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال نقش دارند. به نظر می‌رسد توجه بیشتر نهادهای تربیتی به امر آموزش مخاطبین ورزشی، تلاش در جهت الگوسازی و انتقال الگوهای فرهنگی و هم‌چنین هم‌اندیشی

1. Email: s.shabani66@yahoo.com

2. Email: ma_hemati@yahoo.com

3. Email: shafieeshahram@gmail.com

4. Email: r. faraji@yahoo.com

5. Email: behboud.yarigholi@yahoo.com

و شبکه‌سازی این نهادها با یکدیگر بتواند به واسطه توسعه فرهنگ و آداب حضور افراد در استادیوم‌های فوتبال، سطح خشونت و پرخاشگری تماشاگران و سایر افراد حاضر در استادیوم‌ها را کاهش دهد و از وقوع حوادث امنیتی پیشگیری نماید.

واژگان کلیدی: الگوسازی فرهنگی، امنیت ورزشگاه، خشونت هواداران، فرهنگ هواداری.

مقدمه

همنوایی و انسجام یک جامعه مستلزم آن است که افراد جامعه به‌گونه‌ای درست و مؤثر بتوانند ارزش‌های پایدار و هنجارهای عام آن جامعه را پذیرفته و طوری پرورش یابند که در شرایط مکانی و زمانی مختلف بتوانند به‌طور مناسب رفتار کنند و نیز نقشی مؤثر در کارکرد بهتر جامعه ایفا نمایند (عباسی و دریوش، ۲۰۱۷، ۳). هر جامعه می‌کوشد تا در طی فرایندی به نام جامعه‌پذیری اعضای خود را با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آشنا کند و به آنها مطالبی بیاموزد تا بتوانند متناسب با هنجارهای جامعه خود زندگی کنند. در واقع، جامعه‌پذیری فرایند آموزش هنجارهای اجتماعی و مهارت‌های رفتاری حضور در جامعه است که نهادهایی همچون خانواده، گروه دوستان، مدرسه، کارگزاران دولتی و رسانه‌های جمعی در آن ایفای نقش می‌کنند (هانگ، لئو، چانگ، هسیه و لوو، ۲۰۱۹، ۳). بر این اساس، خانواده اولین نهادی است که فرزندان در آن به تدریج کسب هویت می‌کنند و وارد زندگی اجتماعی می‌شوند (کیوان‌آرا و اسماعیلی و یقینی، ۲۰۱۴، ۱۲۰). خانواده با درونی کردن ارزش‌ها در فرزندان می‌تواند عامل انتقال فرهنگ باشد. پس از خانواده، نخستین نهادی که از سوی جامعه و با هدف اجتماعی کردن کودک وارد عمل می‌شود، مدرسه یا نهاد رسمی آموزش و پرورش است. صاحب‌نظران، مدرسه را بهترین مکان برای آموزش و نهادینه‌سازی^۲ هنجارهای اجتماعی می‌دانند و معتقدند مدرسه نقش مهمی در رشد شخصیت و انتقال دانش و مهارت‌های زندگی به افراد دارد (عباسی، ۲۰۱۷، ۵)؛ بنابراین، نهادینه‌سازی هنجارهای اجتماعی از وظایف مهم نظام آموزشی و بالاحص مدرسه است و نظام آموزشی مانند مدارس و دانشگاه‌ها علاوه بر کارکرد آشکار آموزش، کارکرد پنهانی نیز دارند که دربرگیرنده انتقال فرهنگ، ارزش‌های فرهنگی، تقویت انسجام اجتماعی و غیره هست (حسن‌زاده، ۲۰۰۳، ۶۰). به‌طور کلی خانواده، گروه همسالان، مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های جمعی نهادهای تربیتی مؤثر در جامعه هستند که کارکردهای آموزشی و تربیتی آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نهادهای تربیتی همچون خانواده، گروه همسالان، مدارس و رسانه‌ها در نهادینه‌سازی فرهنگ همگانی نمودن ورزش بسیار نقش‌آفرین هستند (منوچهری‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۶). رسانه‌های جمعی از دیگر

1. Huang, Liu, Chang, Hsieh & Lu
2. Institutionalization

نهادهای تربیتی هستند که نقش بسیار مهمی در اجتماعی شدن و الگوپذیری افراد ایفا می کنند. رسانه‌ها از ابزارهای اساسی جهت بررسی مسائل اجتماعی، اطلاع رسانی، آموزش و شکل گیری ارزش های اجتماعی به شمار می آیند و قوی ترین ابزار برای طرح و رواج اندیشه‌ها و کارآمدترین وسایل نفوذ فرهنگ‌ها و نگرش‌ها در جوامع محسوب می شوند (حسین پور، نیازی پور، کاشف، باقری و منگشتی، ۲۰۱۴، ۱۱). در همین راستا، برخی محققان عقیده دارند برای کنترل رفتارهای خشونت آمیز در سطوح مختلف، به وجود الگوهای رفتاری و شخصیتی مناسب نیاز است تا به صورت غیرمستقیم، رفتارهای مطلوب را آموزش داد (عباس زاده، سعادت، کبیری و عشایری، ۲۰۱۷، ۳۵). نظریه های روان شناسی و یادگیری اجتماعی بر این محور استوارند که ناهنجاری های رفتاری نظیر خشونت و پرخاشگری اکتسابی هستند و کودک در جریان اجتماعی شدن و جامعه پذیری، آنها را فرا می گیرد و این آموخته‌ها متأثر از خانواده، گروه های همسالان، نظام های آموزشی و رسانه است (فتحی نیا، ۲۰۱۰، ۱۰۹). به عقیده صاحب نظران، ورزش پدیده ای فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که پیوندی محکم با مجموعه نهادها و سازمان‌ها و همچنین ساختارهای اجتماعی دارد؛ به این معنا که دستاوردهای ورزش و فعالیت های مربوط به آن به طور کلی یک شاخص فرهنگی در زمینه های مختلف محسوب می شود (سعادت مهر و عسگری، ۲۰۱۸، ۲۳). وضعیت حاضر ورزشگاه های فوتبال و جو نامساعد آن نشان دهنده کارکرد الگوهای رفتاری نامناسب افراد حاضر در استادیوم اعم از تماشاگران، بازیکنان، مربیان، داوران و غیره است که متأسفانه تداوم رفتارهای ناهنجار در ورزشگاه‌ها و عدم حضور کارشناسان و صاحب نظران در این حوزه به منظور آسیب شناسی الگوهای فرهنگی حاضر و برنامه ریزی مناسب در جهت کنترل و بهبود آن، موجب ترویج الگوهای رفتاری نامناسب و دامن زدن به خشونت و پرخاشگری در استادیوم های فوتبال شده است. با توجه به اهمیت ورزش و بالاخص فوتبال در فرهنگ جوامع مختلف و علاقمندی افراد به تماشای مسابقات آن در استادیوم‌ها، تأمین یک محیط امن و ایمن برای تماشاگران به یک ضرورت انکارناپذیر و حائز اهمیت مبدل شده است (هال، کوپر، مارکیانی و مک گی، ۲۰۱۲، ۱۶). عدم امنیت روانی در ورزشگاه‌ها، خشونت و پرخاشگری تماشاگران، هولیگانیسم و جو ناآرام و ناهنجاری های رفتاری برخی از افراد حاضر در استادیوم‌ها می تواند موجب کاهش حضور افراد در ورزشگاه‌ها، صدمه به اقتصاد ورزشی، کاهش لذت تماشای بازی و تخریب وجهه ورزشی ایران در میداين بین المللی شود (همتی نژاد، قلی زاده، تیلور و فرجی، ۲۰۱۵، ۳۴).

بررسی پیشینه تحقیقات مرتبط با خشونت و پرخاشگری در ورزش و آسیب شناسی رفتار هواداران فوتبال نشان می دهد که هر چند پژوهش های نسبتاً زیادی در زمینه علل خشونت و پرخاشگری و متغیرهای مرتبط با آن در ورزش و به ویژه فوتبال و استادیوم های آن انجام شده است، اما مطالعات جامع و منسجمی در خصوص آداب، رسوم و فرهنگ حضور افراد در استادیوم، با توجه به اهمیت آن در پیشگیری از خشونت

و پرخاشگری و همچنین تعیین نقش نظام‌های آموزشی و تربیتی در ایران انجام نشده است؛ چرا که به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای پیشگیری از وقوع حوادث مربوط به خشونت و پرخاشگری، که یکی از عوامل تهدید کننده امنیت استادیوم‌های فوتبال است، اقدامات فرهنگی و آموزشی نهادهای تربیتی کشورها و درونی‌سازی کنترل افراد حاضر در میادین ورزشی است (همتی‌نژاد، تیلور، قلی‌زاده و فرجی، ۲۰۱۶). به عقیده رضایی‌نیارکی و همکاران (۲۰۱۹) در تأمین امنیت یک مسابقه فوتبال تنها نیروهای انتظامی و امنیتی نقش ندارند، بلکه بسیاری از عوامل دیگر نیز وجود دارند که اجرا و پیاده‌سازی آنها سبب افزایش سطح امنیت ورزشگاه‌ها می‌شود و یکی از آن عوامل درونی‌شدن فرهنگ حضور در افراد است لعل بیداری و همکاران (۲۰۱۹) و کارگر و همکاران (۲۰۱۶) نیز در پژوهش‌های خود، به نقش اقدامات فرهنگی و آموزشی در پیشگیری از وقوع حوادث امنیتی در استادیوم‌های فوتبال اشاره کردند. ملنیک و وان^۱ (۲۰۱۱) نیز به نقش مؤثر والدین، مدرسه و دوستان در فرایند اجتماعی شدن هواداران فوتبال اشاره نمودند؛ همچنین با توجه به تأثیر چشم‌گیر و انکارناپذیر رسانه‌های گروهی در این زمینه، همکاری و هماهنگی این نهادها را بسیار ضروری می‌دانند. زارع (۲۰۰۸) در بخشی از پژوهش خود به فرهنگ‌سازی از طریق مدارس، رسانه‌ها و نشریات در کاهش خشونت در استادیوم‌ها اشاره نمود و معتقد است با آموزش مؤثر و مناسب فرهنگ به مربیان، ورزشکاران و نوجوانان می‌توان آستانه تحمل را در آنها تقویت کرد. این محقق با نقد بر عملکرد رسانه افزود، رسانه‌ها با مطالب خود خشونت را آموزش می‌دهند و به رفتار خشن تماشاگران مشروعیت می‌بخشند که این امر می‌بایست اصلاح شود. کاهش خشونت و پرخاشگری در بستر خانواده و رسانه‌ها و از طرفی، افزایش کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی نقشی اساسی در جلوگیری و کاهش پدیده پرخاشگری در بین تماشاگران فوتبال ایفا می‌نماید (عباس‌زاده و همکاران، ۲۰۱۷، ۳۶). بیرامی و همکاران (۲۰۱۵) نیز گزارش کردند که رسانه‌های ورزشی نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار شهروندی هواداران ایجاد می‌کنند که در نهایت جامعه می‌تواند از مزایای ایجاد رفتارهای شهروندی هواداران به نفع خود استفاده کند. به عقیده حسین پور و همکاران (۲۰۱۴) هر چه تحریک تماشاگران از طریق رسانه‌ها افزایش یابد، رفتارهای اوباشگرانه نیز افزایش خواهد یافت؛ بنابراین لازم است در محتوای برنامه‌های ورزشی رسانه‌ها در جهت پیشگیری از اوباشگری و خشونت تجدیدنظر صورت گیرد. شجیع و همکاران (۲۰۲۰) معتقدند جو استادیوم‌های فوتبال ایران از هنجارها و نورم‌های اخلاقی فاصله زیادی دارد که منجر به کاهش حضور تماشاگران می‌شود. همچنین در برخی تحقیقات به ضابطه‌مند شدن فعالیت رسانه‌های ورزشی در جهت آموزش فرهنگ حضور و نحوه رفتار در استادیوم‌های ورزشی (همتی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۵) و آموزش تماشاگران و اقدامات فرهنگی به عنوان راهکاری برای کنترل پدیده خشونت تماشاگران و ایجاد محیطی امن برای حاضران در استادیوم اشاره شده است (محمدکاظمی، شیخ، شهبازی و راسخ، ۲۰۰۷، ۱۰۱).

1. Melnick & wann

برخی دیگر از محققین بر نقش نهادهایی مانند خانواده، آموزش و پرورش و رسانه اشاره نمودند و برنامه ریزی و سیاست‌گذاری مناسب این نهادها را در بهبود جو ورزشگاه‌ها و کنترل ناهنجاری‌های رفتاری تماشاگران مؤثر دانستند (همتی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۵). خاقانی‌آور و شانواز (۲۰۱۶) نیز معتقدند که اصلی‌ترین ابزار پیشگیری، آموزش و فرهنگ‌سازی در حوزه هواداران فوتبال توسط خانواده‌ها صورت می‌گیرد و رسانه‌ها در این میان اصلی‌ترین پل ارتباطی، آموزش و اصلاح رفتارهای خشونت‌آمیز هستند. به طور کلی، مرور پیشینه پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد اصلاح نحوه حضور تماشاگران در استادیوم‌های فوتبال و آشنایی این افراد با آداب و رسوم و فرهنگ حضور در استادیوم از طریق نهادینه سازی و آموزش و انتقال الگوهای اخلاقی و رفتاری مثبت می‌تواند در بهبود فرهنگ و آداب حضور و به تبع آن کاهش سطوح خشونت و پرخاشگری و ارتقای سطوح امنیت استادیوم‌ها و در استادیوم‌ها مؤثر باشد اما سوالی که مطرح می‌شود این است که نهادهای تربیتی در جهت نهادینه‌سازی فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال چه نقشی دارند و چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند؟

با توجه به اتفاقات و حوادث گزارش شده از خشونت و پرخاشگری تماشاگران در استادیوم‌های فوتبال ایران در سال‌های اخیر (خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی، ۲۰۱۸) یکی از چالش‌های برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی توجه به عوامل ایجادکننده امنیت و بهبود جو استادیوم‌ها است. گزارش‌ها حاکی از آن است که اتفاقات رخ داده در ورزشگاه‌های فوتبال پیامدهای منفی زیادی برای باشگاه‌های فوتبال در پی داشته و موجب تخریب وجهه ورزشی کشور در میداين بين‌المللی شده است. از سوی دیگر وقوع این اتفاقات کاهش حضور افراد در ورزشگاه‌ها برای تماشای بازی و عدم احساس امنیت آنها را در پی دارد که این امر نیز می‌تواند صدمات اقتصادی جبران‌ناپذیری بر پیکره فوتبال در کشور وارد نماید. بنابراین به عقیده برخی از محققین (همتی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۶؛ محمدکاظمی و همکاران، ۲۰۰۷) یکی از راهکارهای مهم برای کاهش خشونت و پرخاشگری در ورزشگاه‌ها آموزش تماشاگران و انجام اقدامات فرهنگی و توسعه فرهنگ و آداب حضور تماشاگران در آنها است. نظام‌های تربیتی و آموزشی در هر جامعه مهم‌ترین نقش را در جامعه‌پذیری افراد بر عهده دارند و منعکس‌کننده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی-اجتماعی آن جامعه محسوب می‌شوند (حسن‌زاده، ۲۰۰۳، ۵۲). از سوی دیگر و با توجه به اهمیت اجتماعی شدن افراد از طریق نهادهای تربیتی در زمینه فوتبال و رفتار تماشاگران در استادیوم‌ها لازم است نهادهای آموزشی و تربیتی با فرهنگ‌سازی و آموزش و انتقال الگوهای فرهنگی در جهت کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز تماشاگران و سایر افراد حاضر در استادیوم‌ها تلاش نمایند. به نظر می‌رسد آشنایی نهادهای تربیتی و آموزشی جامعه با نقش‌ها و وظایف‌شان در راستای فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی عمومی در خصوص رفتار مناسب در میداين ورزشی و همچنین جزیره ای عمل نکردن و همکاری نهادهای متولی آموزش و تربیت بتواند به ارتقای فرهنگ تماشاگری، زمینه‌سازی حضور خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها و ایجاد وجهه فرهنگی- ورزشی کشور در

سطوح بین‌المللی کمک شایانی نماید. هر چند به استناد نتایج برخی مطالعات (همتی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۶؛ محمدکاظمی و همکاران، ۲۰۰۷) لازمه بهبود جو استادیوم‌های فوتبال انجام اقدامات پیشگیرانه است و بسیاری از محققین نیز به ضرورت اصلاح زیرساخت‌ها و مدیریت و برنامه‌ریزی درست مسابقات اشاره نموده‌اند؛ اما توجه به این نکته ضروری است که تنها با انجام اقدامات تنبیهی تماشاگران و محرومیت باشگاه‌ها با بازی بدون تماشاگر نمی‌توان موجبات کاهش خشونت و پرخاشگری تماشاگران و ارتقای امنیت استادیوم‌ها را فراهم ساخت بلکه لازم است به منظور تربیت نسلی نو از هواداران فرهنگ و آداب حضور افراد در استادیوم‌ها از طریق نهادهای تربیتی و با ارائه الگوهای رفتاری و فرهنگی مناسب به افراد اصلاح شود. از این‌رو، در این پژوهش تلاش شده است که با بررسی نقش نهادهای تربیتی در بهبود آداب و فرهنگ حضور در استادیوم‌های فوتبال و همچنین تبیین کارکردهای این نهادها، گامی مؤثر در جهت درونی‌سازی و توسعه آداب، فرهنگ و اخلاق حضور تماشاگران و کاهش ناهنجاری‌های رفتاری، خشونت و پرخاشگری و حتی حوادث امنیتی در استادیوم‌ها برداشته شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع اکتشافی و روش آن کیفی از نوع تحلیل محتوای عرفی بود. مشارکت کنندگان در پژوهش، اساتید متخصص و دارای سابقه پژوهش در زمینه امنیت استادیوم‌های فوتبال، خشونت و پرخاشگری هواداران ورزشی بودند که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند ملاک‌مدار ۱۳ نفر از آنها در پژوهش حاضر شرکت نمودند. معیار ورود به پژوهش برای متخصصین، داشتن تحقیق و تألیف در زمینه امنیت ورزشی، خشونت و پرخاشگری و رفتار هواداری در فوتبال و نیز راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه ارشد و رساله دکتری در این زمینه‌ها بود. مشخصات افراد شرکت‌کننده در پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته و با طرح پرسش باز در بازه ۳۰ تا ۹۰ دقیقه انجام شد. فرایند انتخاب نمونه و انجام مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت و از مصاحبه یازدهم، داده‌ها به اشباع نظری رسیدند و ادامه مصاحبه‌ها صرفاً برای اطمینان از صحت یافته‌ها انجام شد. به منظور تحلیل و بررسی دقیق، مصاحبه‌ها با کسب اجازه شرکت‌کننده‌های پژوهش ضبط شد. بعد از پایان هر مصاحبه، محتوای آنها به صورت کامل تایپ و کدگذاری باز (اولیه) داده‌ها به منظور استخراج مفاهیم اولیه (زیرمقوله‌ها) انجام شد. پس از انجام همه مصاحبه‌ها و استخراج کدهای اولیه، اقدام به کدگذاری محوری و استخراج مفاهیم و سپس ترکیب مفاهیم، مقوله‌بندی و انتخاب تم شد. مشارکت پیوسته پژوهشگر در روند جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، ارجاع متن مکتوب مصاحبه‌ها به مشارکت‌کننده‌ها و اخذ تأیید آنها، بازبینی و کنترل صحت کدهای استخراج شده و کدگذاری مجدد

مصاحبه‌ها توسط دو نفر متخصص همکار در رابطه با موضوع پژوهش و نیز روش تحقیق کیفی، به عنوان روش‌های تأیید قابلیت اعتماد در این پژوهش بودند.

جدول ۱- توصیف شرکت‌کنندگان در پژوهش

شماره مصاحبه شونده	تعداد کدهای استخراج شده	رشته تحصیلی	مرتبه علمی	سن (سال)	سابقه تدریس و پژوهش
شماره ۱		مدیریت ورزشی	استادیار		
شماره ۲	59	مدیریت ورزشی	استاد	36	6
شماره ۳	41	مدیریت و حقوق ورزشی	استادیار	60	28
شماره ۴	86	جامعه‌شناسی	دانشیار	36	10
شماره ۵	48	مدیریت ورزشی	استاد	55	25
شماره ۶	43	مدیریت ورزشی	استادیار	59	26
شماره ۶	16	مدیریت ورزشی	استادیار	38	9
شماره ۷	45	مدیریت و جامعه‌شناسی ورزشی	استادیار	38	11
شماره ۸	35	مدیریت ورزشی	استاد	60	31
شماره ۹	45	مدیریت ورزشی	دانشیار	70	35
شماره ۹	8	مدیریت ورزشی	دانشیار	75	35
شماره ۱۰	43	مدیریت ورزشی	استاد	60	30
شماره ۱۱	31	مدیریت ورزشی	دانشیار	53	24
شماره ۱۲	17	مدیریت ورزشی	استادیار	35	5
شماره ۱۳		جامعه‌شناسی	استادیار		

نتایج

در مرحله کدگذاری باز، ۱۵۲ کد اولیه در خصوص نقش نهادهای تربیتی در نهادینه‌سازی فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال استخراج شد که پس از بررسی و تجمیع کدهای تکراری، ۷۶ کد اولیه (زیرمقوله) در مرحله کدگذاری محوری مورد تحلیل قرار گرفت و ۱۳ مقوله و چهار تم اصلی از آن استخراج شد (جدول ۲).

جدول ۲- نتایج حاصل از تحلیل محتوای داده‌ها

تم	مقوله	منبع کدها	زیر مقوله
فرهنگ‌پذیری	آموزش فرزندان	P1, P4, P6, P9, P11	آموزش الگوهای رفتاری و اخلاقی صحیح به فرزندان
		P13	آموزش رفتارهای فرهنگی و اجتماعی مناسب به فرزندان
		P13	آموزش مدیریت رفتار و هیجان به فرزندان در استادیوم‌ها
		P4, P13	اجتماعی کردن فرزندان از طریق خانواده‌ها
	آموزش خانواده	P1	آموزش الگوهای رفتاری مناسب در خصوص نحوه حضور در استادیوم‌ها به خانواده توسط رسانه
		P1	آموزش الگوهای رفتاری هواداری به والدین از طریق فرهنگسراها و کانون‌های فکری
		P1, P3, P6, P9, P13	آموزش خانواده‌ها در خصوص نحوه انتقال الگوهای جامعه‌پذیری به فرزندان
		P1, P2, P3, P4, P5, P7, P9, P12, P13	آموزش الگوهای فرهنگی و رفتاری مناسب به دانش‌آموزان در قالب کارگاه‌ها
	آموزش دانش‌آموزان	P2	آموزش تفکر بُرد- بُرد
		P6	آموزش مسئولیت‌پذیری و حفظ اموال عمومی
		P9	آموزش قوانین و مقررات و دستور العمل‌های هواداری
		P3, P4, P6	آموزش کنترل هیجان، خشم و احترام به حقوق دیگران و پایبندی به قوانین
		P3, P12	آموزش اخلاق هواداری و فلسفه ورزش، جوانمردی
		P3	تمرکز بر آموزش پیشگیرانه در مدارس قبل از بروز رفتار ناهنجار
		P3, P4, P13	اجتماعی کردن با الگوهای رفتاری مناسب در مدارس
		P4	الگوسازی و ارائه الگوهای فرهنگی نحوه حضور در استادیوم‌ها توسط مدارس
		P9	نهادینه‌سازی و درونی‌کردن عمل به قانون و احترام به قانون به دانش‌آموزان در مدارس
		P1	ایجاد احساس تعلق به اموال عمومی و قبح آسیب‌رسانی به اموال عمومی در دانش‌آموزان توسط مدارس

ادامه جدول ۲- نتایج حاصل از تحلیل محتوای داده‌ها

تم	مقوله	منبع کدها	زیر مقوله
آموزش دانشجویان و اساتید آموزش معلمان	آموزش دانشجویان	P1,P3,P5	آموزش الگوهای رفتاری و آداب حضور در استادیوم به دانشجویان تربیت بدنی به عنوان معلمان و مربیان آینده
		P1,P3,P5	آموزش الگوهای رفتاری و اخلاقی حضور در اماکن ورزشی و استادیوم‌ها به دانشجویان دروس تربیت بدنی عمومی
		P2	آموزش تفکر بُرد-بُرد به دانشجویان
	آموزش معلمان و اساتید	P1,P3	برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای معلمان تربیت‌بدنی و اساتید دانشگاهی با محوریت اخلاقیات در ورزش و پایبندی به قوانین آموزش، توانمندسازی و توجیه معلمان تربیت بدنی در انتقال مفاهیم و الگوهای فرهنگی به دانش‌آموزان
		P7	آموزش الگوهای رفتاری مناسب در محیط‌های ورزشی به مردم توسط روحانیون مساجد
		P1,P4	آموزش اخلاقی و آداب حضور در استادیوم به نوجوانان در پایگاه‌های بسیج
	آموزش شوروندان	P1	آموزش احساس دین در افراد نسبت به امکانات عمومی ورزشگاه به نوجوانان و جوانان در مساجد
		P1	نوجوانان و جوانان در مساجد
		P4	اشاره ائمه جمعه و جماعت به مسائل فرهنگی و هواداری ورزش جوانان
		P1	آموزش الگوهای رفتاری مناسب حضور در استادیوم‌ها به نوجوانان در پایگاه‌های بسیج مساجد
		P1,P2,P5,P11,P12	آموزش الگوهای فرهنگی و رفتاری به شهروندان از طریق برنامه‌های رسانه‌ای مختلف اعم از فیلم، سریال، مستند
		P1,P2,P3,P5,P11,P12	تلاش رسانه‌ها و سازمان‌های زیرمجموعه آن در آموزش مدیریت خشم و هیجان و احترام به قوانین بازی
الگوسازی فرهنگی و ارائه الگوهای فرهنگ هواداری	آگاهی بخشی و اطلاع رسانی فرهنگی	P1,P3,P4,P8	اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به تماشاگران در خصوص مورد مورد ممنوعه ورود به استادیوم توسط رسانه‌ها
		P3	اطلاع‌رسانی به دانش‌آموزان، دانشجویان و سایر شهروندان در خصوص جرایم حقوقی و کیفری تماشاگران خاطی
		P1,P2,P8	اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی به تماشاگران در مورد عواقب حقوقی و کیفری افراد خاطی توسط رسانه‌ها
	تولید محتوای فرهنگی	P2,P3	آگاه‌سازی دانشجویان در خصوص جنبه‌های اخلاقی و فرهنگی حضور در اماکن و رویدادهای ورزشی و جرائم حقوقی و قضایی تخلفات توسط اداره تربیت بدنی دانشگاه
		P1,P3,P4	برگزاری اردوهای ورزشی دانش‌آموزی به استادیوم برای مشاهده بازی و آموزش آداب حضور در استادیوم
		P12	برگزاری المپیادهای ورزشی با تأکید بر نقش قوانین و ارزش‌ها و هنجارها در ورزش و ضرورت عمل به آنها
P5	برگزاری همایش و کارگاه در دانشگاه در خصوص فوتبال و آداب و فرهنگ حضور در استادیوم و تماشای بازی		

	P3	تهیه بروشورهای آموزشی با مضمون نحوه رفتار در ورزشگاهها و توزیع آنها در بین دانش‌آموزان
	P1	ساخت تیزرهای آموزشی توسط رسانه‌ها
	P2,P3	تولید برنامه‌های کارتون با هدف آموزش الگوهای رفتاری مناسب در ورزشگاهها و احترام به قوانین توسط رسانه‌ها
	P3	ساخت برنامه‌های تبلیغاتی در خصوص پیامدهای بی‌اخلاقی در ورزشگاهها
	P1	برگزاری برنامه‌ها و نشست‌های علمی توسط کارشناسان رسانه‌ای
	P7	ساخت برنامه‌های فرهنگی رسانه‌ای در خصوص مقابله با احساس بی‌عدالتی تماشاگران
	P7	تولید برنامه‌های ورزشی در خصوص فرهنگسازی و آداب حضور در استادیوم‌ها در رسانه‌ها با حضور تماشاگران
	P5,P8	ساخت برنامه‌های تلویزیونی آموزشی و تبلیغاتی در خصوص فرهنگ‌سازی حضور در استادیوم
	P1,p2,p11	ترویج تفکر برد-برد در رسانه‌ها
	P2	الگوسازی از طریق تهیه شرح‌حال یا زندگی‌نامه ورزشکاران با اخلاق داخلی، خارجی و توزیع آن در مدارس
	P1	ترویج نحوه حضور در استادیوم توسط روحانیون در مساجد به نوجوانان
	P3,P11,P13	انتقال مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی حضور در استادیوم از طریق برنامه‌های ورزشی رسانه
	P3	انتقال مفاهیم فرهنگی و اخلاقی در حوزه ورزش توسط سلبریتی‌ها در رسانه‌ها
	P4	انتقال الگوهای رفتاری مناسب هواداری به نوجوانان و جوانان از طریق اتمه مساجد
	P4	معرفی الگوهای مناسب فرهنگی توسط رسانه‌ها (الگوسازی فرهنگی)
	P4	انتقال الگوهای رفتاری به صورت فرهنگ به جامعه توسط برنامه‌های رسانه‌ای
	P2,P13	معرفی کتاب‌ها و وبسایت‌های آموزشی در خصوص آداب حضور در استادیوم توسط رسانه‌ها
	P4	نقش ایجابی و الگوسازی مثبت کارگزاران اجتماعی نهاد دین در ورزش و آداب حضور در استادیوم‌ها
	P2,P11,P12	انتخاب هواداران برتر هفته از سوی رسانه‌ها
	P5	تصویب و اجرای طرح‌های پژوهشی در حوزه الگوسازی فرهنگ حضور در استادیوم توسط پژوهشگران دانشگاهی
	P1	انجام مطالعات پژوهشی و تألیف و ترجمه کتب در ارتباط با فرهنگ حضور در میادین ورزشی
	P9	بررسی اساس‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های کشورهای موفق در مدیریت رفتار هواداران

اشاعه و ترویج الگوهای فرهنگی

توسعه مطالعات فرهنگی

ارضا آکادمیک فرهنگ
هواداری

هم اندیشی و شبکه سازی فرهنگی	زمینه سازی تحقق اهداف فرهنگی	تامل و همکاری متقابل	درسی	P1,P2,P3,P12	گنجاندن مباحث فرهنگی-اخلاقی و آداب حضور در اماکن ورزشی در محتوای کتاب‌های آموزشی مدارس
				P3,P5	گنجاندن موضوعات اخلاقی و فرهنگی در محتوا و سرفصل درس جامعه شناسی ورزشی در دانشگاه‌ها
				P7	تعامل رسانه با هواداران و محوریت قرار دادن نیازها و دغدغه‌های هواداران در برنامه‌ها
				P4,P12	تعامل دین و ورزش و تعدیل برخی از احکام در خصوص مسائل پیش-روی ورزش با توجه به نظر فقهای دینی
				P1,P3	همسویی سیاست‌های برنامه‌های ورزشی رسانه با سیاست‌های فرهنگی جامعه و بالاخص نهاد ورزش
				P1,P3,P6,P7	حذف واژه‌ها و اصلاحات منفی مانند تماشاگر نما از برنامه‌های رسانه‌ای و عدم استفاده از کلمات تحریک‌آمیز توسط مجریان و کارشناسان
				P7,P12	هوادار محور بودن برنامه‌های رسانه و عدم استفاده سیاسی رسانه‌ها از حواشی فوتبال
				P7,P13	انعکاس و بازتاب خواسته‌های تماشاگران و هواداران از طریق رسانه‌ها
				P3,P10	توجه به نقش شورای آموزش و پرورش استان‌ها در آگاهی‌بخشی، برنامه-ریزی و سیاست‌گذاری
				P3,P9,P11	عدم ترویج تفکر برد-باخت و ایجاد تنش در هواداران قبل از شروع بازی در رسانه
P12	استفاده از روان‌شناس و جامعه‌شناس ورزشی در کنار کارشناسان ورزشی در برنامه‌های ورزشی				
P2,P5,P11	عدم تحریک مخاطبان از سوی رسانه‌ها و برنامه‌ها و محتوای تولید شده				
P2,P3,P4,P5,P7,P9,P11,P12	توجه به محتوای فرهنگی برنامه‌های ورزشی رسانه‌ها جهت جلوگیری از ایجاد تنش‌ها و تحریک مخاطبین				
P1,P3,P6	توجه بیشتر وزارت آموزش و پرورش به فرهنگ هواداری و اخلاق‌مداری در مدارس				
P5	توجه دانشجویان به شرکت در کارگاه‌ها و همایش‌های مرتبط با اخلاق ورزشی و الگوهای رفتاری مناسب در بازی				
P2	توجه مجریان و برنامه‌سازان ورزشی به شرکت در کارگاه‌های آموزشی در خصوص عدم جوسازی مخاطب				
P1,P4,P12	توجه روحانیون به احساس مسئولیت در قبال الگوسازی و ترویج الگوهای رفتاری مناسب به شهروندان				

از منظر مصاحبه‌شوندگان در پژوهش حاضر آموزش ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین فرایند در جریان اجتماعی-شدن و فرهنگ‌پذیری افراد است. از این‌رو مقوله‌های آموزش فرزندان، آموزش خانواده‌ها، آموزش دانش-آموزان، آموزش دانشجویان، آموزش معلمان و اساتید و آموزش شهروندان به عنوان مقوله‌های تم فرهنگ‌پذیری، مقوله‌های آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی، تولید محتوای فرهنگی و اشاعه و ترویج الگوهای

فرهنگی زیرمجموعه تم الگوسازی فرهنگی و انتقال الگوهای فرهنگ هواداری، مقوله‌های توسعه مطالعات فرهنگی و غنی‌سازی محتوای کتب درسی زیر مجموعه تم ارتقا آکادمیک فرهنگ هواداری و مقوله‌های تعامل و همکاری و زمینه‌سازی تحقق اهداف فرهنگی در تم هم‌اندیشی و شبکه‌سازی فرهنگی دسته‌بندی شدند. مدل حاصل از یافته‌های پژوهش با توجه به مقولات و تم‌های استخراج شده در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱- الگوی عوامل تأثیرگذار در نهادینه‌سازی فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های ورزشی

بحث و نتیجه‌گیری

بسیاری از مردم دوست دارند فوتبال را از نزدیک و با حضور در استادیوم تماشا کنند اما به نظر می‌رسد وقوع حوادث ناگوار در استادیوم‌های فوتبال، آنها را به مکان‌هایی ناامن برای تماشاگران، مربیان و ورزشکاران تبدیل کرده است (همتی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۵، ۳۴). بنابراین لازم است با اتکا به نهادهای تربیتی و کارکردهای آن در جامعه در جهت تربیت نسلی نو از تماشاگران فوتبال تلاش شود تا وقوع حوادث در استادیوم‌ها به حداقل ممکن برسد و امنیت در ورزشگاه‌ها ارتقا یابد. هدف پژوهش حاضر شناسایی نهادهای تربیتی در نهادینه‌سازی فرهنگ حضور افراد در استادیوم‌های فوتبال بود. یافته‌ها حاکی از آن بود که فرهنگ‌پذیری افراد از طریق

آموزش، الگوسازی فرهنگی و انتقال الگوهای رفتاری مناسب به هواداران، ارتقاء آکادمیک فرهنگ هواداری از طریق توسعه مطالعات پژوهشی و غنی‌سازی محتوای کتب درسی و شبکه‌سازی و هم‌اندیشی سازمان‌ها و نهادهای تربیتی و همچنین توجه بیشتر به برنامه‌ریزی فرهنگی و اجرای آن در سازمان‌های متصدی فوتبال در جامعه در کنار یکدیگر می‌تواند در زمینه حل مسائل مربوط به ناهنجاری‌های رفتاری در ورزشگاه‌ها کمک کننده باشد. ایجاد و اشاعه الگوی صحیح رفتار و آداب حضور در استادیوم، نیازمند توجه جدی به مسئله فرهنگ است. یکی از مطمئن‌ترین راه‌هایی که می‌تواند برای این منظور به کار گرفته شود، آموزش است؛ چرا که آموزش به نوبه خود سهم بسزایی در جریان تولید و اشاعه فرهنگ دارد. جی‌هیو و هان‌لینگ^۱ (۲۰۰۸) آداب و فرهنگ تماشاگری در ورزشگاه‌ها را بخش مهمی از آداب و رسوم ورزش برشمرده و معتقدند آداب و رسوم تماشاگری یک رویکرد رفتاری بسیار مهمی است که باید به مخاطبان آموزش داده شود. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن بود که آموزش و فرهنگ‌پذیر کردن مخاطبان فوتبال می‌تواند از طریق نهادهای تربیتی در جامعه صورت پذیرد. اولین نهادی که فرد با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه آشنا شده و رشد می‌کند نهاد خانواده است که به واسطه کارکردهای تعلیمی، تربیتی و اخلاقی که دارد قابل جایگزینی با هیچ نهادی نیست. با توجه به این‌که یکی از راه‌های حصول الگوهای رفتاری، یادگیری مشاهده‌ای است و نیز یکی از ویژگی‌های مهم نوجوانان الگویی است، الگوهای ارائه شده توسط خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (کیوان‌آرا و همکاران، ۲۰۱۴، ۱۲۰). آموزش فرزندان در خانواده گاه به صورت مستقیم، گاه غیرمستقیم و گاه با الگوبرداری کودک از رفتار والدینش صورت می‌گیرد. در همین خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۹ این چنین بیان کرد «بچه‌ها قبل از ورود به مدرسه باید آموزش‌های لازم در خصوص مسائل فرهنگی و حضور در اجتماع را فرا گیرند و این بر عهده خانواده‌هاست که آموزش‌های لازم را به صورت صحیح به فرزندان‌شان انتقال بدن». مصاحبه‌شونده شماره ۴ نیز اعتقاد داشت که «اولین نهاد جامعه‌پذیری خانواده است و اگر بخواهیم پیامی را وارد جامعه کنیم اول باید از خانواده آغاز کنیم». از سوی دیگر کودکان اجتماعی شدن را در خانواده و با الگوبرداری از رفتار والدین خود یاد می‌گیرند، بنابراین آگاهی خانواده‌ها از الگوهای رفتاری مناسب، آموزش و اصلاح برخی رفتارهای ناشایست و غیراخلاقی در هنگام مشاهده بازی در استادیوم‌ها نیز می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. به عقیده مصاحبه‌شونده شماره ۱ «خود خانواده‌ها در ارتباط با فرهنگ و نحوه حضور در استادیوم‌ها نیاز به آگاهی و آموزش دارند و یکسری از سازمان‌ها باید متولی آموزش‌دهی و اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها باشند». در همین راستا، خاقانی‌آور و شانواز (۲۰۱۶) ضعف تربیتی خانواده‌ها و عدم آموزش صحیح در مدارس را به عنوان عوامل مؤثر در پرخاشگری تماشاگران فوتبال برشمرده‌اند. به عقیده دیموسکی و همکاران^۲ (۲۰۱۷) برای افزایش ایمنی و امنیت در میدانی ورزشی، توسعه برنامه‌های آموزشی برای افراد

1. Zhi-Hui & Yan-Ling

2. Dimovski et al

(مخصوصاً والدین و مربیان) به منظور دستیابی به شناخت رفتار و آگاهی نوجوانان و جوانان از عواقب خشونت در ورزش اهمیت دارد. روود^۱ (۲۰۱۷) نیز در تحقیق خود به الگوبرداری فرزندان از رفتارهای والدین‌شان در استادیوم‌ها اشاره نموده است. بنابراین خانواده‌ها می‌توانند از طریق آموزش رفتارهای مناسب هواداری و آداب حضور در استادیوم به فرزندان‌شان و همچنین ارتباط تنگاتنگ با مربیان و معلمان ورزشی آنان، در جهت تربیت تماشاگران، ورزشکاران و مربیان با اخلاق در آینده کمک نمایند و الگوهای رفتاری مناسب را در کودکان نهادینه سازند.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان اظهار داشت که وزارت آموزش و پرورش و نیز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان متولیان آموزش و پرورش رسمی در کشور، می‌توانند به آموزش و القای فرهنگ و الگوهای صحیح رفتاری در بین اقشار مختلف مردم کمک نمایند. به عبارت دیگر آموزش و پرورش در تثبیت یک رفتار یا عمل فرهنگی هم در حیطه مسائل ذهنی (نقش آموزش) و هم در حیطه مسایل عینی و تغییر رفتاری در بین دانش‌آموزان (نقش پرورش) عمل می‌کند. کودکان و نوجوانان ساعات زیادی از زندگی خود را در مدرسه می‌گذرانند و جو مدرسه و محتوای دروس در شکل‌گیری رفتار فردی و اجتماعی آنان بسیار مؤثر است (منوچهری‌نژاد، هم‌تی‌نژاد و رحمتی، ۲۰۱۶، ۹۰). نهاد آموزش و پرورش در ایفای نقش و رسالت فرهنگی خود از خصیصه‌هایی برخوردار است که سایر نهادها و دستگاه‌های اجتماعی فاقد آن هستند. از جمله آنها، شرایط و مقتضیات سنی کودکان است که از آمادگی ذهنی بیشتری برای پذیرش و دریافت اطلاعات برخوردارند (شفیع‌زاده و خلیلی‌کندرود، ۲۰۱۱، ۱۰۹). در همین راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ معتقد است "کودکان امروز، هواداران و ورزشکاران آینده‌اند و با جامعه‌پذیری و آموزش درست در مدرسه، یاد می‌گیرند که به جای پرخاشگری در ورزشگاه‌ها علیه تیم رقیب، با تاب‌آوری بیشتر و حمایت از تیم خود، الگوی مناسبی برای نسل‌های بعدی باشند". مصاحبه‌شونده شماره ۳ نیز این چنین می‌گوید: "یکی از نهادهای تأثیرگذار در فرهنگ‌سازی، آموزش و پرورش است که متأسفانه امروزه از اثرگذاری آن کم شده. با توجه به رده سنی تماشاگران استادیوم‌ها، میشه گفت بیشترین نفرتی که به تماشای بازی‌ها می‌رن دانش‌آموزان هستن که در سنین مناسب آموزش‌پذیری قرار دارن و مهم‌ترین کاری که سیستم آموزشی ما می‌تونه انجام بده، آموزش الگوهای رفتاری درست و احترام به قوانین ورزشی به دانش‌آموزانه". ملنیک و وان^۲ (۲۰۱۱) در تحقیق خود، والدین، گروه دوستان و مدرسه را به عنوان تأثیرگذارترین عوامل اجتماعی شدن هواداران فوتبال برشمردند. البته با توجه به نتایج پژوهش حاضر، لازم است فرهنگ‌پذیری و آموزش در معلمان و اساتید دانشگاه نیز صورت پذیرد تا آنها نیز ضمن آشنایی و آگاهی از الگوهای فرهنگی مناسب، با اولویت قراردادن مباحث اخلاقی در کلاس‌های درس در جهت درونی‌سازی رفتارهای

1. Rud

2. Melnick & Wann

مناسب در مخاطبان فوتبال تلاش نمایند. اسپایج^۱ (۲۰۱۴) در پژوهش خود به تعامل سازمان‌های متولی فرهنگ و ورزش با دانشگاه‌ها و نقش رشته‌های دانشگاهی در کنترل خشونت در هواداران اشاره نموده است. دانشگاه‌ها نقش خطیری در شکل‌دهی فرهنگ و اشاعه و انتقال آن بر عهده دارند و در تعلیم و تربیت افراد جامعه موظفند با الگوسازی و آموزش الگوهای رفتاری مناسب در جهت توسعه فرهنگی افراد جامعه گام بردارند. در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۵ می‌گوید "در دانشگاه‌ها واحد جامعه‌شناسی ورزش رو داریم که همیشه از مباحث اون برای فرهنگ‌سازی یا آگاهی‌دهی و آموزش به دانشجویان استفاده کرد". همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱ این‌گونه بیان نمود "به نظر من اساتید دانشگاه‌ها و مباحث تدریس شده به دانشجویان می‌تونه نقش کلیدی در اشاعه فرهنگ ایفا بکنه، یعنی با تربیت دانشجویان، به عنوان مبلغین فرهنگ و اخلاقیات در جامعه در اشاعه فرهنگ ورزشی نقش ایفا بکنه". با معرفی و ترویج و تبلیغ آداب و رسوم حضور در ورزشگاه‌ها و انجام اقدامات لازم و آموزش مناسب در مدارس می‌توان کیفیت رفتار تماشاگران را ارتقا داد. از سوی دیگر نقش معلم در تربیت و الگوبخشی دانش‌آموزان بر هیچ کس پوشیده نیست، معلم به‌واسطه نفوذی که بر دانش‌آموز دارد نقش مهمی در جامعه‌پذیری آنها ایفا می‌کند (لطف-آبادی، ۲۰۰۶، ۴۰)، بنابراین، آموزش و به‌روزرسانی دانش معلمان و اساتید دانشگاه به عنوان الگوهای فرهنگی در مدارس و دانشگاه‌ها و تأثیرپذیری زیاد دانش‌آموزان و دانشجویان از آنها در این حوزه، از اهمیت زیادی برخوردار است. مصاحبه‌شونده شماره ۳ در همین زمینه بیان کرد "لازم است دوره‌های ضمن خدمت با مضمون چگونگی انتقال الگوهای هواداری مناسب، ترویج بازی جوانمردانه، کنترل هیجان و خشم، رعایت قوانین و احترام به حقوق دیگران در مدارس برپا شود و به معلمان و دبیران تربیت‌بدنی تأکید بشه که به این اصول پایبند باشند و آن را به دانش‌آموزانشون آموزش و انتقال بدن". حامدی و همکاران (۲۰۱۸) نیز بر یادگیری مشاهده‌ای به عنوان یکی از راه‌های تأثیرگذار بر بهبود رفتار فراشناختی در کلاس‌های تربیت-بدنی تأکید داشتند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران می‌توانند از طریق برگزاری اردوهای علمی و آموزشی بازدید از استادیوم برای دانش‌آموزان و دانشجویان، تجدیدنظر در محتوای کتب آموزشی و گنجانیدن مباحث اخلاقی و الگوهای فرهنگی حضور در استادیوم برای دانش‌آموزان و دانشجویان و آموزش تفکر برد-برد در جهت بهبود فرهنگ و آداب حضور در استادیوم نقش‌آفرین باشند. سایر نتایج پژوهش حاضر نشان داد نهاد دین، نهاد تربیتی دیگری است که می‌تواند در آموزش الگوهای صحیح و انتقال آن به شهروندان نقش‌آفرین باشد و موجبات درونی‌شدن فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال در جامعه را فراهم سازد. به عقیده بسیاری از متخصصین، روحانیون از قدرت بالایی در انتقال و آموزش هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی برخوردارند و می‌توانند با آموزش مسئولیت‌پذیری به شهروندان و احساس تعلق به اموال عمومی در آنها در جهت بهبود رفتار هواداری در شهروندان کمک

نمایند. در همین زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۴ معتقد بود "نهاد دین و کارگزاران امور فقهی در دین می‌تونن برای تماشاگران ما الگوهای رفتاری مناسب را تعریف و ارائه بکنند و به آنها در خصوص رفتار مناسب آموزش دهند". شایگان (۲۰۱۷) در بین نقش‌ها و کارکردهای مختلف مساجد، نقش توسعه فرهنگی آنها را پس از نقش عبادی و آموزشی دارای بیشترین اهمیت برشمرده است. به نظر می‌رسد کارگزاران اجتماعی نهاد دین بیشتر با نگاهی کاهش‌گرایانه و سلبی به ورزش نگاه می‌کنند و از نقش ایجابی و الگوسازی مثبت آن غافل شده‌اند که لازم است با تعامل و هم‌افزایی با سازمان‌های دیگر در این زمینه وارد عمل شوند و با توجه به احترام و ارزش‌والایی که در جامعه دارند، در جهت الگوسازی فرهنگی مناسب در حوزه آداب و رسوم حضور در استادیوم‌های فوتبال، افراد جامعه را هدایت نمایند.

علاوه بر فرهنگ‌پذیری، الگوسازی فرهنگی و انتقال آن نیز از دیگر تم‌های مستخرج شده در پژوهش حاضر بود. لازمه الگوسازی و انتقال الگوهای فرهنگ هواداری در فوتبال، تولید محتوای فرهنگی از طریق برپایی همایش‌ها و کارگاه‌ها، تهیه و توزیع بروشورهای آموزشی از سوی نهادهای آموزشی مانند مدارس و دانشگاه-ها و همچنین ساخت برنامه‌های تبلیغاتی و آموزشی توسط رسانه‌ها است. کما این‌که سیاست رسانه‌ها در تعامل با نیروی انتظامی و ساخت فیلم‌های آموزشی در خصوص فرهنگ ترافیک کمک شایانی به نهادینه شدن فرهنگ ترافیک در شهروندان نموده است. در خصوص نقش پرننگ رسانه‌ها در ترویج مباحث فرهنگی-اجتماعی ورزش مصاحبه‌شونده شماره ۱ اعتقاد دارد "رسانه‌ها اعم از تلویزیون، رادیو و مطبوعات، نهاد تأثیرگذاری است و می‌تونن تیزرهای آموزشی در مورد آداب و نحوه حضور افراد و تماشاگران در استادیوم بسازن. می‌تونن در مورد موارد ممنوعه برای ورود به استادیوم‌ها اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی بکنن، که افراد اطلاع داشته باشن که چه چیزهایی را می‌تونن هنگام حضور در استادیوم‌ها با خودشون داشته باشن یا نداشته باشن". به نظر می‌رسد همکاری و تعامل رسانه‌ها با فدراسیون فوتبال و تولید برنامه‌هایی با مضمون آسیب‌شناسی رفتار هواداران و سایر افراد حاضر در استادیوم بتواند در انتقال و ترویج الگوهای صحیح هواداری مثرتر واقع شود. فتحی‌نیا (۲۰۱۰) نیز به تهیه و پخش نماهنگ‌ها و تیزرهای آموزشی با ساختار و محتوایی مناسب و جذاب (نظیر انیمیشن‌هایی که در سال‌های اخیر از سوی نیروی انتظامی برای ترویج فرهنگ رانندگی ساخته شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت) برای نشان دادن آسیب‌های اجتماعی رفتارهای نامناسب و خشونت‌آمیز تماشاگران و زمینه‌سازی برای اصلاح فرهنگ تماشای بازی در ورزشگاه‌ها اشاره نموده است. به عبارت دیگر، رسانه‌ها نقش پرننگی در انعکاس ورزش و پدیده‌های مربوط به آن برای مخاطبان دارند و به عنوان عوامل انتقال دهنده فرهنگ شناخته می‌شوند؛ لذا شناخت و تشخیص عملکرد برنامه‌های ورزشی در حوزه فرهنگ‌سازی و انتقال الگوهای فرهنگی بسیار حائز اهمیت است. از آن‌جا که الگوسازی رسانه برای والدین و فرزندان امری بدیهی است و تجربیات فراوانی این موضوع را به اثبات رسانده است، عملکرد رسانه در قالب طرح الگوهای موفق، ضمن تقویت باورهای

درست و تصحیح نگرش‌های نادرست، منجر به تغییر رفتار به عنوان هدف غایی آموزش خواهد شد (فراهانی و سعید، ۲۰۱۴، ۵۶). خاقانی‌آور و شانواز (۲۰۱۶) معتقدند رسانه‌های ورزشی باید به شکل صحیح مدیریت شوند تا در جهت کنترل و هدایت صحیح رفتارهای تماشاگران عمل نمایند. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در خصوص اهمیت توجه برنامه‌سازان رسانه‌ای این‌گونه بیان می‌کند "آموزش عمومی در اختیار رسانه‌ها و مطبوعات و اهالی رسانه می‌تونن از طریق ساخت فیلم و سریال و برنامه‌های تبلیغاتی، نظیر آن‌چه برای فرهنگ‌سازی در حوزه ترافیک انجام شد، آداب و نحوه حضور در استادیوم‌ها را به شهروندان آموزش دهند". همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۳ به اهمیت نقش آموزش و پرورش در این زمینه اشاره نمود و بیان کرد "مدیران مدارس می‌تونن با هماهنگی اولیاء اردوهای ورزشی به استادیوم را برنامه‌ریزی کنند و بچه‌ها را از نزدیک با اون فضا آشنا کنند و به اون‌ها رعایت قوانین، احترام به حقوق دیگران و مدیریت و کنترل خشم را آموزش بدهند". به عقیده قمیشی و همکاران (۲۰۱۹) در دنیای معاصر به رغم ویژگی بارز فرهنگی ورزش و تربیت بدنی متأسفانه رویکرد فرهنگی به ورزش و در فرایند فرهنگ‌سازی و یا به اصطلاحی دقیق‌تر الگوسازی فرهنگی، تعالی ادب، تربیت و ارتقای شخصیت کمتر مورد توجه قرار گرفته است که می‌بایست به این مهم به‌ویژه در ورزش پرطرفدار فوتبال بیشتر توجه شود. به‌نظر می‌رسد هم‌راستا با تولید محتوای فرهنگی، لازم است اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به تماشاگران و سایر مخاطبین فوتبال در خصوص عواقب حقوقی تخلفی از قوانین اجرایی در استادیوم‌های فوتبال صورت گیرد؛ چرا که در بسیاری از موارد آگاهی و اطلاع از جرایم حقوقی مانع ارتکاب آن توسط افراد می‌گردد. برنامه رسانه‌ها در این راستا بسیار تعیین کننده است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ در این راستا بیان کرد "مدارس و رسانه‌ها می‌بایست تفکر بُرد-بُرد را ترویج دهند، بر مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی حضور در استادیوم‌ها تأکید کنند و با انتخاب هوادار برتر هفته، مشوقی برای توسعه رفتارهای مثبت در هواداران باشند". فرهنگ‌سازی، آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد مشارکت اجتماعی مهم‌ترین نقش‌هایی است که برای رسانه برشمرده شده است (هنری، احمدی و مرادی، ۲۰۱۲، ۱۲۹) و می‌توان از آن در حوزه اطلاع‌رسانی به مخاطبان ورزشی استفاده نمود. بیرامی و همکاران (۱۳۹۵) معتقدند که لازم است رسانه‌های ورزشی با افزایش ساعات پخش برنامه‌هایی با موضوع آسیب‌شناسی در ورزشگاه‌ها و یا عناوین مشابه، به سمت کاهش آسیب در ورزشگاه‌ها (چه فیزیکی و چه معنوی) حرکت کنند. اندام و سلیمی (۲۰۱۶) آموزش رفتارهای شایسته، ارائه الگوی رفتاری مناسب به هواداران ورزش و آشناکردن هواداران با قوانین ورزشی و اطلاع‌رسانی به آنها را از جمله اقدامات ضروری در زمینه فرهنگ‌سازی بیان نمودند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر نیز لازم است با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب، الگوهای رفتاری مناسب از طرق مختلف به افراد انتقال داده شود. این انتقال و ترویج می‌تواند از طریق برنامه‌های رسانه‌ای، گنجاندن مطالب در کتب آموزشی و سایر برنامه‌های فرهنگی باشد. وجود شبکه رادیویی و همین‌طور تلویزیونی ورزش در ایران نیز فرصت خوبی برای انتقال مفاهیم

فرهنگی و به ویژه آداب حضور در اماکن ورزشی و استادیوم‌ها برای افراد جامعه است و می‌توان از این ظرفیت‌ها به بهترین نحو برای کاهش خشونت و پرخاشگری و افزایش امنیت میدین ورزشی بهره‌مند شد. با توجه به نتایج پژوهش، ارتقا آکادمیک فرهنگ هواداری در فوتبال عامل دیگری است که می‌تواند با توسعه مطالعات فرهنگی و مطالعه تطبیقی کشورهای موفق در این حوزه و همچنین غنی‌سازی و تجدید نظر در محتوای کتب درسی و گنجاندن مطالب و آموزه‌های اخلاقی در ارتباط با رفتار مناسب هواداری در جهت بهبود جو استادیوم‌ها، ارتقای امنیت آن و بروز کمتر رفتارهای پرخاشگرانه کمک کننده باشد. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۵ معتقد بود "تصویب و اجرای طرح‌های پژوهشی در حوزه الگوسازی فرهنگ حضور در استادیوم توسط پژوهشگران دانشگاهی می‌تواند با ایجاد هم‌اندیشی با برنامه‌ریزان فرهنگی ورزش در بهبود شرایط ورزشگاه‌ها کمک کننده باشد". همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان کرد "بازبینی در محتوای کتب آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها بالاخص کتب آموزشی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی ضرورت دارد و لازم مطالبی در خصوص فرهنگ هواداری، اخلاق و منش جوانمردی ورزشی و همچنین مباحث حقوقی مرتبط با بی-قانونی‌ها در رفتار در آنها گنجانده بشه". توجه به این نکته ضروری است که هم‌اندیشی، تعامل و شبکه‌سازی بین نهادهای ذیربط نیز از مهم‌ترین فاکتورهای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های تدوین شده در هر زمینه‌ای است. در خصوص نهادینه‌سازی فرهنگ و آداب حضور افراد در استادیوم‌های ورزشی نیز تعامل و همکاری متقابل نهادها با یکدیگر لازمه تحقق اهداف است. تعاملات رسانه‌ها با هواداران و برگزاری نشست‌ها و محوریت قرار دادن نیازهای آنان و انعکاس آنها به مسئولین و جامعه و همچنین تعامل نهاد دین با ورزش و تعدیل برخی محدودیت‌های ایجاد شده می‌تواند در کاهش اغتشاشات و ناآرامی‌های موجود در ورزشگاه‌ها بسیار تأثیرگذار باشد. عملکرد رسانه‌ها به عنوان یکی از منابع شکل‌دهی ذهنیت تماشاگران پیش از ورود به ورزشگاه در رفتار تماشاگران در حین و بعد از بازی مؤثر است. رسانه‌ها می‌توانند با برنامه‌ریزی و پرداختن به عواملی که موجب شکل‌گیری یا تشدید نگرش‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز در بین تماشاگران می‌شوند (عواملی نظیر شایعات، حاشیه‌ها، خط و نشان کشیدن و کرکری خواندن‌ها) به پرخاشگری و خشونت در رفتار تماشاگران دامن بزنند. یا آن‌که با دوری از موضوعات جنجالی و پرداختن به مسائلی که موجب شکل‌گیری رفتار مثبت در هواداران می‌شود به فرهنگ‌سازی در این خصوص و سالم‌سازی ورزشگاه‌ها کمک کنند (فتحی‌نیا، ۲۰۱۰، ۱۰۸). به عقیده مصاحبه‌شونده‌های شماره ۱ و ۳ "همسویی سیاست‌های برنامه‌های ورزشی رسانه با سیاست‌های فرهنگی جامعه و بالاخص نهاد ورزش" در پیشبرد فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال بسیار حائز اهمیت است. همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۷ در همین راستا بیان کرد "لازم است رسانه‌ها با تعامل با هواداران به نیازها و دغدغه‌های آنان در برنامه‌هایشان توجه ویژه‌ای داشته باشند و از سوی دیگر سیاست‌های فرهنگی مصوب در حوزه ورزش را دنبال نمایند". توجه به این نکته ضروری است که می‌بایست زمینه‌های لازم برای تحقق و دستیابی به اهداف فرهنگی در فوتبال نیز فراهم باشد. بنابراین لازم است در سیاست‌های

برخی نهادها مانند رسانه‌ها اصلاحاتی صورت پذیرد. عدم توجه رسانه‌ها به محتوای برنامه‌های ورزشی قبل از شروع بازی‌ها، استفاده از واژه‌های تحریک آمیز توسط مجریان و کارشناسان و همچنین محوریت قرار ندادن هواداران در برنامه‌ها و بزرگ‌نمایی اتفاقات رخ داده در مطبوعات از جمله مواردی است که مصاحبه‌شوندگان در پژوهش حاضر به آن اشاره کرده‌اند. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در خصوص رسانه‌ها این‌گونه بیان کرد "مجریان و برنامه‌سازان ورزشی باید در کارگاه‌های آموزشی شرکت کنند تا با حرکات و رفتارشان به تحریک مخاطبان دامن زنند و همچنین لازم است بیشتر بر محتوای برنامه‌ها و مطبوعات نظارت شود". همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ بر نقش شورای آموزش و پرورش استان‌ها در آگاهی‌بخشی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگ حضور در استادیوم‌ها به عنوان بسترسازی فرهنگی در این زمینه اشاره نموده است. مصاحبه‌شونده شماره ۶ با تأکید بر نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری خشونت در هواداران بیان کرد که "رسانه‌های ورزشی اگر سوءگیری‌ها و حواشی‌سازی‌ها را حذف نکنند اوضاع بهتر میشه". برخی از محققین معتقدند رسانه‌ها خشونت هواداران را به دیگران القا می‌کنند و بر یادگیری خشونت تأثیرگذارند (شجیع و همکاران، ۲۰۲۰؛ اندام و سلیمی، ۲۰۱۶). به نظر می‌رسد رسانه‌های جمعی، با وجود تأثیر در توسعه فرهنگی ورزش کشور، توجه مناسب و مطلوبی به این مسئله ندارند. بنابراین رسانه باید از رسالت خود در جهت توسعه فرهنگ ورزشی و اشاعه الگوهای فرهنگی هواداری در بین مخاطبان استفاده نماید و با انعکاس و بازتاب خواسته‌های تماشاگران و هواداران، ترویج تفکر بُرد-بُرد، عدم سوءگیری و ساخت برنامه‌های تبلیغاتی در خصوص پیامدهای بی‌اخلاقی و اطلاع‌رسانی در خصوص عواقب حقوقی و کیفری آن‌ها تلاش نماید تا محیطی امن و ایمن در استادیوم‌ها به منظور حضور خانواده‌ها فراهم شود. بیرامی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود هم‌راستا با نتایج پژوهش حاضر بیان نمودند که لازم است رسانه‌های ورزشی با افزایش ساعات پخش برنامه‌هایی با موضوع آسیب‌شناسی در ورزشگاه‌ها و یا عناوین مشابه، به سمت کاهش آسیب در ورزشگاه‌ها (چه فیزیکی و چه معنوی) حرکت کنند. اندام و سلیمی (۲۰۱۶) معتقدند رسانه‌ها به جای این‌که بر بُرد و باخت تأکید داشته باشند و بر آن تمرکز کنند، می‌توانند ذهنیت هواداران را به سمت تلاش تیم محبوب خود سوق دهند. پی‌پورا و همکاران^۱ (۲۰۱۹) نیز در تحقیق خود به نقش رسانه‌ها در تأمین امنیت استادیوم‌های فوتبال اشاره کردند و بیان نمودند رسانه‌ها باید با تمرکز بیشتر بر آگاهی‌رسانی به هواداران، از پرداختن به حواشی فوتبال خودداری کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های ورزشی قبل از دربی‌ها با پرداختن به حاشیه‌ها، تماشاگران را با ذهنیت منفی به ورزشگاه می‌فرستند و حساسیت آنان را هنگام تماشای بازی و بعد از آن دامن می‌زنند (فتحی‌نیا، ۲۰۱۰، ۱۲۰؛ خاقانی و شانواز، ۲۰۱۶، ۴۶). در برنامه‌های تلویزیونی قبل از شروع بازی‌ها هیچ فرهنگ‌سازی صورت نمی‌گیرد و بیشتر با ترویج تفکرات بُرد و باخت به تشنجات دامن زده می‌شود و این در حالی است که اگر رسانه بخواهد از این فرصت استفاده کند و بر نگرش مخاطبان اثر بگذارد بهترین زمان برنامه‌های ویژه قبل

از بازی در ارتباط با تماشاگران فوتبال و آموزش نکات و مفاهیم اخلاقی به آنهاست (حسین پور و همکاران، ۲۰۱۴، ۱۴). با توجه به نتایج مطالعات گذشته (لعل‌بیداری و همکاران، ۲۰۱۹؛ عباس‌زاده و همکاران، ۲۰۱۷) و مصاحبه‌های انجام شده در این پژوهش به نظر می‌رسد رسانه‌های ورزشی کشور با استفاده از ادبیاتی که بیشتر جنبه هیجانی دارد، به بازتولید پرخاشگری و خشونت در فضای ورزش می‌پردازند و توجه کمتری به ساخت و تولید برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغ و اشاعه الگوهای فرهنگی مناسب دارند. بنابراین لازم است که محتوای برنامه‌های آنها بالاخص در فوتبال مورد بازبینی قرار گیرد.

بروز هیجان در ورزشگاه‌ها و تخلیه آن لازمه تماشای بازی فوتبال است و مسئولین نباید از تماشاگران حاضر در استادیوم، انتظار ایفای نقش تماشاگر منفعل (آن‌گونه که در سینما به تماشای فیلم می‌نشینند) را داشته باشند، بلکه می‌بایست با ارائه الگوهای فرهنگی مناسب، آموزش مناسب به نوجوانان و جوانان به عنوان نسل آینده تماشاگر فوتبال، ساخت برنامه‌های آموزشی توسط رسانه‌ها و تأمین حداقل زیرساخت‌های نظارتی و کنترلی در ورزشگاه‌ها با ایجاد یک جو سالم زمینه تخلیه هیجانات تماشاگران و تماشای امن و لذت‌بخش یک بازی را فراهم سازند. لازمه بهبود جو استادیوم‌های فوتبال انجام اقدامات پیشگیرانه است. نهادهای تربیتی همچون خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها و رسانه‌های جمعی با توجه به دسترسی مناسب به تک‌تک اقشار جامعه، مناسب‌ترین و آماده‌ترین بستر برای پیگیری اصلاح‌الگوی رفتار در تماشای فوتبال هستند که می‌بایست بیشتر به کارکردهای آنها توجه شود. با توجه به نتایج، لازم است آموزش کودکان و نوجوانان در رأس برنامه تغییر و اصلاح رفتارهای هواداری قرار گیرند و متون آموزشی بر پایه توجه به فرهنگ جمع‌گرایی، رعایت قوانین، احترام به حقوق دیگران و تفکر بُرد-بُرد تدوین شود. نهادهای تربیتی همچون آموزش و پرورش و آموزش عالی، از یک طرف می‌توانند با ترویج الگوی صحیح رفتار هواداری در مسابقات و المپیادهای ورزشی موجود در مدارس و دانشگاه‌ها و از طرف دیگر با اشاعه و نهادینه‌سازی فرهنگ الگوی صحیح رفتار هواداری در بین اقشار جامعه، گام مهمی را در این زمینه بردارند. فرهنگ‌های رفتاری مناسب در بازی و ورزش و احترام به قانون و مقررات در هر زمینه‌ای باید از مهدهای کودک آغاز و در کودکان نهادینه شود و برنامه‌های درسی و معلمان در کنار آموزش رفتارهای صحیح، کودکان، نوجوانان و جوانان را با مسائل فرهنگی آشنا کنند. نمی‌شود از تماشاگران انتظار داشت که بنشینند، دست نزنند، شعار ندهند و فریاد نزنند، ولی می‌توان با الگوسازی فرهنگی مناسب، این انرژی و هیجان را در مجرای فرهنگی تا حد امکان و قابل قبولی هدایت کرد. لازمه اصلاح رفتار و نهادینه‌سازی فرهنگ حضور در استادیوم‌ها همکاری و تعامل نهادهای تربیتی با نهادهای متولی فرهنگ و ورزش در زمینه برنامه‌ریزی، اجرای برنامه‌ها و نظارت بر صحت آنها است. تعامل و اتحاد استراتژیک و ارتباطات شبکه‌ای سازمان‌ها و نهادهای متولی فرهنگ و ورزش می‌تواند ضمن کاهش خشونت و پرخاشگری تماشاگران و جلوگیری از وقوع حوادث امنیتی، زمینه حضور خانواده‌ها در استادیوم‌های فوتبال را نیز فراهم نماید.

علی‌رغم نتایج کاربردی تحقیق حاضر محدودیت‌های نیز در فرایند انجام پژوهش وجود داشت که از آن جمله می‌توان به عدم تمایل برخی از متخصصان به شرکت در مصاحبه به دلایل شخصی اشاره نمود. با توجه به این محدودیت پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی از نظرات کارشناسان حوزه خانواده، آموزش و پرورش، آموزش عالی و رسانه‌های جمعی به منظور ارتقای فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌ها استفاده شود. همچنین در این پژوهش فرهنگ حضور در استادیوم‌های فوتبال با رویکرد کاهش خشونت و پرخاشگری و ارتقای امنیت مورد توجه قرار گرفت و این در حالی است که فرهنگ می‌تواند کارکردهای متعددی همچون انسجام‌بخشی، قالب‌ریزی شخصیت، سازگاری و هویت‌بخشی را نیز در برگیرد که پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به نقش نهادهای تربیتی در سایر کارکردهای فرهنگ در حوزه ورزش نیز پرداخته شود.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از همراهی و مشارکت همه شرکت‌کنندگان در پژوهش که در به‌ثمر رسیدن این مطالعه همکاری داشتند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

منابع

1. Abbasi Domshari, F. & Daryuosh, Y. (2017). The role of basic education system in institutionalizing social norms from the perspective of primary school teachers in Bandar Abbas. *New research in the humanities*, 3: 209-232. (Persian)
2. Abbaszadeh, M., Saadati, M., Kabiri, A. & Ashayeri, T. (2018). Sociological study of factors affecting aggression among soccer spectators. *Entezam- E- Ejtemaei*, 9(4): 179-194. (Persian)
3. Andam, R. & Salimi, M. (2016). Presenting a model of factors affecting the positive behavior of spectators of the Iranian handball premier league. *Journal of Sport Management Studies*, 38: 51-68. (Persian)
4. BeyramiEigder, J., Hatami, S., & Rahimi, S. (2016). The role of the sports media in formation citizenship behavior in fans of the capital's football derby. *Sport management studies*, 7(34): 37-50. (Persian)
5. Dimovski, Z., Ilijevski, I., & Babanoski, K. (2017). Developing youth's safety culture in sport, *Collection of Papers International Scientific and Professional Conference, security and sport regional experiences and perspectives*, Football Association of the Republic of Srpska, Banja Luka, 107-137.
6. Fathinia, M. (2010). Pathology of TV sports programs in terms of how to deal with the anomalies of the behavior of football spectators. *Cummunication Research*, 17(64): 105-132. (Persian)
7. Gheshmi Meimand, A., Pourkiani, M., & Rahmati, M. M (2019). Cultural Policy of Students' Sports in Iran, Presentation of model. *Reaserch on Educatinal Sport*, 17(7): 83-100. (Persian)
8. Hall, S. A., Cooper, W. E., Marciani, L. & McGee, J. A. (2012). Security management for sport and special events: an interagency approach to creating safe facilities. *Human kinetics*, 1-41.
9. Hamed, S., Abdoli, B., & Farsi, A. (2019). The Effect of Observation Learning on Students' Promoting Metacogn Behavior. *Reaserch on Educatinal Sport*, 15(6): 17-30. (Persian)

10. Hasanzadeh, R. (2006). The role and functions of educational institutions in the transmission of socio-cultural values. *Quarterly Journal of Educational Innovation*, 4(2): 49-64. (Persian)
11. Hemmatinezhad, M. A., Gholizadeh, M. H., Taylor, T & Faraji, R. (2015). The role of football games' planning and management on stadiums' security. *Sport Management and Development*, 4(2): 1-14. (Persian)
12. Hemmatinezhad, M. H., Taylor, T., Gholizadeh, M. H., & Faraji, R. (2016). Prioritizing factors affecting the security of Iranian football stadiums using analytical hierarchy process. *Journal of Sport Management*, 8(1): 19-35. (Persian)
13. Honari, H., Ahmadi, A. H., & Moradi, M. (2012). To Examine the Effective Factors of Informing, Social Participation, Educational and Culture – Making Roles of Sport Media in Athletic Sport Development. *Journal of Sport Management*, 4(12): 127-145. (Persian)
14. Hoseinpoor, E., Niazipoor, M. A., Kashef, S.M., Bagarei, GH. & Mangashti, Y. (2014). The role of social media in developing hooliganistic behavior among football spectators. *Communication anagement in Sport Media*, 2(5): 10-17. (Persian)
15. Huang, H. CH., Liu, L. W., Chang, Ch.M., Hsieh, H. H., & Lu, H. Ch. (2019). The Effects of Locus of Control, Agents of Socialization and Sport Socialization Situations on the Sports Participation of Women in Taiwan. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16: 1841-1853.
16. Kargar, GH. A., Ghafouri, F., MohammadiMoghadam, Y. & Moradisiasar, GH. R. (2018). The model of Iran's sporting events. *Management. Power resource management*, 6(3): 157-186. (Persian)
17. Keivanara, M., Esmaeeli, R. & Yaghini, F. Z. (2016). The role of the family in internalizing cultural values in adolescents 14-18 years old girl of sheikh fazlullah high school in Isfahan. *Quarterly Professional Journal Sociology*, 5(2): 118-131. (Persian)
18. Khaghaniavar, F. & Shanavaz, B. (2016). A study of verbal and virtual violence of football spectators in Iran (Causes and Solutions). *Physical Education Studies and Sports Science*, 1: 40-54. (Persian)
19. La'IBidari, M., Memari, ZH. & Saadati, M. (2019). Recognition of security spheres in Iranian premier football league competitions. *Sport Management and Development*, 8(2): 61-80. (Persian)
20. Lotfabadi, H. (2006). Teaching national and global citizenship along with stabilizing the student's identity and value system. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 5(3): 11-44. (Persian)
21. Melnick, M., Wann, D (2011). An examination of sport fandom in Australia: Socialization, team identification, and fan behavior. *International Review for the Sociology of Sport*, 46(4): 456-470.
22. MohammadKazemi, R., Sheikh, M., Shahbazi, M., & Rasekh, N. (2007). Investigating the causes of turbulence among soccer fans after Tehran derby (from viewpoint of spectators). *Research in Sport Sciences*, 17: 101-114. (Persian)
23. Piepiora, P., Sikorski, W., & Supiński, J. (2019). Security measures used in Poland during football matches. *Journal of education Health and Sport*, 9(10):172-188.
24. Rezaeei Niaraki, M. R., Sajadi, S. N., Ahi, P., & JalaliFarahani, M. (2019). Designing a Model for Securing the Iranian Football Premier League. *Quarterly of Order and Security Gaurds*, 12(47): 1-24. (Persian)
25. Rudd, A. (2017). Sport Spectator Behavior as a Moral Issue in College Sport. *Journal of Amateur Sport*, 3(1): 96-114.

26. Saeed, Z. & Farahani, M., (2012). Investigating the effect of media on the upbringing of children and adolescents. *Journal of Education*, 1(2): 38-62. (Persian)
27. Shafiezadeh, H., & Khalili Kandrood, A. (2011). The strategic role of education in improving consumption patterns. *Journal of Research*, 72: 107-132. (Persian)
28. Shahabi, M., Malaki, A. & Akhoundi, M. (2016). A favorable model of police prevention of crime with the police community-oriented approach. *Entezam- E- Ejtemaei*, 8(3): 83-108. (Persian)
29. Shajie, K., Talebpour, M., Azimzadeh, S. M., Keshtidar, M., & Jabbari Nooghabi, H. (2020). Spectators on the Run: Factors Affecting Football Attendance in Iranian Football Matches. *Annals Applied Sport Science*, 8(1): 733-746. (Persian)
30. Shaygan, F. (2016). Mosques' role of social-cultural action in social prevention of crimes in adolescents. *Entezam- E- Ejtemaei*, 8(3): 25-50. (Persian)
31. Spaaij, R. (2014). Sports crowd violence: An interdisciplinary synthesis. *Aggression and Violent Behavior*, 19(2): 146-155.
32. Zaree, H. (2008). Investigating the Relationship between Attitudes Towards Cultural Policy Making and Tendency to Violence in Iranian Football. Master Thesis in Sociology, Faculty of Social and Economic Sciences, Al-Zahra University. (Persian)

ارجاع دهی

شبابی، سپیده؛ همتی نژاد، مهرعلی؛ شفیعی، شهرام؛ فرجی، رسول؛ یاریقلی، بهبود. (۱۴۰۱). نقش نهادهای تربیتی در نهادینه‌سازی فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۱۰ (۲۶): ۲۶۵-۲۹۴.

شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2020.9193.1921

Shabani, S; Hemmati Nezhad, M. A; Shafiee, Sh; Faraji, R; Yarigholi, B. (2022). The Role of Educational Institutions in Institutionalizing the Culture and Etiquette of Attending Football Stadiums. *Research on Educational Sport*, 10 (26): 265-294. (Persian). DOI: 10.22089/RES.2020.9193.1921

راهنمای اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

خواهشمند است قبل از پرکردن برگ درخواست اشتراک به نکات زیر توجه فرمائید:

۱. نشانی خود را کامل و خوانا با ذکر کدپستی بنویسید.

۲. بهای اشتراک سالانه:

- مطالعات مدیریت ورزشی: ۴۵۰۰۰۰ ریال
- فیزیولوژی ورزشی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات طب ورزشی: ۱۵۰۰۰۰ ریال
- رفتار حرکتی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات روانشناسی ورزشی ۳۰۰۰۰۰ ریال
- پژوهش در ورزش تربیتی ۱۵۰۰۰۰ ریال

۳. وجه اشتراک را از طریق فرم ساتنا در کلیه بانکها به شماره شبا IR760100004001022603001582 نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه درآمد اختصاصی پژوهشگاه تربیت بدنی و ورزش، و فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس دفتر نشریه ارسال کنید.

۴. شناسه واریزی حقیقی اشتراک نشریه "۳۲۴۰۲۲۶۷۴۱۴۰۱۰۷۰۰۵۱۰۰۳۰۰۳۴۰۰۰۵" می باشد. خواهشمند است روی فیش های واریزی این شماره را اضافه نمایید.

نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی - دفتر نشریه.

کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱ تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۴۷۷۹۶

پست الکترونیکی: journal@ssrc.ac.ir

فرم اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

نام: نام خانوادگی: تحصیلات:

تاریخ شروع اشتراک: از شماره:

شغل:

نشانی پستی:

کدپستی: صندوق پستی: نشانی الکترونیکی: تلفن: به پیوست

رسید بانکی شماره: مورخ:

به مبلغ ریال بابت اشتراک یکساله ضمیمه است.

امضاء

تاریخ

Table of Contents

- **Systematic Review of Leisure Time Physical Activity Studies**.....17
A. Ziaee, N. Aghaei, M. Saffari, R. Yousefi Zenouz
- **Identifying the Effective Wild Cards and Drivers on the Future of Iran’s Educational sport**.....51
J. Shahvali Koohshur, A. R. Askar, R. Nazar
- **Identification and Analysis the Effective Factors on the Virtual Education of the General Physical Education Course of Ferdowsi University of Mashhad during the Coronavirus**85
S. Kashani, M. Keshtidar, R. Heydari, M. Esfehani ,F. Tabatabaeian
- **Designing the Intelligent Building Model of Physical Education Conservatories with a Sustainable and Learning School Approach**.....117
Sh. Farzi Khaledi, Sh. Bahrami, B. Yousefi
- **The Impact of the Global "I’mPOSSIBLE" Program on the Iranian Students’ Change of Attitude Toward Inclusive Sport**.....147
M. Pourkiani, A. Afrouzeh, M. Boroumand, S. Soheili Pishkenari
- **Analysis of Effective Factors on Sustainable Participation in Student Sports**...173
M. H. Mohseni Chelak, F. Emami, M. H. Ghorbani, R. Tarighi
- **The Effect of Empowerment on Physical Education Teachers' Self-efficacy and Job Performance**.....197
M. Golsanamlou, M. Hamidi, H. Rajabi Noush Abadi, S. N. Sajjadi
- **The Effectiveness of Life Skills Training on Emotion Regulation Strategies and Sports Self-Efficacy of Children / Adolescent Athletes**221
S. Khodaparast, H. Abdi, H. Esmaeili, V. Bakhshalipour
- **Relationship between Social Status and Professional Commitment among the Physical Educators by Mediating Organizational Identity**.....243
M. Haddadi, R. Ramezani Nejad, M. Malaei
- **The Role of Educational Institutions in Institutionalizing the Culture and Etiquette of Attending Football Stadiums**.....265
S. Shabani, M. A. Hemmati Nezhad, Sh. Shafiee, R. Faraji, B. Yarigholi

Scientific Advisors

- DR.A. A. Aghaei** (Ph.D. Sport Management)
- Dr. R. Andam** (Associate Professor, Shahrood University of Technology)
- Dr. H. Bagheri** (Assistant Professor, Shahrood University of Technology)
- Dr. M. Bashiri** (Assistant Professor, Azarbaijan Shahid Madani University)
- Dr. M. Esmaeili** (Assistant Professor, Sport Sciences Research Institute)
- Dr. H. Eydi** (Assistant Professor, Razi University)
- Dr.J.Gholamian** (Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad)
- Dr. M.H. Ghorbani** (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)
- Dr. E. Mohamadi Torkaman** (Assistant Professor, University of Tehran)
- Dr. M. Poorkiani** (Assistant Professor, Shahid Beheshti University)
- DR.M. Rajabi** (Assistant Professor, Shahrood University of Technology)
- Dr. A. Saberi** (Assistant Professor, university of Tehran, College of Farabi)
- Dr.M. Shariati** (Assistant Professor Technical and Vocational university)
- Dr. H. R. Safari Jafarloo** (Assistant Professor, Jahrom University)
- DR. S. Tabesh** (Assistant Professor, University of Mazandaran)
- Dr. Z. Taslimi** (Ph.D, Sport Management)
- Dr. M. Vahdani** (Ph.D, Sport Management)
- Dr. H. Zareian** (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)

Research on Educational Sport

- **Chairman Manager:** Ali Sharif Nejad (Assistant Professor)
- **Editor in Chief:** Reza Andam (Associate Professor)
- **Associate Editor:** Mohammad Hossein Ghorbani (Assistant Professor)
- **Managing Director:** Samira Gholamian
- **Language Editor:** Narges Sarraf
- **Page Designer:** Mahboubeh Iranpak

- **Editorial Board:**
 - **Reza Andam** (Associate Professor of Sport Management at Shahrood University of Technology)
 - **Abolfazl Farahani** (Professor, Payam e Noor University; Sport Management)
 - **Mehrzad Hamidi** (Associate Professor of Sport Management in University of Tehran)
 - **Mehr Ali Hemmatinezhadtouli** (professor, University of Guilan)
 - **Mohammad Javadipour** (Associate Professor of Curriculum Planning at University of Tehran)
 - **Mehrdad Moharamzade** (Professor, University of Mohaghegh Ardabili)
 - **Mohammad Mahdi Rahmati** (Associate Professor of sociology at University of Guilan)
 - **Mohammad Hossein Razavi** (Professor, University of Mazandaran; Sport Management)
 - **Seyed Nasrollah Sajjadi** (Professor, University of Tehran)
 - **Mahdi Talebpour** (Professor, Ferdowsi University of Mashahad)
 - **Habib Honari** (Associate Professor, Alame Tabatabaee University; Sport Management)
- **ISSN: 2538-2721**
- **Publisher:** Sport Sciences Research Institute
- **Publication:** Kiamarsi
- **Volume 26; Spring 2022**
- **Address:** 5th Alley, Mir-Emad St., Shahid Motahari Ave., Tehran- I. R. Iran.
- **Postal Code:** 1587958711
- **Tel:** +98-21-88750884
- **Fax:** +98-21- 88747796
- **E-mail:** res@ ssrc.ac.ir
- **Website:** Journals.ssrc.ac.ir

Research on Educational Sport

10th Year, No 26

Spring 2022

In the Name of God